



# اندیشه اقتصادی

پیشخوان شماره ۲۶

در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست

- ۷ | آزادی اقتصادی در اسلام
- ۱۵ | حدود آزادی اقتصادی در اسلام
- ۲۳ | انفاق و آزادی اقتصادی در اسلام
- ۳۱ | ضرورت نظارت حاکم اسلامی بر آزادی اقتصادی
- ۳۷ | اعتلای سیاسی داخلی و خارجی کشور در گرو ایجاد زیرساختهای اقتصادی درست
- ۴۷ | فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی
- ۵۱ | مبارزه با فساد، فاسد و مفسد
- ۵۵ | صنعت پیشقراول توسعه اقتصادی کشور
- ۶۱ | سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴
- ۶۵ | عدالت همراه با توسعه و رشد اقتصادی نوآوری نظام مقدس جمهوری اسلامی
- ۷۳ | سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
- ۷۹ | کشاورزی، یک محور اصلی در اداره‌ی کشور
- ۸۵ | سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم نظام درباره بندج اصل چهل و چهار قانون اساسی
- ۸۹ | «افزایش ثروت ملی» و «توزیع عادلانه و رفع محرومیت» دو پایه اصلی اقتصاد اسلامی
- ۱۰۱ | الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی
- ۱۱۳ | پیشرفت در سایه‌ی عدالت
- ۱۱۹ | اصلاح الگوی مصرف، یک اقدام اساسی در زمینه پیشرفت و عدالت
- ۱۲۹ | تبیین شعار دهه عدالت و پیشرفت
- ۱۴۱ | استقلال صنعتی، یکی از شرایط توسعه‌ی کشور
- ۱۴۹ | سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف
- ۱۵۳ | ورود سرمایه و مدیریت مردم در عرصه اقتصاد، روح اصل ۴۴
- ۱۵۹ | سیاستهای کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری»
- ۱۶۳ | اثرات همت مضاعف در زمینه‌ی اقتصاد/ جهاد اقتصادی
- ۱۷۱ | در جهاد اقتصادی وعده‌ی الهی بر پیروزی آن است
- ۱۷۷ | سیاستهای کلی اشتغال
- ۱۸۱ | اقتصاد یکی از پایه‌های استحکام درونی
- ۱۹۱ | جهاد اقتصادی ضرورت و نیاز قطعی برای کشور/ طرح تحول اقتصادی مصداق جهاد اقتصادی کشور
- ۲۰۱ | حمایت از کار و سرمایه ایرانی
- ۲۱۳ | حمایت از کار و سرمایه ایرانی برای دستیابی به استقلال اقتصادی
- ۲۱۹ | شعارهای سال، حلقه‌های ایجاد یک منظومه‌ی کامل اقتصادی
- ۲۲۵ | قدرت اقتصادی یعنی بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش
- ۲۳۳ | ارکان اقتصاد مقاومتی
- ۲۴۳ | سیاستهای کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
- ۲۴۷ | کشور باید سیاست اقتصادی کلان روشن و مدون و برنامه‌ریزی شده داشته‌باشد
- ۲۵۹ | جهاد اقتصادی خنثی‌کننده فشارهای اقتصادی دشمن





«معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

## اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



# آزادی اقتصادی در اسلام

❖ مسئله‌ی آزادی اقتصادی در اسلام

❖ تفاوت آزادی اقتصادی در اسلام و غرب

❖ تعلق نداشتن فعالیت‌های اقتصادی به مردم در

نظام‌های غربی

❖ جلوگیری از انحصار، راه بوجود آوردن اقتصاد آزاد

به معنای حقیقی

❖ برای جلوگیری از فساد باید آزادی اقتصادی را

کنترل کرد

❖ مخالفت اسلام با سرمایه‌سالاری

❖ مسئولیت عمومی به تناسب امکانات و به

تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عمومی

### مسئله‌ی آزادی اقتصادی در اسلام

بحث امروز درباره‌ی آزادی در زمینه‌ی مسائل و فعالیتها و تلاشهای اقتصادی است. این بحث یکی از آن بحثهای بسیار مهم و ضمناً بسیار حساس است و شاید بشود گفت که در طول این بیست سی سال گذشته که مسائل اسلامی و تفکرات نوین قرآنی در میان قشرهای روشنفکر اسلامی و بتدریج در بین مردم منتشر شده است، یکی از آن بحثهای حاد و داغ و پر جنجال محیط ما و محیط کارهای فکری ما بوده است. از مسئله‌ی آزادی اقتصادی در اسلام سوء استفاده‌های زیادی هم شده است. از طرفی طرفداران مکاتب چپ سوء استفاده کردند و گفتند اسلام طرفدار اقتصاد آزاد است و بنابراین طرفدار استثمار است و اسلام را به این بهانه کوبیدند. عده‌ای از افرادی که مایل بودند از اسلام دفاع کنند، اما تفکر عمیق اسلامی را هم درست نمیدانستند، آنها هم سوء استفاده یا اشتباه کردند، از ترس حمله‌ی گروه‌های چپ بکلی آزادی فعالیت اقتصادی در اسلام را نفی کردند و منکر شدند که در اسلام چیزی به نام آزادی اقتصادی وجود دارد. یک عده هم عملاً سوء استفاده کردند؛ یعنی در سایه‌ی آزادی‌های اقتصادی در اسلام جیبهای خودشان را پر کردند و چه پیش از پیروزی انقلاب که البته نظام آن روز این را بیشتر تشویق میکرد و چه حتی بعد از پیروزی نظام اسلامی از آزادی‌هایی که بود، سوء استفاده کردند و بر ثروتها و اندوخته‌ها و سوء استفاده‌های خودشان هر چه خواستند، افزودند. به هر حال مسئله‌ی حساسی است و من البته در بحث امروز که شاید یکی دو خطبه‌ی دیگر هم بعد از آن، بعد از امروز درباره‌ی این موضوع بحث کنم، نمیخواهم این مسئله را به صورت مشروح در اینجا مطرح کنم. زیرا اولاً خطبه‌ی نماز جمعه گنجایش بحثهای ریز و دقیق و استدلالی را آنقدرها ندارد و

ثانیاً به حسب نیاز زمان و موقعیت و بلاغت همه‌ی بحث‌هایی که در این باب هست، مورد احتیاج نیست و فعلاً بحث‌های اولویت‌دار تری وجود دارد. آنچه که من امروز در حول و حوش مسئله‌ی آزادی اقتصادی عرض خواهم کرد و شاید در دنبال آن در یکی دو خطبه‌ی دیگر، چند مسئله‌ی کلی در پیرامون این مسئله است که شاید بشود گفت که مورد اتفاق همه است و کسانی که در این مسئله نظرات مختلفی از لحاظ تشخیص موضوع دارند، در این چند موضوع نباید هیچ تردیدی به خودشان راه بدهند و این یک اجمالی از آن بحث تفصیلی است که من مطرح خواهم کرد.

### تفاوت آزادی اقتصادی در اسلام و غرب

همان طور که عرض شد این بحث را از جنبه‌های مختلفی میشود مورد ملاحظه قرار داد. اولین مطلبی که باید عرض بشود، ولو خیلی کوتاه، این است که اگر ما می‌گوئیم و معتقدیم که آزادی اقتصادی در اسلام هست، این آزادی اقتصادی به هیچ وجه نباید تشبیه بشود به آزادی اقتصادی در دنیای سرمایه‌داری غرب. دو نوع چیز، دو نوع آزادی، دو نوع تلاش اقتصادی وجود دارد؛ آنچه که امروز در غرب هست که من مقداری بیشتر شرح خواهم داد، مورد قبول اسلام نیست و سرمایه‌داری به معنای غربی آن، به هیچ وجه از نظر اسلام امضا و تأیید نشده، بلکه حتی با آن مبارزه و مقابله‌ی جدی هم در احکام فراوان صورت گرفته. این اولین نکته که هم کسانی که مایلند راجع به این مسئله فکر کنند و هم کسانی که سخنانی را در زمینه‌ی اقتصاد آزاد و مالکیت خصوصی میشنوند، از اول این را بدانند که آنچه در باب اسلام گفته میشود، الگوی آن در نظام کاپیتالیستی غربی و سرمایه‌داری‌های موجود دنیا نیست؛ آن چیز دیگری است و این چیز دیگری.

### تعلق نداشتن فعالیت‌های اقتصادی به مردم در نظام‌های غربی

نکته‌ی بعدی این است که بهترین راه برای اینکه آزادی اقتصادی تأمین بشود در یک جامعه‌ی اسلامی، این است که حکومت اسلامی و دولت اسلامی سیاستی اتخاذ بکنند و قوانینی وضع بکنند که بر طبق آن قوانین همه‌ی افراد در جامعه‌ی اسلامی قادر باشند آزادانه فعالیت اقتصادی کنند و همه‌ی قشرهای مردم از فعالیت اقتصادی خود بتوانند بهره‌مند بشوند. این یکی از آن وجوه امتیاز و جدائی بین نظام اسلامی در اقتصاد و نظام‌های غربی است. در نظام‌های غربی اگر چه به حسب ادعا، به حسب قوانین معمولی و اساسی مردم آزادند که فعالیت اقتصادی داشته باشند، اما در حقیقت این آزادی متعلق به همه‌ی مردم نیست. این منابع عظیم ثروت، این دریاها، این منابع طبیعی، این دشتهای حاصلخیز، این معادن، این همه امکاناتی که جزو ثروتهای عمومی جامعه محسوب میشود، اینها اینجور نیست که راحت در اختیار همه‌ی قشرهای جامعه قرار بگیرد و هر کسی بتواند بر روی آن بهره‌برداری و کار بکند و منتفع بشود. بلکه آن کسانی عملاً و واقعاً آزادند که دارای ثروتهای انباشته و زیاد هستند که سررشته‌ی اقتصاد جامعه، بلکه حتی خواهم گفت سررشته‌ی سیاست جامعه و اداره‌ی جامعه در دست آنهاست. آنها هستند که در حقیقت از منابع ثروت استفاده



میکنند و بر آنها تسلط و سیطره دارند و استفاده و بهره‌برداری را آنها میکنند و آنها فضا را برای استفاده‌ی عموم جامعه تنگ کردند. لذا شما می‌بینید در جوامع سرمایه‌داری، چه جوامع پیشرفته‌ی سرمایه‌داری و چه جوامع عقب‌افتاده‌ی سرمایه‌داری، مثل بیشتر کشورهای جهان سوم، اغلب مردم در یک فقر شدیدی هستند؛ بخصوص در این کشورهای عقب‌افتاده. در حالی که اجتماعات عظیمی از مردم دچار فقر و بیکاری و بیجائی و بی‌مسکنی و محرومیت از بیشتر مواهب زندگی هستند، یک عده‌ی معدودی آزادانه تلاش میکنند، فعالیت میکنند، ثروت در می‌آورند، معادنی دارند، معادن دیگری را میگیرند؛ کارخانجاتی دارند، کارخانجات دیگری را ایجاد میکنند، دایر میکنند؛ زمینهایی دارند، زمینهای دیگری را به آن اضافه میکنند؛ از دریاها استفاده میکنند، از همه‌ی منابع طبیعی در حقیقت یک عده معدود از جامعه استفاده میکنند. دیگران چه کسبه‌ی جزء، چه کارگران، چه کارگران معادن، چه کارگران کشاورزی، چه کارگران کارخانجات، در حقیقت ریزه‌خوار خوان آنها و استفاده‌کننده از زیادی ثروت آنها و گوشه‌ی سفره‌ی آنها هستند. خودشان امکان تلاش، امکان تولید، امکان بهره‌برداری، امکان کار سازنده، امکان تولید ثروت به آن معنای حقیقی ندارند. پس راه اینکه ما اقتصاد آزاد را به معنای حقیقی خودش در جامعه به وجود بیاوریم، این است که از این انحصار جلوگیری کنیم. امکانی در جامعه به وجود بیاید که اغلب افراد جامعه، بیشتر قشرهای جامعه یا همه‌ی کسانی که قدرت کار دارند، اینها بتوانند از امکانات طبیعی، از زمین، از دریا، از انفال، از دشتها، از مراتع استفاده کنند.

### 🏠 جلوگیری از انحصار، راه وجود آوردن اقتصاد آزاد به معنای حقیقی

این حدیث معروفی که از قول امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) نقل میشود که البته بنده سند آن را درست نمیدانم که میفرماید: «ما رأیت نعمةً موفورةً الا و فی جانبها حق مضیع» یعنی هیچ جاهیج نعمت فراوان و انباشته‌ای را ندیدم، مگر اینکه در کنار آن یک حق ضایع شده‌ای را دیدم. این حدیث یک معنای دقیق و لطیفی دارد که ناظر به همین مطلبی است که عرض شد. بعضی تصور کردند معنای این حدیث این است که هر جا نعمت زیادی هست، این در حقیقت دزدی و غصب از یک عده است؛ پس در کنار آن غاصب، یک عده مردم ضعیف هستند. بعد اشکال کردند به این حدیث که نه، ما می‌بینیم کسانی ثروتهایی دارند که از راه دزدی و غصب هم نیست، از راه تلاش است. این نیست معنای حدیث. معنای حدیث به حسب آنچه که به ذهن بنده می‌آید، این است که آنجائی که نعمت فراوانی هست، ثروت زیادی هست، امکانات زیادی هست، خود ثروت، خود نعمت موفور، در حقیقت امکانات کسب درآمد بیشتر را به آن صاحب ثروت میبخشد و به همان نسبت این امکان را از دسترس دیگران دور نگه میدارد. آن کسی که دارای یک سرمایه‌ی زیادی در جامعه هست، او بیشتر میتواند تولید ثروت بکند و از ثروتهای معمولی مردمی افتاده‌ی متعلق به عموم مردم بیشتر میتواند استفاده کند تا آدم فقیر. پس هر جا نعمت زیادی هست، فرصتها در اختیار اوست، امکانات در اختیار اوست، میدان تلاش اقتصادی در اختیار اوست، قوانین در غالب کشورها بر طبق نظر او و این طبقه به وجود می‌آید. بنابراین فرصت از دست اکثریت مردم که آن ثروت را ندارند، گرفته میشود. بنابراین، این حرف،

این حدیث، چه مستند به مولای متقیان باشد یا نباشد، مضمون، مضمون درستی است. پس بنابراین راه درست اقتصاد آزاد در جامعه‌ی اسلامی این نیست که ما این آزادی را فقط در اختیار آن کسانی قرار بدهیم که قدرت مانور اقتصادی دارند، بلکه علاوه‌ی بر اینکه افرادی که قدرت حرکت و فعالیت اقتصادی دارند، آنها باید کار اقتصادی بکنند، باید وضع جامعه، نظام جامعه، قوانین جامعه، کیفیت ارتباطات جامعه به شکلی باشد که همه‌ی مردم، یعنی همه‌ی آن کسانی که قدرت کار دارند، آنها همه بتوانند فعالیت آزاد اقتصادی کنند و از کار خودشان منتفع بشوند. این یک نکته.

### 🌟 برای جلوگیری از فساد باید آزادی اقتصادی را کنترل کرد

نکته‌ی بعدی در باب آزادی اقتصادی این است که همه‌ی انواع آزادی در جامعه‌ی اسلامی باید به وسیله‌ی قدرت حاکم اسلامی در جامعه کنترل و هدایت و نظارت بشود. این کنترل برای چیست؟ برای این است که این آزادی به فساد منتهی نشود؛ این آزادی موجب سلب آزادی دیگران نشود. در آزادی بیان هم همین جور است، در آزادی‌های سیاسی هم همین جور است، در آزادی‌های فرهنگی هم همین طور است که قبلاً درباره‌ی اینها بحث مفصلی شده؛ در آزادی اقتصادی هم همین جور است. اگر آزادی فعالیت‌های اقتصادی را اینجور معنا کنیم که آن کسانی که قدرت فعالیت و مانور اقتصادی دارند، اینها آزادند، هر چه خواستند تولید کنند، هر جور خواستند عرضه کنند، هر وقت خواستند توزیع کنند، هر جور خواستند بفروشند، هر جور خواستند مصرف کنند، این یقیناً نظر اسلام نیست. اسلام در کنار آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی که به همه‌ی افراد جامعه اعطا کرده و داده، نظارت و کنترل دقیق دستگاه حاکمیت را هم بر همه‌ی اینها لازم دانسته. یعنی باید دستگاه حکومت مراقب باشد که از این آزادی‌ها سوء استفاده نشود. حتی در مصرف باید مراقبت بشود که اسراف به وجود نیاید. البته اسراف در یک حدی فقط یک گناه شخصی است. شما اگر در داخل منزلتان یک چیزی را به صورت مسرفانه مصرف کردید، این یک فعل حرام است فقط، یک کار گناه است، چون اسراف کار خلاف است دیگر، کار حرام است، یک کار حرامی کردید. اما اگر همین کار حرام به حدی رسید و به کیفیتی درآمد که نظام اقتصادی جامعه را تهدید میکند، در جامعه فقر را گسترش میدهد، مایه‌ی محرومیت قشرهای عظیمی از مردم میشود، اشیا و اجناسی را که با زحمت زیاد و با شرکت عمومی تولید میشود، اینها را به فنا و نابودی تهدید کنید، آنوقت دولت اسلامی وظیفه دارد، تکلیف دارد که بیاید در مقابل این اسراف و در مقابل این زیاده‌روی و تزییع اموال بایستد. البته این در سطح نظام جهانی اینجور است؛ یعنی مخصوص جامعه نیست، مخصوص داخل جامعه نیست، نظر اسلام در سطح دنیا هم همین جور است. کشورهایی که امروز دچار اسراف در مواد غذایی هستند که بعضی از کشورهای ثروتمند دنیا نزدیک هفتاد درصد مواد غذایی را مصرف میکنند - کشورهای پیشرفته - در حالی که خودشان حدود سی و پنج، شش درصد مردم دنیا و جمعیت دنیا هستند. اگر یک نظام عادلانه‌ی اقتصادی جهانی برقرار باشد، اگر سازمانهای بین‌المللی مسلط و قوی‌ای وجود داشته باشد، جلوی اینها باید گرفته بشود. اگر سازمانهایی در دنیا باشند و

حکومت‌های دارای وجدان بیداری در دنیا باشند که قدرشان را به نفع انسانها و ملت‌ها بخواهند به کار ببرند، باید جلوگیری کنند از اینکه آمریکا مثلاً در هر سالی چند میلیون هکتار زمین مزروعی خودش را اجازه‌ی کشت نمیدهد، برای اینکه جلوگیری از افت قیمت‌ها بکند. در حالی که در دنیا روزانه چندین هزار کودک زیر پنج سال از گرسنگی و سوء تغذیه می‌میرند؛ در حالی که ده تا پانزده درصد مردم دنیا دچار قحطی زندگی‌اند؛ در حالی که سی درصد مردم دنیا دچار کمبود مواد غذایی‌اند. یا جلوگیری باید بکنند از اینکه مثلاً بازار مشترک اروپا چند سال قبل از این، مقدار زیادی از مواد غذایی تولید شده‌ی خودش را به دریا ریخت، برای اینکه جلوگیری کند از کاهش قیمت‌ها و نگذارد که قیمت‌ها در دنیا و در بازارهای بین‌المللی بشکند. پس مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، مبارزه‌ی با تضييع اموال، مبارزه‌ی با زیاده‌روی در نظام اقتصادی بین‌المللی هم با همین قوت از نظر اسلام وجود دارد. البته در نظام یک جامعه به طریق اولی. پس بنابراین اقتصاد آزاد به معنای این نیست، مالکیت خصوصی به معنای این نیست که کسی حق داشته باشد هر مقداری که میخواهد مصرف کند، ولو این مصرف زیاد او موجب بشود که انسان‌هایی از گرسنگی بمیرند، انسان‌هایی دچار بیماری بشوند، انسان‌هایی مواد اولیه و لازم زندگی گیرشان نیاید که مصرف بکنند. این هم از نظر اسلام درست نیست و ممنوع است.

### ❏ مخالفت اسلام با سرمایه‌سالاری

یک نکته‌ی دیگر در باب اقتصاد آزاد در اسلام که بحث میکنیم، این است که هیچ‌گاه اجازه داده نمیشود در اسلام که فعالیت آزاد اقتصادی موجب دست‌درازی به سرنوشت سیاسی جامعه و دخالت در بافت سیاسی و تشکیلات سیاسی جامعه بشود؛ سرمایه‌سالاری. آن چیزی که امروز در کشورهای سرمایه‌داری غرب به قوت هر چه تمام‌تر وجود دارد. سرمایه‌دارهای بزرگ در حقیقت اداره‌کنندگان حقیقی و دست‌های پشت پرده در نظام سیاسی کشورهای بزرگ‌اند. البته بعضی از عناصرشان در داخل حکومت‌ها هم راه پیدا میکنند؛ مثل همین نظام‌هایی که امروز هستند، نظام آمریکا و غیر او که عناصری از حکومت خودشان عضو سرمایه‌دارانند؛ خودشان جزو سهامدارهای بزرگ کمپانی‌های نفتی یا غیر نفتی و بقیه‌ی شرکتهای بزرگ هستند. و یا اینکه حتی در حکومت‌ها هم شرکت نداشته باشند، اما در پشت پرده، انتخابات در اختیار آنهاست، تعیین رئیس جمهور با کمک آنهاست، پیش رفتن و پس رفتن یک شخصیت در صحنه‌ی سیاست، در سنا، در مجلس نمایندگان در اختیار آنهاست، قوانینی که وضع میشود، با نظر آنهاست، طبق مصلحت آنهاست. این چیزی که امروز در دنیای غرب وجود دارد که به اعتقاد بنده دنیای غرب را باید دنیای سرمایه‌سالاری گفت. کاپیتالیسم به معنای سرمایه‌داری شاید خیلی دقیق نباشد؛ سرمایه‌گرایی، سرمایه‌سالاری، آقائی سرمایه و سرمایه‌دار، آقائی کمپانی‌ها و ثروتمند‌ها و پولدارها بر امور جامعه، این است که شاخصه‌ی بزرگ دنیا سرمایه‌داری غرب را امروز به وجود آورده و این هم از نظر اسلام مردود است و هر چیزی که به این منتهی بشود، باید جلوش گرفته بشود.

### مسئولیت عمومی به تناسب امکانات و به تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عمومی

آخرین نکته‌ای که می‌خواهم روی او یک قدری بیشتر تأکید بکنم - اگر چه به اختصار - این است که در اقتصاد آزاد اسلامی به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه هم بر دوش مردم است. در کشورهای سوسیالیستی اینجوری نیست؛ در کشورهای سوسیالیستی و در نظام دولت‌سالاری که دولت همه‌ی کارخانجات، زمینها و دستگاه‌های تولید ثروت را و تولید را در اختیار دارد، مردم کارمندان دولت هستند، از مردم توقعی نمیشود داشت. مردم برای کار مثلاً جنگ یا ویرانی یا زلزله یا بیماری اگر در جامعه به وجود آمد، کارمندان دولتند، چه کار میتوانند بکنند؟ مگر تن خودشان را بیاورند مصرف کنند. اما در نظام اسلامی اینجوری نیست، انفاق و دادن مال و اداره‌ی امور نیازهای اقتصادی و پر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش ملت و مردم است و آحاد مردمی است که کارهای اقتصاد جامعه و فعالیت آزاد اقتصادی را در جامعه دارا هستند. این یک اصل اسلامی است؛ مسئله‌ی انفاق. در جامعه‌ی اسلامی یک حادثه‌ای رخ میدهد که دولت احتیاج پیدا میکند به پول؛ این پول را مردم باید تأمین کنند. جنگی در جامعه پیش می‌آید، ویرانی‌ای پیش می‌آید، بیماری‌ای پیش می‌آید، حادثه‌ی فوق‌العاده‌ای پیش می‌آید، نظر اسلام این است که مردم باید به قدر وسع و توانائی خودشان این خلأ را پر کنند. البته چون همه‌ی مردم در یک سطح نیستند، آن کسانی که بهره‌مندی بیشتری دارند، امکانات بیشتری دارند، تکلیف بیشتر بر عهده‌ی آنهاست و این یک نکته‌ای است که مردم ما و جامعه‌ی اسلامی ما باید به آن توجه کافی و لازم را معطوف کند. ما البته همیاری مردم را در طول دوران انقلاب بشدت و قوت مشاهده کردیم؛ در این هیچ شکی نیست. امروز هم برای مخارج جنگ، برای مخارج گوناگون دولت، برای کمبودها، برای زلزله‌زده‌ها، سیل‌زده‌ها، آوارها و هر حادثه‌ای که رخ میدهد، می‌بینیم که مردم کمک میکنند و امکاناتشان را آنچه که هست، از روستاها، از محلات فقیرنشین، از مردم طبقات بسیار پایین تا طبقات متوسط، به مقدار همتشان، به مقدار ایمانشان، به مقدار علاقه‌مندی و دلسوزیشان، امکانات را در اختیار آن مصارف عمومی می‌گذارند؛ اما این کافی نیست. آن کسانی که بیشترین بهره‌مندی‌ها را در جامعه دارند، اینها وظیفه‌شان با مردم عادی یکسان نیست. اگر در یک مسئله‌ای، در یک حادثه‌ای شما می‌بینید فلان زن مستمند طبقه‌ی ضعیف یا متوسط طلای خودش را مثلاً، یادگار دوران جوانی خودش را، زینت منحصر به فرد خودش را، دستمزد کار شبانه‌روزی و پر زحمت روزهای متمادی خودش را می‌آید در اختیار مصرف عمومی و جهاد فی سبیل الله می‌گذارد و در حقیقت در راه خدا انفاق میکند، اگر حد تلاش و ایمان در جامعه‌ی ما این است، آن کسانی که از امکانات بالائی برخوردار هستند، باید به همان نسبت به پر کردن این نیازها و خلأها کمک کنند. این نمیشود که در جامعه‌ی اسلامی ما جامعه‌ای که به هدایت قرآن حرکت میکند، در راه اسلام حرکت میکند، برای خدا و اعلا‌ی کلمه‌ی دین جنگ میکند و در مقابل این هدفها و شعارها تحمل آن همه مشکلات را میکند، یک عده‌ای هم در جامعه باشند که بهره‌مندی‌هایی هم داشته باشند، بر خورداری‌هایی هم داشته باشند، هیچ مسئولیتی هم در مقابل

نیازهای جامعه حس نکنند. این از نظر اسلام اصلاً قابل قبول نیست. این آیه‌ای که در اول خطبه عرض کردم: «وانفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا باید یکم الی التهلكة»، همین مطلب را بیان میکند. میفرماید در راه خدا انفاق کنید و به دست خودتان، خودتان را در هلاکت نیندازید. یعنی اگر انفاق نکردید، به دست خودتان، خودتان را در هلاکت می‌اندازید. امروز حقیقت قضیه این است، می‌بینیم قشرهایی را، مردمی را که بر خورداری‌های آنها از جامعه‌ی اسلامی و از روند معمول جامعه‌ی اسلامی از متوسط مردم بیشتر است، اما کمک‌هاشان به نیازهای عمومی از متوسط مردم کمتر است؛ این قابل قبول نیست. من نمی‌گویم آن کسانی که بر خورداری دارند، هیچ‌گونه کمکی نکردند یا مسئولیتی به عهده نمی‌گیرند. چرا، بعضی‌ها هم هستند بر خورداری‌هایی دارند - البته غالباً متوسطینند، سطح بالا نیستند - کمک‌هایی هم میکنند، اما نسبت محفوظ نیست. اگر مادر یک شهید تنها یادگار فرزندش را یا سکه‌ای را که برای دامادی جوانش ذخیره کرده بوده، با کمال اخلاص می‌آید در راه جنگ می‌دهد، یا خانمی که زحمتکش هست، کارگر هست، نامه مینویسد، پول می‌فرستد به میزان کمی، می‌گوید این مقداری است که من در طول چند هفته یا چند ماه یا بیشتر توانستم ذخیره بکنم و از خرج معمولی خودم کم بگذارم و بگذارم در اختیار جبهه و در اختیار مصارف عمومی، یا آن جوان بسیجی مختصر چیزی را که در جبهه به او میدهند که اصلاً قابل ذکر نیست، همان را جمع میکنند و در اختیار جبهه می‌گذارد، یا آن کارگر یا آن کارمند یا آن کاسب، درآمد خودش را، بخشی از آن را برای جبهه، برای مصارف عمومی مصرف میکنند، اگر وضع جامعه و وضع ایمان طبقه‌ی متوسط و ضعیف جامعه در این حد هست، آن کسانی که در طبقات بالاتر و بهره‌مندی‌های بیشتر هستند، درآمدهای بیشتر دارند، امکانات بیشتری داشتند و توانستند بیشتر بهره‌مند بشوند، اینها مسئولیت و تکلیف بیشتری دارند. این قابل قبول نیست که آنها خودشان را بر کنار بدارند و نکته اینجاست که جامعه‌ی اسلامی به صورت تعارف این حرف را نمی‌زند، این یک وظیفه است، یک تکلیف است، نه فقط یک حکم اخلاقی. این همه آیات انفاق در قرآن بیان یک حکم اخلاقی نیست، بیان یک فریضه‌ی شرعی است. شما ببینید لحن «انفقوا» در قرآن همان لحن «جاهدوا فی سبیل الله» است. «انفقوا فی سبیل الله»، (۲) «جاهدوا فی سبیل الله»، (۳) یک جور حرف زده؛ یک جور مردم را مخاطب قرار داده و این یکی از آن نکات مهمی است که در طی مباحث اقتصادی اسلام حتماً باید به آن توجه بشود؛ بحث مسئولیت عمومی به تناسب امکانات و به تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عمومی، در مقابل دفاع از کشور، دفاع از مرزها، دفاع از نوامیس، دفاع از نظام اسلامی و در مقابل بقیه‌ی تهاجم‌هایی که میشود. این یکی از وظایف و فرایضی است که بر دوش مردم هست.

# حدود آزادی اقتصادی در اسلام

آزادی اقتصادی در جامعه

اشتباه نگرفتن آزادی اقتصادی در اسلام با آزادی

در غرب

مرزهای فعالیت اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی

تفاوت حدود مالکیت خصوصی در تفکر

مارکسیستی با اسلام

کسبه و بازاری‌ها بزرگترین خدمت‌کنندگان در

دوران انقلاب

جمع ثروت و عدم انفاق، یک ضد ارزش و گناه

است

## حدود آزادی اقتصادی در اسلام\*

### آزادی اقتصادی در جامعه

بحثی که امروز در خطبه‌ی اول عرض میکنم، دنباله‌ی بحث جمعه‌ی قبل است که درباره‌ی مسائل مربوط به آزادی‌های اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی بود. همان طور که عرض شد، بحث ما در باب آزادی اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی است؛ یعنی یک بُعد و یک مسئله از مسائل فراوان مربوط به اقتصاد اسلامی. نه اینکه ما بخواهیم در اینجا مسئله‌ی عمومی و کلی اقتصاد اسلامی را مطرح کنیم؛ چون مسائل متعددی در باب اقتصاد اسلامی مطرح میشود که یقیناً در زمان و مکان جمعه و جماعت، جای طرح آنها به صورت لازم نیست، لکن به مناسبت مباحث مربوط به تأمین آزادی‌ها در محیط اسلامی و جامعه‌ی اسلامی این بحث یک بحث لازمی است و بخصوص از آن بُعدی که بنده در جمعه‌ی قبل مسئله را مطرح کردم و بحث را شروع کردم، با مسائل روز ما و با تکلیف عمومی و مردمی و دولتی ما کاملاً متناسب و شاید ان شاء الله راهگشاست.

### اشتباه نگرفتن آزادی اقتصادی در اسلام با آزادی در غرب

در جمعه‌ی قبل عرض کردم که نکاتی در باب آزادی اقتصادی عرض خواهم کرد و پنج نکته را عرض کردم. برای اینکه یک خلاصه‌ای در ذهن برداران و خواهران بماند، آن پنج نکته را به صورت تیتیر عرض میکنم، تکرار میکنم و بعد یکی دو نکته‌ی دیگر هم که حائز اهمیت هست، به آن اضافه خواهم کرد. نکته‌ی اول این بود که اگر گفته میشود که در اسلام آزادی فعالیت اقتصادی برای همه‌ی مردم هست، این را نباید با آزادی در سرمایه‌داری غربی اشتباه کرد؛ آن چیزی است و این چیز دیگری. همانقدر که نظر اسلام در باب



آزادی فعالیت اقتصادی با نظر کمونیستها و مارکسیستها اختلاف دارد، شاید بشود گفت به همان اندازه هم با نظر مکتب سرمایه‌داری که در غرب حاکم و مورد عمل هست، اختلاف دارد. نکته‌ی دوم این بود که آزادی اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی برای همه‌ی مردم در صورتی تأمین خواهد شد که در جامعه‌ی مقررانی وضع بشود و اعمال بشود که همه‌ی آحاد مردم فرصت استفاده از امکانات طبیعی را و ثروتهای خداداده‌ی برای همه‌ی مردم را بتوانند پیدا کنند. یعنی همه‌ی مردم بتوانند از زمینها، از جنگلها، از دریاها، از منابع و معادن و از انفال و همه‌ی چیزهایی که جزو ثروتها و منابع عمومی است، استفاده کنند. اینجور نباشد که در جامعه از این منابع طبیعی و ثروتهای خدادادی عده‌ای بتوانند استفاده کنند و عده‌ی دیگری به آن حدی نرسند که از این منابع طبیعی استفاده کنند. مقررانی این چنین در جامعه لازم است. نکته‌ی سوم این بود که برای جلوگیری از فساد، جلوگیری از اشرافیگری، جلوگیری از تُرف در جامعه، که در قرآن به آن مکرراً تصریح شده و انواع فسادهای مالی، لازم است که بر این فعالیت آزاد کنترل و نظارتی وجود داشته باشد که آن کنترل از طرف دولت و حکومت اسلامی است و حاکم اسلامی حق دارد که نظارت خود و کنترل خود و حسابرسی خود بر کیفیت استفاده از سرمایه و پول و مال و مصرف آن را حفظ کند و این تکلیف دولت اسلامی است و دولت اسلامی باید این تکلیف را انجام دهد و به نفع عموم مردم، مخصوصاً طبقات ضعیف و مستضعف است. نکته‌ی چهارم این بود که اگر ما فعالیت اقتصادی را در جامعه‌ی اسلامی آزاد میدانیم بر حسب نظر اسلام، این آزادی باید به حدی نرسد که دارندگان سرمایه‌های بزرگ این قدرت اجتماعی و سیاسی را پیدا کنند که در سرنوشت سیاسی جامعه دخالت و اعمال نفوذ کنند؛ آنطوری که امروز در کشورهای غربی هست. در جامعه‌ی غرب همان طور که گفتم و غالباً میدانید، سرمایه‌دارها هستند که سیاستها را تعیین میکنند و سیاستمدارها را بر سر کار می‌آورند یا کنار میزنند. این در جامعه‌ی اسلامی مقبول نیست و پولدار و سرمایه‌دار و طبقه‌ی اشراف نباید به آن حدی برسند و سرمایه‌آنچنان قدرتی در جامعه پیدا کند که یک عده پولدار و ثروتمند و گردن کلفت در مسائل سیاسی جامعه دخالت کنند؛ وکیل بیاورند، وکیل ببرند، قدرتمندان را بیاورند، رئیس جمهور بیاورند، سیاستمدارها را عوض کنند، سیاستها را دیکته کنند، قانونها را بر قوه‌ی قانونگذار تحمیل کنند. این هم در جامعه‌ی اسلامی به هیچ وجه مقبول نیست و هر چیزی که به اینجا منتهی بشود، یک خطر و واجب الاجتناب است. نکته‌ی پنجم و نکته‌ی آخری که آن روز عرض شد، این بود که حالا که در نظام اسلامی مردم حق فعالیت آزاد اقتصادی را دارند و همه‌ی مردم کارمندان دولت نیستند، میتوانند خودشان کار کنند، خودشان تلاش کنند، خودشان تأمین درآمد بکنند، پس خلأهای مالی و اقتصادی در جامعه هم به وسیله‌ی مردم باید پر بشود؛ یعنی اتفاقاً این اتفاقی که شما در قرآن در آیات متعددی - ده‌ها آیه - می‌بینید که اجماً یا تفصیلاً به آن پرداخته شده، این ناشی از همین فعالیت آزاد اقتصادی در جامعه است. وقتی مردم درآمد تحصیل میکنند، پس باید به نیازهای جامعه هم مردم برسند، خلأها را پر کنند، خود اتفاق هم به معنای پر کردن همین خلأهاست. این مطالبی بود که آن روز در پنج نکته عرض شد و امروز دو سه نکته‌ی دیگر را هم در همین زمینه اشاره میکنم.



### 🔗 مرزهای فعالیت اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی

نکته‌ی اولی که امروز عرض میکنم، این است که فعالیت اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی گفتیم آزاد است؛ اما نه آزاد مطلق، حدودی دارد، مرزهایی دارد، این مرزها - که طبیعی هم هست که هر گونه حرکت و فعالیت آزادی بالاخره یک حدودی داشته باشد - در مکتب اسلام مرزهای بخصوصی است. در جوامع سوسیالیستی هم یک نوع مرز برای داشتن مال و ثروت هست؛ آن مرزها با مرزهای اسلامی متفاوت است. در جامعه‌ی اسلامی مرز فعالیت آزاد همان چیزهایی است که به صورت کسبهای حرام و تصرفات حرام در مال در کتب فقهیه معین و مشخص شده. یعنی معامله‌ی ربوی حرام است، معامله‌ی ناشی از غرر و جهالت حرام است، معامله‌ای که در آن فریب کسی باشد حرام است، معامله‌ای که در آن اضرار بر دیگران باشد ممنوع و حرام است، معامله‌ای که ناشی از درآمدهای نامشروع باشد حرام است، احتکار که موجب ثروتمندی بعضی میشود و معاملات ناشی از آن حرام است و از این قبیل چیزهایی که در شرع مقدس اسلام هست که اینها حدود معامله‌گری و فعالیت آزاد اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی است. بعضی از اجناس و اشیاء، معامله‌ی آنها حرام است. مثلاً خمر یا چیزهای حرام و نجس در مواردی - غیر از موارد استثنائی - معامله‌ی آنها حرام است. یا بعضی از اموالی که متعلق به شخص نمیشود و متعلق به دولت اسلامی است مثل انفال، معامله‌ی آنها، جز در یک مورد استثنائی، برای افراد و برای بخش خصوصی، حرام است. و از این قبیل مواردی هست در فقه اسلام که روشن و واضح و معین کرده که این فعالیت آزاد شما ولو آنجائی که نظارت و کنترل دولت هم آن را منع نمیکند، تا کجا جایز است و تا کجا جایز نیست و ممنوع و حرام است.

### 🔗 تفاوت حدود مالکیت خصوصی در تفکر مارکسیستی با اسلام

در مکتب سوسیالیسم و مکاتب برخاسته‌ی از تفکر مارکسیستی حدودی برای مالکیت خصوصی هست، اما آن حدود غیر از حدود اسلامی است. آنجا مثلاً مالکیت ابزار تولید ممنوع است، یعنی هیچ یک از افراد نمیتوانند آن چیزی را که وسیله‌ی تولید هست، مثل زمین، مثل کارخانه و از این قبیل را مالک باشند؛ این در اسلام با این کلیت و به این شکل نیست. داشتن ابزار تولید در صورتی که با شرایطی که در اسلام و در فقه اسلامی ذکر شده و اشاره شد منطبق باشد، از نظر اسلام مانعی ندارد. یا در بعضی از اشکال، مالکیت زمین اشکال دارد، در بعضی از اشکال مالکیت زمین هم ایرادی ندارد. بنابراین حدودی که در اسلام برای مالکیت و برای فعالیت اقتصادی ذکر شده، با حدود مکاتب دیگر اشتباه نباید بشود. اینی که بعضی مشاهده میشود که چون دیدند و فهمیدند که اسلام برای فعالیت اقتصادی حدودی را معین کرده، ذهنشان فوراً به حدود مارکسیستی و سوسیالیستی میرود و خیال میکنند که همان چیزهایی که در عرف تفکرات مارکسیستی هست، اینجا هم وجود دارد؛ نه، این غلط و ناشی از کج فهمی است؛ ناشی از عدم توجه به احکام و فقه اسلامی است. در مکاتب ناشی از مارکسیستی، این سوسیالیسمهائی که امروز در دنیا رایج است و شکل و

قالب نظام حکومتی در کشورهای سوسیالیستی است - که البته اینها هم با هم تفاوت‌هایی دارند و همه یک جور نیستند - کلاً معامله‌گری و خرید و فروش و بیع و شرا یک چیز محکوم و یک عمل ضد ارزش تلقی شده؛ در اسلام اینجور نیست. در اسلام خریدن، فروختن، معامله‌گری کردن، با سرمایه کار کردن، ممنوع نیست. در حالی که در آن مکاتب خریدن، فروختن، برای خود، برای کسی که سرمایه‌ای دارد، آن سرمایه کم باشد یا زیاد باشد، ممنوع است. البته بگذریم از اینکه همین کشورهای بزرگی که امروز با آن مکتب اداره میشوند، مجبور شدند تجدیدنظری را در شکل اداره‌ی اقتصادی در جامعه‌ی خودشان به وجود بیاورند و بخش‌هایی را به فعالیت آزاد اقتصادی اختصاص بدهند که این ضرورت و ناگزیری‌ای بود که بر آنها تحمیل شد. اما کلاً در تفکر مارکسیستی خریدن و فروختن و معامله‌گری یک نوع دلالتی زشت و بد و نامطلوب است؛ در اسلام اینجور نیست. در اسلام داریم که: «حَلَّ اللهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا»، (۲) خرید و فروش، معامله‌گری، کاسبکاری در صورتی که با موازین اسلامی منطبق باشد، توش حرام نباشد، توش کم‌فروشی نباشد، توش ربا نباشد، توش خرید و فروش اجناس ممنوعه نباشد، هیچ اشکالی ندارد و کاسب بودن، بازاری بودن یک فحش نیست که بعضی حالا خیال میکنند اگر به کسی گفتند فلانی کاسبکار است یا تاجر است یا بازاری است، این یک تهمت و دشنامی است. نه، این هم یک افراطی است که در برخی از عناصر که حقیقتاً غرضی هم غالباً ندارند و از تفکرات اسلامی بی‌اطلاع هستند، در زبان اینها رایج شده. از اول انقلاب هم ما توجه داشتیم، این را اول گروه‌ها به وجود آوردند. «بازاری» شد یک فحش، «حاج بازاری» شد یک اهانت؛ فلانی ولش کن، بازاری است؛ یا: حاج بازاری‌ها هر چی گفتند، شما مثلاً فرض کنید که تکرار میکنید؛ این شد یک اهانت و یک دشنام. در حالی که نه، حاج بازاری هم دو جور است: یک حاج بازاری مؤمن متدین خوب انقلابی علاقه‌مند؛ یک آدم ناباپ ناجور هم در کنار او، او هم ممکن است که کاسب و معامله‌گر و بازاری باشد. بازاری بودن جرم نیست؛ این طبق تفکر مارکسیستی است که کاسب بودن و معامله‌گری کردن و خرید و فروش کردن با سرمایه‌ی شخصی را یک گناه میدانند، یک جرم میدانند، یک نوع دلالتی موجب بالا رفتن قیمت میدانند، یک خیانت به طبقات مستضعف میدانند، از نظر اسلام چنین چیزی نیست. وقتی که اصل معامله‌گری و خرید و فروش و کسب و کار ممنوع نبود، آنوقت باید ببینیم حدودش چیه؟ البته بعضی از این آزادی‌های خرید و فروش و معامله‌گری استفاده کردند که آن روز هم عرض کردم و با استفاده از آزادی‌هایی که در اسلام داده شده با چپاول - حقیقتاً چپاول و دزدی - کیسه‌های خودشان را پر کردند. این از نظر اسلام ممنوع است؛ اما نفس معامله کردن، خریدن، فروختن، جنسی را از جایی به جایی بردن و معامله کردن که عرفاً به آن تجارت میگویند یا اینکه جنسی را تهیه کردن و به مشتری فروختن، اینها هیچ اشکالی ندارد از نظر اسلام، هیچ مانعی ندارد.

### 🌱 کسبه و بازاری‌ها بزرگترین خدمت‌کنندگان در دوران انقلاب

و من می‌خواهم تذکر بدهم به برخی از برادران ناآگاه و ناآشنا به معارف اسلامی که ذهنیت خودشان را

تصحیح کنند. اینجور نباشد که خیال کنند بازاری یعنی یک عمل خلاف، یک جرم، یک کاری که ضد ارزش هست. نه، اینجور نیست. ما در دوران انقلاب هم، در دوران اوج نهضت و شروع نهضت و آغاز پیدایش نهضت هم دیدیم که کسبه و بازاری‌ها بزرگترین خدمت را آن روز به انقلاب کردند. شما تاریخچه‌ی انقلاب را اگر خودتان نبودید، نگاه کنید، مطالعه کنید، یا اگر بودید، در خاطرتان مرور کنید، خواهید دید از اول همین کسبه‌ی معمولی و همینهائی که توی بازارها و خیابانها مغازه داشتند، همینها بودند که به حرکت انقلاب کمک کردند. بله یک عده پولدارهای بزرگ، معامله‌گرهای بزرگ، افرادی که هیچ حدی را برای کار خودشان نمیشناسند که غالباً هم آنها از این طبقه‌ی متوسط و معمولی بازاری‌ها نبودند، طبقات دیگری بودند، خیلی از آنها روشنفکرهای از فرنگ برگشته و تحصیل کرده‌ای بودند که آمده بودند با استفاده از زرنگی و سواد و آگاهی خودشان، شرکتها به ثبت داده بودند، به وجود آورده بودند، کارخانه‌ها تولید کرده بودند، از بانکها وامهای غیر منصفانه گرفته بودند، ثروتهای زیادی داشتند، به خدا و دین و هیچی هم اعتقاد نداشتند، بیشترین ضربه را هم به اقتصاد جامعه آنها زدند. امروز هم کم و بیش، گوشه و کنار اینجور آدمهای زرنگ خدانشناس دین‌نشناس در حقیقت ضد انقلاب وجود دارند که البته با اینها بایستی مبارزه بشود. این یک بحث است، اینی که خود معامله کردن و کسب و کار یک جرم باشد، یک خلاف باشد، یک ضد ارزش باشد، این یک بحث دیگر است؛ چنین چیزی در اسلام وجود ندارد. بنابراین ما به طور خلاصه در این نکته‌ی آخر این را میگوئیم که آن حدودی که برای کسب و کار آزاد در اسلام معین شده، غیر از آن حدودی است که در مارکسیست معین شده و بایستی این را از هم تفکیک کرد و از هم جدا کرد.

### جمع ثروت و عدم انفاق، یک ضد ارزش و گناه است

نکته‌ی دیگری که امروز نکته‌ی آخری خواهد بود که عرض میکنم، این است که جمع ثروت و عدم انفاق از نظر اسلام یک ضد ارزش و یک گناه و شاید یک گناه کبیره است. اینجور نیست که چون کار با سرمایه جایز و مباح هست، پس بنابراین انسان حق دارد - ولو از طرق مشروع و حلال - ثروتی را جمع کند و آن را نگه دارد، در حالی که جامعه به ثروت او و به امکانات او و به دارائی او احتیاج دارد، آن را در راه مصالح عمومی و در راه خدا خرج نکند؛ این جایز باشد و مباح باشد، چنین چیزی نیست. در اسلام انفاق یک اصل است؛ باید در راه خدا خرج کرد. نمیگویند معامله نکنید و تحصیل مال نکنید، بکنید، اما خرج کنید. اسلام مردم را عادت میدهد که آنچه را که به دست آورده‌اند، به قدر نیاز زندگی - نیاز متوسط، نه حالا با عسرت و فشار، نیاز معمولی و متوسط، ولو توأم با مقداری رفاه و آسایش و گشایش در روزی - برای خودش صرف کند و خرج کند، مالدای او و آنچه زیاد می‌آید، باید در راه مصالح عمومی جامعه خرج بشود. اگر کسی ثروت را در آورد و آن را با اسراف، با خرجهای بیخودی، با زیاده‌روی‌های گوناگون، با تجمل، با اشرافیگری، با خوراک مسرفانه، با پوشاک مسرفانه، با مرکب یا منزل مسرفانه، همه‌ی آن را خرج کرد یا آن را نگه داشت و جمع ثروت کرد، این از نظر اسلام مذموم و منفور است؛ عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد، حرام

است. آیات متعددی در قرآن بعلاوه‌ی روایات فراوان وجود دارد که من به این دو آیه اشاره میکنم که اولی در سوره‌ی حدید است، میفرماید: «وَاللّٰهُ لَا يَحِبُّ كَلَّ مَخْتَالٍ فَخُورٍ. الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ وَيَأْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ»؛ (۳) آن کسانی که بخل میورزند، دیگران را هم وادار به بخل ورزیدن میکنند، دیگران را هم از انفاق در راه خدا باز میدارند، خودشان هم اموال خودشان را در راه خدا نمیدهند. این بخل کردن معنایش این نیست که فقط حقوق شرعیه را نمیدهد؛ بلکه فراتر از حقوق شرعیه، فراتر از آنچه که در شریعت اسلامی معین شده که باید ادا کند، اگر بیش از آن هم زیادی داشت، در حالی که جامعه به آن احتیاج دارد، باید در راه جامعه خرج کند. آنوقتی که جهاد متوقف به مال یک ثروتمندی است، بنای موارد لازم عمرانی در جامعه محتاج به اموال ثروتمندان هست که بدون آن کار مردم لنگ میماند و زندگی مردم معطل میماند، آنوقتی که در جامعه فقرای زیادی هستند که دولت اسلامی نمیتواند آنها را تأمین بکند، آنوقت آیا اسلام راضی است که همین طور فقرا در این فقر زندگی کنند یا مشکلات جنگ و جهاد در راه خدا بر دوش جامعه سنگینی کند، یک عده‌ای هم ثروتهای خودشان را جمع کنند که از همین امکانات عمومی جامعه به دست آوردند - و حالا فرض کنیم که از راه‌های حرام هم نبوده، از راه‌های معمولی و مشروع بوده، اگر فرض کنیم که از راه‌های مشروع آنقدر ثروتهای آنچنانی میشود فراهم بشود، اگر فرض کردیم فراهم نمیشود که هیچ، مطلب روشن است - اینها هم ثروتهای خودشان حفظ کنند و نگه دارند در حالی که جامعه به این احتیاج مبرم دارد، این قابل قبول نیست و از اسلام چنین چیزی بر نمی‌آید، بلکه ضد این بر می‌آید. آن آیه دیگر، همین آیه‌ی معروفی است که: «الَّذِيْنَ يَكْنُزُوْنَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يَنْفِقُوْنَهَا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابِ الْيَمِّ»؛ (۴) آن کسانی که طلا و نقره را گنج میکنند، ذخیره میکنند و در راه خدا آن را انفاق نمیکند - شاید طلا و نقره خصوصیتی نداشته باشد؛ آن کسانی که پول را، ثروت را، سرمایه را گنج میکنند و ذخیره میکنند و در حالی که نیاز مبرم جامعه به او هست، آن را در راه خدا انفاق نمیکند، آن هم مشمول همین «يَكْنُزُوْنَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ» باشد - آن وقت میفرماید: «فَبَشِّرْهُم بِعَذَابِ الْيَمِّ». اگر این گناه نباشد، اگر گناه کبیره نباشد، این «فَبَشِّرْهُم بِعَذَابِ الْيَمِّ» دیگر چرا؟ آنها را به عذاب دردناکی مرزده بده؛ یعنی بگو که منتظر عذاب دردناک الهی باشند که این عذاب دردناک هم میتواند در دنیا نتایج طبیعی اعمال سوء آنها باشد که البته فقط به خود آنها این نتایج بر نمی‌گردد، بلکه گریبان همه‌ی جامعه را میگیرد. و البته ممکن است عذاب اخروی باشد، که احتمالاً هر دوی اینها هم هست. یعنی هم در دنیا و هم در آخرت عذاب الیمی ناشی از این کار خواهد شد. بنابراین انفاق یک عمل واجب و لازم هست که من حالا در باب انفاق و مسائل مربوط به انفاق باز هم بحث خواهم کرد و عرض خواهم کرد که این را به عنوان یک وظیفه‌ی عمومی تلقی کنید. انفاق فقط وظیفه‌ی یک عده‌ی از مردم نیست. آن هفته هم گفتم، متوسطین از مردم، بلکه ضعفای مردم، فقرای مردم در راه‌های عمومی انفاق میکنند؛ اما صاحبان سرمایه‌ها و ثروتهای انباشته کمتر دستشان به سمت انفاق در راه خدا می‌رود. این در نظر اسلام و در جامعه‌ی اسلامی و در یک دولت اسلامی قابل قبول نیست. وقتی که جامعه احتیاج دارد، حالا اگر فرض کردیم یک روزی را که هیچ احتیاجی اجتماع ندارد؛ همه‌ی مردم در حد کفاف و رفاه دارند و زندگی

میکنند و دولت اسلامی درآمدهای سرشاری دارد و احتیاجی به پول اینها نیست، بسیار خوب، حالا آنجا را ما نمیدانیم، فکر نمیکنیم که ایرادی داشته باشد که آن ثروت را خودشان داشته باشند. شاید حالا آنجا هم باید تحقیق بیشتری بشود، بررسی بشود؛ به نظر میرسد که آنوقت ایرادی ندارد. اما آنوقتیه که جامعه احتیاج دارد، می‌بینیم که با آن پولی که این آقا صرف یک میهمانی میکند، صرف یک خرید بیجا میکند یا توی خانه، توی صندوقچه و گنجینه یا در بانکهای گوناگون نگهداری میکند، در حالی که به آن نیازی هم ندارد، یا آن را در معاملات نادرست و مضر برای جامعه مانند بعضی از خرید و فروشهای فسادانگیز مصرف میکند، معامله‌گری‌های بد و ناباب، این پولی است که اگر صرف در مصرف فلان واحد نظامی در جبهه‌ی جنگ بشود، کلی در وضع اینها تغییر ایجاد خواهد کرد و اثر خواهد گذاشت. یا اگر چنانچه صرف فلان پروژه‌ی عمرانی در کشور بشود، بخش عظیمی از مردم از آن استفاده خواهند کرد و از فقر رهایی خواهند یافت. خب، ما چطور میشود قبول کنیم که اینها کنز ثروت کنند و ثروتهای خودشان را نگه دارند و در راه خدا مصرف نکنند و آنها هم با وجود چنین ثروتهایی در آن وضع نابسامان یا وضع جنگ و بقیه‌ی امور در یک شکل نامقبول و نابسامان باقی بمانند و «فبشّرهم بعذاب الیم» نباشد. واقعاً بایستی این افراد بشارت داده بشوند به عذاب الیم پروردگار. البته این یک حکم اخلاقی فقط نیست، بلکه بر اساس این، جامعه‌ی اسلامی و دولت اسلامی و ملت مسلمان بایستی برنامه‌ریزی هم بکنند که حالا ان شاء الله در خطبه‌ی بعد در دنباله‌ی همین بحث یک قدری بیشتر در مسائل مربوط به انفاق بحث خواهیم کرد.

## انفاق و آزادی اقتصادی در اسلام

❖ ثروت اندوزی و انفاق نکردن در راه خدا، یک عمل

مغضوب

❖ انفاق، بهترین راه برای ایجاد تعادل ثروت در

جامعه

❖ ریا باطل کننده انفاق در راه خدا

❖ انفاق نکردن در راه خدا و خشک دستی در

راه های خیر، علامت نفاق است

❖ روایاتی از انفاق پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

### ❏ ثروت اندوزی و انفاق نکردن در راه خدا، یک عمل مغضوب

بحشی هم که امروز در خطبه‌ی اول عرض میکنم، بحث در باب انفاق فی سبیل الله است که بحثهای خطبه‌های قبلی در باب مسائل مربوط به آزادی اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی به اینجا رسید. عرض کردیم که وقتی اسلام معتقد به اقتصاد مردمی است و فعالیت اقتصادی را در انحصار دولت و کارمندان دولت قرار نمیدهد و به آحاد انسان در جامعه این اجازه را میدهد که تلاش کنند و فعالیت کنند و تحصیل مال بکنند، طبیعی است که لازمه‌ی این طرز فکر، این است که اگر در جامعه‌ی اسلامی خلائی، نیازی وجود داشت، همه‌ی افراد جامعه بدون استثنا، کسانی که توانسته‌اند تحصیل مالی بکنند، موظفند بر حسب اختلاف تمکن خودشان آن خلأ را پر کنند. اسلام نمیگوید که مردم تحصیل مال بکنند، اما آن مال را فقط صرف مصارف شخصی خودشان بکنند، بلکه اسلام میگوید مردم تحصیل مال بکنند و از آن مالی که تحصیل کرده‌اند، حوائج معمولی زندگی و نیاز خود را برآورده بکنند و مابقی آن را در راه خدا انفاق بکنند. «و یسئلونک ما ذا ینفقون قل العفو»؛ (۲) از تو سؤال میکنند که چه چیزی را انفاق بکنند - که ظاهر قضیه این است که سؤال کننده از جنس مورد انفاق سؤال کرده است - قرآن جواب را از سؤال او منصرف میکند، جواب نمیدهد که از چه جنسی انفاق بکن و از چه جنسی نکن، بلکه جواب میدهد «قل العفو»؛ به آنها بگو که زیادی‌ها را، هر چه مورد نیاز لازم زندگی شماست، خرج کنید؛ اما هر چیزی که مورد نیاز حقیقی زندگی نیست، آن را در راه خدا انفاق کنید. این یک اصل اسلامی است. بنابراین خیلی طبیعی است که ثروت‌اندوزی بر طبق نظر اسلام یک حرکت غیر اسلامی است که آیه‌ی شریفه‌ی



«وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم بعذاب الیم» (۳) را در هفته‌ی گذشته عرض کردم و گفتم که بشارت به عذاب دردناک در این آیه دلیل بر این است که کنز ذهب و فضه و به عبارت امروز نگهداری ثروت و ندادن آن در راه خدا یک عمل مغضوب پروردگار است و شاید بشود گفت یک گناه کبیره است. این طرز فکر اسلام در باب انفاق است.

امروز در این خطبه من از بحث اصلی که در خطبه‌های قبلی آن را تعقیب می‌کردم، قدری به حاشیه خواهیم رفت و بحث انفاق را که در حاشیه‌ی آن بحث قرار داشت، به عنوان یک مسئله‌ی اصلی مطرح می‌کنم. البته منظور من بحث تحلیلی و استدلالی و فلسفی نیست، بلکه فقط مایلم متون اسلامی را، آن هم بعضی از متون را در باب انفاق برای شما بخوانم. ما امروز باید نظر قرآن و اسلام را در باب مال و انفاق آن دائماً در مد نظر داشته باشیم و به دنبال آن عمل کنیم. والا گفتن بی عمل، فلسفه‌بافی در عالم ذهن، استدلال و بحث و فرمول دادن بدون نتیجه، شأن و دأب اسلام نیست. در این آیه‌ای که در اول این خطبه - این خطبه و خطبه‌ی قبل - خواندم، می‌فرماید: «و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة»؛ یعنی در راه خدا انفاق کنید و به دست خودتان، خودتان را در هلاکت نیندازید. که یک روایتی در بعضی از تفاسیر نقل کردند در ذیل این آیه که در یکی از جنگهای مسلمین با روم که ابویوب انصاری صحابی پیغمبر اکرم هم در آن شرکت داشت، یکی از سربازان اسلام که مرد متهور و شجاعی بود، رفت به میدان و جنگید و در صفوف دشمن رخنه کرد تا اینکه رفت به قلب دشمن. عده‌ای که در این طرف او را نگاه می‌کردند، فریادشان بلند شد که: «سبحان الله القی بنفسه الی التهلکة»؛ این شخص خودش را به هلاکت انداخت، یعنی اشاره‌ی به آیه‌ی قرآن که: «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة». حالا حساسیت یک مسلمان قرآن‌شناس را اینجا ببینید که چقدر زیاد است. ابویوب انصاری در آنجا حاضر بود، دید اینها دارند در معنای «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» اشتباه میکنند و فکر میکنند معنای اینکه نباید انسان خود را به دست خود در هلاکت بیندازد، این است که نباید به قلب لشکر دشمن بزند و دارند این جوان مسلمان شجاع را به خاطر شجاعتش محکوم میکنند؛ فریادش بلند شد، گفت ساکت باشید، این آیه درباره‌ی ما نازل شد. ما آنجا بودیم و میدانیم که این آیه برای چه نازل شد. ماجرا این بود که وقتی اسلام بعد از گذشت چند سالی بعد از هجرت یک عزتی پیدا کرد و یاوران اسلام زیاد شدند، ما که انصار بودیم با خودمان فکر کردیم که خب، روز اول مهاجرین محتاج به کمک ما بودند، ما آنها را کمک می‌کردیم و به مصارف جامعه‌ی اسلامی مدد می‌رساندیم. امروز دیگر خوب است ما یک قدری به خودمان برسیم، برویم سراغ کسب و کارمان و ترمیم خرابی‌هایمان و تهیه‌ی لوازم زندگی به قدری که زندگی مرفه و از جهاد در راه خدا و از انفاق در راه خدا غافل میشدیم. این آیه نازل شد، به ما گفت: «و انفقوا فی سبیل الله»؛ در راه خدا انفاق کنید، «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة»؛ خودتان در تهلکه نیندازید با این فکر غلط، با این تصویری که دیگر حالا ما کار خودمان را کردیم، خوب است یک قدری هم به خودمان پردازیم و برسیم. «فتهلکة فی الاقامة فی المال و الولد»؛ ابویوب انصاری گفت: تهلکه در این است که مسلمان پابند مال خود و زندگی خود و خانواده‌ی خود بشود



و از تکلیف الهی که جهاد و انفاق هست، غافل بشود. تهلکه این نیست که انسان شجاعی با دشمن خدا مقابله کند، اگر چه جانش به خطر بیفتد. این برداشت مسلمان صدر اسلام از آیهی «وانفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» است.

### انفاق، بهترین راه برای ایجاد تعادل ثروت در جامعه

آن مسئله‌ای که در باب انفاق باید مورد توجه قرار بگیرد و من خیلی گذرا از آن عبور میکنم تا به آیاتی که یادداشت کردم برسم، این است که برای رفع فقر در جامعه، برای پر کردن خلأهای مالی در جامعه، برای شریک کردن همه‌ی آحاد مردم در اداره‌ی جامعه، بهترین راه و موفقترین وسائل، همان وسیله و راهی است که اسلام معین کرده. یعنی اینکه کسانی که تمکن دارند، به هر اندازه‌ای که تمکن دارند، به مخارج عمومی، به مصارف عمومی کمک کنند که یکی از آنها کمک به فقراست، اما منحصر در کمک به فقرا هم نیست. این نمیشود که در جامعه‌ی اسلامی کسانی کسب مال و ثروت بکنند و تصور بکنند که آنچه دارند، «آما اوتیتوه علی علم»، (۴) حرف قارون را بزنند. قارون وقتی میگفتند این اموال را جمع میکنی، میگفت من با زیرکی خودم، با دانائی خودم، با کوشش و تلاش خودم به دست آوردم، ناز شصتم. این فکر، فکر غلطی است که کسی بگوید آنچه من به دست آوردم، با تلاش و زیرکی و هوشیاری خودم بوده، پس ناز شصتم. نه، مسئله این نیست در منطق اسلام، مسئله این است که همه موظفند به نیازهای اجتماعی کمک کنند. اگر در همین جامعه‌ی کنونی ما رفع فقر در جامعه با یک برنامه‌ریزی به وسیله‌ی کمکهای مردمی مورد توجه قرار بگیرد، مطمئناً در طول چند سالی وضعیت جامعه و چهره‌ی کشور عوض خواهد شد و در همه جای دنیا همین جور است. البته در مقیاس جهانی هم بین کشورهای فقیر و غنی مسائلی از همین قبیل و حادث‌تر از این وجود دارد که حالا او از محل بحث ما خارج است؛ ما در چهار چوب جامعه‌ی خودمان بحث میکنیم. پس برای اینکه در جامعه تعادل ثروت به وجود بیاید، جامعه دو قطبی از لحاظ ثروت نشود، اسراف و فساد مالی به وجود نیاید، فقر به وجود نیاید، بهترین راه و موفقترین شیوه‌ها همین شیوه‌ی انفاق است. شما لذا می‌بینید که در قرآن آیات متعددی، دهها آیه درباره‌ی انفاق هست و برای راه‌های مختلف، از جمله برای جهاد فی سبیل الله که گمان میکنم هفت تا، هشت تا آیه در قرآن، جهاد با مال را در کنار جهاد با جان قرار داده. همچنانی که جهاد با نفس واجب است، پس جهاد با مال هم واجب است. «و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم»؛ (۵) هم مال و هم جان، در یک ردیف، در یک طراز، با یک لحن مورد توجه قرار گرفته.

### ریا باطل کننده انفاق در راه خدا

این راجع به مسئله‌ی انفاق؛ اما من مقید شدم امروز یک مقداری صرف وقت بکنم و آیات را از کلام الله مجید استخراج بکنم. البته این بخش کوچک آیاتی است که در باب انفاق است؛ منتهی در هر کدامی یک

نکنته‌ای را مورد توجه قرار دادم و اینجا ذکر کردم. چند آیه‌ای را عرض میکنم و البته مقصود من این است که ما حقایق اسلامی را عادت کنیم که از زبان قرآن و متون اسلامی و حدیث بیابیم و متنی فکر کنیم. ما به یاد داشته باشیم توصیه‌های قرآن را، هم مؤثرتر است، نورانیتش بیشتر است، دلها از آن بیشتر متأثر میشود و همین که به واقع و حقیقتِ تفکر اسلامی نزدیکتر است. یک بخش از آیات آنی است که در انفاق باید بهترینها را انفاق کرد که چند آیه در قرآن هست. این یک تمرین است، یک آزمایش است که یک آیه این است که: «یا ایها الذین امنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض و لا تیمموا الخبیث منه تنفقون»؛ (۶) یعنی ای کسانی که به خدا ایمان آوردید، از بهترینها، از زیباترینها، از آنچه که نفیستر و قیمتی‌تر هست، در راه خدا انفاق کنید. نوید سراغ جنس بد و آن را در راه خدا بخواهید بدهید، زیادی‌ها، لباس زیادی، خوراک زیادی، آن چیزی که از دهن افتاده و خود شما آن را کنار گذاشتید، آن را در راه خدا انفاق کنید. نه، از بهترین آنچه که دارید، در راه خدا انفاق کنید که این آیه‌ی سوره‌ی بقره است و آیه‌ی سوره‌ی آل عمران هم که معروف است، در ذهن همه هست که: «لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون»؛ (۷) آن عزیزترهاش را در راه خدا بده، آنچه که بیشتر به آن علاقه داری. یک آیه، یا یک دسته آیات در این باب است که انفاق در راه خدا مثل نماز یک عبادت است و ریا آن را باطل میکند. اگر انفاق را برای این بکنیم که دیگران بگویند به به، فلانی انفاق در راه خدا کرد، تحسین کنند ما را، این عمل را خراب میکند و باطل میکند که: «لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی کالذی ینفق ماله رياء الناس»؛ (۸) که معلوم میشود که آن کسی که رياء الناس مالش را میدهد، برای ریا، او هم کار خودش را باطل میکند. اما در عین حال اگر چنانچه بدون ریا باشد، هم در راه خدا آشکارا انفاق کردن خوب است و هم پنهان انفاق کردن. این موجب نشود که کسانی انفاق آشکار نکنند، بکنند، بدون ریا باشد، اما آشکار بودن، در معرض دیدها بودن، هیچ اشکالی ندارد که میفرماید: «ان تبدوا الصدقات فنعما هی»؛ (۹) چه بهتر که آنچه را که در راه خدا بدهید، آن را آشکار کنید، دیگران ببینند، تشویق بشوند و کار خیر فضای جامعه را پر کند.

### انفاق نکردن در راه خدا و خشک‌دستی در راه‌های خیر، علامت نفاق است

چند آیه در قرآن هست که میفهماند به ما که انفاق نکردن در راه خدا و خشک‌دستی در راه‌های خیر علامت نفاق است؛ نفاق که شاخ و دم ندارد. آن کسانی که ادعای ایمان میکنند و اگر به آنها بگوئید بی‌ایمان، بدشان می‌آید؛ اما حاضر نیستند یک ریال از مال خودشان را در راه خدا خرج بکنند و حاضر نیستند بخش متناسبی از مال را در راه خدا بدهند، اینها یا الان منافقند یا خوف نفاق درباره‌شان هست که یک جا در علائم منافقین میفرماید: «المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض یا مروون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون ایدیهم»؛ (۱۰) دستهایشان را میبندند؛ یعنی انفاق نمیکنند و در یک جای دیگر هم آن کسانی هستند که با خدا عهد میکنند که اگر خدا به آنها چیزی بدهد، در راه خدا انفاق کنند: «فلما اتاهم من فضله بخلوا به و تولّوا»؛ (۱۱) اینها هم که بعد از آنی که چیزدار شدند، بخل میکنند، اینها

را خدا میفرماید: «فاعقبهم نفاقاً فی قلوبهم الی یوم یلقونه بما اخلفوا الله ما وعده»؛ (۱۲) چون وعده‌ی خدا را تخلف کردند، بنابراین خدای متعال در دل اینها نفاق می‌اندازد. پس حاصل مطلب اینکه یکی از نشانه‌های منافق این است که او قبض ید میکند، یعنی انفاق نمی‌کند. نه، نمیتوانیم حالا بگوئیم که هر کسی که قبض ید میکند، این مطلقاً منافق است، اما مطمئناً یکی از علائم منافق این است. در آیاتی، عذاب الهی را برای کسانی که انفاق نمی‌کنند، وعده داده. به چه دل خوش هستند کسانی که در راه خدا حاضر نیستند انفاق بکنند؟ که این آیه‌ی بسیار شدیدالحن: «خذوه فغلوه. ثم الجحیم صلوه. ثم فی سلسله ذرعه‌ها سبعون ذراعاً فاسلکوه. انه کان لا یؤمن بالله العظیم. و لا یحض علی طعام المسکین»؛ (۱۳) اینجا مسئله‌ی انفاق نکردن نیست، مسئله‌ی بی‌تفاوت بودن در مقابل فقر فقرا و مستمندان است. خونسرد بودن در مقابل نیازهای جامعه است؛ خونسرد هم نباید بود. حتی آن کسی که خودش هم نمیتواند انفاق کند، باید دیگران را وادار کند به انفاق. در آخر سوره‌ی منافقون میفرماید: «و انفقوا ممّا رزقناکم من قبل ان یأتی احدکم الموت فیقول ربّ لو لا اخرتنی الی اجل قریب فاصدق و اکن من الصالحین»؛ (۱۴) یعنی در آنوقتی که مرگ به سراغ او می‌آید - که ناگهانی هم مرگ به سراغ همه می‌آید، همه ناگهان با مرگ روبه‌رو میشوند، پیش‌بینی‌اش را نکردند - آنجا ناگهان به خود می‌آید، میگوید پروردگارا عقب بینداز این مهلت را، شاید بتوانم من تصدق بدهم در راه خدا، بتوانم انفاق کنم. حسرت انفاق نکردن اموالی که حالا او خواهد رفت و آنها خواهد ماند. و آیات فراوانی که باز هست از جمله آیاتی که انفاق را، قرض دادن به خدا میداند و از این قبیل که حالا آیات دیگری هم یادداشت کردم.

### 📖 روایاتی از انفاق پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

یک روایتی را در آخر عرایض عرض کنم که یک قدری باز حدود کار را برای ما روشن میکند و آن روایت این است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) وارد منزلشان شدند و دیدند بلال حبشی که خادم حضرت و خدمتگزار منزل آن حضرت بود، یک مقداری خرما، یک کوتی از خرما یک گوشه‌ای گذاشته، پیغمبر چشمشان افتاد به این خرماها و فرمودند که اینها را برای چه میخواهی؟ «ما هذا یا بلال»، این چیه اینجا جمع کردی؟ گفت یا رسول الله چون شما گاهی مهمان برایتان می‌آید و وقتی مهمان دارید، ممکن است چیزی در منزل نباشد و شما میخواهی از مهمان پذیرائی کنی، این را من نگه داشتم برای روز مبادا که مهمانی برای شما بیاید. «اعد ذلك لاضیافک»؛ برای صرف شخصی خودمان هم نیست، برای مهمانهاست. پیغمبر در جواب او، برای یک مشت خرمائی که برای مهمان نگه داشته شده، ببینید چه میفرماید. فرمود: «اما تخشی ان تکون لک دخان فی نار جهنم»؛ (۱۵) نمیترسی که این خرمائی که اینجا جمع کردی، این دودی بشود برای تو در آتش جهنم. معلوم میشود مردم محتاج بودند. به عبارت دیگر در حالی که مردم در بیرون به اینی که شما تو خانه‌ات جمع کردی، احتیاج دارند و شما این را نگه میداری و نمیدهی، نمیترسی که خدای متعال این را وسیله‌ی عذاب تو قرار بدهد؟ بعد فرمود: «انفق یا

بلال»؛ انفاق کن. «ولا تخش من ذی العرش اقلالا»؛ از خدای متعال ترس کم و کسری نداشته باش، خدا خواهد رساند. یک روز هم حالا مهمان آمد تو خانه، نبود، خب، نباشد؛ خدا خواهد رساند ان شاء الله، از خدا نترس که کم و کسر در کار تو بگذارد، بده در راه خدا، آنوقتی که لازم است. و امام هشتم علی بن موسی الرضا (علیه الصلاة والسلام) هم به فرزندش امام جواد نامه‌ای نوشت، ایشان هم عین همین تعبیر را با مختصر تفاوتی خطاب به امام جواد به کار برد. «فانفق و لا تخش من ذی العرش اقتارا»؛ (۱۶) در راه خدا انفاق کن پسرم و نترس از اینکه خدای متعال تو را در سختی و تنگدستی نگه دارد. این طرز فکر اسلام است و این طرز فکر اسلام فقط مال متوسطین و فقرا نیست که هر وقت ما یک چیزی را اعلام کردیم، یا برای جنگ، یا برای سیل یا برای نیازهای گوناگون، اولین کسانی که اجابت کردند، طبقه‌ی متوسط مردم است. می‌آیند انگشتی را، طلائی را به آدم میدهند که آدم خجالت میکشد، اشک انسان در می‌آید، می‌بیند که این چه خانواده‌ی ضعیفی است، انگشتی که به حسب قیمت ظاهری کم‌بهاست، اگر چه در باطن بسیار باارزش و قیمتی است، اینها هستند غالباً که می‌آیند میدهند؛ افراد متوسط و افراد فقیر، آن کسانی که پولهای بیشتر دارند، کمتر می‌آیند، نمیگویم هیچ نمی‌آیند، اما کمتر می‌آیند، این نمیشود. در جامعه‌ی اسلامی آن کسانی که بیشتر دارند، آنها بایستی بیشتر بدهند، فکر نکنند از مالشان کم میشود، آنچه گیر آنها می‌آید، بمراتب ارزشمندتر و بزرگتر است از آنچه که از دست آنها میرود. آنچه نمیدهند، او از دستشان میرود، آئی که میدهند، او میماند. رسول خدا گوساله‌ای را یا بزغاله‌ای را قربانی کردند و آمدند فقرای مدینه و این گوشت را هی قطعه قطعه پیغمبر برید، داد به اینها و بردند. یک کتف این بزغاله ماند در خانه، یکی از زوجات رسول الله عرض کرد یا رسول الله! این بزغاله همه‌اش رفت، فقط کتفش ماند. پیغمبر فرمودند همه‌اش ماند، فقط کتفش خواهد رفت. همین کتفی که من و تو آن را میخوریم و هضم میشود و نابود میشود، این در حقیقت نابود شده و از بین رفته، بقیه‌ای که دادیم، ماند پیش خدا. نترسند از اینکه آنچه دادند، از بین رفت، بدهند در راه خدا و نیازها را برآورده کنند. ما مایلیم که با دعوت اسلامی، با دعوت موعظه‌آمیز و نصیحت‌آمیز، آن کسانی که تمکن دارند، بیایند نیازهای جامعه را پر کنند. البته امروز مسئله‌ی جهاد مالی است که فوق‌العاده هم مهم است، اما همیشه هم انواع و اقسام انفاقها در جامعه هست و مخصوص امروز نیست، انفاق را باید همیشه کرد و برای همیشه آن را قدر شناخت.



## ضرورت نظارت حاکم اسلامی بر آزادی اقتصادی

باید نظارت دولت اسلامی در کنار قوانین اسلامی

برای فعالیت اقتصادی باشد

مبارزه امیرالمومنین با تخلفات اقتصادی، نمونه‌ای

از نظارت بر فعالیت اقتصادی

نمونه‌هایی از برخورد امیرالمومنین (علیه‌السلام)

بامتخلفین

راه‌رفع تعدی و ظلم در جامعه

از اختیارات حکومت اسلامی اینست که جلو

تعدی ظالم بر مستمند را بگیرد

## ضرورت نظارت حاکم اسلامی بر آزادی اقتصادی\*

### باید نظارت دولت اسلامی در کنار قوانین اسلامی برای فعالیت اقتصادی باشد

بحثی که در خطبه‌ی اول امروز عرض خواهم کرد، در دنباله‌ی بحث‌های گذشته در باب مسائل مربوط به آزادی و آزادی اقتصادی است که همان طوری که در اوائل این بحث عرض شد، مسئله‌ی آزادی اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی یک مسئله‌ی سنوآل انگیز و بحث‌انگیز است و همه‌ی کسانی که با انگیزه‌های مختلف به مسئله‌ی فعالیت اقتصادی نگاه میکنند، روی این مسئله تکیه و توجه دارند و ابعاد این قضیه باید هر چه بیشتر روشن بشود. البته دو سه خطبه در این باب قبلاً عرض شده است و امروز بر روی یکی از نکاتی که در خطبه‌های گذشته به اختصار اشاره شد، می‌خواهم تکیه کنم و بحث کوتاه خطبه‌ی امروز را درباره‌ی آن نکته قرار بدهم. و آن نکته این است که گفتیم در اقتصاد جامعه‌ی اسلامی اگر چه مردم در فعالیتهای اقتصادی میدان باز و وسیعی دارند و آزادی‌های زیادی دارند و هر کسی این حق را دارد که فعالیت و تلاش اقتصادی بکند، اما در کنار این حق و اختیار برای مردم یک اختیار و حقی هم برای دولت اسلامی و قدرت حاکم بر جامعه‌ی اسلامی قرار داده شده است و آن حق کنترل و نظارت و مراقبت است. زیرا اگر این حق برای حاکم اسلامی نباشد و مردم بدون نظارت دولت و بدون رعایت سیاستهای دولت تلاش اقتصادی را شروع کنند و انجام بدهند، این یقیناً در جامعه به طغیان، به ظلم، به بغی، به فساد منتهی خواهد شد و همان وضعی پیش خواهد آمد که در دنیای سرمایه‌داری هست که سلاطین فولاد و طلا و نفت و صاحبان کمپانی‌های بزرگ از قدرت و ثروت بی‌نهایت برخوردارند و قشر بزرگی از مردم هم از اولیات زندگی، یعنی از خانه و خانواده و شام شب و لباس نگهدارنده‌ی از سرما و گرما محرومند و بدتر از آنجا کشورهائی که دنباله‌رو سیاستهای آنها هستند در جهان سوم از جمله نظام

منحط گذشته‌ی این کشور، نظام پادشاهی. اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی به خودی خود، نمیتواند معجزه بکند. قانون هنگامی کاربرد دارد و مؤثر است که بالای سر قانون، یک دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است. این مطلب را قدری باز کنم.

### مبارزه امیرالمومنین با تخلفات اقتصادی، نمونه‌ای از نظارت بر فعالیت اقتصادی

در مقدمه این را بگویم که یکی از اهرمهای استقرار عدالت در جامعه‌ی اسلامی، حکومت اسلامی و دولت اسلامی و به تعبیر روشنتر دستگاه اجرائی اسلامی است. چون دولت و حکومت را یک وقت به معنای مجموعه‌ی حکومت به کار می‌بریم که شامل دستگاه قانونگذاری و قوه‌ی قضائیه و دستگاه اجرائی همه هست، اینجا منظور من آن نیست. علاوه بر قوه‌ی قانونگذاری و علاوه بر قوه‌ی قضائیه که باید مقابل تخلفات از قانون را بگیرند، یک قدرتی هم متعلق است به قوه‌ی اجرائی و دستگاه اجرائی که با این قدرت، با این قوه، با این اعمال نفوذ و قدرت باید در محدوده‌ی قوانین اسلامی و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و تخلفات را ببیند و بشناسد و از آنها جلوگیری کند، ظالم را از ظلم منع کند، بغی و طغیان و تعدی و تجاوز را اجازه ندهد و خلاصه مظهر حاکمیت اسلامی باشد؛ یعنی دولت اسلامی و دستگاه اجرائی اسلامی و حاکم اسلامی باید حضور کاملی در همه‌ی فعالیتهای جامعه داشته باشد. این نظر اسلام است که از خلال شواهد و دلائل فراوانی این را میشود یافت و شاید کسی هم درباره‌ی اصل این قضیه بحثی و تردیدی ندارد. در زمینه‌ی مسائل اقتصادی هم عیناً همین قدرت و همین حاکمیت متعلق به جمهوری اسلامی است؛ متعلق به دولت و حاکم نظام جمهوری اسلامی است. اینجا هم غیر از دستگاه قانونگذاری که قانون را وضع میکنند و غیر از قوه‌ی قضائیه که وقتی شکایتی بشود یا وقتی تخلفی از قانون بشود، به سراغ متخلف خواهد رفت و جرم و جنایتی انجام بگیرد، مجرم را مجازات خواهد کرد، خود دولت اسلامی هم با اعمال قدرت و با حضور دائمی و با رابطه‌ی مستمر با قشرهای مردم، باید از تخلفات آنها جلوگیری بکند. اگر این بود، آن وقت آزادی امور اقتصادی در جامعه، ظلم و بغی و تبعیض و اختلاف طبقاتی و از بین رفتن زندگی و رفاه قشر عظیم مستمند اتفاق نخواهد افتاد. اگر این نبود، اگر مجری دستش باز نبود و توان اعمال قدرت نداشت، قانون را براحتی زیر پا میگذارند.

### نمونه‌هایی از برخورد امیرالمومنین (علیه السلام) با متخلفین

لذا در دوران حکومت امیرالمؤمنین می‌بینیم که آن حضرت - شخص خود امیرالمؤمنین، نه قاضی - در جامعه‌ی اسلامی بود؛ یعنی مردم به قاضی مراجعه میکردند، قاضی حل و فصل میکرد اگر قتلی، دزدی‌ای، جنایتی اتفاق می‌افتاد، قاضی به سراغ متجاوز از قانون میرفت؛ اما در عین حال خود امیرالمؤمنین طبق این حدیثی که چند جا نقل شده: «کان یخرج الی السوق و معه درة»، (۲) وارد بازار مسلمانها میشد، در حالی که تازیانه در دستش بود. تازیانه را برای نوازش که نمی‌آوردند. امیرالمؤمنین نمیرفت که اگر کسی را در بازار دید تخلف میکنند، به قوه‌ی قضائیه بگوید که او را مجازات کن، میرفت تا خود او اعمال قدرت بکند و خود او مانع از ظلم و تجاوز بشود.



در یک روایت دیگر این را با تفصیل بیشتری ذکر کرده: «كان عليّ (عليه الصّلاة و السّلام) كلّ بكرة يطوف في اسواق الكوفة سوقا سوقا و معه الدّرة»؛ (۳) یعنی هر روز امیرالمؤمنین این کار را میکرد؛ کار دفعی نبود. بلکه کار مداوم و مستمر امیرالمؤمنین این بود که به همه‌ی مراکز کسب و تجارت و بازارها سر میزد و تازیانه هم - «معه الدّرة علی عاتقه» - در دستش بود و روی شانهاش؛ یعنی آماده‌ی به کار، که اگر دید کسی دارد ظلم میکند، همان جا امیرالمؤمنین تعزیز شرعی را درباره‌ی او اجرا کند. به عامل خود یعنی استاندار خود در مصر که جناب مالک اشتر هست، امیرالمؤمنین سفارش میفرماید که: «فمن قارف حكرة بعد نهیک اياه فنکّل به»؛ (۴) یعنی بعد از آنی که تو مردم را از احتکار و ضبط اشیاء مورد احتیاج مردم نهی کردی، کسی مرتکب این گناه شد، «فنکّل به»؛ با او سختگیری کن، از او انتقام بگیر. البته دنبالش میفرماید: «فنکّل به و عاقبه فی غیر اسراف»؛ (۵) زیاد روی نکن، این شرط اصلی است. کسانی که مسئول تعزیر و حفظ حدود قانونی در میان مسلمانها هستند، باید مواظب باشند زیاد روی نکنند، باید تقوا را رعایت کنند و دچار اسراف نشوند، آنچنانی که امیرالمؤمنین فرموده؛ چون خود این اسراف یک فساد است مثل همان فاسدی که جنس را احتکار کرده؛ فرقی نمیکند، شاید از او هم بدتر است؛ چون از طرف حکومت است. اما اصل اینکه دولت اسلامی و حکومت اسلامی باید در میان مردم حاضر بشود، در آنجائی که خلاف آشکاری نیست، خلافهای پنهان را خودش کشف کند، در آنجائی که دستگاه قضائی اطلاعی ندارد، خود او مباشرتاً وارد کار بشود، در اینجا باید دولت اسلامی این کار را بکند. آن روزی که مسئله‌ی تعزیرات حکومتی به حکم حضرت امام امت به دولت واگذار شد، این سؤال برای بعضی پیش آمد که چرا قوه‌ی قضائیه این کار را نمیکند. شکی نیست که این کار قوه‌ی قضائیه است، اما وقتی قوه‌ی قضائیه دچار یک کمبودهایی است و برادران قوه‌ی قضائیه با همه‌ی تلاش فراوانی که میکنند، به خاطر نداشتن نیروی انسانی لازم یا قوانین لازم نمیتوانند به همه‌ی موارد برسند، نمیشود مردم را رها کرد؛ نمیشود اجازه داد بعضی از افراد سوءاستفاده‌چی که هم‌سلکهای خودشان و همکارهای خودشان و مؤمنین را هم دچار مسئله میکنند و بدنام میکنند، اینها هر کار میخواهند بکنند و هرج و مرج در جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاید؛ این نمیشود. دولت اسلامی باید وارد بشود و لذا این حکم را که از اختیارات حاکم اسلامی یعنی ولی فقیه هست، امام صادر کردند و مسئله‌ی تعزیرات حکومتی را اجرا کردند. البته تعزیرات حکومتی همان طور که اشاره کردم، به معنای این نیست که کسانی که مباشرتاً این کار را انجام میدهند، از حدود عدل و تقوا و ملاحظه خارج بشوند و دچار اسراف بشوند؛ نه، این چنین کاری اگر بشود، حتماً بایستی بر خورد بشود و ان شاءالله بر خورد هم خواهد شد. منتهی مردم باید توجه بکنند که آنچه به معنای حضور دولت اسلامی است، این یک مسئله‌ی اساسی است. نباید هم کسی تصور کند که اینکه امیرالمؤمنین (عليه الصّلاة و السّلام) به بازارهای کوفه می‌آمدند، این از باب حاکمیت آن حضرت نبود، مثلاً از باب نهی از منکر بود. نه، زیرا اگر از باب نهی از منکر بود، باید در همه‌ی دوران زندگی آن حضرت در مدینه این کار انجام میگرفت. در کوفه امیرالمؤمنین این عمل را انجام دادند؛ یعنی در مقر حکومتشان، مال دوران حکومت است، مال حاکم است. نباید تصور کرد چون امیرالمؤمنین معصوم هستند، این کار را انجام میدهند. معصومین دیگر هرگز وارد بازار نشدند که به اختیاری که مال امام معصوم هست، این کار را انجام

بدهند. کاملاً روشن و واضح است که امیرالمؤمنین به عنوان حاکم اسلام، به عنوان امام جامعه و در رأس دولت اسلامی این کار را انجام میدادند؛ این یک چیزی است که وجود دارد.

### راه رفع تعدی و ظلم در جامعه

اختیارات دولت در خدمت مظلومان و مستضعفان و در راه رفع تعدی و ظلم در جامعه باید به کار برود. یعنی وقتی در جامعه احساس میشود که نظم موجود به کیفیتی است که یک عده‌ای پامال میشوند و حقوقشان تضییع میشود، اینجا آنجائی است که دولت باید از اختیارات خودش استفاده بکند و نگذارد که مستضعفان و مظلومان پامال بشوند و این همان اختیاراتی است که به دولت اسلامی داده شده؛ یعنی قدرت حاکمیت اسلام که باید با کنترل و نظارت همه‌ی فعالیتها انجام بگیرد. من اینجا خوب است برای رفع شبهه در اذهان بعضی از افراد مختلف اشاره کنم به همین حکمی یا فتوائی که اخیراً امام درباره‌ی مسائل مربوط به کار و رابطه‌ی کارگر و کارفرما بیان کردند که جزو روشنترین احکام اسلامی است و خوشبختانه بعد از آن، از طرف دبیر محترم شورای نگهبان سئوالی از امام شد که وضوح مطلب را بیشتر کرد و راه همه‌ی سوء استفاده‌ها از بیان امام را بست. امام میفرمایند بر اینکه دولت میتواند در مقابل خدماتی که انجام میدهد، شروط الزامی مقرر کند. یعنی کارفرما که در شرایط عادی و بدون نظارت دولت میتواند با کارگر یک رابطه‌ی غیر عادلانه برقرار بکند، میتواند ساعت کار را زیاد کند، مزد کارگر را کم کند، امکانات رفاهی لازم را به کارگر ندهد و فشار بر کارگر بیاید، دولت میتواند کارفرما را اجبار و الزام کند بر رعایت یک سلسله از الزامات و وظایف که بر عهده‌ی کارفرما گذاشته بشود. در اختیار دولت اسلامی چنین چیزی هست، در مقابل آن خدماتی که به کارفرما میکند. یعنی به کارفرما میگوید شما از برق، از آب، از جاده‌ی آسفالت، از اسکله، از بندر، از انواع و اقسام امکانات و خدمات دولتی استفاده میکنی، شرط استفاده‌ی از این خدمات همین است که شما بایستی این کمک را به کارگر بکنی؛ این شرط را در مقابل کارگر متعهد بشوی؛ برای چی؟ نکته‌ی اساسی این است: برای اینکه به کارگر ظلم نشود، برای اینکه تبعیض در جامعه به صورت یک چیز رایج و عرف متداول در نیاید، برای حمایت از حقوق محرومان. این یک نکته و نکته‌ای که اهمیتش کمتر از این نیست که هم در سئوال و هم در پاسخ حضرت امام اشاره‌ی روشنی، بلکه تصریحی به آن شده، این است که این کار، این اقدام دولت اسلامی به معنای بر هم زدن قوانین پذیرفته شده و احکام پذیرفته شده‌ی اسلامی نیست، که تکیه‌ی سئوال دبیر محترم شورای نگهبان هم روی همین است. گویا بعضی میخواستند از این فتوای امام و نظر امام اینجور استنباط کنند یا سوء استفاده کنند یا به هر حال نفهمی آنها و عدم تسلط آنها به منابع اسلامی و مبانی اسلامی اینجور ایجاد میکرد که امام میفرمایند که دولت میتواند شرط کند با کارفرما که در صورتی میتوانی از این خدمات استفاده کنی که این کارها را انجام بدهی؛ چه کارهائی؟ کارهائی که بر خلاف مقررات پذیرفته شده و احکام پذیرفته شده‌ی اسلامی است. امام میفرمایند که نه، اینها شایعاتی است که افراد مغرض این شایعات را می‌اندازند. یعنی چه؟ یعنی چنین چیزی در پاسخ امام وجود ندارد. امام که فرمودند دولت میتواند شرطی را بر دوش کارفرما بگذارد - شرط الزامی - این هر شرطی نیست، آن

شرطی است که در چهار چوب احکام پذیرفته شده‌ی اسلام است و نه فراتر از آن. این بسیار نکته‌ی مهمی است در پاسخ حضرت امام که چون سؤال کننده سؤال میکند که بعضی اینجور استنباط کردند و استظهار کردند از فرمایشات شما که میشود قوانین مزارعه و اجاره و مساقات و احکام شرعی و تساوی پذیرفته شده‌ی مسلم را نقض کرد و دولت میتواند برخلاف احکام اسلامی شرطی بگذارد، امام میفرمایند نه، این شایعه است. یعنی چنین چیزی اصلاً در حوزه‌ی سؤال و جواب وجود ندارد، در حوزه‌ی سؤال و جواب وزیر کار و امام، ببینید چقدر قضیه جامع‌الاطراف و روشن است. و در جامعه‌ی اسلامی البته احکام پذیرفته شده‌ای هم که میگوئیم، یعنی فتوای ولی فقیه؛ چون در جامعه‌ی اسلامی آن ضابطه‌ی شرعی نظام، فتوای ولی فقیه است. فتاوی فقهای دیگر در مسائل شخصی و فردی برای خودشان و مقلدینشان - اگر مقلدینی داشته باشند - البته مجری و مجراست و حجت است؛ در این حرفی نیست. در باب نماز، در باب روزه، در باب حج، در باب بقیه‌ی عبادات، کارهای فردی که انجام میدهند، بر طبق فتوای مقلد دیگری - اگر چنین مقلدی وجود داشته باشد - مانعی ندارد که عمل کنند، اما در مسائل کلی کشور، در آن چیزهایی که ضابطه‌ی عمومی برای کشور هست، برای آن چیزهایی که مبنای قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی است، تنها فتوایی که معتبر هست، فتوای امام است.

#### 📌 از اختیارات حکومت اسلامی اینست که جلو تعدی ظالم بر مستمند را بگیرد

بنابراین به طور استنتاج و خلاصه‌گیری عرض میکنم که در همه‌ی زمینه‌ها و از جمله در زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی دست دولت اسلامی و حاکم اسلامی باز است. البته حاکم اسلامی، یعنی امام و ولی فقیه که ایشان میتوانند اختیاری را که متعلق به ایشان هست، به قوه‌ی مجریه یا به قوه‌ی قضائیه یا به بقیه‌ی عناصر و افرادی که در جامعه‌ی اسلامی هستند، اعطا کنند و دولت اسلامی و دستگاه اجرائی اسلامی به اتکا اختیارات امام میتواند در جامعه‌ی اسلامی اعمال قدرت بکند، جلوی ظلم را بگیرد، جلوی بغی را بگیرد که این ملاک نظام اسلامی است که میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ»؛ (۷) خدای متعال فرمان میدهد نسبت به عدالت و نیکی کردن و کمک کردن به نزدیکان، «و يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»؛ (۸) از فحشا، از منکرات و از بغی نهی میکند. «بغی» یعنی همین ظلم کردن، تعدی کردن، از حقوق خود تجاوز کردن، طغیان کردن، اموال دیگران را به ناحق و ظلم غصب کردن، به مردمی که به کار آنها محتاج هستند تعدی کردن، طبقه‌ی مستمند و محروم و مستضعف جامعه را پایمال کردن. خب، امر خدا فقط امر زبانی نیست، نهی خدا فقط نهی ارشادی نیست. امر و نهی خدا یعنی قوام جامعه‌ی اسلامی و نظام جامعه‌ی اسلامی این است و این جز با اختیارات حکومت اسلامی و دستگاه اجرائی و دولت اسلامی امکان پذیر نیست.

## اعتلای سیاسی داخلی و خارجی کشور در گرو ایجاد زیرساختهای اقتصادی درست

❖ خسارت از دست دادن بهترین جوان هایمان در

دفاع مقدس

❖ حرکت دادن کشور به طور عادی، هنر بزرگ

انقلاب در دوران جنگ

❖ استحکام سیاسی کشور، ناشی از استحکام

فعالیت های سازندگی است

❖ با عوض شدن دولت ها نباید فعالیت سازندگی

متوقف شود

❖ توجه به اهداف و ارزش های متعالی نظام اسلامی

در راه سازندگی کشور

❖ مسؤو لان کشور، دانش آموزان و دانشجویان باید

اعتماد به نفس داشته باشند

❖ تکیه بر مردم، برای سازندگی باید بر مردم

تکیه کرد

مسأله تورم در کشور را حل کنید

❖ و...

## اعتلای سیاسی داخلی و خارجی کشور در گرو ایجاد زیرساختهای اقتصادی درست\*

### ❏ خسارت از دست دادن بهترین جوان هایمان در دفاع مقدس

به نظر من، اساسیترین مطلبی که در این هفته و در این جلسه ما، خوب است گفته شود - که حالا خوشبختانه مقداری آقای رئیس جمهور بیان کردند، که خبرش به گوش مردم خواهد رسید - این هنر بزرگی است که دولت جمهوری اسلامی و مسؤولان کشور، در خروج از معضلات و مضایق دوران بعد از جنگ، توانستند نشان دهند. کار بسیار بزرگی در این زمینه انجام شد و در جریان است. ان شاء الله باز هم شما مسؤولان و متصدیان امور، کار را ادامه خواهید داد. جنگ برای این کشور، از لحاظ معنوی دستاوردهای زیادی داشت که برای نسلهایی، تغذیه کننده معنویت و فکر و فرهنگ و ایمان و تجربه الهی است؛ لیکن در عین حال از لحاظ مادی، دشمن خسارتهای بزرگی را بر کشور تحمیل کرد. یکی از این خسارتهای این بود که بهترین جوانان و عزیزان ما، در این جنگ از دست ملت گرفته شدند؛ لیکن خسارت ویران سازی کشور، از بین بردن امکانات و بالاتر از آنها، فرصتهایی که در این کشور، برای سازندگی بعد از انقلاب وجود داشت، قابل ذکر است.

### ❏ حرکت دادن کشور به طور عادی، هنر بزرگ انقلاب در دوران جنگ

واقعاً در دوران جنگ، هنر بزرگ انقلاب این بود که بتواند کشور را همین طور حرکت دهد و راه ببرد. در دوران جنگ، هیچ فرصتی که قابل ذکر باشد، در مقیاس توقعات و نیازهای این کشور، برای ساخت زیربناها و تأمین زیرساختهای یک توسعه حقیقی و یک رشد واقعی اقتصادی و مادی، به وجود نیامد.

در طول این مدت چند سالی که ما بعد از جنگ می‌گذرانیم، خوشبختانه دولت موفق شده است در این زمینه، کارهای بزرگی را انجام دهد که حقیقتاً می‌توان این را امروز گفت که یک زیر ساخت مستحکم اقتصادی، در کشور به وجود آمده است.

من یادم است که اوایل بعد از جنگ، که در جلسات بازسازی، با مسؤولان کشور می‌نشستیم - آن وقت آقای رئیس جمهور محترم، رئیس مجلس بودند و بعضی از مسؤولان دیگر هم بودند - جزو آرزوهای ما، یکی همین بود که چندین سد ساخته شود، یک مقدار راه ساخته شود، تعدادی کارخانه‌های اساسی در زمینه پتروشیمی، در زمینه فولاد و ... به وجود آوریم. اینها واقعاً جزو آرزوهای بود که روی کاغذ می‌آوردیم و برای آن تلاش و کار می‌کردیم. امروز، بحمدالله آن آرزوها تحقق پیدا کرده و این کارها شده است. اینها هم آسان به دست نمی‌آید و واقعاً جز با کار خستگی ناپذیر و خستگی ناشناس و با مدیریتهای قوی و علاقه‌مند و بخصوص با مدیریت شخص آقای هاشمی - که واقعاً ایشان در این زمینه خوب عمل کردند و مدیریت خوبی را بر دولت اعمال نمودند - این محصول به دست نمی‌آمد.

من باید عرض کنم، خدای متعال که می‌داند، مردم ما هم که خوشبختانه می‌دانند، لیکن من هم این را بگویم و تثبیت شود که در این افتخار، شخص آقای رئیس جمهور، اشخاص یکایک شما وزرای محترم و مسؤولان بخشهای مختلف، سهام و شریک هستید و این افتخارات، متعلق به شماست و ثوابش ان شاءالله پیش خدای متعال، متعلق به شماست. همچنین همه کسانی که با شما در طول این سالهای بعد از جنگ تا امروز، همکاری کرده‌اند، بخشهای مختلف اداری و کارکنانی که وجود داشتند، از متخصصان و کارشناسان و مردم، ان شاءالله که همه در این افتخار سهام هستند.

### استحکام سیاسی کشور، ناشی از استحکام فعالیتهای سازندگی است

وقتی که در یک کشور، توسعه سازندگی و زیرساختهای اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا می‌شود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور - به معنای واقعی کلمه - به وجود می‌آید؛ کشور از اعتلای سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار می‌شود. یعنی اگر شما امروز می‌بینید که بحمدالله دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران و کشور ما، هم در سطح جهان، از یک آبروی سیاسی برخوردار است و هم در داخل، زبان بدخواهان و بدگویان و عیب‌گیران و کسانی که عیبهای کوچک را بزرگ می‌کنند و محسّنات بزرگ را ندیده می‌گیرند، تا حدود زیادی بسته است - اگر چه هیچ وقت زبان بدگویان به کلی بسته نخواهد شد؛ چون به طور کلی انگیزه‌های بدخواهی هرگز از بین نمی‌رود، لیکن تا حدودی زیادی این معنا هست - به خاطر این است که حرفی برای گفتن ندارند و خیلی از حرفهایی را که می‌توانستند بگویند و می‌توانستند به عنوان بهانه ذکر کنند، دیگر ندارند. یعنی استحکام سیاسی تا حدود زیادی، ناشی از استحکام فعالیتهای سازندگی در کشور است، که خوشبختانه این کار انجام گرفته است. در زمینه‌های فرهنگی هم کار شده است. اگر چه نه به اندازه کارهای زیر بنایی اقتصادی و آنچه مربوط به توسعه

اقتصادی است، لیکن به هر حال در آن زمینه هم، انصافاً کارهای باارزشی انجام گرفته است.

### با عوض شدن دولتها نباید فعالیت سازندگی متوقف شود

آنچه که من به عنوان اولین توصیه، می‌خواهم روی آن تکیه کنم، این است که نگذارید این حرکت تلاش و فعالیت سازندگی و کار زیر بنایی، در این دوره انتقالی‌ای که ما در پیش داریم، متزلزل شود. یعنی به حسب عادی، این دولت در سال آخر تلاش خودش قرار دارد. آقایان مسؤولان، هیچ کدام تصور نکنند که ما چند ماه دیگر، بیشتر کار نداریم؛ نه. ممکن است شما سالهای متمادی، این کارها را بخواهید ادامه دهید و قاعدتاً هم همین طور است که مدیران خوب، کارها را به طور مستمر انجام می‌دهند. ولو به فرض هم که در رأس مسؤولیت نباشند؛ اما حضور و وجودشان در کارها، همواره محسوس خواهد بود. نگذارید امسال کارها، اندکی متزلزل شود؛ یعنی بگویید حالا به هفته دولت رسیدیم و تبلیغاتی که لازم بود تا حدودی انجام دهیم، انجام دادیم و بعد دیگر یواش یواش، به فکر جمع کردن باشیم! نه. تا ساعت و لحظه آخری که از لحاظ قانونی، شما می‌توانید تلاش کنید، بایستی این حدیث شریف را در نظر داشته باشید که: «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابداً» (۱) یعنی باید فرض کنید که شما ده سال دیگر، پانزده سال دیگر، این کارها را در پیش رو و برعهده دارید. با این دید و با این نیت کار کنید.

من حقیقتاً خانم از این که در این سال آخر، یک مقدار این حرکات تلاشگرانه‌ای که وجود داشته، سست شود و دچار تزلزل گردد. خوشبختانه کشور، روال مستمری دارد. سیاستها، سیاستهای واحدی است و طبیعت نظام و وضعیت قانون اساسی ما مثل بعضی از کشورها نیست که وقتی دوره یک دولت تمام شد، همه چیز عوض شود و حتی سیاستها در معرض تغییر و تبدیل قرار گیرد. سیاستهای ثابت و مستمری داریم؛ بر اساس این سیاستها، برنامه‌ریزی‌هایی انجام گرفته است و بر اساس این برنامه‌ریزیها، مسؤولان کارهای خوبی انجام داده‌اند. بایستی این سیاستها ادامه پیدا کند و این کارها هم ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین، توصیه اول من این است که نگذارید این حرکت سازنده، حتی اندکی دچار فتور و سستی شود. بایستی با قوت و قدرت، ادامه پیدا کند.

### توجه به اهداف و ارزشهای متعالی نظام اسلامی در راه سازندگی کشور

من همواره نکته‌ای را به آقایان عرض کرده‌ام؛ باز هم تکرار آن را لازم می‌دانم. البته شما مسؤولین خوبی هستید. مسؤولان بخشهای مختلف، بحمدالله از سرچشمه معنویات انقلاب، بهره وافر گرفته‌اند و استفاده کرده‌اند؛ لیکن در عین حال، من باید این نکته را بگویم؛ برای این که اینها به صورت یک سرفصل فراموش نشدنی، همواره در ذهنها بماند. ما در تمام این کار بزرگی که برعهده داریم - در مراحل گوناگون آن - بایستی از اهداف و ارزشهای متعالی نظام اسلامی، یک لحظه غفلت نکنیم. اگر کار سازنده ما، با غفلت از آن اهداف انجام گیرد، خوف انحراف این کار از آن اهداف وجود دارد. چون ما انسان و بشریم؛ اگر اندکی



غفلت کنیم، ممکن است از «صراط مستقیم»، به سمت چپ و راست منحرف شویم. فرض بفرمایید نوجوان با استعدادی را به یک مجموعه عاقلِ مدبّر دلسوزی سپرده‌اند که او را برای تبدیل به یک انسان ممتاز و برجسته، تربیت کنند و پیش ببرند. شکی نیست که تأمین غذا برای او لازم است؛ چون اگر غذا نداشته باشد، زنده نخواهد ماند تا ممتاز شود. شکی نیست که ورزش برای او لازم است؛ چون اگر ورزش نکند، توانایی ادامه کار پیدا نخواهد کرد. شکی نیست که تعلیم و تربیت برای او لازم است و باید درس بخواند؛ چون اگر درس نخواند و عالم نشود، امکان کارهای بزرگ برای او وجود نخواهد داشت. شکی نیست که سیاحت و مزاحمت و حضور در مراکز تفریحی، برای او لازم است. یعنی اگر ما بخواهیم یک تربیت صحیح بکنیم، امکان ندارد که از جهات دنیایی غافل شویم. چطور ممکن است نظام اسلامی را در دنیا به اعتلا رساند، در حالی که کشاورزی نداشته باشیم، صنایع سنگین نداشته باشیم، معادن و فلزات نداشته باشیم و...؟

بدیهی است که سازندگی کشور، یک امر ضروری و لازم است؛ اما در تمام کارهایی که نسبت به این نوجوان مستعد آماده‌ای که شما برای او فکر کردید که در آینده، یک انسان ممتاز معنوی و مادی و علمی و دینی شود، بایستی آن هدف را فراموش نکنید. یعنی اگر در ورزش او، مثلاً شما طوری او را در میدانی از میدانهای ورزش بردید که دچار انحطاط اخلاقی شد، این دیگر آن نخواهد شد که شما می‌خواهید. اگر غذایی که به او دادید، غذایی بود که فرضاً دل انسان را سخت می‌کند، یا ذهن انسان را کند می‌سازد، او را سیر کرده‌اید؛ اما آنچه را که لازم است، به او نداده‌اید. اگر علمی که می‌خواهید به او بدهید، علمی باشد که برای فردای او، هیچ‌گونه تأثیری نداشته باشد و این امکان را که بتواند به عنوان یک انسان بزرگ و ممتاز ظاهر شود، به او ندهد، این کار انجام نشده است.

به نظر من، امروز در سطح کشور، دو حرف هست که گاهی گفته می‌شود. هر دو حرف، درست است؛ اگر چه در ظاهر، این دو حرف، ضدّ همدیگر است و گاهی در مقابل همدیگر بیان می‌شود. بعضیها وقتی که راجع به توسعه و سازندگی حرف زده می‌شود، می‌گویند: سراغ ارزشها بروید. کأنه مسأله سازندگی و توسعه مادی و اقتصادی کشور، در درجه کمی از اهمیت قرار دارد. این طور از ارزشها اسم آورده می‌شود که گویا مسأله ساختن کشور، در درجه بعد قرار دارد و اهمیتی ندارد. نقطه مقابل، وقتی که صحبت از ارزشها می‌شود، بعضی می‌گویند: ما بایستی مملکت را بسازیم. اگر مملکت ساخته نشود، ارزشها را نمی‌توانیم در دنیا معرفی کنیم. این دو حرف، هر دو درست است؛ یعنی هیچ یک از این دو حرف، در واقع ردّ حرف دیگری نیست. کشور باید از تمام ابعاد مختلف، ساخته شود. یعنی شما هر کدام، متصدی بخشی از بخشهای کشور هستید، تلاش زیادی هم می‌کنید و این تلاشها، بایستی باز هم حتی مضاعف شود و ان شاء الله با قوت و قدرت، این حرکتهایی که شما شروع کرده‌اید و بعضاً به نتایج خوبی هم رسیده است، به نتایج نهایی برسد؛ لیکن در تمام این مراحل، بایستی آن ارزشهای معنوی، آن چیزهایی که دو، سه مورد از آن را بعداً عرض خواهم کرد، در نظر باشد؛ که اگر نباشد، آن وقت این سازندگی، به آن مقصودی که شما



از آن دارید، نخواهد رسید و نخواهد توانست آن نظام الهی و قدرت سازندگی اسلام و دین و قدرت اداره یک ملت و یک کشور به وسیله احکام الهی را معرفی کند و نشان دهد.

### مسئولان کشور، دانش آموزان و دانشجویان باید اعتماد به نفس داشته باشند

آن چیزی که در زمینه این مسائل ارزشی، خوب است که عرض کنم و باید در همه بخشها مورد توجه قرار گیرد - که البته اینها چیزهایی است که شاید فراگیرنده همه آنچه که لازم است در نظر باشد، نیست؛ لیکن بلاشک جزو مهمترین آنهاست - یکی مسأله اعتماد به نفس مدیران و مسئولان کشور است. این، یک ارزش اساسی انقلاب ماست؛ که اگر این نباشد، به نظر من پایه‌های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. در تمام مسئولانی که در بخشهای مختلف کشور، مشغول تلاش و کار هستند، باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت شود. بعضاً ممکن است برخی از مسئولان و بعضی از کسانی که در بخشهای مختلف مشغول کار هستند - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی و غیره - به تحلیلهایی دل‌بسته باشند که دیگران - حتی مثلاً یک فرد عالم یا نویسنده‌ای - در یک مجله علمی منتشر کرده باشند. این تحلیل، آن چنان نظرها را به خودش جلب کند که اعتماد به نفس را سلب نماید و ذهن را از آن برنامه‌ای که ناشی از دیدن واقعیتها در کشور است - چون هر کشوری اقتضات و واقعیاتی دارد - غافل کند و منصرف سازد!

باید سعی کنیم که دانش‌آموزان ما از دوران مدرسه و دانشجویان ما و کسانی که تازه وارد کار شدند، روح اعتماد به نفس را و این که می‌توان با تحلیلهای و انگیزه‌ها و فهم خودی از مسائل کشور، آن مسائل را حل کرد، حفظ و تقویت کنند. نباید به آنچه که فلان روزنامه‌نویس نوشته است و فلان تحلیلگر خارجی می‌گوید که ایران باید این راه را طی کند تا بتواند به سازندگی و رفع مشکل اقتصادی برسد «اعتنا کرد. البته مسائل علمی در هر جای دنیا، از هر زبانی که صادر شود، قابل اعتناست؛ منتها نه به صورت پذیرش بی‌قید و شرط، بلکه به صورت پذیرش تحلیلی که انسان حرفی را بگیرد، آن را با شرایط گوناگون کشور بسنجد و به مرحله عمل در آورد.

به هر حال، عدم دل‌بستگی به تحلیلهای و نظرهای بیگانه، مهمترین چیزی است که در زمینه مسائل ارزشی، لازم است که در کل تشکیلات وجود داشته باشد. به این که دیگران در باره ما چه می‌گویند، اعتنای چندانی نکنید. شاید آنچه که درباره ما می‌گویند، با آنچه که درباره خودشان می‌گویند، متفاوت باشد. اگر چه آنچه که درباره خودشان هم می‌گویند، به طور ضروری، درباره وضع زندگی ما صادق نیست. این طور نیست که حتماً منطبق با وضع ما هم باشد. ما مردم متدینی داریم که با ایمان مذهبی، با حرکت انقلابی و با توجه به ارزشهای معنوی زندگی می‌کنند، به این ارزشها هم اهمیت می‌دهند و اهتمام می‌ورزند. اینها را بایستی توجه کرد. نگاه نکنید که دیگران درباره شما و کشور و مسئولان و برنامه‌های

کشور چه می‌گویند. نگاه کنید که چه چیزی مورد نیاز است و بایستی آن را انجام دهید.

### تکیه بر مردم، برای سازندگی باید بر مردم تکیه کرد

مطلب دیگری که در همه زمینه‌های سازندگی لازم است، این است که ما به صورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام رضوان‌الله تعالی علیه، مکرر در مکرر، درباره مشارکت دادن مردم، توصیه می‌کردند و حرف می‌زدند. آن روزها، تفکری هم وجود داشت که مردم را تقریباً از میدانهای گوناگون دور می‌کرد. بعد هم بحمدالله همه به این رسیدند که نه؛ مردم بایستی در مسائل گوناگون کشور، چه مسائل اقتصادی و چه سایر زمینه‌ها - در مسائل سیاسی که بحمدالله حالا هم دخالت دارند - شرکت و دخالت داشته باشند. امروز هم این طوری است؛ باید هم باشد.

این، یک اصل هم هست که مردم بایستی در کارهای دولت، سهام، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته اساسی که در این جا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرننگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده دیگری از مردم، در اولیات زندگی در بمانند. یعنی همان مسأله اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخشهای مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. الان در بخشهای مختلف کشور، دولت در وزارتخانه‌های مختلف، یا طبق قانون، یا طبق سیاستهایی که در این وزارتخانه خاص وجود دارد - که خوب هم هست و ایرادی ندارد - هر کدام به نحوی مسائلشان را با مردم، هماهنگ و متوازن می‌کنند؛ لیکن حتماً باید توجه کنید که از قبل امکانات و موجودی دولت - که متعلق به همه مردم است - این طور نشود که ثروتهای بادآورده‌ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه وجود ثروت بادآورده در کشور است، عده‌ای محروم بمانند.

تا وقتی کسانی در کشور وجود دارند که می‌توانند از موجودیهای کشور، سودها و بهره‌های بی‌حساب و کلان ببرند و ظاهرش این است که مثلاً در صورتهای قانونی هم معامله و اجاره و مقاطعه‌کاری و واسطه‌گری می‌کنند - یعنی علی‌الظاهر شکل لباس قانونی دارد؛ اگر چه ممکن است باطنش هم بی‌قانونی باشد - بدون شک، فقر در کشور، ریشه کن نخواهد شد. چنین چیزی ممکن نیست. یعنی وجود امکانات بیش از حد در اختیار یک جمع معدود، نخواهد گذاشت که تولیدات و امکانات کشور، در دسترس بقیه مردم قرار گیرد. همین توری هم که همیشه از آن می‌نالید و همه می‌نالند و حق هم هست؛ تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد. بایستی در دستگاههای مختلف دولت، توجه دقیقی شود که جلو استفاده‌های غیر منطقی و غیر صحیح منتهی و منجر به ثروتهای کلان، گرفته شود. اگر احیاناً قانونی هم وجود دارد که این قانون، از روی غفلت گذارده شده است، یا مقرراتی در جایی وضع شده است که این نتیجه را می‌بخشد، چون این ضرر و عیب را دارد، باید حتی آن قانون علاج شود و مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت و بقیه بخشهای گوناگون، توجه کنند که این را طوری علاج نمایند و نگذارند آن زمینه را فراهم کند.

تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نایبستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیادتر شود و عده‌ای آن طور زندگی کنند. البته یک بخش عمده از این کار را هم، وزارت اقتصاد و دارایی و بخش مربوط به مالیات، می‌تواند تأمین کند: گرفتن مالیاتهای متناسب و بجا از کسانی که سودها و استفاده‌هایی می‌برند. این هم یک معنای دیگر است.

### مسئله تورم در کشور را حل کنید

در همین زمینه، توصیه دیگری به برادران عزیز دارم که این را حتماً در برنامه باید بگنجانید؛ چون در دوره سازندگی، بخشی از معایب اقتصادی به طور طبیعی هست. در همه جا هم همین طور بوده است. تورم زیاد می‌شود و قدرت خرید، در بسیاری از مردم کم می‌گردد. باید ان شاء الله برای حل این مشکلات اقتصادی به معنای خاص در کشور، تلاش مضاعفی در دولت انجام شود. مسئله تورم، باید به شکلی حل شود. قدرت پول ملی، بایستی به تدبیر هر چه تمامتر، با دنبال گیری و تلاش هر چه بیشتر، تأمین شود. البته امیدوار هستیم که ان شاء الله آن روزی که نتایج کارهای شما بیشتر ظاهر شود و این کارهای زیربنایی به نتایج برسد، همین طور هم شود، در دراز مدت، این طور خواهد شد؛ لیکن نمی‌شود منتظر ماند و از راههای عاجی که در کوتاه مدت و میان مدت می‌تواند دنبال شود، نباید غافل شد. همین ارزش پول ملی، کلید حل بسیاری از مشکلات کشور است و این ضعف قدرت خرید در طبقات پایین مردم و عدم توانایی آنها بر تأمین نیازهای زندگیشان، ناشی از این قضیه است، که ان شاء الله باید تلاش مضاعفی برای اینها انجام گیرد.

### به ایثارگران و سپردن مسئولیتهای گوناگون توجه کنید

در همین خصوص، ما توصیه همیشگی داشتیم که باز هم به شما برادران عزیز عرض می‌کنیم و توجه و تذکر می‌دهیم و آن، عبارت از اعتنای به ایثارگران در کارها و بخشهای مختلف و سپردن مسئولیتهای گوناگون کشور به آنهاست. حقیقتاً امنیتی که امروز کشور دارد و بخشهای مختلف می‌توانند با استفاده از این امنیت، کار و برنامه‌ریزی و ابتکار کنند، کشور را بسازند و برای کشور و برای خودشان افتخارات به وجود آورند، ناشی از تلاش ایثارگران و همین جوانانی است که به میدانهای نبرد با دشمن رفتند. بعضی شهید شدند، که خانواده‌های آنها هستند. بعضی مجروح شدند و جانبازان را تشکیل می‌دهند. بعضی هم بحمدالله سالمند، ایثارگران ما هستند. همین جوانان مؤمن نیروهای مسلح، واقعاً تلاش کردند و زحمت کشیدند - چه نیروی نظامی و چه در بخش خودش نیروی انتظامی در مقابله با کسانی که مخل به امنیت کشور بودند - و همان طوری که امام یک وقت فرمودند: اگر این جوانان نبودند و این انقلاب پیروز نمی‌شد، حالا ماها این فرصت و این افتخار را نداشتیم که بخواهیم مسؤولان کشور باشیم و پیش خدای متعال، برای خودمان اجر، و پیش مردم و نزد تاریخ، برای خودمان افتخار درست کنیم. شما این خدمات

را، به این مردم ارائه دهید.

در حقیقت، شما مسؤولان کشور و همه ما، مدیون آحاد مردم و بخصوص ایثارگران از مردم هستیم که با جان و توان و زحمات خودشان، این امکان را برای ما فراهم کردند. اگر این ایثارگريها نبود، معلوم نبود که کشور، تمامیت ارضی داشته باشد یا نه. امنیت داشته باشد یا نه. دشمن داخل کشور ما باشد یا نه. و آیا چنین امکانی وجود داشته باشد که کسی بتواند برای کشور، کار و تلاش کند و سازندگی به وجود آورد. این، بر ما دیکته می کند و واجب می سازد که در همه مراحل، مواظب و مراقب باشیم و نگذاریم که خدای نکرده، حقّ طبقات ایثارگر کشور - مثل خانواده‌های شهدا، جانبازان، رزمندگان و کسانی که در راه خدا واقعاً جهاد کردند و زحمت کشیدند - به بعضی از حرفها و نقهائی که گاهی گوشه و کنار زده می شود؛ آن هم از سمت کسانی که در جنگ، هیچ گونه دلسوزی ای نداشتند و برای این انقلاب و برای جنگ و در میدانهای خطر، هیچ گونه تلاشی نکردند، ضایع شود.

گاهی نقهائی می زنند که مثلاً چرا در دانشگاه، چرا در وزارتخانه‌ها، چرا در فلان جا، به خانواده‌های شهدا یا به ایثارگران یا به بسیجیها، امتیاز می دهند؟ به اینها، اعتنایی نکنید. آنچه به عنوان امتیاز - که بحمدالله امروز قانونی هم است - به اینها داده می شود، زیادتر از آنچه که آنها مستحقش هستند، نیست؛ بلکه در مقابل آنچه دستاورد تلاش آنهاست، واقعاً به مراتب کمتر هم هست.

### ✎ خدا را در همه احوال، حاضر و ناظر بدانید

ما از برادران عزیز درخواست می کنیم که خدا را در همه احوال، حاضر و ناظر بدانید. حساب الهی را در قیامت باید جدی بشمارید. محاسبه الهی، حقّ است. کوچکترین کار ما، خدای نکرده، یک لحظه غفلت ما، یک لحظه کم کاری ما، همه در پرونده و صحیفه اعمال ما، مضبوط و محفوظ و باقی است. از یکایک اینها، از ما حساب کشیده می شود؛ همچنان که هر لحظه دشواری را که شما در راه مسؤولیت طی می کنید، در نامه عملتان مضبوط و محفوظ است. آن نگرانی ای که شما برای کار دارید، آن تلاشی که می ورزید، آن فشاری که بر اعصاب و جسم و بر خانواده خودتان می آورید، برای این که کاری را برای خدا و در راه او انجام دهید، این هم پیش خدای متعال محفوظ است. اگر خدای نکرده، غفلتی، کم کاری ای، بی ملاحظگی ای در هر کاری از کارها، عدم رعایت مصالح عالی مردم و نظام، به خاطر بعضی از ملاحظات شخصی و گروهی باشد، اینها همه اش پیش خدای متعال محفوظ است و خدای متعال از اینها، از ما خواهد پرسید.

محاسبه الهی، محاسبه ای سخت و بسیار جدی است. خدا کند که ماها، این مراقبه را همواره برای خودمان داشته باشیم که بتوانیم کارهایمان را با دقت بیشتری انجام دهیم. من خودم بیش از شما، محتاج به این معنا هستم و بلکه بیش از شما، موظف هم هستم که این مراقبه را در کوچکترین اعمال خودم داشته باشم. البته وظیفه دارم این معنا را به شما هم عرض کنم که یک ساعت که بیشتر به کار می پردازید و اهتمام بیشتری که می ورزید، البته پیش خدای متعال اجر دارد. اگر لحظه ای هم از گوشه کار کم گذاشته شود،



ملاحظه‌ای موجب شود که انسان، آن کاری را که باید انجام دهد، انجام ندهد؛ آن هم پیش خدای متعال، محاسبه و مؤاخذه‌ای دارد که بایستی به آن توجه داشت.

### 🏠 **وزرا و مسؤولان کشور، در فعالیتهای و تلاشهای اقتصادی مطلقاً وارد نشوند**

به نظر من، آقایان وزرا و مسؤولان بالای کشور بخصوص، اگر بخواهند از این دغدغه‌های گوناگون، خودشان را خلاص کنند و این خدمت بزرگ و خالص و خوبی را که ارائه می‌دهند، بی هیچ دغدغه و اشکال، در نامه عمل خودشان ثبت کنند و برای این کشور، ان شاء الله مستدام بدانند، راهش این است که در فعالیتهای و تلاشهای اقتصادی شخصی و گروهی، مطلقاً وارد نشوند. شما که بحمدالله به کم قانع شدید. یک وقت، آقای هاشمی، شخصی را برای وزارت دعوت کرده بودند که بیاید برای بخشی، مسؤولیتی پیدا کند. پیش ایشان آمده بود و گفته بود که من اگر بیایم وزیر شوم، زندگی منگ می‌ماند؛ ولی حالا زندگی من می‌گردد! یادم نیست حالا ایشان قبول کردند و مثلاً گفتند چیزی اضافه می‌دهیم، یا قبول نکردند. قاعدتاً این طور است که اگر کسانی با تخصصهای خوب، در بخشهای دیگر کشور بروند کار کنند، البته ممکن است زندگی‌شان بهتر هم بشود. زندگی‌های راحت‌تر و درآمدی بیشتری خواهند داشت. طبعاً وزارت، این طور نیست. بر حسب قاعده، یک مقدار سطح بر خورداریها و تنعمها را، از دیگر بخشها کمتر خواهد کرد. به این مقدار، بسازید. این را تحمل کنید و بسازید. به فکر نباشید که زندگی خودتان را تأمین کنید. البته می‌دانم بحمدالله به فکر نیستید؛ ولی حالا آنچه که ما به شما می‌گوییم، در واقع برای همه مدیران و مسؤولان بخشهای گوناگون در سطوح مختلف، حجیت دارد و باید رعایت کنند. مدیران کشور، به فکر نباشند که آینده خودشان را تأمین کنند. همه چیز، به دست خداست. اداره زندگی و ادامه آن هم، به دست خداست. در فعالیتهای اقتصادی، هر چه که خودتان را دور نگه دارید و پرهیز کنید، به نفع شما و کارتان و به نفع کشور است؛ بلکه به نظر من، از هر کاری به غیر از آن کار ویژه خودتان، اجتناب کنید، برای این که بتوانید کار خودتان را انجام دهید.

## فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی

باید ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی تشکیل

شود

احساس امنیت و آرامش، لازمه فعالیت اقتصادی

همه‌ی قشرها

نقش سه قوه در مبارزه با فساد

وظایف مسئولان نظام در مبارزه با فساد

## فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی\*

بسم الله الرحمن الرحيم

### باید ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی تشکیل شود

حضرات آقایان رؤسای محترم قوای سه گانه دامت تأییداتهم

تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و تهیه طرح مبارزه با فساد که دوقوهی مجریه و قضائیه بدان همت گماشته‌اند، عزم جدی مسئولان را به اقدام در این امر اساسی و حیاتی نوید می‌دهد. حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصله‌ی طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند، و این جهادی از سر اخلاص و همّتی سستی ناپذیر می‌طلبد. جمهوری اسلامی که جز خدمت به مردم و افراشتن پرچم عدالت اسلامی، هدف و فلسفه‌ی ندارد نباید در این راه دچار غفلت شود؛ رفتار قاطع و منصفانه‌ی علوی را باید در مدّ نظر داشته باشد؛ و به کمک الهی و حمایت مردمی که عدالت و انصاف را قدر میدانند تکیه کند.

نامگذاری امسال به نام مبارک «رفتار علوی» فرصت مناسبی است که شما برادران عزیز، خط مراقبت از سلامت نظام را که بحمدالله در سالهای گذشته همواره در کار بوده، فعالیت‌ی تازه نفس و سازمان یافته ببخشید و با همکاری و اتحاد، افق‌ها را در برابر چشم این ملت نجیب و مؤمن، روشنتر و شفافتر سازید.

### احساس امنیت و آرامش، لازمه فعالیت اقتصادی همه‌ی قشرها

امروز کشور ما تشنه‌ی فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن



است. و این همه به فضائی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده‌ی کار و همه‌ی قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشود، و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راههای نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

### نقش سه قوه در مبارزه با فساد

خشکانیدن ریشه‌ی فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه بوسیله‌ی قوای سه‌گانه مخصوصاً دو قوه‌ی مجریه و قضائیه است. قوه‌ی مجریه با نظارتی سازمان‌یافته و دقیق و بی‌اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاهها پیشگیری کند، و قوه‌ی قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه‌ی مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راه کارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه‌ی نظارت، بسیار مهم و کارساز است.

### وظایف مسئولان نظام در مبارزه با فساد

لازم است نکاتی را به حضرات آقایان و دیگر دست‌اندرکاران کشور که میتوانند در مبارزه با فساد مالی ایفاء نقش کنند، تذکر دهم:

۱- با آغاز مبارزه‌ی جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زرمه‌ها و بتدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفتها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر میشوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفند یا ساده‌دلانی که از القانات آنان تاثیر پذیرفته‌اند با آنان همصدا شوند. این مخالفتها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند. به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه پیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، بنوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاههای دولتی و قضائی در گرو آن است که این دستگاهها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.

۲- ممکن است کسانی بخطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که بعکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.

۳- کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه‌ی قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت

بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دریفتد باید خود پاک باشد، و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود بر خوردار از صلاح باشند.

۴- ضربه‌ی عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی‌گناهان، یا معامله‌ی یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بیگمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند نباید مورد سوء ظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ی مهم شناخته شود.

۵- بخشهای مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را بدرستی شناسائی کنند و محاکم قضائی و نیز مسئولان آسیب‌زدائی در هر مورد را یاری رسانند.

۶- وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظائف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیتهای اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی، و سرمایه‌گذار بزرگ، طرح‌های ملی، و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضائی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و بطور منظم به رئیس‌جمهور گزارش دهد.

۷- در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچکس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمیتواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

۸- با این امر مهم و حیاتی نباید بگونه‌ی شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. بجای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست اندرکاران این مهم تاکید کنید که بجای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعفا و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید بدور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.

از خداوند متعال اخلاص و جدّ و توفیق را برای خود و شما و همه‌ی مسئولان این امور، مسئلت میکنم و امیدوارم این اقدام مورد رضای حضرت بقیةالله‌الاعظم روحی فداه قرار گرفته گام بلندی بسوی رفاه و آسایش عمومی را تدارک کند.

## مبارزه با فساد، فاسد و مفسد

❁ در اجرای قانون برای مبارزه با مفسد اقتصادی

با جدیت برخورد کنید

❁ در مبارزه با فساد تبعیض نگذارید

❁ هر چه فساد کمتر باشد، سرمایه‌گذاری بیشتر

میشود

❁ در مبارزه با مفسد اقتصادی بهانه به دست

دشمن ندهید

❁ وحدت و هماهنگی بین مسئولان قوا برای

مبارزه با مفسد اقتصادی لازم است

### در اجرای قانون برای مبارزه با مفساد اقتصادی با جدیت برخورد کنید

وقتی ملت، بیدار و هشیار و متحد باشد و معرفت و آگاهی لازم را کسب کرده باشد؛ وقتی مسؤولان در خدمت منافع مردم باشند و خالصانه و مخلصانه و مجدّانه و پیگیر، به دنبال این باشند که اهداف عالی این انقلاب و نظام را برآورده کنند و مردم را از این هدفها برخوردار کنند؛ آن گاه هیچ دشمنی نمی تواند مقاصد شوم خود را در این کشور پیاده کند. مسؤولانی با جدّیت و صداقت مشغول خدمتگزاری هستند؛ مردم هم به معنای حقیقی کلمه در راه اسلام و انقلاب ایستاده اند. ایمان و استقامت و آگاهی مردم، حقیقتاً مثال زدنی است.

البته دستهایی هم سعی می کنند نگذارند. این که ما اصرار می کنیم باید با فساد و سوء استفاده مالی و اقتصادی با جدّیت برخورد شود، به خاطر همین است؛ چون اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسؤولان رایج کنند، ضربه ای به کشور می خورد که با هیچ چیز جبران نمی شود. لذا عرض کرده ایم، باز هم تکرار می کنیم: مبارزه با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. اگر این جهاد بزرگ بخواهد موفق شود و پیش برود - که ان شاء الله به فضل الهی و به پشتیبانی شما مردم، این کار خواهد شد - یک شرط مهم و اصلی آن این است که همه مسؤولان کشور با یکدیگر همدل و شریک باشند. البته رؤسای قوا بحمدالله در این کار همکاری و همدلی می کنند؛ اما در همه ی سطوح، مسؤولان کشور و قوای سه گانه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند و عزم جدّی نشان دهند. هر کدام از قوا در این زمینه سهمی دارند و باید نقش خود را ایفا کنند. در میان مسؤولان - چه در دولت،

چه در قوه قضائیه و چه در مجلس - هیچ کس نمی تواند نسبت به این کار بزرگ، که برای سرنوشت کشور و ملت و نظام اسلامی تعیین کننده است، خود را کنار بکشد و شانه از این کار خالی کند. همه باید در این زمینه فعال باشند.

### 🌟 در مبارزه با فساد تبعیض نگذارید

لازم است در این خصوص هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگاہهایی که با فساد مبارزه می کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بد است؛ اما در جای دیگر - اگر باشد - به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هر کس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق فاسد و مفسد، مَر قانون را اعمال کنند. من به شخص یا پرونده یا موضوع خاصی نظر ندارم. برای من اشخاص مطرح نیستند؛ این کار باید به نحو صحیح و قاطع انجام گیرد و دنبال شود.

کسی که وسوسه می شود وارد میدان فساد مالی شود، باید بدانند در دسر این کار زیاد است. بفهمد مردم و مسؤولان کشور با این قضیه برخورد می کنند. این یکی از شرایط بسیار مهم است. از جمله مسائلی که در این مبارزه وسیع حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فساد می کند که تحقق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسؤولان دستگاہهای اجرایی و قضایی تأکید کرده ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن جا را تحت نظارت قرار دهند و نگذارند از اول فساد به وجود بیاید. البته مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازبهای سیاسی و خطی و جناحی و غیره - که دشمنان از این که این چیزها در بین مسؤولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می شوند - به میان نیاید؛ جلو حق را نگیرد و مانع دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشمها نشود؛ بلکه باید بی نظرانه و برای خدا عمل شود. اگر این طور شد، به مملکت سود خواهد رسید.

### 🌟 هر چه فساد کمتر باشد، سرمایه گذاری بیشتر میشود

بعضی می گویند مبارزه با فساد و مفسد موجب می شود در کشور سرمایه گذاریهای مالی صورت نگیرد. این حرف، غلط و از لحاظ علمی رد شده است. کسانی که متخصص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می دانند و می گویند اگر در یک کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه گذاری در آن کشور پایین می آید. اینها ثابت شده است. هر چه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه گذاری کمتر می شود؛ اما هر چه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه گذاری رشد پیدا می کند. من خواهش می کنم کسانی که به این مسائل آگاهند، بیایند اینها را برای افکار عمومی تشریح و بیان کنند تا عده ای نتوانند با جنجالی کردن مسائل، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند.

### در مبارزه با مفسد اقتصادی بهانه به دست دشمن ندهید

من شک ندارم، کسانی که نمی‌خواهند این کشور به سامان اسلامی خود برسد، سعی می‌کنند جلو این حرکت را بگیرند. البته مسؤولان ما خوشبختانه قاطع و عازم و جازمند؛ اما ممکن است آن افراد، گرفتاری و جنجال درست کنند. این نکته را هم به همه ملت عزیزمان عرض کنم: مواظب و مراقب باشید؛ مبدا با ایجاد یک جنجال در گوشه‌ای، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند و به دست فراموشی بسپارند. اینها هوشیاری ملت عزیز ما را می‌طلبد. البته مسؤولان هم باید مواظب باشند و بهانه‌ها را از دست دشمنان بگیرند. اگر مشکلاتی در بعضی از قشرها وجود دارد، تا آن جایی که امکانات مملکت اجازه می‌دهد، این مشکلات را برطرف کنند و نگذارند دشمنان بهانه به دست آورند و جلو حرکت مبارزه با فساد را بگیرند.

در سالهای گذشته، شعار مبارزه با فساد، مکرر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسؤولان تأکید شد؛ در محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین گونه جنجالها و مغلطه‌کاریها نگذاشتند پیش برود. مسؤولان عالی‌کُشور به کسانی که زندگی آنها در لجنزار فساد و رشدشان با فساد است، نباید اجازه دهند با بهانه‌های گوناگون، جلو این کار بزرگ را بگیرند.

### وحدت و هماهنگی بین مسؤولان قوا برای مبارزه با مفسد اقتصادی لازم است

در درجه اول، وحدت و هماهنگی و همدلی بین مسؤولان قوا مطرح است. قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه، نمایندگان محترم مجلس، وزرای محترم، قضات محترم، همه کارگزاران نظام اسلامی و کارگزاران حضرت بقیه‌الله ارواحنا فدا و در واقع خدمتگزاران این مردمنند. همه خود را خدمتگزار مردم بدانند. امروز مردم از مبارزه با فساد خرسند می‌شوند و آن را مطالبه می‌کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می‌زند و برای آنها کار می‌کند، باید در این مبارزه پیشقدم باشد.

البته همه دست‌اندر کاران هم باید سعی کنند که در این زمینه، ظلم و ناروایی به وجود نیاید. با فساد و فاسد و مفسد مبارزه کنند، نه با بی‌گناه. این هم باید مراقبت شود. تبعیض هم نباید باشد - همان‌طور که عرض کردیم - با یک چشم به افراد نگاه کنند. اگر این‌طور شد - که به لطف و فضل الهی ان شاء الله همین‌طور هم هست و خواهد بود - آن‌گاه الطاف الهی شامل حال خواهد شد و خدای متعال کمک خواهد کرد تا این حرکت پیش برود و ان شاء الله در همه بخشها مسؤولان بتوانند به وظایف خود به درستی عمل کنند.

## صنعت پیشقراول توسعه اقتصادی کشور

وضع نامساعد اقتصادی، یک تهدید جدی برای

کشور است

توانایی ایران اسلامی برای بوجود آوردن

شکوفایی متناسب اقتصادی

پیشقراول توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت

است

احتیاج دولت و مجلس به بررسی علمی و پیدا

کردن راهکارها برای مبارزه با مفاسد اقتصادی

مسئولان دولت و مجلس از مسائل حاشیه‌ای، کم

کنند و به مسائل اصلی پردازند



## صنعت پیشقراول توسعه اقتصادی کشور\*

### وضع نامساعد اقتصادی، یک تهدید جدی برای کشور است

مسأله اقتصاد - که ما مکرراً بر روی آن تکیه کرده ایم - امروز بیش از دوره بیست و دو ساله گذشته حائز اهمیت است. از یک طرف به خاطر امکاناتی که امروز وجود دارد - جنگ نداریم؛ آرامش و استقرار سیاسی در کشور برقرار است؛ ذخایر ارزی کشور بحمدالله معتنا به است؛ نیروی کار به قدر نیاز کشور وجود دارد و مسؤولان کشور تجربه های فراوانی دارند؛ چون انواع و اقسام روشهای مختلف اقتصادی را به صورت آزمون و خطا در این چند سال تجربه کرده اند - اگر مجموعه ای از مسؤولان، از این گونه امکانات یک دولت استفاده نکند، جفا کرده است. از طرف دیگر وضع نامساعد اقتصادی می تواند برای کشور یک تهدید جدی محسوب شود و دشمن از این استفاده می کند. مادر بخشهای گوناگون، توفیقات فراوانی به دست آورده ایم. در این بیست و دو سال، کشور ما حجم تلاش مثبت و سازنده بیش از صد سال معمولی خود را شاهد بوده است؛ لیکن دشمنان انقلاب و نظام اسلامی، برای این که افکار عمومی را اغوا کنند، همه آن نقاط مثبت را نادیده می گیرند و چون بیکاری و تورم و رکود تورمی و مشکلات گوناگون اقتصادی در کشور وجود دارد؛ اینها را به رخ می کشند و سعی می کنند با این شیطنت، نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه دهند. این هم باید یک عامل و انگیزه مهم برای دست اندر کاران اقتصاد کشور - بخصوص مسؤولان و مدیران دولتی - باشد. پس مسأله اقتصاد از این جهت هم مهم است.

### توانایی ایران اسلامی برای بوجود آوردن شکوفایی متناسب اقتصادی

ما اگر بخواهیم در این زمینه جمله کوتاهی عرض کنیم، این است که ایران اسلامی می تواند

شکوفایی متناسب اقتصادی را به وجود آورد. مابه این کار قادریم؛ اما شرایطی دارد. مطالبی که آقایان مسؤولان و مدیران گفتند، بخشی از شرایط لازم است که باید مورد توجه قرار گیرد. این که کسانی خیال کنند نمی شود کار کرد، نمی شود پیش رفت، نمی شود گره ها را باز کرد؛ این خطای در دید و ضعف نفس است. ما با مدیریت دلسوز و کارآمد، با احساس تعهد و به کار گرفتن ابتکارها و استعدادهای انسانی، می توانیم همه بن بستها را باز کنیم. ما در این زمینه چیزی کم نداریم. من مکرر عرض کرده ام که هر جا مدیریتهای متعهد، مؤمن و دلسوز بر سر کار بودند و با عقل و درایت و ایمان و تعهد نسبت به مردم و نظام اسلامی کار کردند، ما توفیق پیدا کردیم. شما به عرصه کشور نگاه کنید؛ ما در زمینه بخشی از پیچیده ترین صنایع - که یک روز صنعتگران این کشور حتی فکرش را نمی کردند - به خاطر مدیریتهای کارآمد، به حد مطلوب رسیدیم. بسیاری از بیگانگان، دشمنان و رقیبان حتی حاضر نیستند این واقعیت را باور کنند؛ ولی بالاخره باور می کنند؛ چون آثارش را در گوشه کنار می بینند. ما در بخشهای صنعت دفاعی از کجا به کجا رسیده ایم؟ در دوران جنگ، ما در تولید ساده ترین مهمات این کشور مشکل داشتیم؛ اما امروز بخشی از ابزارهای بسیار پیچیده - که خیلی از کشورهایی که نسبت به ما سابقه بیشتری در صنعت دارند، از آن محرومند - به وسیله همین جوانان متعهد و مدیران دلسوز، در بخشهای دفاعی ما ساخته می شود. توانایی صنعتی، قابل انحصار نیست. اگر در جایی استعداد و ظرفیتی وجود دارد، به کل بخش صنعت قابل تعمیم است. در بخشهای تولیدی دیگر نیز همین طور است. ما دهها سد در این کشور ساختیم. بنده به یاد می آورم که اوایل انقلاب در یکی از سدها نشت آب وجود داشت. آن روز بعضی افراد جمع شدند و گفتند: همان مهندسهایی که این سد را ساخته اند، باید بگوئیم از فلان کشور اروپایی بیایند و جلو نشت آب را از این سد بگیرند. اما همین جوانان و نیروهای مؤمن و متعهد و همین مدیران دلسوز ما در این چند سال، دهها سد ساخته اند. امروز بزرگترین سد منطقه را - که سد کرخه است - بچه های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساخته اند. چهار، پنج سال قبل از این، هنگامی که سد کرخه را می ساختند، من رفتم از آن بازدید کردم؛ دیدم روی کوه روبه روی سد با خط درشت - که از چند کیلومتری خوانده می شد - این فرمایش امام را نوشته اند که «ما می توانیم». بله، می توانیم. هم در بخش بازرگانی و سایر بخشهای خدمات، هم در بخش صنعت و معدن و هم در بخش کشاورزی، باید مدیریت دلسوز و متعهد زمام کار را در دست گیرد. سیاستهای کلی اعلام شده در این بخشها هیچ ابهامی ندارد. من نمی دانم مسؤولان بخشهای گوناگون صنعت آیا این سیاستها را مورد توجه قرار داده اند و مطالعه می کنند یا نه؟ برنامه ها اگر طبق این سیاستها تدوین و با مدیریت اجرا شود، ما به طور محسوس شاهد گشایش کارها و راهها خواهیم بود. در بخش کشاورزی و دامداری - که یکی از بخشهای مهم ماست - اساس توجه باید به این باشد که ما در محصولات اصلی مصرفی کشور، به خود کفایی برسیم؛ همچنانی که در وقت این کار

تجربه شد و جهاد سازندگی در چند سال گذشته، کشور را از واردات مواد لبنی بی‌نیاز کرد. مردم ما ناچار بودند پنیر و بقیه مواد لبنی وارد شده از خارج را مصرف کنند؛ اما امروز احتیاجی ندارند؛ چون خود کفایی پیدا شد و ما امروز صادر هم می‌کنیم. اخیراً مسؤولان بخش کشاورزی به بنده اطلاع دادند که قادرند کشور را در زمینه موارد مصرفی اصلی کشور به خود کفایی برسانند؛ یعنی ما گندم و برنج و روغن نباتی و ذرت وارد نکنیم. ما این توانایی را داریم؛ اما همت و تعهد و ایمان و اعتقاد به نظام اسلامی و ترس از مؤاخذه الهی در مدیر لازم است تا این کارها بشود. اگر مدیران این چیزها را در خود رعایت کنند، آن موفقیت حاصل خواهد شد.

### پیشقراول توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت است

ما باید به جایگاه بخش صنعت در کشور توجه کنیم؛ چون - همان‌طور که اشاره کردند و درست هم هست - پیشقراول توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت است. بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه‌های مردم - که بتوانند در بخش صنعت سرمایه‌گذاری کنند - پیش برد. ما این را در سیاستها هم آورده‌ایم. این اقدام باید به دور از هرگونه حرکت امتیازجویانه و امتیازخواهانه باشد؛ چه برای بخش دولتی و چه برای عناصری که از امتیاز استفاده می‌کنند. ما قویاً معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسؤولان موظف و در میان آنها، به بدنه اقتصادی کشور سرایت می‌کند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود. این مبارزه‌ای که ما در پیام اخیر، مسؤولان قوای سه‌گانه را به آن دعوت کردیم، باید جدی گرفته شود. این وسیله‌ای برای احساس امنیت و اطمینان سرمایه‌گذار سالم است؛ سرمایه‌گذاری که قصد سوء استفاده ندارد؛ قصد استفاده دارد. البته هر کس که سرمایه‌گذاری می‌کند، برای سود سرمایه‌گذاری می‌کند؛ اشکالی هم ندارد؛ سود مشروع است. باید بین سود مشروع و نامشروع فاصله ایجاد کرد. باید جلو سودهای نامشروع - که عمدتاً به خاطر عدم تعهد و دلسوزی و همچنین لغزشهای گوناگون از سوی بعضی از مسؤولان و مدیران است - گرفته شود و با پدیده قاچاق - به معنای حقیقی کلمه - مبارزه گردد. من اخیراً به مسؤولان محترم این نکته را گفته‌ام، به رئیس جمهور محترم هم آن را مؤکداً گفتم که پدیده قاچاق و قاچاق‌فروشی، ضربه به اقتصاد و هویت ملی کشور و همه برنامه‌ریزیهاست. این از لحاظ شرعی، یک عمل ممنوع و حرام قطعی است؛ چون موجب افساد است. جای مقابله با فساد قاچاق، فقط مرزها نیست. جنس قاچاق را باید دنبال کرد، تا آنجایی که در معرض فروش قرار داده می‌شود. جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج و اشتغال سالم را محدود می‌کند. بخش بازرگانی و بخش تولید و صنعت می‌توانند به هم کمک کنند. بازرگانی کشور می‌تواند در خدمت ترویج تولیدات داخلی قرار گیرد. ما بحمدالله در بخشهای مختلف اقتصادی و در اصناف مختلف، انسانهای مؤمن، خدوم، علاقه‌مند و دلسوز زیاد

داریم؛ چرا باید به این انگیزه‌های پاک و مطهر بدبین بود؟ همین اصناف و بازار کسانی بودند که در دوران اختناق به این نهضت کمک کردند. امام فرمود، اصناف بازاری قدرتمند نهضتند. همین‌طور هم بود؛ اینها تلاش و مجاهدت کردند. تاجر و کاسب بازاری سرمایه خودش را در معرض تپاول مأموران بی‌انصاف رژیم سفاک گذشته قرار داد، برای این که به مرجع تقلید و به دین خود و نهضت اسلامی کمک کند. اینها را نباید فراموش کرد. در ماههای قبل از پیروزی انقلاب، صنعتگران و کارگران کشور بزرگترین ضربه را بر پیکر رژیم پوسیده سفاک پهلوی وارد کردند. اینها را نباید فراموش کرد. در دوران جنگ، کارگران و بسیاری از صنعتگران ما، با فداکاری توانستند حرکت صنعتی را در کشور از توقف و رکود و مرگ نجات دهند. مردم، مؤمن و متعهدند. مسؤولان باید با همان روحیه تعهد، علاقه‌مندی به مصالح مردم، توجه به مصالح عالیه انقلاب و پاکدامنی و پاکدستی، این حرکت عظیم را ادامه دهند.

#### 🏠 احتیاج دولت و مجلس به بررسی علمی و پیدا کردن راهکارها برای مبارزه با مفاسد اقتصادی

امیدواریم دولتی که بر سر کار خواهد آمد، با همکاری مجلس، به اقتصاد سالم کشور، اهمیت حقیقی دهد. اینها به نشستن و بررسی علمی کردن و راهکارها را پیدا کردن احتیاج دارد. با گفتن نمی‌شود؛ باید اقدام و پیگیری کند و موانع تولید بهینه و تکمیل چرخه صنعتی و موانع صادرات و سرمایه‌گذاریهای داخلی کشور را بشناسد و آنها را بر طرف کند. اگر امکان جذب سرمایه‌های خارجی در کشور فراهم می‌شود، به معنای حقیقی کلمه منافع ملت و هویت ملی را در نظر بگیرد و مصالح کشور را قربانی نکند. این‌طور نباشد که یک جهت را مورد توجه قرار دهیم و جهات دیگر را فراموش کنیم. جذب سرمایه‌های خارجی باید به شکلی باشد که اقتصاد کشور از آن سود ببرد، نه زیان. ما بعضی از رشدها و شکوفاییهای بادکنکی را در برخی از کشورهای شرق آسیا دیدیم. نخست وزیر مالزی در تهران به من گفت که ما در مدت چند روز، از یک کشور ثروتمند به یک کشور فقیر تبدیل شدیم! این خوب است؟! یعنی سرنوشت اقتصاد کشور در دست یک تاجر فرنگی باشد که اگر اراده کرد، بتواند کشوری را با میلیاردها دلار گردش سرمایه‌ای، در ظرف چند روز به خاک سیاه بنشانند و فلج کنند! او وقتی این مطلب را به من می‌گفت، چهره‌اش پُر از غم و افسردگی بود. ما این رشدهای بادکنکی را پیشرفت اقتصادی نمی‌دانیم. کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی است؛ امانه آن گونه که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه. ما برنامه و سیاست داریم و - همان‌طور که گفتیم - ما می‌توانیم. اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه‌ها، نمی‌توانیم حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش‌بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه‌های داخلی را نشناخته است؛

البته قضاوت‌های بدبینانه هم می‌شود کرد. مسؤولان کشور و شما برادران و خواهرانی که در بخش‌های مختلف مشغول هستید، با امید و توکل به پروردگار، با اعتماد به مبانی فکری و عملی اسلامی و با همت والا و عالی، تلاش خود را شروع کنید و ان شاء الله به فضل الهی این کشور شاهد رشد و شکوفایی در همه عرصه‌ها خواهد بود؛ مشروط بر این که مسؤولان وظایف خود را انجام دهند.

مسؤولان دولت و مجلس از مسائل حاشیه‌ای، کم کنند و به مسائل اصلی بپردازند بنده، هم به مسؤولان اقتصادی دولت و هم به مجلس شورای اسلامی توصیه مؤکد می‌کنم که از مسائل حاشیه‌ای، درجه دو و غیرضروری و غیرفوری کم کنند و به مسائل اصلی بپردازند. برای خود، سرگرمی و مشغولیت درست نکنند؛ به آن چیزی که امروز نیاز کشور و مردم است و خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد، بپردازند. این وظیفه‌ی همه است و مطمئناً باید آن را دنبال کنند. ما هم وظیفه داریم که این را از مسؤولان بخواهیم و خواهیم خواست. کسانی که در این راه بتوانند توفیق کسب کنند، پیش مردم روسفید خواهند بود؛ و الا بدون تردید مردم از آنها مؤاخذه خواهند کرد. امیدواریم که ان شاء الله خداوند متعال به مسؤولان و دولت محترم و مجلس شورای اسلامی و بقیه کسانی که می‌توانند در این زمینه‌ها وظایف بزرگی را انجام دهند، توفیق عنایت کند؛ به خاطر تلاشهایی که کردند، به آنها اجر بدهد و راه را برای تلاشهای بعدی آنها هموار فرماید.

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

## سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ \*

متن کامل سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی؛ که در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد: با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدیرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل. جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی در تولید ملی.

امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت. برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون



و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن. دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاور میانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل. الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).

دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخص‌های کمی کلان آن‌ها از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله‌ی درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود.



# عدالت همراه با توسعه و رشد اقتصادی نوآوری نظام مقدس جمهوری اسلامی

- ❖ کارهای انجام شده را به مردم گزارش دهید
- ❖ اولویتها را در مدت باقی مانده باید در نظر بگیرید
- ❖ تا جایی که می توانید با فساد مبارزه کنید
- ❖ در کنار هم داشتن عدالت با توسعه و با رشد اقتصادی
- ❖ بخش خصوصی و تعاونی ها را تقویت کنید و مراقب اموال عمومی باشید
- ❖ ابتکار و نوآوری داشته باشید و دچار التهاب و اغتشاش نشوید
- ❖ سیاست نظام اسلامی، تکیه بر مردم است
- ❖ زیر سوال نبردن خدمات و تلاشهای صادقانهی دولت به خاطر کمبودها
- ❖ اشتباه نشدن نقد منصفانه با مناقشات و گفتگوهای لفظی
- ❖ مسألهی قاچاق حقیقتاً برای کشور خطر است

## عدالت همراه با توسعه و رشد اقتصادی نوآوری نظام مقدس جمهوری اسلامی \*

### 🏠 کارهای انجام شده را به مردم گزارش دهید

گزارشهایی که امروز داده شد، گزارشهای بسیار خوبی بود؛ اما افسوس که هم کوتاه بود و هم همه‌ی دوستان فرصت نکردند گزارش بدهند و هم فرصت نشد که همه‌ی آنچه را که در هر دستگاه هست، گزارش بدهند. این جلسه برای گزارش دادن کافی نیست؛ شما بخشی از وقت امسال را برای گزارش دادن به مردم صرف کنید. این که ما گفتیم امسال، سال پاسخگویی است، مظهر این پاسخگویی همین گزارشهایی است که شما به مردم خواهید داد. بسیاری از کارهایی را که در بخشهای شما انجام گرفته - من البته اطلاع دارم، ولی در همین گزارشهای کوتاه، آنها را ذکر نکردید. این کارهای خوب و مهم انجام گرفته و شما فرصت نکردید که ذکر کنید - خیلی ها نمی دانند. برنامه سازی کنید و آنچه را که انجام گرفته، ترسیم و بیان کنید؛ من قبلاً به آقای رئیس جمهور هم این مطلب را گفته ام. دو ستون درست کنید: کارها و خدماتی که انجام داده اید، کارهایی که انجام نداده اید، یا ناکام مانده اید در انجامش؛ اینها را با مردم در میان بگذارید و بدانید که مردم قدر خدمت و قدر تلاش را می دانند. ما باید هم کارهای کرده‌ی خودمان و هم کارهای نکرده‌ی خودمان، یا درست نکرده‌ی خودمان را با صداقت در میان بگذاریم. مطمئناً آن تلاش و همت و اهتمامی که انجام گرفته برای ستون مثبتها، عذر خواهد بود برای ما نسبت به ستون ناکرده‌ها؛ چون ناکرده‌ها از روی تعمد، ناکرده نمانده، بلکه به خاطر کمبود امکان، کمبود منابع و گاهی به خاطر دیر رسیدن فکر به ذهن انسان و مسائلی از این قبیل، ناکرده مانده است. این مسائل را برای مردم بیان کنید؛ من بر این معنا اصرار دارم. عملکرد شما از عملکرد نظام جدا نیست؛ نمی شود گفت ما نظام خوبی داریم؛ اما دولت بدی داریم؛ بالاخره دولت

برخاسته‌ی از همین نظام است. هر کاری که شما کرده باشید و خوب کرده باشید، برای نظام است و اگر کاری نکرده باشید، یا بد کرده باشید، باز هم متعلق به نظام است. ما اصرار داریم که آنچه انجام گرفته و اهتمام به کار رفته، صادقانه، درست و روشن به مردم بیان شود؛ مشخص کنید چه تحویل گرفته‌اید و چه تحویل خواهید داد؛ مثل صورت وضعیت‌هایی که مهندسان در هنگام تحویل و تحویل یک کار تهیه می‌کنند، شما هم صورت وضعیت کار خودتان را حقیقتاً مشخص و معین کنید و سعی کنید که حداکثر دقت را هم در اتقان آن به کار ببرید. حقیقتاً وقتی ما با مردم مواجه می‌شویم، می‌توانیم اعتماد مردم را با صدق لهجه و بیان واقعیتها کاملاً جلب کنیم. نباید تصور کرد که صداقت و عدم صداقت از نظر مردم پوشیده خواهد ماند؛ بالاخره توجه می‌کنند.

### اولویتها را در مدت باقی مانده باید در نظر بگیرد

نکته‌ی دیگر این است که اولویت‌هایی را در مدت باقی مانده باید در نظر بگیرید. وقتی انسان چشم‌انداز میدان کارش طولانی است، انتخاب‌های متعددی می‌تواند داشته باشد؛ اما وقتی چشم‌اندازها کوتاه می‌شود، زمان هم برای ادامه‌ی کار کوتاه می‌شود و انتخابها هم کم؛ بایستی اولویتها را در نظر گرفت. به نظر من یکی از اولویتها در این مدت یک سال عمر این مجموعه‌ی دولت، این است که اهتمام کنید به اتمام کارهایی که شروع کرده‌اید. این گزارش کارهای نیمه‌تمام - که آقای رئیس جمهور بیان کردند - بسیار مهم است. ما ببینیم کارهای نیمه‌تمام که در دو یا سه سال پیش داشته‌ایم چقدر بوده و امروز چقدر است. انسان وقتی نگاه می‌کند و می‌بیند این کارها به انجام رسیده، احساس موفقیت می‌کند. به نظر من یکی از کارهای مهمی که در این مدت باید انجام بگیرد، همین است که کارهای نیمه‌کاره را سعی کنید به اتمام برسانید. موضوع دوم در اولویتها، این است که این کار به معنای این نیست که نهالهای تازه سر برآورده را فراموش کنید؛ نه، مثلاً فرض کنید به همین کار تحقیقات، کار تولید علم، ارتباط صنعت و علم و همین پارکها یا مراکز تحقیقاتی که کارهای جدید است و نهالهای تازه سر برآورده، و کاری هم نیست که تمام شدنی باشد، باید توجه کنید که استمرار پیدا کند، تا این درخت، تناور شود؛ به اینها هر چه می‌توانید، برسید. این، جزو بهترین چیزهایی است که از شما باقی خواهد ماند.

### تا جایی که می‌توانید با فساد مبارزه کنید

نکته‌ی دیگر این است که صحنه را تا آن جایی که می‌توانید از فساد پاک کنید. من روی مسأله‌ی فساد خیلی تکیه کرده‌ام و ممکن است بعضی به نظرشان بیاید که تکراری است، و چرا؟ نه، من اعتقاد راسخ دارم که مادامی که ما مجموعه‌ی دستگاه اجرایی خودمان را - اعم از دستگاه‌های قوه‌ی مجریه و دستگاه‌های قوه‌ی قضاییه - از فساد مالی و انحراف از روشهای قانونی و صحیح خالی نکنیم، همه‌ی کارهای ما مثل همان آبی - گزارش دادند که ما از مصرف آب کشور درست استفاده نمی‌کنیم؛ مثل همین آبیاری‌های غرقابی، یا

مثل همین یارانه‌هایی که دولت می‌دهد و بخش عمده‌ی آن هدر می‌رود و بخشی از آن به جایی که باید برسد، می‌رسد - که گزارش دادند، هدر خواهد رفت. من بارها این را گفته‌ام، مثال زده‌ام و تکرار کرده‌ام که فساد در دستگاه اجرایی مثل این است که ما چندین لوله‌ی قطور آب به استخری وارد می‌کنیم؛ اما استخر پُر نمی‌شود؛ این همه تلاش انجام می‌گیرد، در عین حال انسان زوایای خالی را مشاهده می‌کند، که بخش عمده‌ی از این، مربوط می‌شود به فساد مالی و به رخنه‌های اخلاقی که در مجموعه‌ی دستگاه در سطوح مختلف وجود دارد. باید با اینها مبارزه و مقابله کنید. تا یک عزم جدی و راسخ برای مقابله‌ی با اینها وجود نداشته باشد - که حالا بحمدالله این عزم هست و انسان آن را می‌بیند - و به دنبال آن عزم، عمل، تحرک، دنبالگیری و عدم اغماض نباشد، ریشه‌ی فساد بیرون نخواهد آمد و همین‌طور روی مجموعه‌ی فعالیتهای مخلصانه‌ی که در مجموعه‌ی دستگاه انجام می‌گیرد، تأثیر می‌گذارد.

نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم.

#### 🏠 در کنار هم داشتن عدالت با توسعه و با رشد اقتصادی

دوستان به مسأله‌ی کوچک کردن، خصوصی‌سازی و حجم زیاد و فربه‌ی دولت اشاره کردند، که اینها همه مورد تأیید است. من این نکته را عرض کنم: ما در زمینه‌ی همه‌ی فعالیتهای گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه‌محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسأله‌ی خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.

بخش خصوصی و تعاونی‌ها را تقویت کنید و مراقب اموال عمومی باشید

ما منابع مالی کشور را کجا بیشتر مصرف می‌کنیم؟ البته این یکی از نقاط درست است؛ این که دوستان تکیه کردید که ما این مقدار را به بخش خصوصی از حساب ذخیره‌ی ارزی یا از منابع دولتی تزریق کردیم؛ این فلسفه‌ی درست و سیاست درستی است؛ منتها در کنار این، توجه کنید که ما با این کار عقب‌افتادگی‌هایمان را جبران کنیم و نباید به سمت افراط در این زمینه برویم. بخش تعاونی را تقویت کنیم، اموال دولت و دارایی‌ها و موجودی‌های دولت را برای رعایت مصلحت عموم حفظ کنیم و مواظب باشیم که اموال دولت و دارایی‌های دولت در زیر این قالب و چهارچوب از بین نرود و نابود نشود.

### 🌱 **ابتکار و نوآوری داشته باشید و دچار التهاب و اغتشاش نشوید**

نکته‌ی بعد این که ممکن است فعالیتهای کاری ما با ابتکارها و دیدگاه‌های نو و نیروهای پُرنشاط و نوبه‌نو تغییر پیدا کند، لیکن سیاستهای کلی مان نباید دچار التهاب و اغتشاش شود؛ یعنی خط سیاسی مستمری که در سند «چشم‌انداز» دیده شده، بایستی ادامه پیدا کند. البته وقتی ماهدفی داریم، کارکنان و عاملان و بازیکنان نوبه‌نویی وارد صحنه می‌شوند، ابتکارهای خودشان را به کار می‌زنند، کارهای جدیدی را انجام می‌دهند، رأی و نظر خودشان را به کار می‌بندند و ممکن است از صحنه کنار بروند و کس دیگری بیاید و در بخشی از بخشها جای آنها را بگیرد - این ایرادی ندارد - و ابتکار جدیدی را به کار بزند و نگاه جدیدی به مسائل و اجرائیات داشته باشد، لیکن سعی کنیم ثبات سیاسی در کشور و در سیاستهای کلی کشور دچار التهاب نشود. یکی از چیزهایی که اطمینان و اعتماد را به کار بلندمدت اقتصادی و اجتماعی در کشور تضمین می‌کند، ثبات سیاستهاست؛ ما بایستی به این موضوع هم در اظهاراتمان، هم در عملکردمان و هم در انعکاس کارهایمان توجه کنیم و اهمیت دهیم.

### 🌱 **سیاست نظام اسلامی، تکیه بر مردم است**

سیاست نظام اسلامی این بوده که به مردم تکیه کند. حقیقتاً نظام مردمسالار به معنای حقیقی کلمه نظام جمهوری اسلامی است. مادر چهارچوب اسلام و با هدایت اسلام و نگاه اسلامی، به مردم تکیه می‌کنیم و با مردم و برای مردم حرکت می‌کنیم. تکیه به مردم، تکیه به جوانها، دفاع از حقوق محرومان - در کشور ما انگیزه‌ی دفاع از محرومان عمومی است؛ اگر چه که امیدواریم دایره‌ی محرومان روز به روز کوچکتر شود و کمتر باشند - به کارگیری سرمایه‌ها و ابتکارهای صاحبان سرمایه - یکی از بخشهای تکیه به مردم، همین به کارگیری سرمایه‌های آنهاست - کلاً سیاست نظام اسلامی است. ما سرمایه‌های مالی و سرمایه‌های فکری و ذهنی مردم را برای پیشرفت کشور به کار می‌گیریم و ان شاء الله ستون موفقیتها را برای این دولت هر چه طولانی‌تر می‌کنیم.

### 🌱 **زیر سوال نبردن خدمات و تلاشهای صادقانه‌ی دولت به خاطر کمبودها**

همه‌ی کسانی که حرف می‌زنند - چه در مطبوعات، چه در تریبونها و منابع دیگر - مواظب باشند خدمات و تلاشهای صادقانه‌ی دولت را به خاطر کمبودها زیر سوال نبرند. ما کمبودها و نقصها و ناکامیها را در بخشهای گوناگون انکار نمی‌کنیم؛ اما به هیچ وجه وجود نقص و کمبود نباید موجب شود که تلاشهای صادقانه و خدمات ارزنده و کارهای شده، زیر سوال برود و انکار شود؛ که این بی‌انصافی است، و امیدواریم هیچ کس این بی‌انصافی را نکند.

نکته‌ی دیگری که لازم است این جا تذکر بدهم، این است: همه‌ی کسانی که حرف می‌زنند - چه در



مطبوعات، چه در تریبونها و منابع دیگر - مواظب باشند خدمات و تلاشهای صادقانه‌ی دولت را به خاطر کمبودها زیر سؤال نبرند. ما کمبودها و نقصها و ناکامیها را در بخشهای گوناگون انکار نمی‌کنیم؛ اما به هیچ وجه وجود نقص و کمبود نباید موجب شود که تلاشهای صادقانه و خدمات ارزنده و کارهای شده، زیر سؤال برود و انکار شود؛ که این بی‌انصافی است، و امیدواریم هیچ‌کس این بی‌انصافی را نکند.

### ❏ اشتباه نشدن نقد منصفانه با مناقشات و گفتگوهای لفظی

من می‌خواهم خواهش کنم که این سال آخر خدمت این دولت خدمتگزار، به مناقشات بی‌حاصل نگذرد؛ چه در درون دستگاه اجرایی، چه بین قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه، چه در مجموعه‌ی نظام. گفتن، تذکر دادن، پرسیدن و نظارت - که از جمله کارهای مجلس شورای اسلامی است - یک حق مسلم است؛ ما در این تردیدی نداریم و معتقدیم که نقد منصفانه و پاسخگویی منصفانه به نقد، به تقویت دستگاه و نظام کمک می‌کند، لیکن این نباید با مناقشات و گفتگوها و بگومگوهای لفظی اشتباه شود.

شما کارهای جدیدی را امسال شروع کردید که به نظر من کارهای خوبی است: مبارزه‌ی با قاچاق به صورت کارآمد و بنیانی، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان گردشگری و میراث فرهنگی؛ اینها کارهای امسال شماست و شروع کار نو در سال آخر یک دولت، به نظر من نشانه‌ی خوبی است از این که مسؤولان دولتی احساس نمی‌کنند که بناست تاریخ انقلاب و کشور با جابه‌جایی‌ها ختم شود؛ نه، همچنان که دیگران کاشتند و ما خوریم، ما می‌کاریم تا دیگران بخورند؛ ما بنیان می‌گذاریم تا دیگران تکمیل کنند؛ تا دیگران از آن استفاده کنند و بهره ببرند.

### ❏ مسأله‌ی قاچاق حقیقتاً برای کشور خطر است

این سه کاری که شما امسال شروع کردید، به نظر من یکی از پیامهای بسیار خوب و مثبتی که دارد این است که دولت احساس نمی‌کند که چون سال پایانی دولت است، پس پایان نظام جمهوری اسلامی است؛ نه، دولت کارهایی را بنیانگذاری می‌کند، تا دیگران ببینند و ان شاء الله آن را دنبال کنند. اتفاقاً این کارهایی که شروع شده، کارهای بسیار خوبی است. مسأله‌ی قاچاق حقیقتاً برای کشور خطر است و مبارزه‌ی کارآمد با قاچاق یکی از خدمات بسیار بزرگ است. رفاه و تأمین اجتماعی هم کلاً ناظر به طبقات محروم است و سازمان گردشگری و میراث فرهنگی هم که ما قبلاً از آن تمجید زیادی کرده‌ایم؛ اگر زیادتیر بگوییم، می‌ترسیم زیادی‌شان بشود! امیدواریم که ان شاء الله همه‌شان موفق و مؤید باشند.

من از خدای متعال می‌خواهم که به شماها توفیق دهد و کمکتان کند. ان شاء الله شماها توفیق خدمتگزاری برای این نظام و کشور و دولت معزز جمهوری اسلامی را تا آخر عمرتان داشته باشید و همیشه در خدمت این نظام باشید و برای این نظام کار کنید و تا روز آخر هم - یعنی روز آخر این سال آخر را مثل روز آخر سال اول بدانید - هیچ تغییری در انگیزه و اهتمام شما ان شاء الله به وجود نیاید و خدای متعال از شما راضی باشد و

مردم هم راضی باشند.

تأکید می‌کنم آن دو تا ستون را حتماً ترسیم کنید. من دو، سه مرتبه با آقای خاتمی در همین سال پاسخگویی - البته چه قبل از فروردین امسال، چه بعد از فروردین - درباره‌ی این قضیه صحبت کرده‌ام. هیچ اشکالی ندارد که مجموعه‌ی دولت مشخص کند که این بخش از مجموع عملکردش مثبت است؛ این بخش، منفی؛ چون آن بخش که مجموع عملکردش منفی است، معنایش این نیست که بد کار کرده، بلکه ممکن است کمبود منابعش، نداشتن امکانات و نبودن زیرساخت‌هایش در عملکردش مؤثر بوده است، که البته کاملاً عملی و ممکن است. حداقل کار این است که در هر بخشی از بخشها، ستون موفقیتها را با ستون عدم موفقیتها کنار هم بگذارند و به مردم نشان بدهند، تا مردم جمع‌بندی کنند. البته اعتقاد من این است که این تراز، تراز مثبتی خواهد شد؛ یعنی جمع‌بندی، جمع‌بندی مثبت خواهد شد. نباید مردم تصور کنند که فقط جنبه‌های مثبت را می‌گوییم و منفی‌ها را نمی‌گوییم.



# سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

لزوم همکاری دولت و مجلس برای تصویب قوانین  
جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود

## سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی\*

## لزوم همکاری دولت و مجلس برای تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد. لازم است نکاتی را در این زمینه یادآور شوم:

۱- اجرای این سیاستها مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است؛ لازم است دولت و مجلس محترم در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند.

۲- نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر حسن اجرای این سیاستها با اتخاذ تدابیر لازم و همکاری دستگاههای مسؤول و ارائه گزارشهای نظارتی هر سال در وقت معین مورد تأکید است.

۳- در مورد «سیاستهای کلی توسعه بخشهای غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیتها و بنگاههای دولتی» پس از دریافت گزارشها و مستندات و نظریات مشورتی تفصیلی مجمع راجع به: رابطه خصوصیه سازی با هر یک از عوامل ذیل اصل ۴۴، نقش عوامل مختلف در ناکارآمدی بعضی از بنگاههای دولتی، آثار انتقال هر یک از فعالیتهای صدر اصل ۴۴ و بنگاههای مربوط به بخشهای غیر دولتی، میزان آمادگی بخشهای غیر دولتی و ضمانت‌ها و راههای اعمال حاکمیت دولت، اتخاذ تصمیم خواهد شد. ان شاء الله

سید علی خامنه‌ای

۱ خرداد ۱۳۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
باتوجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی.
  - گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی.
  - ارتقاء کارآیی بنگاههای اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری.
  - افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی.
  - افزایش سهم بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی.
  - کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی.
  - افزایش سطح عمومی اشتغال.
  - تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.
- مقرر می‌گردد:

الف- سیاستهای کلی توسعه بخشهای غیردولتی و جلوگیری از بزرگ‌شدن بخش دولتی:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه حداقل ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخشهای تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

با توجه به مسؤولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیأت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است. اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.

۲- سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخشهای تعاونی و خصوصی مجاز است:

۱-۲- صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به‌استثنای نفت و گاز).

۲-۲- فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاستهای تجاری و ارزی کشور.

۲-۳- بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکتهای تعاونی سهامی عام و شرکتهای سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون.

۲-۴- بیمه.

- ۲-۵- تأمین نیرو و شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات.
- ۲-۶- کلیه امور پست و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی.
- ۲-۷- راه و راه آهن.
- ۲-۸- هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل دریایی).
- سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیتهای صدر اصل ۴۴، با توجه به حفظ حاکمیت دولت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، طبق قانون تعیین می‌شود.
- ب- سیاستهای کلی بخش تعاونی:
- ۱- افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵٪ تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم.
  - ۲- اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد.
  - ۳- حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روشهایی از جمله تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی.
  - ۴- رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه.
  - ۵- تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقاء سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور.
  - ۶- حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش.
  - ۷- اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاستگذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها.
  - ۸- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها.
  - ۹- انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونی‌های متعارف امکان تأسیس تعاونی‌های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم شود.
  - ۱۰- حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضاء.
  - ۱۱- تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی.
- ج- سیاستهای کلی توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی:
- (سیاستهای کلی این بند متعاقباً تعیین و ابلاغ خواهد شد).
- د- سیاستهای کلی واگذاری:
- ۱- الزامات واگذاری:
  - ۱-۱- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیتهای گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ.



- ۲-۱- نظارت و پشتیبانی مراجع ذی ربط بعد از واگذاری برای تحقق اهداف واگذاری.
- ۳-۱- استفاده از روشهای معتبر و سالم واگذاری با تأکید بر بورس، تقویت تشکیلات واگذاری، برقراری جریان شفاف اطلاع رسانی، ایجاد فرصتهای برابر برای همه، بهره گیری از عرضه تدریجی سهام شرکتهای بزرگ در بورس به منظور دستیابی به قیمت پایه سهام.
- ۴-۱- ذی نفع نبودن دست اندرکاران واگذاری و تصمیم گیرندگان دولتی در واگذاریها.
- ۵-۱- رعایت سیاستهای کلی بخش تعاونی در واگذاریها.
- ۲- مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری:
- وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاههای دولتی به حساب خاصی نزد خزانه داری کل کشور واریز و در قالب برنامه ها و بودجه های مصوب به ترتیب زیر مصرف می شود:
- ۱-۱- ایجاد خودتکایی برای خانواده های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی.
- ۲-۲- اختصاص ۳۰٪ از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونیهای فراگیر ملی به منظور فقرزدایی.
- ۳-۲- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته.
- ۴-۲- اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی ها و نوسازی و بهسازی بنگاههای اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاههای واگذار شده و نیز برای سرمایه گذاری بخشهای غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه یافته.
- ۵-۲- مشارکت شرکتهای دولتی با بخشهای غیردولتی تا سقف ۴۹٪ به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته.
- ۶-۲- تکمیل طرحهای نیمه تمام شرکتهای دولتی با رعایت بند الف این سیاستها.
- ه - سیاستهای کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار:
- ۱- تداوم اعمال حاکمیت عمومی دولت پس از ورود بخشهای غیردولتی از طریق سیاستگذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت بویژه در مورد اعمال موازن شرعی و قانونی در بانکهای غیردولتی.
- ۲- جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی.
- ۳- جلوگیری از ایجاد انحصار، توسط بنگاههای اقتصادی غیردولتی از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات.



## کشاورزی، یک محور اصلی در اداره‌ی کشور

کشاورزی، بالابرنده یکی از پایه‌های اساسی حیات

این کشور

کشاورزی در کشور باید علمی و بروز شود

با تخصیص بودجه و گماشتن افراد کارآمد به بخش

کشاورزی اهمیت دهید

روحیه جهادی یعنی اعتقاد به این که مامی

توانیم

باید به صادرکنندگان محصولات کشاورزی تبدیل

بشویم

لزوم استفاده بهینه از آب کشور برای کشاورزی

باید روی دانه‌های روغنی، گلزا و زیتون کار کنید و

در برنج و گوشت و لبنیات به خود کفایی برسیم

کشاورزان و دست‌اندرکاران کشاورزی از جوانان

مطلع و خبره استفاده کنند

نگرانی دشمن از رسیدن کشور به قله‌ی عظیم

زندگی مدنی و افتخارات تمدنی خود

## کشاورزی، یک محور اصلی در اداره‌ی کشور\*

## کشاورز، بالابرنده یکی از پایه‌های اساسی حیات این کشور

حرف بنده به شما کشاورزان عزیز و به همه‌ی کشاورزان سراسر کشور این است که کاری که شما بر عهده گرفته‌اید، کار کوچکی نیست. همان کشاورزی که در یک نقطه‌ی دوردستی از کشور فرض کنیم بر روی یک یا پنج هکتار زمین مشغول کار است، به سهم خود یکی از پایه‌های اساسی حیات این کشور را بالا می‌برد. مواظب باشید کشاورزی تحقیر نشود؛ کشاورزی بسیار حایز اهمیت و دارای عزت است. ارزشی هم که در شرع مقدس اسلام شنیده‌اید که برای قشر کشاورز بیان شده است، ناشی از اهمیت این کار است. شما چه می‌کنید؟ شما با استفاده از نعمت خدادادی زمین و آب، گنجینه‌های الهی را - که در ذرات هست، در خاک هست، به وسیله‌ی نور خورشید و عوامل طبیعی این گنجینه‌ها بارور می‌شود - استخراج می‌کنید، تا انسان‌هایی که روی این زمین زندگی می‌کنند، زنده بمانند. اگر غذا نباشد، زندگی نیست؛ و شما غذای انسان‌ها را تأمین می‌کنید؛ لذا عظمت و ارزش این کار یک ارزش طبیعی و شبیه ارزش ذاتی است. امروز کشور ما - که مورد سوءنیت و کینه‌ورزی قلدرهای دنیاست؛ علت این کینه‌ورزی هم این است که این کشور حاضر نیست زیر بار قلدری قلدرها برود - بیش از همیشه به امنیت غذایی احتیاج دارد، تا برای نانش، برای خوراک روزمره‌اش، برای روغنش، برای گوشتش محتاج کشورهای دیگر نباشد؛ محتاج کسانی که می‌توانند در مقابل این عطیه، شرف او را مطالبه کنند، نباشد؛ امنیت غذایی برای کشور ما خیلی مهم است. سال گذشته که اعلام شد کشور به خود کفایی در گندم رسیده است، به نظر من حقیقتاً یک عید بزرگ برای این کشور بود. بنده از کشاورزان، از مدیران بخش کشاورزی، از جوانان عالمی که در این کار کمک کردند، از اعماق دل متشکر شدم، مطمئناً ملت هم متشکر شد؛ این حادثه‌ی بزرگی بود. مردان

و جوانانی همت کردند که این کار بشود، و شد. ما همان کشوری هستیم که در دوران طاغوت، پایه‌ی کشاورزی ما را متزلزل کردند، برای این که ما را وابسته کنند؛ برای این که بازار برای گندم خودشان و بقیه‌ی محصولات کشاورزی دیگران - بیگانگان - درست کنند. با این افزایش جمعیت - امروز کشورمان بیش از دو برابر اول انقلاب جمعیت دارد - اگر بنا بود ما مثل آن روز آنها از نظر گندم محتاج بیگانگان باشیم، برای هر تن گندمی که به ما می‌دادند، یک منت سنگین، یک بار سنگین تحقیر بر روی دوش این ملت سوار می‌شد؛ هر وقت هم که مایل بودند، می‌توانستند این را قطع کنند؛ اما ملت ما در گندم به خود کفایی رسید. عین همین قضیه باید در بقیه‌ی محصولات مهم و اساسی غذایی به وجود بیاید؛ در برنج، در روغن، در گوشت، در لبنیات، که نیازهای کشور است. باید کشور به دیگران اصلاً محتاج نباشد و مردم کشور بدانند که شما قشر کشاورز و دامدار با غیرت خود، با ایمان خود، با همت خود، غذای آنها را تأمین می‌کنید و مردم محتاج این نیستند که از دیگران درخواست کنند؛ هم پول بدهند، هم منت بکشند، هم دایم ته دلشان نگران باشد که اگر یک مشکلی به خاطر یک مسأله‌ی سیاسی و غیره پیش آوردند، چه کنیم. کشاورز ایرانی برای ملت ایران امنیت غذایی را تأمین می‌کند؛ این، افتخار بزرگی است؛ قدر خودتان را بدانید. من این را عرض می‌کنم برای این که در سرتاسر کشور، جوانان مناطق کشاورزی که گاهی جاذبه‌ی مشاغل دیگر آنها را به خود جذب می‌کند، بدانند که ارزش و کرامت و تأثیر این شغل از اکثر مشاغل دیگر، در زندگی جمعی ملت‌شان، بالاتر است و جای گسترش هم دارد.

### کشاورزی در کشور باید علمی و بروز شود

امروز دیگر آن روزی نیست که یک کشاورز در طول سی، چهل سال همیشه روی یک قسمت از زمین کار کند و یک مشت گندم به دست بیاورد؛ نخیر، امروز فنون جدید، دانش‌های جدید، تجربه‌های جدید وارد میدان شده‌اند. شما می‌بینید که بازده متوسط چهار تن گندم را یک انسان با همت، به یازده، دوازده تن در هکتار می‌رساند؛ همین کار در برنج، در زیتون و در گلزا هم شده است. دیگر این طور نیست که منطقه، منطقه‌ی محدودی باشد. جوان‌ها وارد بشوند، آموزش‌های لازم را بگیرند؛ آنهایی که می‌توانند، تحصیلات لازم را در زمینه‌ی خاک، آب و مسائل گوناگون کشاورزی ببینند، بعد، به جان این سرزمین پُر برکت بیفتند و برکات الهی را از آن استخراج کنند؛ این کار ممکن است. دستگاه‌های دیگر هم البته باید کمک کنند. این، مطلبی بود که می‌خواستیم به شما کشاورزها بگوییم. کارتان بزرگ و مهم است؛ مهم در ابعاد ملی. اگر درست نگاه کنیم، با اهمیت نظام جمهوری اسلامی و این پرچم برافراشته‌ی اسلام در این سرزمین، کار شما در ابعاد بین‌المللی مهم است. این کار را قدر بدانید و خدا را شکر کنید بر این که یک چنین توفیقی به شما ارزانی داشته است؛ روز به روز در این کار پیش بروید و جوان‌ها، حداقل جوان‌های همان خانواده‌ها و جوان‌های دیگری که در این رشته تحصیل کرده و علاقه و شوق دارند، به خیل انبوه کشاورزان ما ملحق بشوند.

با تخصیص بودجه و گماشتن افراد کارآمد به بخش کشاورزی اهمیت دهید

مسئولان با این نگاه، با نگاه «حایز اهمیت»، باید به بخش کشاورزی نگاه کنند. بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره‌ی کشور است؛ و باید با این چشم در تنظیم معلومات دانشگاهی، در تخصیص بودجه، در گماشتن افراد کارآمد و توانا در رأس کارها، به آن نگاه کرد؛ باید امر کشاورزی را در کشور سبک نشمرند. البته صنعت هم مهم است و وقتی ماروی کشاورزی تکیه می‌کنیم، صنعت را نفی نمی‌کنیم؛ آن هم یک محور اساسی دیگری برای پیشرفت کشور است؛ اما جاذبه‌های گوناگون و زرق و برق و نام و نشان بخش‌های دیگر، مبادا اهمیت این بخش بسیار مهم را تحت الشعاع قرار بدهد؛ شریبان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه - حیات اجتماعی - در این بخش، بیشتر معنا پیدا می‌کند؛ چون این جا مسأله‌ی غذا و مسأله‌ی امنیت غذایی و مسأله‌ی استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است؛ این نکته‌ی اول، که مسئولان با این چشم به مسأله‌ی کشاورزی نگاه کنند. این نگاه - همان‌طور که گفتیم - در دانشگاه، در بخش‌های دانشگاهی مربوط به کشاورزی، در تنظیم درس‌ها، در گرفتن دانشجویان، در پرداختن به استاد، اثر می‌گذارد، تا بقیه‌ی خدمات گوناگونی که دولت می‌تواند به کشاورزان بدهد؛ مانند آنچه که مربوط به بانک‌هاست، آنچه که مربوط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است، آنچه که مربوط به خود وزارت جهاد کشاورزی است.

### 🌱 روحیه جهادی یعنی اعتقاد به این که مامی توانیم

نکته‌ی دوم برای مسئولان این است که در کار کشاورزی، همین‌طور که اسم شما جهاد کشاورزی است، جهادی حرکت کنید. ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشم‌شان این کارهای بزرگ انجام می‌گرفت، باور نمی‌کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم طاغوت، گندم را از آمریکا می‌خریدند و سیلو را روس‌ها برایشان می‌ساختند؛ آنها سیلو را هم نمی‌توانستند بسازند! باید روس‌ها می‌آمدند؛ این صنعت در ایران نبود. در سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ در خانه‌ی چه کسی برویم، جز در خانه‌ی همت و ابتکار خودمان؛ شروع کردند. افرادی می‌دیدند که این سیلو بالا می‌رود - البته در روز اول، با ظرفیت کم - اما باور نمی‌کردند! و امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوان‌ها. کار جهادی، این است. در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «مامی توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها. الان در همین بخش انرژی هسته‌یی که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آن جا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیلکرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیلکرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه‌ی بخش‌ها همین‌طور است. به نیروهای با استعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های با تجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای

خدا، اساس کار است. جهاد کشاورزی باید در معنای حقیقی کلمه، برای مسائل کشاورزی کشور و دامداری و بقیه‌ی کارهایی که برعهده‌ی این وزارت است، جهادی عمل کند.

### باید به صادرکنندگان محصولات کشاورزی تبدیل شویم

مسأله‌ی سوم این است که ما به کشاورزمان می‌گوییم تلاش کنید تا امنیت غذایی برای کشور به وجود بیاورد؛ اما به مسؤولان مان می‌گوییم این پایان کار نیست؛ ما بایستی به صادرکنندگان این محصولات تبدیل شویم؛ ما باید بتوانیم دیگران را بهره‌مند کنیم. این کار، کارِ دستگاه‌های گوناگون دولتی است که وسایلش را فراهم کنند؛ ما می‌توانیم.

### لزوم استفاده بهینه از آب کشور برای کشاورزی

مرتب از این که ما از لحاظ آب در مزیقه هستیم، حرف می‌زنند؛ خوب بله، ما می‌دانیم کشور ما از آن کشورهای پُر آب نیست؛ اما آیا از همین آبی که امروز داریم، استفاده بهینه می‌شود؟ جواب، منفی است. این، جزو کارهای وزارت جهاد کشاورزی و وزارت خانه‌ها و دستگاه‌های گوناگون دولتی است که آموزش چگونگی استفاده‌ی از آب، تنظیم جریان آب در بخش‌های مختلف، نگهداری از همین مقدار آبی که از نزولات مبارک آسمانی است، با انواع و اقسام شیوه‌هایی که امروز در دنیا معمول است، جزو کارها قرار بگیرد. بنابراین، کشور ما از کشورهای پُر آب نیست، اما همین مقدار آبی که داریم، قادر است محصولات کشاورزی را سیراب کند. در زمین هم همین طور هستیم. من در گزارش‌ها خوانده‌ام که ما امروز اندکی بیش از هجده میلیون هکتار زمین قابل کشت داریم؛ در بخش‌های مختلف: دیمی و آبی و باغی و غیره، که این مقدار می‌تواند به سی میلیون هکتار افزایش پیدا کند؛ یعنی نزدیک به دو برابر. من در بعضی از بخش‌های این کشور - در مسافرت‌هایی که کرده‌ام - زمین‌هایی را دیده‌ام که با «کار» می‌توانند تبدیل بشوند به زمین‌های قابل کشت. ما خیلی امکانات در این کشور داریم. ما یک کشور به معنای حقیقی کلمه غنی هستیم و این «غنا» را مردم باید حس کنند؛ از این غنا باید استفاده کنند. به زارع می‌توانیم بگوییم روی این زمین، خوب و با شیوه‌ی علمی کار کن و محصول به دست بیاور؛ چیز دیگری در اختیار او نیست؛ ولی این مسؤولانند که بایستی نظام این کار را طراحی کنند.

### باید روی دانه‌های روغنی، گلزاو زیتون کار کنید و در برنج و گوشت و لبنیات به خود کفایی برسیم

بر روی دانه‌های روغنی و گلزاو زیتون هم کار شود. یکی از کارهای خوب این دولت این است که می‌خواهند زیتون را هر چه بیش از پیش ترویج کنند؛ وارد سبد غذایی مردم کنند، که جزو کارهای بسیار خوب است. البته کشور بایستی حتماً در برنج و گوشت و لبنیات هم به خود کفایی برسد؛ این جزو کارهایی است که مسؤولان دولتی باید بکنند.



### کشاورزان و دست‌اندر کاران کشاورزی از جوانان مطلع و خبره استفاده کنند

بخش آموزش کشاورزی و ترویج و استفاده از دانش موجود دنیا در دانشگاه‌های ما و فرستادن جوان‌ها برای کمک به روستایی‌ها، جزو کارهای بسیار مهم است. البته به همه‌ی روستاییان و همه‌ی کشاورزان و کسانی که دست‌اندر کار کشاورزی‌اند، توصیه می‌شود که از این جوانان مطلع و خبره در کار کشاورزی استقبال کنند. بنده در بعضی از روستاها از نزدیک ملاحظه کردم که جوان‌های خبره و دانش‌آموخته‌ی کشاورزی، یک نفرشان بیکار نمانده بود! همه در مزارع مشغول کار شده بودند و نتیجه این شده بود که آن بخش از لحاظ محصول کشاورزی، رشد فوق‌العاده‌ی کرد، که در بیانات این عزیزان هم این مسأله را شنیدید. باید از شیوه‌های علمی استفاده کرد.

### نگرانی دشمن از رسیدن کشور به قله‌ی عظیم زندگی مدنی و افتخارات تمدنی خود

عزیزان من! امروز کشور شما، کشوری است در حال حرکت به جلو. این حرف‌ها مربوط به کشاورزی است؛ ولی مادر قضیه‌ی صنعت، در قضیه‌ی تحقیقات، در امر سیاست، در رشته‌های گوناگون علوم، در پدید آوردن مسائل نو، در همه جا، حرکت‌هایی را به برکت انقلاب و به برکت نظام جمهوری اسلامی مشاهده می‌کنیم، که کشور به برکت آنها خواهد توانست این فاصله‌ی ژرفی را که دشمنان میان این کشور و میان کشورهای پیشرفته به وجود آورده‌اند، پُر کند. حرکت امروز کشور، حرکت مبارکی است؛ حرکت سرشار از امید و نگاه به آینده. کاری که امروز دستگاه‌های مختلف می‌کنند، چه در این بخش - بخش کشاورزی - چه در بخش‌های دیگر، باید یک قاعده‌ی محکمی باشد که بتوانند بعد از بیست سال - وقتی دوران سند چشم‌انداز بیست ساله تمام شد - احساس افتخار کنند و بگویند ما بودیم که این تدابیر را اندیشیدیم و امروز کشور بعد از گذشت بیست سال، به این رشد و اعتلاء رسیده است؛ که می‌رسیم ان شاء الله. جوان‌های ما - شماها - خواهید دید ان شاء الله آن روز را؛ و دشمنان مستکبر نظام جمهوری اسلامی از همین می‌ترسند و علت دشمنی‌ها، همین است. آنها از این که یک کشوری، یک ملتی، با تمسک به اسلام بتواند به این قله‌ی عظیم زندگی مدنی و افتخارات تمدنی خود برسد، نگرانند؛ چون می‌دانند این بهترین مروج اسلام و بهترین مروج معنویت است؛ می‌دانند که اگر این راه را این ملت طی کرد، جلوی زیاده‌خواهی‌ها و زیاده‌خواری‌های آنها گرفته خواهد شد. کمپانی‌های غاصب صهیونیست‌ها و دیگران، می‌خواهند دنیا را بچاپند؛ سخت‌شان است که ببینند یک ملتی در مقابل داعیه‌های آنها این‌طور در همه‌ی بخش‌ها جلو می‌رود؛ اما علی‌رغم آنها ملت ایران به پیش خواهد رفت و اسلام عزیز سربلندتر از آنچه که هست، خواهد شد و ان شاء الله پرچم عزت اسلامی بر بلندای این ملت و همه‌ی دنیای اسلام به اهتزاز در خواهد آمد.

سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم نظام  
درباره بندج اصل چهل و چهار قانون اساسی

بندج سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا.

## سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم نظام درباره بندج اصل چهل و چهار قانون اساسی\*

بسم الله الرحمن الرحيم

### بندج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا:

- با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور
- \* تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت
- \* توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاهای بازارهای بین‌المللی
- \* آماده‌سازی بنگاه‌های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرایند تدریجی و هدفمند.
- \* توسعه سرمایه انسانی دانش پایه و متخصص
- \* توسعه و ارتقاء استانداردهای ملی و انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی
- \* جهت‌گیری خصوصی‌سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی و بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بندج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا.
- مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد.
- واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی به شرح ذیل مجاز است:

- ۱- بنگاههای دولتی که در زمینه معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) فعال هستند به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت های استخراج و تولید نفت خام و گاز
- ۲- بانکهای دولتی به استثنای بانک مرکزی ج.ا.ا. بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات
- ۳- شرکت های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران
- ۴- شرکتهای هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی
- ۵- بنگاههای تامین نیرو به استثنای شبکه های اصلی انتقال برق
- ۶- بنگاههای پستی و مخابراتی به استثنای شبکه های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی
- ۷- صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قو

الزامات واگذاری:

- الف) قیمت گذاری سهام از طریق بازار بورس انجام می شود
- ب) فراخوان عمومی با اطلاع رسانی مناسب جهت ترغیب و تشویق عموم به مشارکت و جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی صورت پذیرد.
- ج) جهت تضمین بازدهی مناسب سهام شرکتهای مشمول واگذاری اصلاحات لازم در خصوص بازار، قیمت گذاری محصولات و مدیریت مناسب براساس قانون تجارت انجام گردد.
- د) واگذاری سهام شرکتهای مشمول طرح در قالب شرکتهای مادر تخصصی و شرکت های زیرمجموعه با کارشناسی همه جانبه صورت گیرد.
- ه) به منظور اصلاح مدیریت و افزایش بهره وری بنگاههای مشمول واگذاری با استفاده از ظرفیتهای مدیریتی کشور اقدامات لازم جهت جذب مدیران با تجربه، متخصص و کارآمد انجام پذیرد.
- فروش اقساطی حداکثر ۵٪ از سهام شرکتهای مشمول بند ج به مدیران و کارکنان شرکتهای فوق مجاز است.
- و) با توجه به ابلاغ بند ج سیاستهای کلی اصل ۴۴ و تغییر وظایف حاکمیتی، دولت موظف است نقش جدید خود در سیاستگذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی را تدوین و اجرا نماید.
- ی) تخصیص درصدی از منابع واگذاری جهت حوزه های نوین با فناوری پیشرفته در راستای وظایف حاکمیتی مجاز است.



«افزایش ثروت ملی» و «توزیع عادلانه و رفع محرومیت»  
دو پایه اصلی اقتصاد اسلامی

پیشرفتهای اجرای اصل ۴۴ رضایت بخش

نیست

باید در دستگاہها بر اساس سیاستهای اصل ۴۴

تغییراتی ایجاد شود

متناسب نبودن تحولاتی که در زمینه‌ی

اقتصادی انجام گرفته با تحولات در بخشهای دیگر

دو پایه‌ی اصلی در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی

فعالیت اقتصادی و تولید ثروت و سرمایه‌گذاری

نیاز داریم

شرطهای مطرح شده در اصل ۴۴

واگذاری بنگاههای غیر مشمول اصل ۴۴ به

مردم

خلاصه‌ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴

مسأله‌ی سهام عدالت در اصل ۴۴

تولید ثروت با استفاده از فساد نباید باشد

و...

## «افزایش ثروت ملی» و «توزیع عادلانه و رفع محرومیت» دو پایه اصلی اقتصاد اسلامی\*

### پیشرفتهای اجرای اصل ۴۴ رضایت بخش نیست

در اول خرداد سال ۱۳۸۴ سیاستهای کلی اصل ۴۴ - به استثنای بند «ج» این سیاستها - ابلاغ شد. در حدود یک سال بعد، یعنی ۸۵/۴/۱۱، بند «ج» این سیاستها هم - که مربوط به واگذاری بنگاههای اقتصادی دولتی به بخش خصوصی و تعاونی است - ابلاغ شد. فردای آن روز هم در پاسخ به نامه‌ی رئیس جمهور محترم، مجوز واگذاری درصدی از سهام بنگاههای بند «ج» به مجموعه‌ای که به عنوان «سهام عدالت» قرار شد بین گروههایی از جامعه تقسیم بشود، ابلاغ شد.

از آخرین ابلاغ ما - یعنی ۸۵/۴/۱۲ - تا امروز، ماههای زیادی می‌گذرد و از تاریخ اول ابلاغ، یعنی اول خرداد ۸۴ تا امروز، یک سال و نیم بیشتر می‌گذرد. پیشرفتهای در این باب رضایت بخش نیست. این را من صریحاً به رؤسای محترم سه قوه در یکی دو ماه قبل از این، گفتم؛ به شما هم که مسئولان رده‌های مختلف پیشرفت این کار در بخشهای مختلف هستید، عرض می‌کنم. حالا چرا این پیشرفتهای خوب نیست؟ یا به خاطر اینکه توجه لازم به اهمیت این سیاستها و آنچه که در پس زمینه‌ی ابلاغ این سیاستها دیده شده بود - یعنی یک تحول عظیم اقتصادی در کشور و ابعاد آن - نشده؛ یا به خاطر اینکه از مسئله، برداشتهای مختلفی هست. افراد هر کدامی در دستگاههای مختلف یا حتی در یک دستگاه، از بندهای مختلف این سیاستها و از مقاصد آنها و از نتیجه‌ای که باید بر اجرای آن سیاستها عاید بشود، متفق القول نیستند؛ درک واحدی و برداشت واحدی ندارند.

این جلسه برای این است که هم اهمیت این کار از نظر ما به شما برادران عزیز صریحاً گفته بشود؛ هم درک



و برداشت مشترکی به وجود بیاید و سلائق گوناگون، راه را بر این اقدام بسیار مهم و ضروری و حیاتی نبندد.

### باید در دستگاهها بر اساس سیاستهای اصل ۴۴ تغییراتی ایجاد شود

برادران! نتیجه‌ی این جلسه‌ی ما، باید این باشد که ما در نگرش‌هایمان در مسئله‌ی اقتصاد کشور، در رفتار‌هایمان و در ساختارهای تشکیلاتی و اداریمان، قوانینمان و قواعد موضوعه‌مان، نقشه‌ها و سهمیه‌هایی که هر کدام از دستگاهها دارند، باید تغییراتی بدهیم و بر اساس این سیاستگذاری و این سیاستها، آینده‌ی خودمان را شکل بدهیم. این جزو وظایف حتمی همه‌ی دستگاههای کشور است. بودجه بر اساس این سیاستها بایستی تنظیم و تصویب بشود؛ باید فعالیتهای اقتصادی بیرون از بودجه، بر اساس این سیاستها تنظیم بشود. در این زمینه هم مجلس، هم دولت، هم قوه‌ی قضائیه و وظائف بسیار مهمی دارند، که باید انجام بدهند.

### متناسب نبودن تحولاتی که در زمینه‌ی اقتصادی انجام گرفته با تحولات در بخشهای دیگر

در درجه‌ی اول ما یک تبیینی بکنیم؛ انگیزه‌های این سیاستها را عرض بکنیم. ما وقتی به وضع خودمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم تحولاتی که از انقلاب اسلامی در کشور ما ناشی شد، تحولات بسیار عظیم و عمیقی است؛ در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در اثبات هویت ملی، این تحولات، تحولات ۱۸۰ درجه‌ای است و بسیار عمیق است. با این حرفها و گفته‌ها و مطالبی که دشمنان ما یک‌جور، بعضی از دوستان بی‌توجه ما یک‌جور بیان می‌کنند، آنچه که به دست آمده، خدشه‌دار هم نمی‌شود؛ خیلی عظیم‌تر از این حرفهاست. لکن صریحاً عرض می‌کنم تحولاتی که در زمینه‌ی اقتصادی انجام گرفته، متناسب با تحولات در بخشهای دیگر نیست. ما باید می‌توانستیم یک الگوی موفق‌تری از اقتصاد به دنیا عرضه کنیم. به طور خلاصه باید ما هم کارآمدی در جهت رشد رونق اقتصاد، هم کارآمدی در جهت تأمین عدالت را به دنیا نشان می‌دادیم. البته کارهایی را که شده و می‌دانیم، نمی‌خواهیم انکار کنیم؛ کارهای بسیار مهمی انجام گرفته، لکن به آن سطحی که باید می‌رسیدیم، قطعاً نرسیده‌ایم و این برای ما دردناک است.

### دو پایه‌ی اصلی در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی

ما وقتی به صورت کلان به زمینه‌ی اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه‌ی اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه‌ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هر چه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف

کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دو تا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحان را بیاورید؛ باید این دو تا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد.

### فعالیت اقتصادی و تولید ثروت و سرمایه گذاری نیاز داریم

برای اینکه بتوانیم کشور را از لحاظ ثروت ملی به حد استغناء و بی نیازی برسانیم، باید سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه‌ی آحاد فعال کشور قرار بگیرد؛ یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. دولت باید از آن حمایت کند؛ قانون باید از آن حمایت کند. خیل عظیم نیروهای جوان و تحصیلکرده و مدیران مجرب و لایق - که بحمدالله در کشور ما هر دو، هم جوانان تحصیلکرده و هم مدیران لایق زیاده - باید بتوانند پروژه‌های بزرگ و فعالیتهای کار آفرین و ثروت آفرین کشور را به دست بگیرند؛ اجرا کنند و پیش ببرند؛ باید بتوانند. کشور از لحاظ منابع مادی و از لحاظ منابع انسانی قوی است. تا این جای مطلب، فکر نمی‌کنم کسی بتواند نظر مخالفی را با اتکاء به دیدگاههای اسلامی مطرح کند.

### شرطهای مطرح شده در اصل ۴۴

نویسندگان قانون اساسی و اصل ۴۴، هم هوشمند بودند، هم منصف؛ به نظر بنده. ما با بیشتر اینها از نزدیک کار کرده بودیم. در محصول کار هم که همین اصل ۴۴، اصل ۴۳ و اینهاست، کاملاً پیداست که اینها هم مردمان هوشمندی بودند، هم مردمان باانصافی بودند. اینها آن چیزی را که از نظرشان به شکل کلی درست هم هست، خط میانه‌ی بین اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیسم شناخته بودند و این را در قالب آن سه محور اصلی مالکیت، در اصل ۴۴ ریختند. مالکیت‌های اختصاصی دولتی، مالکیت تعاونی، و مالکیت بخش خصوصی؛ اینها را تقسیم‌بندی کردند. بعد، در ذیلش برای این، دو سه تا شرط قرار دادند. یکی از شرطها این است که این تقسیم‌بندی با این مصادیق - که مصادیق را ذکر کردم - باید موجب رشد و توسعه‌ی اقتصاد بشود؛ باید مایه‌ی زیان نباشد. یعنی اگر یک روزی مسئولان کشور تشخیص دادند که این تقسیم‌بندی، مایه‌ی زیان است؛ موجب رشد اقتصادی نیست، این قانون دیگر در آن روز، بدین شکل اعتبار ندارد و به شکلی که منطبق بر مصلحت باشد، انطباق دارد. این، هوشمندی و انصاف آنها را می‌رساند.

ما در دهه‌ی اول انقلاب به خاطر مسائل دفاع مقدس و جنگ و گرفتاریهای گوناگون و محاصرات عجیب و غریب اقتصادی و غیره، اقداماتی را کردیم که به مالکیت گسترده‌ی دولت منتهی شد؛ بیش از آن مقداری که در این اصل قانون اساسی ذکر شده بود. البته همان وقتها هم در بسیاری از اینها جای حرف بود. من خودم در بخش عمده‌ی آن دوره رئیس جمهور بودم و با مسئولان اقتصادی دولت و با رئیس دولت و مسئولان اقتصادی مباحثات فراوانی داشتیم، لکن به هر حال ضرورتها بر آنها و بر کشور این مسائل را تحمیل کرد و مالکیت دولتی به شکلی فراتر از آنچه که در اصل ۴۴ دیده شده بود، گسترش پیدا کرد، اما در دهه‌ی دوم و سوم، یعنی

بعد از جنگ تا امروز، ما نباید با گسترش شرکتهای دولتی غیر ضروری - که چند هزار شرکت دولتی وجود دارد که تعداد مهمی از اینها حقیقتاً غیر ضروری بودند - موافقت می کردیم؛ یعنی تشکیل آنها به وسیلهی دولت، یا واگذار نکردن بنگاههای ذیل اصل ۴۴ به مردم، عمل موافق مصلحت نبود.

### ❁ واگذاری بنگاههای غیر مشمول اصل ۴۴ به مردم

یکی از وظائفی که ما در اصل ۴۴ و بر اساس قانونی که در شورای انقلاب تصویب کرده بودیم، مسلم بود، این بود که بنگاههای غیر مشمول صدر اصل ۴۴ را کلاً به مردم واگذار کنند. آنجا هم ما یک مصوبه و یک قانونی داشتیم که بند «الف» و «ب» و «ج» و «د» داشت. بند «ج» شرکتهای و بنگاههایی بود که از رژیم گذشته به دولت مقروض بودند. مقرر شده بود که اینها قرضشان را که دادند، شرکت به آنها داده شود، اما این کار را نکردند. من الان یادم هست که در اول ریاست جمهوری، گمان می کنم که با استناد به قانون اساسی، به آن هیئتی که شرکتهای بند «ج» را به عناوین مشمول بند «ب» متصل می کردند - بند «ب» یک تعداد شرکت بود که باید در اختیار دولت قرار می گرفت - اعتراض کردم.

اگر ضرورتهایی هم این کار را در آن دوره ایجاب می کرد، نباید دیگر این کارها در دورهی بعد از جنگ، در دههی دوم و سوم، انجام می گرفت؛ نباید بیخود شرکت تولید می شد؛ نباید از واگذاری شرکتهای دولتی به مردم در آن بخشی که قانون اساسی تصریح به آن کرده بود، کوتاهی می شد؛ باید می دادیم. باید مالکیت دولت را روز به روز کمتر می کردیم. این طور نشد، بلکه بیشتر و گسترده تر شد! و خیلی از درآمدهایی که باید در خدمت تولید، در خدمت گردش صحیح پول در جامعه قرار می گرفت، صرف کارهای غیر لازم شد؛ فعالیتهای اسراف آمیز، ساختمان سازیهای بیخودی. و حتماً به اقتصاد کشور لطمه خورد. به هر حال، این کار در این دو دهه نباید انجام می گرفت. واقعیت وضع کنونی این است: گستره ی عظیم مالکیتهای دولتی، بعضاً برخلاف همان متن موجود اصل ۴۴، و بسیاری هم برخلاف این شرطی که در ذیل اصل ۴۴ آمده.

سند چشم انداز هدفهایی را معین کرده، که ما دیدیم با این وضعیت، ما به سند چشم انداز و اهداف آن، نخواهیم رسید. سرمایه گذار بهایی باید انجام بگیرد که طبق محاسباتی که کرده اند، رشد آنها باید حدود دوازده درصد در سال باشد. این، خیلی رقم بالایی می شود. فقط در بخش نفت محاسبه کردند که در طول ده سال آینده، ۱۷۰ میلیارد دلار باید سرمایه گذاری کنیم؛ یعنی سالی ۱۷ میلیارد. دولت قادر است این سرمایه گذاری را انجام بدهد؟ اینها خارج از توان دولت است. علاوه ی بر همه ی اینها، دولت وظائف سنگینی در حوزه های راهبردی، در فعالیتهای جدید، سرمایه گذار بهایی فراوان در زمینه ی فناوریهای پیشرفته دارد. کارهایی که بخش خصوصی به طور طبیعی انجام نمی دهد، اینها را باید دولت انجام بدهد و آینده ی کشور متوقف به اینهاست؛ مثل همین مسئله ی هسته ای.

از طرفی، عین همین نگرانیها در بخش مربوط به عدالت - مسئله ی رفع فقر و محرومیت - هم وجود دارد. همین طور نگرانی ها هست، که قبلاً اشاره کردم. البته امروز شما به تبلیغات خارجیها که نگاه کنید - چه

تبلیغات علنی‌شان، چه آنچه که در محاورات سیاسی و دیپلماسی دوجانبه بیان می‌کنند، که شاید این گفتگوها در اختیار بعضی از شماها باشد - می‌بینید می‌خواهند مسئولیت این وضع را به گردن دولت کنونی بیندازند. این، غلط است؛ این طور نیست، بلکه در طول سالها بتدریج به وجود آمده؛ کسی هم سوءنیت نداشته است. روش، روش درستی نبود و به اینجا منتهی شد.

#### 🔗 خلاصه‌ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴

اینها بر روی هم موجب شد که ما مسئله‌ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ را مد نظر قرار بدهیم. البته از آن وقتی که بنده به مجمع تشخیص مصلحت - سال ۷۸ به نظرم یا ۷۷ بود - گفتم که روی این مسئله کار نکنند، تا سال ۸۳ که آمد و تا سال ۸۴ که ما ابلاغ کردیم، چند سال طول کشید. سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ - این پنج بندی که ما در این سیاستها قرار داده‌ایم - خلاصه‌اش این است: بند «الف»، بند «ب»، بند «ج»، بند «د»، بند «ه». بعضی از این بندها مثل بند «الف» یا بند «د» به دو بخش تقسیم می‌شود. خلاصه‌ی این سیاستها عبارت است از آزاد شدن دولت از فعالیتهای اقتصادی غیر ضرور، باز شدن راه برای حضور حقیقی سرمایه‌گذار در عرصه‌ی اقتصاد کشور، تکیه بر تعاون - شرکتهای تعاونی - و چتر گسترده شرکتهای تعاونی بر روی اقشار ضعیف مردم، پرداختن دولت به آداب و قواعد نقش حاکمیتی، سیاستگذاریهای اجرائی و ایفای نقش حاکمیتی و صرف چگونگی مصرف درآمدهای ناشی از این واگذاری در بخشهایی که ذکر شده، و بعد، الزامات دولت در امر واگذاری. این، خلاصه‌ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ است.

#### 🔗 مسأله‌ی سهام عدالت در اصل ۴۴

وقتی مسأله‌ی سهام عدالت مطرح شد، ما از این کار استقبال کردیم؛ احساس کردیم اینکه حداقل دو دهک پائین جامعه را از یک سهمی در یک سرمایه‌ی مشغول کار و مشغول تولید و درآمدزا برخوردار کنیم، یک فرصت بسیار مهمی است. گفتیم این سهام را با تخفیف و با امهال بدهند.

البته این سیاستها این طور که من شرح دادم، واضح است که به معنای چوب حراج زدن بر ثروت دولت نیست؛ به هیچ وجه ما میل نیستیم و اجازه نمی‌دهیم که ثروتهای دولت که مال مردم است، چوب حراج زده شود و از بین برود؛ نه، این تبدیل این موجودی کم‌بازده و بی‌اثر یا کم‌اثر به یک موجودی پراثر و پیش‌برنده‌ی اقتصاد کشور است و البته در کنار این، سوق دادن ثروتهای عمومی، یعنی بیت‌المال، به سمت اقشار محروم است. در بخشهای مختلف، برخی از ابهامات را در ذهنها وارد کردند، یا وارد می‌کنند. بعضی هم با خود من مطرح کردند و گفتند شما با ابلاغ این سیاستها موجب می‌شوید که افرادی دارای ثروتهای بزرگ و سنگین بشوند؛ با این فعالیتهای اقتصادی یک عده ثروتمند می‌شوند. من در جواب آنها گفته‌ام و حالا هم می‌گویم که ثروتمند شدن از راه قانونی و مشروع، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد. ما هیچ وقت نگفتیم که اگر کسی فعالیت قانونی و مشروع بکند و ثروتی به دست بیاورد، از نظر شرع نامطلوب است. هیچ کس این را

نگفته و نمی‌گوید؛ افرادی که دین را می‌شناسند و قرآن را می‌شناسند.

### تولید ثروت با استفاده از فساد نباید باشد

دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه‌ی تولید و نحوه‌ی استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است؛ چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد؛ از راههای غیر قانونی، با استفاده‌ی از تقلبات و تخلفات نباشد؛ مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد؛ بتواند مثل خونی در رگهای جامعه جریان پیدا کند؛ صرف در فساد نباشد. این آیه‌ی شریفه را ملاحظه کنید - سوره‌ی قصص، آیات مربوط به قارون - قارون یک نمونه‌ی کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون، (یا بزرگان و متدینین بنی اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل میکند: «قال له قومه» - این حرفها از آدمهای عامی و معمولی نیست؛ بنابراین حرفهای معتبری است؛ علاوه بر اینکه خود قرآن این حرفها را تقریر می‌کند؛ یعنی بیان اثبات می‌کند - که به او می‌گویند: «و ابتغ فیما اتاک الله دار الآخرة»؛ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله‌ی به دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدنیا علی الآخرة»؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن.

توصیه‌ی دوم: «و لا تنس نصیبک من الدنیا»؛ سهم خودت را هم فراموش نکن. خود تو هم سهمی داری، نصیبی داری؛ آن را هم ما نمی‌گوییم که استفاده نکن؛ خودت بهره‌مند نشو از این ثروت؛ نه، بهره‌مند هم بشو؛ مانعی ندارد.

سوم: «و أحسن كما أحسن الله إليك»؛ خدا به تو این ثروت را داده؛ تو هم وسیله‌ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی. یعنی سهمی از این را به مردم بده. چهارم: «و لا تبغ الفساد فی الأرض»؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف نشو. به او نمی‌گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای از دیداد آن استفاده نکن؛ یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت نزن؛ می‌گویند سوءاستفاده نکن؛ از این ثروت استفاده‌ی خوب بکن، که بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش؛ سهم خودت را هم داشته باش. منطق اسلام این است.

### تولید ثروت با نیت خیر در بر دارنده اجر الهی و اخروی است

شما در کتابها خوانده‌اید، از اهل منبر و خطبا هم زیاد شنیده‌اید که امیرالمؤمنین اوقاف زیادی دارد. گفت: «لا وقف إلا فی ملک». کسی که مالک نباشد، که نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمؤمنین بود. امیرالمؤمنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم آبی،

امیرالمؤمنین چاه می زد، آب بیرون می آورد، مزرعه درست می کرد، آباد می کرد، بعد وقف می کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه‌دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.

اگر از من سؤال کنند کسی ثروتی تولید کند برای اینکه بیست نفر یا صد نفر انسان را که زندگی‌شان سرشار از محرومیت است، به نوا برساند، یا مثلاً فرض بفرمایید که پنجاه نفر را که در فلان شهر زندگی می‌کنند و در آرزوی یک بار زیارت قبر مطهر علی بن موسی الرضا در حسرتند و نتوانستند بروند، اینها را با ثروتش به زیارت ببرد، این بهتر است یا با همین پولی که می‌خواهد با آن تولید ثروت کند، ده سال پشت سر هم عمره برود، بنده به طور قطع و یقین و بدون هیچ تردید خواهیم گفت اولی مقدم است. حالا هر سال عمره نرود. تولید ثروت فی نفسه ممدوح است؛ اگر با نیت کمک باشد، آن وقت حسنه‌ی الهی هم هست؛ اجر الهی و اخروی هم دارد.

#### مدرسه و بیمارستان سازی نمونه‌هایی از اهل خیر بودن مردم ایران است

مردم ما اهل خیرند. این واقعیت را نباید نادیده گرفت. مال حالا هم نیست، از سابق هم همین‌طور بوده، حالا هم بیشتر هست. این نهضت مدرسه‌سازی - خیرین مدرسه‌ساز - همین قدر که راه باز می‌شود برای اینکه مردم ببینند و کمک کنند، شما ببینید چقدر مردم کمک می‌کنند. این نهضت در مانگه‌سازی و بیمارستان‌سازی که از قبل از انقلاب در مشهد راه افتاد؛ الان شاید بهترین بیمارستان مشهد یا یکی از بهترین بیمارستانهای مشهد، بیمارستانی است که با همین پولهای مردم اداره می‌شود و همین خیرین آن را اداره می‌کنند. در جاهای دیگر هم هست. اخیراً چند ماه قبل از این، از شیراز کسانی آمده بودند پیش من که اینها راجع به کارهای بهداشتی و درمانی کارهای بسیار باارزش و مفیدی انجام داده بودند، که ما توصیه کردیم این را با جاهای دیگر هم در میان بگذارید و انجام دهید. مردم این جورند. این کارها را افراد ثروتمند می‌توانند انجام بدهند. همین جا ما در تهران بیمارستانی داشتیم که شاید مرجع چقدر از مجروحین تظاهرات بود؛ همین بیمارستان بازرگانان. یک عده خیر این کارها را انجام می‌دهند؛ راه می‌اندازند. مردم ما این جورند؛ اهل خیرند. و کسانی که حالا اوقافی دارند و این همه وقف، این همه کارهای فی سبیل الله، اینها ناشی از وجود ثروت افراد است. ما با این بد نیستیم. چرا بیخود در بیرون منعکس بشود که نظام اسلامی و مسئولان کشور، تا کسی بخواهد یک مقدار پول به دست بیاورد، اخم‌هاشان را در هم می‌کنند؛ احساس بغض و نفرت نسبت به او می‌کنند. این جور نیست؛ واقعیت این نیست.

#### هدف از ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴، سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی مردم

این اشکال به نظر ما اشکال واردی نیست. یکی از دوستان نزدیک و بسیار خوب ما به من گفت که می‌گویند



این سیاست‌های اصل ۴۴ که شما ابلاغ کردید، موجب ثروتمند شدن افراد و وارد شدن سرمایه‌دارها به میدان می‌شود. من گفتم اصلاً ما این سیاست‌ها را ابلاغ کردیم برای اینکه همین کار بشود؛ برای اینکه بیایند وارد میدان بشوند، سرمایه‌گذاری کنند، فعالیت اقتصادی کنند. می‌گویند اینجوری می‌شود؟! ما اصلاً برای همین ابلاغ کردیم که این کار بشود.

### 🏠 مبارزه با مفاسد اقتصادی کمک کننده به فعالیت اقتصادی است

بعضی دیگر این ابهام در ذهنشان هست که این همه راجع به مفاسد اقتصادی گفتید و حرص خوردید و دستور دادید، که بعضی‌اش عمل شده و بعضی‌اش عمل نشده، حالا چطور شما این را می‌گویید؟ من عرض می‌کنم: دوستان! اگر مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی به همان صورتی که بنده گفتم، با همان جدیت انجام بگیرد، کمک بسیار مهمی به همین فعالیت اقتصادی و نشاط سالم اقتصادی خواهد کرد. این دو تا مکمل همنند.

### 🏠 پیچ و خمهای اداری در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ باید کم شود

همان چند سال پیش که بنده اول بار راجع به مفاسد اقتصادی صحبت کردم، بعضی از مسئولان در ذهنشان این بود که ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. من گفتم نه، آن کسانی که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند، خوشحال می‌شوند از اینکه یک عده کلاش و قلاش و کلاهبردار و پشت‌هم‌انداز و قانون‌شکن در میدان نباشند، راه‌ها را نبندند، اینها را بدنام نکنند. ما این دو تا را نه فقط با همدیگر منافی نمی‌دانیم، بلکه بنده اینها را مکمل هم می‌دانم؛ معتقدم که مبارزه‌ی با فساد و ریشه‌کنی فساد، بستر ساز رقابت سالم اقتصادی است و کمک به همین سیاست‌های اصل ۴۴ است که ابلاغ کردیم. البته برای اینکه فساد در این کار راه پیدا نکند، یک الزاماتی وجود دارد که دولت، مجلس و قوه قضائیه، باید به آنها پایبند باشند. من اجمالاً اشاره خواهم کرد:

باید مقررات را شفاف کنند، راه‌ها را کوتاه کنند، پیچ و خمهای اداری را کم کنند. اینکه اختیار یک فعالیت اقتصادی ناگهان برگردد به یک مأموری که پشت فلان میز و در فلان اداره نشسته، که او بتواند بگوید آری یا نه، و سرنوشت یک کار را فراهم بکند، این بزرگترین ضربه است. این مأمور در معرض خطر است؛ در معرض لغزش است. باید کاری کرد که این، پیش نیاید. باید قواعد، قوانین و روشها اصلاح شود و بر اساس آنچه که در اینجا هست، تغییر پیدا کند.

### 🏠 اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ جهاد است

این را هم من می‌خواهم جداً به دوستان عرض بکنم که این کار، یعنی اجرای این سیاست‌ها، مخالفان و دشمنانی دارد. چون دشمنانی دارد، پس تلاش در اجرای این سیاست‌ها یک نوع جهاد است. هر تلاشی که در



مقابله‌ی با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد. دشمنانش چه کسانی هستند؟ بعضی از مخالفان نمی‌خواهند با اجرایی شدن این سیاستها، کمبودها برطرف شود. اصلاً نمی‌خواهند نظام اسلامی آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی را داشته باشد. روی فشار اقتصادی بر کشور برنامه‌ریزی کرده‌اند. خار جیها از این قبیلند. الان ببینید، همین طور مثل یک گرگ گرسنه‌ای که نشسته و منتظر است که فرصتی پیدا کند و حمله کند، منتظرند بتوانند یک اقدام اقتصادی بکنند. البته از اقدام نظامی و اجتماعی مایوسند؛ خودشان هم می‌گویند که باید فشار اقتصادی بیاوریم. می‌خواهند فشارهای اقتصادی را زیاد کنند. یکی از چیزهایی که می‌تواند این فشارها را کم کند، یا تأثیرش را بسیار کم کند، همین اجرای این سیاستهاست. آنها مایل نیستند این سیاستها اجرا شود. ممکن است در داخل هم دوستان و طرفدارانی داشته باشند. بعضی - که این دیگر مربوط به داخلی هاست - در وضع کنونی منافی دارند؛ ذی‌نفع‌اند و دلشان نمی‌خواهد این وضعیت به هم بخورد. از اینکه اجازه یک مدیر، گردش قلم یک مدیر یا یک مسئول، حالا در هر جا - چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در مجلس - توانایی این را داشته باشد که خیلی از این چیزها را جابه‌جا بکند، این را معتنم می‌شمارند و نمی‌خواهند از بین برود. بنابراین، اینها هم جزء مخالفان هستند. حالا بعضی‌ها هم شاید باشند که نخواهند متصدی این کار بزرگ، دولت کنونی باشد. البته این را احتمال می‌دهیم، یقین نداریم.

#### 🏠 وظیفه همگانی در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴

حالا که اهمیت این کار معلوم شد، آنچه که من عرض می‌کنم این است که همه در این بخش، وظیفه دارند. علت اینکه من با دوستان خواستم صحبت بکنم، همین بود که همه توجه کنند که در بخشهای خودشان اجرای این کار را تسهیل کنند؛ هم در مجلس قوانین و مقرراتی بایستی تدوین شود یا تغییر پیدا کند، هم در بخشهای مختلف دولت بایست مدیران و مسئولان به این کار اهتمام بورزند و با جدیت آن را دنبال کنند، و هم در قوه قضائیه، که ما جلسه‌ای که با آقایان داشتیم، از قوه قضائیه خواستیم که دادگاههای تخصصی برای رسیدگی به این مسائل و دفاع از حقوق مالکیت افراد تشکیل بدهند. هم در این زمینه دادگاه تخصصی لازم است، هم در زمینه مسائل مربوط به مفاسد اقتصادی. در هر دو جا بخشهای تخصصی و دادگاههای تخصصی لازم است که کسانی باشند که با اهتمام کامل مسئله را دنبال کنند. در بخشهای دولتی هم باید همه جدیت داشته باشند و سرعت عمل. البته «سرعت عمل» که می‌گوییم، مرادمان شتابزدگی نیست؛ سرعت عمل بدون شتابزدگی. یک مقطعی را مشخص کنند و کارها را پیش ببرند و نتایج کارها را به مسئولان بالاتر گزارش بدهند. ما هم در اینجا از چند ماه پیش یک کار گروهی را تشکیل دادیم برای اینکه در سه قوه موضوع را دنبال کنند. حالا در مجلس هم کمیسیونی برای این کار تشکیل شده، در دولت هم مجموعه‌ای برای این کار هست. باید کار را سرعت بخشند. سرعت بخشیدن به کار منافات ندارد با اینکه کار شتابزده انجام نگیرد؛ یعنی مطالعات را بکنند و اطرافش را هم درست بسنجند؛ با آدمهای صاحب‌نظر مشورت بکنند. این

یک وظیفه است که همه باید در کار خودشان جدی باشند.

### همه بخشهای سیاستهای اصل ۴۴ باید در نظر گرفته شود

دوم اینکه همه‌ی بخشهای این سیاستها را مد نظر قرار بدهند. این سیاستها از بند «الف» دارد تا بند «ه». پنج بند است. بند «الف» که خودش دو بخش است: یک بخش آزاد کردن دولت از بار سنگین شرکتی است که در ذیل اصل ۴۴ به آن شرکتها اشاره شده؛ یعنی چیزهایی که مربوط به صدر اصل ۴۴ بود و باید خودش را زودتر از اینها خلاص کند. یک بخش دیگر این است که به مردم، به بخشهای خصوصی و تعاونی اجازه داده می‌شود که در مواردی که مشابه صدر اصل ۴۴ هست، سرمایه‌گذاری کنند. بند «ب» مربوط به تعاونی‌هاست و خصوصیتی که مربوط به تعاونی‌هاست، در آن ذکر شده. بند «ج» مربوط به واگذار بهاست؛ یعنی واگذاری همان شرکتی که در صدر اصل ۴۴ آمده؛ با یک استثنایی. چند استثنا در آنجا ذکر شده. بند «د» باز خودش دو بخش دارد. یک بخش الزامات، که دولت کارهایی را باید انجام بدهد تا این انتقال صحیح انجام بگیرد و تسهیل بشود و بخش خصوصی به این کار رغبت پیدا کند؛ یک بخش هم مربوط به مصارف درآمدهای این است که وقتی به بخش خصوصی یا تعاونی واگذار می‌کنند، مابه‌ازای او و درآمد او که در دولت می‌آید، در کجا مصرف بشود. بند آخر هم که بند «ه» است، مربوط به سیاستهای حاکمیتی دولت است. دولت سیاستهای حاکمیتی خودش را باید حفظ کند، برنامه‌گذاری کند، سیاستگذاری کند، هدایت کند، در یک موارد خاصی سرمایه‌گذاری کند، متمرکز بشود؛ در یک موارد خاصی، از قبیل آنچه که عرض کردیم. همه‌ی این بندها باید با هم مد نظر قرار بگیرد. والا ما بعضی از این بندها را جلو بیندازیم، بعضی از بندها را فراموش کنیم؛ این عدم تعادل به وجود خواهد آمد و درست نیست.

### باید مقررات شفاف سازی شود

کار سومی که باید انجام بگیرد که قبلاً هم اشاره کردیم، شفاف‌سازی مقررات است. مقررات را بایستی شفاف کرد که جای توجیه و تبدیل و تأویل نباشد. راههای تقلب بسته بشود، جلوی کسانی که اهل سوءاستفاده از ظواهر قوانین هستند، گرفته شود.

### باید به مردم اطلاع رسانی شود

کار دیگری که لازم است انجام بگیرد، اطلاع‌رسانی به مردم است. مردم باید در جریان جزئیات کار قرار بگیرند و بدانند که در کجا می‌توانند فعالیت اقتصادی کنند، کجا می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، چه طور می‌توانند در یک تعاونی وارد شوند. غالب مردم بی‌اطلاعند. سال گذشته وقتی این سیاستها از تلویزیون اعلام شد و گفته شد، بعضی از خواص شنیدند، خوشبخت شدند؛ خوشحال شدند. اغلب مردم که ما می‌دیدیم، اصلاً توجه نداشتند که موضوع چیست! باید برای مردم تشریح بشود؛ تبیین بشود؛ بدانند چگونه می‌توانند

از کمک دولت استفاده کنند، بخش خصوصی از چه امتیازاتی می‌تواند استفاده کند، دولت چه کمکهایی می‌تواند به او کند؛ چه حمایت‌هایی می‌کند، در کجاها می‌تواند وارد بشوند و سرمایه‌گذاری کنند. کار بعدی مسئله تقنین است که اشاره کردیم که حتماً مرکز پژوهش‌های مجلس و بخش‌های مربوط به این مسئله در مجلس، باید واقعاً به قوانینی که لازم است، بپردازند و اینها را تهیه کنند؛ فراهم کنند و با دولت هم همکاری و همفکری کنند.

#### از مالکیت‌های قانونی حمایت کامل قضائی کنید

و آخرین مطلب هم حمایت کامل قضائی از مالکیت‌های قانونی است. به نظر ما اگر چنانچه ان شاء الله مسئولان ما همت کنند - که عمدتاً در اینجا جمع هستید و رؤسای محترم سه قوه هم در جریان این نظرات کاملاً قرار گرفتند - ان شاء الله در ظرف دو سه سال می‌توان نشانه‌های حرکت صحیح و تغییر محسوس را در کشور به چشم دید و ان شاء الله به آینده امیدوار تر شد.

## الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت

خیانت‌هایی که به اسم پیشرفت به ایران شده است

پیشرفت‌های بهت‌آور جمهوری اسلامی بعد از

انقلاب تاکنون

مدل‌سازی و الگوسازی، کارنخبگان ماست

باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا

کنیم

پیشرفت از نظر اسلام، پیشرفت مادی به عنوان

وسیله برای رسیدن به رشد و تعالی انسان

در اسلام نگاه به انسان از دوزاویه است

وظیفه انسان، مدیریت آباد کردن دنیا است

لزوم تهیه نقشه‌ی پیشرفت کشور بر اساس

جهان‌بینی اسلام

استقلال یعنی در مقابل حرکت قدرتمندان عالم،

حالت انفعال به خودنگیریم

باید اعتماد به نفس ملی را تقویت کنیم

## الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی\*

## لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت

بحشی که امروز من مطرح میکنم، بحث لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت است. ما میخواهیم پیشرفت کنیم. مدل این پیشرفت چیست؟ این مدل را باید بازشناسی کنیم. در آخرین دیداری که من با دانشجویها داشتم - چند ماه قبل در سمنان - بحث تحول را مطرح کردم. گفتم تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه به سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛ جامعه را پیش ببرد. این را آنجا مطرح کردم. البته همان جا هم گفتم - الان هم تکرار میکنم - دانشگاهیان؛ چه دانشجو، چه استاد و حوزویان؛ چه طلبه، چه استاد، همه باید این خط و رشته‌ی فکری را تعقیب و دنبال کنند. حالا توضیحات بیشتری عرض خواهم کرد تا بتوانیم به نتیجه برسیم.

کارهای بزرگ از ایده‌پردازی آغاز میشود. این ایده‌پردازی کاری نیست که در اتاقهای دربسته و در خلأ انجام بگیرد. باید فکرهای گوناگون، اندیشه‌های گوناگون با آن سر و کار پیدا کنند، تماس پیدا کنند تا آنچه که محصول کار هست، یک چیز عملی و منطقی از آب در بیاید. پس جان کلام، در این بحثی که امروز من می‌خواهم بکنم، این است که ما باید توسعه و پیشرفت را بازشناسی کنیم، ببینیم برای کشور ما، برای جامعه‌ی ما، مدل پیشرفت چیست.

## خیانت‌هایی که به اسم پیشرفت به ایران شده است

دو گرایش غلط همیشه درباره‌ی پیشرفت و تحول منتهی به پیشرفت وجود داشته است. یک

گرایش عبارت است از خیانت‌هایی که به نام پیشرفت و تحول انجام گرفته؛ ضربه‌هایی که به نام خدمت و زیر پرچم اصلاحگری بر پیکر ملت ما وارد شده است. از دوران قاجار خیلی از درباریان قاجار و شاهزادگان قاجاری - که هم بیسواد بودند، هم دنیاپرست بودند، هم در عین حال با محافل غربی ارتباط داشتند - عامل و وسیله‌ی وابستگی نادانسته‌ی کشور و فرهنگ ما به غرب شدند و ادعایشان این بود که این، پیشرفت و تحول است!

در قضیه‌ی مشروطه، آن خط انگلیسی‌ماجرای مشروطه حرفش ترقی خواهی بود؛ شعارش توسعه و پیشرفت بود. همان کسانی که رهبران مشروطه را نابود کردند؛ شیخ فضل‌الله را به دار کشیدند، مرحوم آیه‌الله بهبهانی را ترور کردند، ستارخان و باقرخان را غیر مستقیم به قتل رساندند و خلع سلاح کردند، رهبران صادق مشروطه را زیر فشار قرار دادند و یک عده افرادی را که وابسته‌ی به غرب و سیاست‌های استعماری بودند، به نام مشروطه‌خواه بر مردم مسلط کردند، شعار آنها هم همین ترقی خواهی بود! آنها هم میگفتند: پیشرفت، تحول! زیر این نام، آنچنان خیانت بزرگی انجام گرفت.

رضاخان با شعار ترقی و اصلاح آمد سر کار. کودتا کرد؛ حکومت کودتا، بعد هم آن دیکتاتور سیاه و بی نظیر، که همه تحت عنوان و زیر پرچم پیشرفت و توسعه و ترقی انجام گرفت. محمد رضا پسر او - حکومت موروثی و بعد هم کودتا در مرداد ۳۲ - هم ادعای حرکت اصلاحی داشت و این همه فاجعه برای این کشور به وجود آوردند. ضربه‌ای که به این کشور و به این ملت زدند، این طوری بود.

در سطح جهانی هم همین طور است. استعمار ملتها - که لکه‌ی ننگ تاریخ بشر در یکی دو قرن اخیر هست - به نام پیشرفت ملتها انجام گرفت. استعمار یعنی نوسازی. انگلیس‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها در نقاط مختلف آسیا و آفریقا و امریکای لاتین رفتند بومی‌ها را قتل عام کردند، سرزمینها را تصرف کردند، دزدی کردند، خیانت کردند، هزار فاجعه به وجود آوردند؛ زیر نام نوسازی، پیشرفت، استعمار.

در دوره‌ی بعد هم که نواستعمار پدید آمد، باز هم همین بود. این همه تجاوز، این همه جنگ‌افروزی، این همه کودتا که به وسیله‌ی سرویس‌های امنیتی کشورهای غربی - چه امریکا، چه انگلیس و چه غیر اینها - انجام گرفته، همه زیر پرچم تجدد خواهی و پیشرفت و تحول و توسعه انجام گرفته. همین الان شما افغانستان و عراق جلوی چشمتان است. امریکایی‌ها آمدند وارد عراق شدند برای اینکه دنیای نوئی را؛ دنیای آزادی، دموکراسی و توسعه را برای مردم عراق به وجود بیاورند. شما ببینید الان در عراق چه خبر است! شاید در طول دوران حکومت‌های کودتائی عراق - که آخرینش صدام بود - محنتی را که امروز مردم عراق دارند از دست امریکایی‌ها میکشند، تا حالا تحمل نکرده باشند. زن و مرد عراقی تحقیر میشوند. جوان امریکایی چکمه‌اش را میگذارد پشت

گردن یک جوان عراقی؛ چرا؟ چون از خیابان عبور میکرده و به او مشکوک شده؛ او را میخواباند و جلوی چشم زن و بچه اش، صورتش را به خاک فشار میدهد. یا مرد را جلوی چشم مرد خانه کتک میزنند؛ مردها زن خانه را به اسم توسعه و پیشرفت و به اسم نجات ملت عراق بازرسی بدنی میکنند. در افغانستان هم همین طور است.

پس نام توسعه از یک طرف مورد چنین سوء استفاده‌هایی در طول تاریخ و در زمان خود مادر سرتاسر دنیا و در کشور خود ما انجام گرفته است. از یک طرف هم در نقطه‌ی مقابل، کسانی بوده‌اند و هستند که با هر نوع نوآوری و تحولی مخالفت کرده‌اند؛ به اسم اینکه این سابقه ندارد، این را نمی‌شناسیم، این را نمیدانیم، به این مشکوکیم. حدیث «شَرُّ الْأُمُور مُحَدَّثَاتُهَا» را بد معنا کرده‌اند. با اینکه نوآوری سنت تاریخ است؛ سنت طبیعت است و بدون نوآوری زندگی بشر معنا پیدا نمی‌کند؛ اما اینها مخالفت کردند. این دو گرایش متضاد وجود داشته است.

پس ما باید پیشرفت و آن چیزی را که از تحول اراده میکنیم و میخواهیم، درست برای خودمان معنا کنیم و بفهمیم دنبال چه هستیم، تانہ آن سوء استفاده انجام بگیرد، نه این مخالفت و ضدیت. البته این به معنای این نیست که ما تازه می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم، لذا الگو برای پیشرفت میخواهیم؛ نه، پیشرفت در کشور ما با انقلاب و با نهضت انقلابی شروع شد. یک جامعه‌ی ایستای را کد، زیر فشار، استعدادهای خفته، بدون اجازه‌ی هیچ تحرکی در دریای عمیق استعدادهای ملی ما، با حرکت انقلابی دگرگون شد.

### پیشرفت‌های بهت آور جمهوری اسلامی بعد از انقلاب تا کنون

امروز علاوه بر این که خود تشکیل نظام جمهوری اسلامی یک تحول بزرگ، یک پیشرفت شگفت آور و عظیم بود که یک حکومت موروثی کودتائی فاسد و وابسته را یک ملتی بتواند تبدیل کند به یک حکومت مردمی، که هیچ تحولی از این بالاتر نیست و خود این، بزرگترین تحول و بزرگترین پیشرفت بود، این را هم من به شما عرض بکنم که در هیچ نقطه‌ی دنیا، در هیچ کشوری از کشورهای دنیا این منظره‌ای را که شما امروز ملاحظه میکنید، نمیتوانید ببینید. اینکه مسئولان کشور با دانشجوها صمیمانه، رو به رو، ساعتها بنشینند؛ یا رئیس جمهور کشور به تمام شهرهای دور و نزدیک کشور برود و در همه جا با استقبال و مواجهه‌ی مردم رو به رو شود؛ با مردم رو به رو حرف بزند. در مبارزات انتخاباتی سفر میکنند و با طرفدارهای خودشان مواجه میشوند؛ اما هم آنها میدانند، هم مخاطبانشان، که اینها کار تبلیغاتی است؛ کار انتخاباتی است؛ بعد از انتخابات تمام میشود؛ چه ناکام بشوند، چه پیروز بشوند. اما معنای مردمی در کشور ما این است که نه فقط انتخاب مردمی است، ارتباط مردمی هم است. با مسئولان حکومت، با اجزاء حکومت، تعاطی و تبادل فکر و ارتباط وسیع و عمیق عاطفی است؛ عشق‌ورزی بین مسئولان و مردم است. مسئولان



صادق به معنای واقعی کلمه به مردم عشق میورزند؛ مردم هم به آنها متقابلاً همین طور. بعد از انقلاب هم تا کنون، ما هم در زمینه علمی، هم در زمینه اجتماعی، هم در زمینه سیاسی، هم در زمینه بین‌المللی، هم در زمینه‌های اقتصادی و عمرانی پیشرفتهایی که کرده‌ایم، بهت آور است. جوان امروز ما، دانشجوی امروز ما که شما هستید، نسخه‌ی گذشته را جلوی چشم ندارید تا مقایسه کنید که امروز چه است و آن روز چه بود. شما امروز کشورتان را با یک کشور پیشرفته‌ای که مثلاً دو‌بیست سال سابقه‌ی تحرک علمی و پیشرفت علمی و تحقیق دارد نگاه میکنید، می‌بینید کمبود دارد، می‌گوئید کمبود است. درست هم هست، بله؛ اما این مقایسه، مقایسه‌ی علمی‌ای نیست. کشور را باید با آنچه که بود، مقایسه کرد؛ کشور را باید با کشورهای مشابه و هم‌جوار مقایسه کرد. امروز در آمارهای جهانی، رشد علمی ایران در درجه‌ی اول یا در درجات اول در همه‌ی دنیاست. البته با همین سرعت، هنوز خیلی عقبیم؛ اما کارهایی که شده، در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت بوده است. حالا نمونه‌های پیش را شما در محیط دانشجویی خودتان نگاه کنید. جمعیت کشور ایران از بعد از انقلاب دو برابر شده؛ جمعیت دانشجویی ده برابر شده و تعداد دانشگاهها ورشته‌ها و پیشرفته‌ها هم شاید بیش از ده برابر شده. یک روزی ساده‌ترین وسیله را ما بایستی از دیگران گدائی میکردیم؛ اما امروز پیچیده‌ترین فناوری‌ها را کشور ما میتواند خودش درست کند. این پیشرفته‌ها محیرالعقول است؛ شگفت‌آور است؛ این را دیگران هم تصدیق دارند، که حالا اگر فرصت بشود، ان شاء الله عرض میکنم.

به هر حال بحثی که برای الگوی پیشرفت میکنیم، برای این نیست که می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم؛ پیشرفت از انقلاب شروع شده، بلکه به این معناست که با بحث نظری و تعریف شفاف و ضابطه‌مند از پیشرفت، قصد داریم یک باور همگانی در درجه‌ی اول در بین نخبگان، بعد در همه‌ی مردم به وجود بیاید که بدانند دنبال چه هستیم و به کجا می‌خواهیم برسیم و بخشهای گوناگون نظام بدانند چه کار باید بکنند. این را باید پیدا کنیم. البته من امروز نمی‌خواهم مدل و الگوی پیشرفت را اینجا مطرح کنم؛ نه، می‌خواهم لزوم این کار را بگویم.

### 🏠 مدل‌سازی و الگوسازی، کار نخبگان ماست

مدل‌سازی و الگوسازی، کار خود شماست؛ یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا، با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمانها ترسیم و تعیین کنند و بر اساس او، حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخشهای مختلف شکل بگیرد.

چرا لزوم این کار را باید بیان کرد؟ خیلی ساده است؛ به خاطر اینکه امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را



باید از روی مدلهایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است؛ چیز غلطی است؛ هم غلط است، خطاست، هم خطرناک است. غربی‌ها در تبلیغات خیلی ماهرند؛ یعنی ماهر شده‌اند؛ در طول این دوپست سیصد سالی که کار تبلیغاتی پی‌درپی میکنند، با تبلیغات موفق خودشان توانسته‌اند این باور را در بسیاری از ذهنها به وجود بیاورند که توسعه‌یافتگی مساوی است با غرب و غربی شدن! هر کشوری بخواهد کشور توسعه‌یافته‌ای محسوب بشود، بایستی غربی بشود! این تبلیغات آنهاست. هر کشوری که از الگوهای موجود غرب فاصله داشته باشد، توسعه‌یافته نیست! و هر چه فاصله‌اش بیشتر، فاصله‌اش از توسعه‌یافتگی بیشتر! این طوری میخواهند جا بیندازند و متأسفانه در ذهنها جا انداخته‌اند.

البته غربی‌ها این تبلیغات را کرده‌اند و ملاک و معیار توسعه‌یافتگی را الگوهای خودشان قرار داده‌اند؛ اما حقیقتاً در مقام عمل، به آن کشورهایی که میخواستند غربی بشوند، کمک درستی هم نکرده‌اند؛ یعنی همین جا هم صداقت بخرج ندادند. من به شما عرض بکنم: غربی‌ها هیچ مایل نبودند و نیستند که غیر غربی وارد باشگاه علمی غرب شود. این کشورهای آسیائی که الان پیشرفت کرده‌اند - مثل ژاپن، مثل چین، مثل تا حدودی هند - غرب به هیچ کدام از اینها کمکی نکرد. چین در کشمکش‌های شدید شرق و غرب - کمونیسم و دنیای سرمایه‌داری - از طرف شوروی آن روز سخاوتمندانه مورد حمایت قرار گرفت؛ حتی انرژی هسته‌ای‌اش را روس‌ها دادند. چین هیچ چیز نداشت؛ شوروی‌ها چون می‌خواستند یک جبهه‌ی آسیائی بزرگی در مقابل آمریکا و اروپا تشکیل بدهند، چین را تجهیز کردند؛ چون چین کمونیستی بود، تجهیزش کردند. هند هم در درجه‌ی بعد همین طور؛ یعنی در جبهه‌بندی‌های شرق و غرب، هند گرایش به چپ داشت، شوروی‌ها - چپ‌ها - کمکش کردند. آمریکایی‌ها متقابلاً پاکستان را تقویت میکردند. البته پاکستان هم انرژی هسته‌ای را خودش به وجود نیاورد، آنها از چین گرفتند؛ اما آمریکا چشمش را بست و در موازنه‌های سیاسی منطقه‌ای به رو نیاورد. ژاپن، پیشرفت علمی خودش را به کمک آمریکا و غرب به دست نیاورد؛ ژاپنی‌ها توانستند نفوذ علمی کنند - شاید تعبیر سرقت، تعبیر خوبی نباشد - و توانستند علم را به شکلی که طرف راضی نیست، از او بپایند؛ منتها ملت سختکوشی بودند و خودشان را پیش بردند؛ غرب به آنها کمکی نکرد.

ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟! این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرائط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را میگویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند، به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه

کرده‌اند. پیشرفتهای غربی، پیشرفتهایی است که امروز همه‌ی دنیا و همه‌ی بشریت دارند از آن رنج میبرند؛ کشورهای عقب‌مانده یک‌جور، کشورهای پیشرفته یک‌جور. این همان پیشرفت و توسعه‌ای است که توانسته است گروه‌های معدود و انگشت‌شماری از خانواده‌های ثروت را به ثروت برساند؛ اما ملتهای دیگر را دچار اسارت و تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است و در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده. بنابراین، موفق نیست. شما الان اگر آثار ادبی کشورهای غربی - مثلاً فرانسه - را که مربوط به سه قرن یا دو قرن پیش هست، بخوانید، وضع امروز آنجا را هم مطالعه کنید، خواهید دید مردم آنجا از لحاظ اخلاقی بمیزان بسیار زیادی عقب رفته‌اند. این وضعیتی که امروز بر آنجا حاکم است، آن روزها حاکم نبود. پیشرفت تمدن غربی در طول قرنهای متمادی، این کشورها را از لحاظ اخلاقی دچار مشکل کرده؛ آنها را از لحاظ اخلاقی به انحطاط کشانده؛ از لحاظ وضع زندگی هم به آنها خدمتی نکرده؛ یعنی فقر در آنجاها برنیفتاده است. در آنجا کار و تلاش زیاد است؛ اما دستاورد و محصول برای فرد و برای خانواده کم. بنابراین، پیشرفت غربی، پیشرفت ناموفقی است.

### باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم

ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا میگوئیم اسلامی و چرا میگوئیم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا میگوئیم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملتهای دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا میتواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی ایرانی است. البته کشورهای دیگر هم از آن، بدون تردید استفاده خواهند کرد؛ همچنانی که تا امروز هم ملت ما و کشور ما برای بسیاری از کشورها در بسیاری از چیزها الگو قرار گرفته؛ اینجا هم یقیناً این الگو مورد تقلید و متابعت بسیاری از ملتها واقع خواهد شد.

### پیشرفت از نظر اسلام، پیشرفت مادی به عنوان وسیله برای رسیدن به رشد و تعالی انسان

آنچه که موجب میشود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه‌ی خودمان ناکافی بدانیم، در درجه‌ی اول این است که نگاه جامعه‌ی غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلفند؛ اما برآیند همه‌ی آنها این است - با نگاه اسلام به انسان، بکلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. لذا پیشرفت که برای انسان و به وسیله‌ی انسان است، در منطق فلسفه‌ی غرب معنای دیگری پیدا میکند، تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور،

سود مادی است؛ هر چه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه میکنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است.

پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی میشود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است. نقطه‌ی تفارق اساسی، نگاه به انسان است. اینجا یک درنگی بکنیم و من یک مطلب معرفتی اسلامی را در اینجا عرض بکنم:

#### 📌 در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است

در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است که این دو زاویه هر دو مکمل همدیگر هستند. این میتواند پایه و مبنایی برای همه‌ی مسائل کلان کشور و نسخه‌هایی که برای آینده‌ی خودمان خواهیم نوشت، باشد. این دو زاویه‌ای که اسلام از آن به انسان نگاه میکند، یکی نگاه به فرد انسان است؛ به انسان به عنوان یک فرد؛ به من، شما، زید، عمرو به عنوان یک موجود دارای عقل و اختیار نگاه میکند و او را مخاطب قرار میدهد؛ از او مسئولیتی میخواهد و به او شأنی میدهد، که حالا خواهیم گفت. یک نگاه دیگر به انسان، به عنوان یک کل و یک مجموعه‌ی انسانهاست. این دو نگاه با هم منسجمند؛ مکمل یکدیگرند. هر کدام، آن دیگری را تکمیل میکنند.

در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، یک فرد مورد خطاب اسلام قرار میگیرد. در اینجا انسان یک رهروی است که در راهی حرکت میکند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایها الانسان آتک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه». اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در یک جمله‌ی کوتاه میشود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است. مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم؛ دیگران بروند، نروند؛ حرکت کنند، نکنند؛ دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد، از این جهت تفاوت نمیکند. وظیفه‌ی هر فردی به عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند؛ «علیکم انفسکم لا یضركم من

ظَلَّ اذا اهديتم». باید این حرکت را انجام بدهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده‌ی این راه چیست؟ بالاخره مسیری را می‌خواهیم حرکت کنیم و به جاده‌ای نیاز داریم؛ این جاده، همان واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه‌ی این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل میکند؛ سرعت میبخشد. تقوا هم عبارت است از خویشتن‌پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند. وظیفه‌ی فرد در نگاه اسلام به فرد، این است. در همه‌ی زمانها، در حکومت پیغمبران، در حکومت طواغیت، یک فرد وظیفه‌اش این است که این کار را انجام دهد و تلاش خودش را بکند.

اسلام در این نگاه به انسان به عنوان یک فرد، توصیه می‌کند زهد بورزد. زهد یعنی دلباخته و دل‌بسته‌ی دنیا نشود؛ اما در عین اینکه توصیه به زهد می‌کند، قطع رابطه‌ی با دنیا و کنار گذاشتن دنیا را ممنوع می‌شمارند. دنیا چیست؟ دنیا همین طبیعت، همین بدن ما، زندگی ما، جامعه‌ی ما، سیاست ما، اقتصاد ما، روابط اجتماعی ما، فرزند ما، ثروت ما، خانه‌ی ما است. دل‌بستگی به این دنیا، دل‌باخته شدن به این نمونه‌ها، در این خطاب فردی، کار مذمومی است. دل‌باخته نباید شد. این دل‌باخته نشدن، دل‌بسته نشدن، اسمش زهد است؛ اما اینها را رها هم نباید کرد. کسی از متاع دنیا، زینت دنیا، از نعمتهای الهی در دنیا رو برگرداند، این هم ممنوع است. «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين امنوا»؛ یعنی کسی حق ندارد که از دنیا اعراض کند. اینها جزو مسلمات و معارف روشن دین است که من نمی‌خواهم توضیح بدهم. این، نگاه فردی است. در این نگاه به فرد انسان، اسلام استفاده‌ی از لذائذ زندگی و لذائذ حیات را برای او مباح می‌کند؛ اما در کنار او یک لذت بالاتر را که لذت انس با خدا و لذت ذکر خداست، آن را هم به او یاد می‌دهند. انسان در یک چنین راهی به عنوان انسانِ اندیشمند و دارای اختیار، باید انتخاب کند و در این صراط حرکت کند و برود. در این نگاه، مخاطب البته فرد انسان است. هدف این حرکت و این تلاش هم رستگاری انسان است. اگر انسان به این دستورالعمل و نسخه‌ای که به او داده شده است، عمل بکند، رستگار می‌شود. این، یک نگاه است.

### 🕌 وظیفه انسان، مدیریت آباد کردن دنیا است

در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه‌ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه‌ی مدیریت دنیا. دنیا را باید آباد کند؛ «و استعمر کم فیها». همین انسان مأمور است که دنیا را آباد کند. آباد کردن دنیا یعنی چه؟ یعنی از استعدادها، فراوان و غیرقابل شمارشی که خدای متعال در این طبیعت قرار داده، این استعدادها را استخراج کند و از آنها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند.

در این زمین و پیرامون زمین، استعدادهایی هست که خدای متعال اینها را گذاشته است و بشر باید اینها را پیدا کند. یک روزی بشر آتش را هم نمی‌شناخت، اما آتش بود؛ الکتریسیته را نمی‌شناخت، اما در طبیعت بود؛ قوه‌ی جاذبه را نمی‌شناخت، قوه‌ی بخار را نمی‌شناخت، اما اینها در طبیعت بود. امروز هم استعدادها و قوای بی‌شمار فراوانی از این قبیل در این طبیعت هست؛ بشر بایستی سعی کند اینها را بشناسد. این مسئولیت بشر است؛ چون خلیفه است و یکی از لوازم خلیفه بودن انسان، این است.

عین همین مطلب در مورد انسانهاست؛ یعنی انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادهای درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده، که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل میکنند. این هم نگاه کلان است. در این نگاه کلان، مخاطب کیست؟ مخاطب، همه‌ی افرادند. استقرار عدالت و روابط صحیح، خواسته شده است. از چه کسانی؟ از همه‌ی افراد. یکایک افراد جامعه‌ی بشری در همین نگاه کلان، مخاطبند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، بر عهده‌ی افراد انسان است. در این نگاه می‌بینید انسان همه‌کاره‌ی این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا. این نگاه اسلام است به انسان.

اومانیسم غربی هم انسان محور است. اومانیسم - که محور فلسفه‌های قرن نوزدهمی و بعد و قبل از آن است - انسان را محور قرار می‌دهد. اما چه جور انسانی؟ انسان در منطق غرب و اومانیسم غربی، بکلی با این انسانی که در منطق اسلام هست، تفاوت دارد. انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است هم طبیعی و هم الهی؛ دو بُعدی است؛ اما در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت‌جویی، کامجویی، بهره‌مندی از لذات زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است؛ انسان سودمحور. اما در جهان بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان. در آن جهان بینی غربی، ثروت و قدرت و علم، هدفند. انسانها تحقیر بشوند، ملتها تحقیر بشوند، میلیونها انسان در جنگها لگدمال بشوند و کشته بشوند، برای اینکه کشوری به قدرت یا به ثروت برسد یا کمپانی‌هایی سلاحهای خودشان را بفروشند؛ ایرادی ندارد! تفاوت منطقی، این است.

### 📌 لزوم تهیه نقشه‌ی پیشرفت کشور بر اساس جهان بینی اسلام

بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه‌ی پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. در این نقشه‌ی پیشرفت و تحول، دیگر معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوطه خوردن در منجلاب فساد همراه باشد. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی

که دارای بُعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال، این پیشرفت با آن پیشرفت خیلی متفاوت است. (صدای اذان به گوش من میرسد. من معمولاً وقتی اذان بشود، برنامه را ادامه نمیدهم. ناچارم حرف را تمام کنم، لکن جمع‌بندی میکنم.)

من میخواهم بگویم مجموعه‌ی دانشگاهی کشور ما، مجموعه‌ی نخبگان کشور ما - هم حوزه و دانشگاه - یکی از بزرگترین کارهاشان باید این باشد که نقشه‌ی جامع پیشرفت کشور را بر اساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدلسازی‌های غربی نسپردند. او نمیتواند کشور را نجات بدهد؛ او نمیتواند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند. کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین‌المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر میکنند، دنبال این نباشند که فرمولهای غربی را؛ فرمولهای اقتصادی غرب، فرمولهای بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده میکنیم؛ ما تعصب نداریم. هر جا پیشرفت علمی، تجربه‌ی علمی باشد، استفاده میکنیم. از مصالح استفاده میکنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم.

### استقلال یعنی در مقابل حرکت قدرتمندان عالم، حالت انفعال به خود نگیریم

امروز استقلال ملت ما یک نمونه‌ی مثل زدنی در همه‌ی دنیا شده است. ما بایستی این استقلال را در همه چیز از خودمان نشان بدهیم. استقلال یعنی در مقابل حرکت قدرتمندان عالم، حالت انفعال به خود نگیریم. آنچه که منفعت ماست، آنچه که مصلحت ماست، آنچه که با هدفهای ما و آرمانهای ما منطبق است، آن را دنبال کنیم؛ زیر فشار تبلیغات دشمن و کار سیاسی دشمن قرار نگیریم. و ملت ما نشان داده که این قدرت را دارد که در مقابل فشارها مقاومت کند. یک دوره‌ی شرق و غرب عالم، دست به دست هم دادند و این ملت را زیر فشار یک جنگ سنگین و سخت هشت‌ساله قرار دادند، ولی ملت با کمال قدرت تحمل کرد. بعد از آن تا امروز، زیر فشارهای تبلیغاتی، زیر فشار تحریم اقتصادی قرار داشتیم. حالا تازه ما را به تحریم اقتصادی تهدید میکنند! کی بوده است که ما تحریم اقتصادی نداشته باشیم؟ ما همین پیشرفتهای علمی در زمینه‌ی هسته‌ای و غیر اینها را در حال و هوای تحریم اقتصادی به دست آوردیم. این را غربی‌ها هم میدانند؛ میفهمند. البته در داخل متأسفانه، عده‌ای هستند که به قدری مجذوب و فریفته‌ی حرف غرب و تفکر غرب و مبانی غربند که حاضر نیستند بشنوند و قبول کنند؛ حتی آنچه را هم که پیشرفت علمی در کشور به وجود آورده است، تا دیگران تصدیق نکنند، اینها قبول نمی‌کنند! من به یاد دارم، شاید حدود دو سال، دو سال و نیم قبل، آن وقتی که این سانتریفیوژهای ما



مشغول کار شده بود و جوانان و دانشمندان ما توانسته بودند اینها را راه بیندازند و مسئولان وقت؛ رئیس جمهور و دیگران خبرش را گفتند، تعدادی از فیزیکدانهای دانشگاهی که مردمان خوب و بسیار سالم و صادقی هم هستند، بعضی شان هم من را می شناسند، به من نامه نوشتند، که آقا! نبادا اینها را باور کنید! چنین چیزی اتفاق نیفتاده و ممکن نیست! حاضر نبودند باور کنند؛ قبول کنند. این، همان تلقین است. تا غربی ها؛ آژانس و دیگران، خودشان آمدند نگاه کردند، تصدیق کردند، اعتراف کردند که چنین چیزی را باور نمی کردند در ایران به وجود بیاید، آن وقت دیگران؛ دیرباورها، در داخل کشور باور کردند. عین همین قضیه در مورد سلولهای بنیادی به وجود آمد. بنده چندبار پیشرفتهای سلولهای بنیادی را در چند سخنرانی بر زبان آورده بودم. از دانشمندان کشور و از بعضی از دانشگاهها به من نامه نوشتند: آقا! این قضیه را شما این قدر نگوئید، این واقعیت ندارد؛ این جور نیست! اینی که میگوئید در سلولهای بنیادی پیشرفت کرده اند و در شبیه سازی (کلونینگ) (۱) دارند تمرین و کار می کنند، باور نکنید؛ چنین چیزی اتفاق نیفتاده و نخواهد افتاد! بعد که گوسفند شبیه سازی شده را جلو چشم همه قرار دادند، بعد که در سمیناری که تشکیل دادند، دانشمندان معروف دنیا، زیست شناسهای درجه ی یک دنیا آمدند مصاحبه کردند و تصدیق کردند که پیشرفتهای، پیشرفتهای محیرالعقولی است، آن وقت یک عده از دیرباورها باور کردند! این هم آفتی است که ما استعداد خودمان، پیشرفت خودمان، توانائی های خودمان را باور نکنیم؛ وقتی هم اتفاق می افتد، باور نکنیم.

#### 🏠 باید اعتماد به نفس ملی را تقویت کنیم

آنچه که انقلاب به ما داده و توقع ما از خودمان است، این است که این را روز به روز در خودمان تقویت کنیم؛ آن، اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس ملی؛ ملت به خود اعتماد به نفس داشته باشد، بداند که میتواند مقاصد خودش را با همت بلند و با مجاهدت و با همدستی همه ی کشور با یکدیگر، پیش ببرد؛ این را باید بدانیم. جامعه ی دانشگاهی ما در زمینه ی کار خود، در زمینه ی علم پژوهی خود باید این را از بُن دندان باور کند و دانشجوی ما، استاد ما، محقق ما، مدیران دانشگاهی ما بدانند که هر کاری بخواهند، می توانند بکنند؛ در سایه ی همت، در سایه ی مجاهدت و در سایه ی تلاش. این، آن چیزی است که ما لازم داریم.



## پیشرفت در سایه‌ی عدالت

❁ دهه‌ی چهارم جمهوری اسلامی، دهه پیشرفت  
و عدالت  
❁ نه عدالتِ بدون پیشرفت مطلوب است، نه  
پیشرفتِ بدون عدالت  
❁ بی‌عدالتی در امریکا  
❁ مسئولین، نوآوری و ابتکار و خلاقیت را وظیفه  
خود بدانند



## پیشرفت در سایه‌ی عدالت \*

## 🏠 دهه‌ی چهارم جمهوری اسلامی، دهه پیشرفت و عدالت

ما می‌خواهیم وارد دهه‌ی چهارم بشویم؛ برای دهه‌ی چهارم جمهوری اسلامی، ما باید نگاه کنیم به عرصه‌ی زندگی خود و ببینیم کمبودهای ما کجاست؛ ما کمبودهای زیادی داریم. من در پیام، امروز به ملت ایران عرض کردم؛ در زمینه‌های زیادی ما وارث عقب ماندگیهای صد ساله‌ی دوران طاغوتیم و در بخشهای زیادی عقب مانده‌ایم. ما گفته‌ایم می‌خواهیم برویم و به صفوف جلوی بشریت برسیم؛ باید بدانیم ما که به سمت جلو حرکت می‌کنیم؛ بقیه‌ی ملت‌ها که نایستاده‌اند. آنها هم دارند حرکت می‌کنند. باید شتابمان و نوع حرکتمان را جوری تنظیم بکنیم که بتوانیم به صفوف مقدم برسیم؛ والا اگر بخواهیم با همان سرعت و با همان شتابی که به طور متعارف ملت‌ها پیش می‌روند، پیش برویم، باز در این مراحل عقب می‌مانیم.

## 🏠 نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت

وقتی نگاه می‌کنیم، برای دهه‌ی چهارم - برای این ده سالی که پیش روی ماست - دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً بدست بیاوریم: یکی پیشرفت است، یکی عدالت. ما مثل بعضی از کشورها و نظامهای دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم. خیلی از کشورها هستند که از لحاظ علمی پیشرفت کرده‌اند و به آمارها و شاخصهای اقتصادی آنها که نگاه می‌کنیم، ملاحظه می‌کنیم که مثلاً درآمد سرانه‌ی آنها خیلی هم بالاست؛

اما مسئله‌ی مهم این است که این درآمد سرانه در میان ملت چه جور تقسیم می‌شود؛ این آن نکته‌ای است که نظام‌های غیر الهی و نظام‌های رونوشت‌کرده‌ی از نسخه‌های استکباری، دیگر به آن توجه نمی‌کنند. ما نمی‌توانیم توجه نکنیم؛ ما می‌خواهیم کشورمان از همه‌ی جهات - از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی - به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند؛ اما در کنار پیشرفت، می‌خواهیم کشور عادلانه و با عدالت اداره بشود؛ این مهم است. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با عدالت. باید فواصل طبقاتی کم بشود. باید آن کسانی که برای تحرک استعداد دارند، فرصتهای برابر دریافت کنند؛ اگر کسی تنبلی کرد، تنبلی‌اش به گردن خودش. نباید اینجور باشد که در برخی از مناطق کشور مجال برای تلاش علمی یا تلاش اقتصادی نباشد، اما بعضیها از منابع و از امکانات کشور به طور بی‌نهایت بتوانند استفاده کنند؛ نه، هنر این است. مطالبه‌ی ملت از دولت‌ها، از مجالس پی‌درپی شورای اسلامی، از قوه‌ی قضائیه و از همه‌ی مسئولان باید این باشد. کشور باید پیشرفت کند؛ پیشرفت در همه‌ی بخش‌ها: پیشرفت در تولید ثروت، پیشرفت در افزایش بهره‌وری، پیشرفت در عزم و اراده‌ی ملی، پیشرفت در اتحاد ملی و نزدیکی قشرهای مختلف به یکدیگر، پیشرفت در دستاوردهای علم و فناوری، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در کم کردن فاصله‌ی طبقاتی، در رفاه عمومی، در انضباط اجتماعی، در بوجود آمدن وجدان کاری در یکایک آحاد ما مردم، پیشرفت در امنیت اخلاقی، پیشرفت در آگاهی و رشد سیاسی، پیشرفت در اعتماد به نفس ملی - که من چند ماه قبل مسئله‌ی اعتماد به نفس ملی را اعلام کردم؛ ملت باید به خود اعتماد داشته باشند و بدانند که می‌توانند؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که دشمنان این ملت در طول سال‌های متمادی خواستند به ما تلقین کنند و بگویند و ثابت کنند که نمی‌توانید - پیشرفت در همه‌ی این زمینه‌ها لازم است؛ اما همه‌ی این پیشرفتهای باید در سایه‌ی عدالت و در کنار تأمین عدالت باشد.

ممکن است بعضی از صاحب‌نظران و به اصطلاح ثورسین‌های اقتصادی بگویند: آقا نمی‌شود؛ اگر بخواهید به پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنید، ناچار باید فاصله‌ی طبقاتی را قبول کنید و بپذیرید! اینجاست که ما عرض می‌کنیم «نوآوری». نباید خیال کنیم که نسخه‌های اقتصادی غرب، آخرین حد دستاورد بشری است؛ نه، این هم یک نسخه‌ای است، دوره‌ای دارد؛ آن دوره طی می‌شود و فکر تازه و فکر نویی به میدان وارد می‌شود؛ بگردید آن فکر نو را پیدا کنید؛ شاخص باید این باشد. ما می‌خواهیم کشور ثروتمند بشود؛ ما می‌خواهیم سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی در کشور عمومیت پیدا کند. امروز ثروتمندان زیادی در کشور ما هستند که برخوردار از ثروتند؛ این ثروت را می‌توانند در سرمایه‌گذارهای سودمند و افتخار آفرین به کار بزنند؛ هم برای خودشان سود دارد، هم

برای مردم سود دارد و هم مایه‌ی رضای خدا می‌شود؛ سرمایه‌گذاری ثروتمندان در کارهایی که به تولید کشور و به افزایش محصول در درون کشور - با بهره‌دهی بالا - منتهی می‌شود، یک عبادت و یک ثواب است. این راه باز است؛ می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، تولید ثروت کنند؛ مدیریت کشور هم مراقبت کند که همه‌ی طبقات برخوردار بشوند و طبقات ضعیف هم بتوانند از فرصت‌ها استفاده کنند تا از ضعف خارج بشوند؛ همه توانایی پیدا بکنند. ما در این سی سال خیلی جلو رفتیم. تا اینجا دشمن ما مغلوب شده است؛ تا این ساعت و این روز دشمنان ملت ایران - یعنی شبکه‌ی شیطان‌ی صهیونیسم و رژیم مستکبر امریکا - از ملت ایران شکست خورده‌اند.

### بی عدالتی در امریکا

امروز امریکا در میان افکار عمومی مردم دنیا منفور و منزوی است؛ شعارهاشان هم دیگر در چشم مردم رنگ و رویی ندارد و کسی باور نمی‌کند. کی باور می‌کند که رژیم امریکا طرفدار حقوق بشر و طرفدار دموکراسی است؟ حقوق بشر امریکایی! از شهریور سال ۱۳۸۰ که حادثه‌ی برجهای نیویورک اتفاق افتاد، دولت امریکا سی و دو میلیون نفر را در داخل امریکا بازجویی کرده! سی و دو میلیون نفر! اینها آمارهای خودشان است. مکالمات مردم را کنترل کردند و در زندانهایشان شکنجه کردند؛ در کنگره قانون ضدشکنجه تصویب کردند، امارتیس جمهور کنونی امریکا این قانون را وتو کرد، رد کرد، یعنی شکنجه ممنوع نیست! اینها می‌فهمند حقوق بشر یعنی چه؟ امریکا در حدود دویست بازداشتگاه مخفی در سراسر دنیا دارد که تعدادی از این بازداشتگاهها در اروپاست؛ اروپایی‌هایی که حقوق بشر لقلقه‌ی زبانشان است و از هر طرف حرکت می‌کنند، اسم حقوق بشر را می‌آورند که ما پایبند حقوق بشریم! این حقوق بشر است؟ در مقابل آن کسی که هولوکاست را مورد سؤال قرار بدهد، همه بسیج می‌شوند - دادگاه‌هاشان، دولت‌هاشان، روزنامه‌هاشان - اما در مقابل اهانت به نبی مکرم اسلام، نه فقط اعتراض نمی‌کنند، بلکه همصدایی هم می‌کنند! این حقوق بشر است؟ این احترام به انسانیت است؟ این احترام به انسانهاست؟ می‌گویند ما طرفدار دموکراسی هستیم، اما هر جایی که آراء مردم بر خلاف منافع آنها باشد، با مشت آهنین با دموکراسی و با دولت منتخب مردم برخورد می‌کنند! یک نمونه‌اش دولت حماس است در فلسطین. مگر منتخب مردم نیست؟ یک نمونه هم تهدیدهای چرند و بی‌محتوایی است که علیه جمهوری اسلامی بکار می‌برند؛ جمهوری اسلامی با این مردم سالاری وسیع، که در همه‌ی منطقه و در بسیاری از نقاط عالم نظیر این مردم سالاری رائج در کشور ما وجود ندارد که در طول کمتر از سی سال حدود سی انتخابات در این کشور انجام گرفته است. علیه جمهوری اسلامی حرف می‌زنند، مهمل بافی می‌کنند، تهدید می‌کنند، تهدید به تحریم، تهدید به حمله‌ی نظامی؛ مگر حمله‌ی نظامی نکردید؟ مگر تحریم نکردید؟ مگر با ملت ایران تا حالا خوشرفتاری کردید؟ این ملت هر

چه دارد بر اثر استقامت و شجاعت و ایستادگی خود دارد و قدرت خود را از درون خود و از ذات خود به دست آورده است. ادعای حقوق بشر می‌کنند، آن وقت از رژیم غدار و خونریز صهیونیستی - که این همه جنایت انجام می‌دهد - دفاع می‌کنند. من تعجب می‌کنم چرا بعضی از دولتهای اروپایی، از سرنوشت رژیم امریکا عبرت نمی‌گیرند؛ با این که می‌بینند چقدر در دنیا منفور است. بعضی از اینها برای خوشامدگویی سرمایه‌داران صهیونیست، به کشور فلسطین غصب شده می‌روند و در پارلمان دولت جعلی صهیونیستی علیه ایران حرف می‌زنند و از ایران مذمت می‌کنند؛ برای این که دل آنها را به دست بیاورند! چرا عبرت نمی‌گیرند؟ امروز رژیم صهیونیستی منفور است؛ امریکا - که پشتیبان اوست - منفور ملت‌هاست؛ و امروز حقوق بشر به همه‌ی دولتها و ملتها حکم می‌کند که صف واحدی را در مقابل زورگوییهای امریکا و صهیونیستهای مسلط بر امریکا و دولت امریکا تشکیل بدهند. ملت ایران در این میانه، از همه‌ی ملتها صریحتر و شجاعتر ایستاده است.

#### مسئولین، نوآوری و ابتکار و خلاقیت را وظیفه خود بدانند

ما با این نیت و عزم راسخی که در ملتمان وجود دارد، با این آمادگی‌ای که امروز بحمدالله در دولتمان و در مسئولینمان و با مجلس تازه نفسی که بر سر کار است و نمایندگان که امروز در مجلسند - که بحمدالله همه در جهت ارزشهای اسلامی حرکت می‌کنند - و با امید پشتیبانی این ملت، می‌توانیم این کشور را باز هم پیش ببریم، مشروط بر این که مسئولان نوآوری را، ابتکار را، خلاقیت را - در روشهای گوناگون - برای خوشان یک وظیفه بدانند و سعی کنند آنچه را که در طول این سی سال شروع شده است - انجام گرفته است یا نیمه کاره مانده است - به شکوفایی برسانند. من به دولت هم توصیه می‌کنم، به مجلس شورای اسلامی هم توصیه می‌کنم همت را بگذارند بر تمام کردن کارها و طرحهایی که مدتها پیش شروع شده است، بعضی نیمه کاره مانده است و بعضی هنوز به نتایج خود نرسیده است؛ منابع ملی را با اولویت - با رعایت کمال دقت و مراقبت - بکار ببرند. انشاءالله ملت ایران، جوانان ما، مسئولان ما، روز به روز شاهد شکوفایی بیشتر این کشور خواهند بود. امیدوارم آخر سال ۸۷، به توفیق الهی و با دعای حضرت بقیه الله، ملت ایران روزهای بسیار بهتری را از امروز که اول این سال است داشته باشد.



# اصلاح الگوی مصرف، یک اقدام اساسی در زمینه پیشرفت و عدالت

🕌 دهه‌ی پیشرفت و عدالت

🕌 حضور نسل جوان تحصیلکرده، از عوامل و عناصر اصلی پیشرفت

🕌 تجربه، از عوامل و عناصر اصلی پیشرفت

🕌 زیرساختهای کشور، از عوامل و عناصر اصلی پیشرفت

🕌 عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی و جغرافیائی

🕌 مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی، یکی از مصداقهای عدالت

🕌 مبارزه‌ی با اسراف، یک اقدام اساسی در زمینه‌ی پیشرفت و عدالت

🕌 باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود

## اصلاح الگوی مصرف، یک اقدام اساسی در زمینه پیشرفت و عدالت\*

## ❁ دهه‌ی پیشرفت و عدالت

امسال اولین سال دهه‌ی چهارم انقلاب است که به نام «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامیده شده است. به این مناسبت عرایضی را عرض میکنم؛ هم در زمینه‌ی برخی از مهمترین مسائل کشورمان در داخل، و همچنین اشاره‌ای به بعضی از مسائل مهم بین‌المللی و خارجی. این دهه راده سال پیشرفت و عدالت کشور و نظام جمهوری اسلامی نامیدیم؛ در حالی که از آغاز انقلاب، ملت ایران با حرکت عظیم خود و با ایجاد و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به سمت پیشرفت و عدالت حرکت کرده است. ده سال آینده چه خصوصیتی دارد که آن را به عنوان دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری کرده‌ایم؟ به نظر ما تمایز ده سال آینده با سه دهه‌ی گذشته، در آمادگی‌های بسیار وسیع و عظیمی است که در کشور عزیزمان برای پیشرفت و عدالت به وجود آمده است، که این آمادگی‌ها به ملت بزرگ و مصلح ما اجازه میدهد که در این زمینه یک جهش و یک گام بلند نشان بدهد. ملت، آماده‌ی یک حرکت پرشتاب و بزرگی به سمت پیشرفت و عدالت است؛ چیزی که در دهه‌های قبل، این امکان با این گستردگی برای ملت فراهم نبود.

## ❁ حضور نسل جوان تحصیلکرده، از عوامل و عناصر اصلی پیشرفت

اگر بخواهیم عوامل اصلی و عناصر اصلی این آمادگی را مشخص کنیم، من عرض میکنم چند عنصر تأثیر زیادی دارد: یکی حضور نسل جوان تحصیلکرده‌ی ماست. امروز میلیونها جوان پرنشاط

و تحصیلکرده، در میدان علم، در میدان تحقیق، در میدان فعالیتهای اجتماعی و سیاسی حضور دارند. حضور این همه جوان دانا و تحصیلکرده و آماده در کشور ما یک پدیده‌ی بسیار بزرگ و قابل توجه و اهتمامی است.

### تجربه، از عوامل و عناصر اصلی پیشرفت

عنصر دیگر، تجربه است. نخبگان و مسئولان کشور در طول سالهای گذشته در مواجهه‌ی با مشکلات گوناگون، تجربه‌های بسیار ذی‌قیمتی کسب کرده‌اند. این تجربه‌ها امروز در اختیار مردم است.

در زمینه‌ی این تجربه‌ها اگر بخواهیم نمونه و مثال عرض کنیم، یکی از آثار آن، اجرای سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی است. توجه به این سیاستها، ناشی از تجربه‌ی طولانی چند ده ساله‌ی گذشته بود که نخبگان کشور را به این نقطه رساند.

نمونه‌ی دیگر، همین مسئله‌ی هدفمند کردن یارانه‌هاست، که این ناشی از تجربه‌ی بلندمدت نخبگان کشور است که در طول این سالها به این نقطه رسیده‌اند که یارانه‌هایی که از کیسه‌ی بیت‌المال - یعنی از جیب عموم مردم - بیرون می‌رود و به عموم تعلق می‌گیرد، بیشتر متوجه به قشرهایی بشود که نیاز آنها بیشتر است؛ یعنی قشرهای محروم و طبقات متوسط به پائین جامعه، از بیت‌المال و از کیسه‌ی عمومی ملت بیشتر برخوردار شوند تا طبقات بسیار مرفه و کسانی که در حقیقت احتیاجی هم به این یارانه‌ها ندارند. رسیدن به این حقیقت و تصمیم و عزم راسخ بر اجرای آن، ناشی از تجربه‌ی طولانی مدتی است که در طول این سالها متراکم شده است و به مرحله‌ی عمل درآمده است.

### زیرساختهای کشور، از عوامل و عناصر اصلی پیشرفت

عنصر دیگر، زیرساختهای کشور است. امروز کشور ما مثل دهه‌ی اول یا دهه‌ی دوم انقلاب نیست که زیرساختهای علمی و مورد نیاز را در کشور فاقد باشد. امروز جوانهای ما و متخصصین ما و دانشمندان در هر رشته‌ای که وارد میشوند، میتوانند کارهای بزرگ انجام دهند؛ لذا امروز در کشور آن چیزهایی که برای یک پیشرفت وسیع در زمینه‌ی ارتباطات، در زمینه‌ی مواصلات، در زمینه‌ی تحقیقات علمی، در زمینه‌ی ساخت و سازها مورد نیاز است، بحمدالله آماده است. ما از لحاظ راه‌های مهم و بین‌المللی، از لحاظ ساخت فرودگاه، از لحاظ ارتباطات بیسیم و باسیم، شبکه‌های ارتباطی، از لحاظ ساخت سدها، احتیاجی به دیگران نداریم. یک روزی بود که به خاطر کسی خطور هم نمیکرد که عناصر داخلی و متخصصین داخلی بتوانند سد بسازند، سیلو بسازند، بزرگراه بسازند، فرودگاه بسازند، کارخانه‌ی فولاد بسازند؛ در همه‌ی این چیزها چشم ملت ما به بیگانگان بود.



بعد هم که بیگانگان دستشان قطع شد، ما از این جهت در کشور فقیر بودیم؛ اما امروز از این جهت توانائی زیادی داریم. جوانان ما کارخانه‌های پیچیده را می‌سازند، کارهای پیچیده علمی و فناوری را انجام می‌دهند، نیاز کشور را برآورده می‌کنند، به کشورهای دیگر هم به عنوان مستشار و به عنوان کسانی که تجارت علم و فناوری می‌کنند، کمک می‌رسانند. در این جهت، کشور وضعیت شاخصی پیدا کرده است؛ این پیشرفت کمی نیست. یک روزی جوانهای ما حتی گلوله‌ی آر.پی. جی را نمیتوانستند پرتاب کنند و نمیشناختند؛ امروز همان جوانها موشک پرتابگر ماهواره می‌فرستند که چشم دانشمندان جهان را به خود جلب میکند، همه را متوجه میکند. یک روزی ما برای استفاده از نیروگاه‌هایی که در کشور داشتیم، احتیاج به متخصص داشتیم؛ امروز جوانان کشور ما خودشان آنچنان در صنعت پیشرفت کردند که پالایشگاه، نیروگاه و امکانات گوناگون را خودشان می‌سازند و تولید میکنند. یک روزی در زمینه‌ی مسائل زیست‌شناسی، کشور دچار فقر مطلق بود؛ امروز به پیشرفت در دانشهای زیستی، از جمله همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی که بسیار در دنیا چیز مهمی است، دست پیدا کرده است. امروز این امکانات در کشور وجود دارد. اینها همه زیرساختهایی است که پیشرفتهای آینده براساس این زیرساختها آسان میشود. علاوه‌ی بر اینها - همان طوری که عرض کردم - تجربه‌ی مدیران، یک تجربه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است. کشور امروز در مقابل چشم مدیران و نخبگان کشور، مثل یک صحنه‌ای است که میتواند برای پیشرفت آن برنامه‌ریزی کنند. همین سرکشی کردن مسئولین به گوشه و کنار این کشور، نقاط محروم، استانهای دور دست، در استانها به شهرهای گوناگون رفتن، با مردم تماس گرفتن، اوضاع را از نزدیک دیدن، با چشم مشکلات را مشاهده کردن، یک تجربه‌ی عظیم و گرانبگویی برای مأمورین ما و مسئولان کشور به وجود آورده است؛ اینها زمینه‌ی یک جهش است برای اینکه کشور بتواند ان شاءالله در طریق پیشرفت و عدالت حرکت کند؛ و این ایجاب میکند که دهه‌ی آینده - یعنی ده سالی که از امسال آغاز میشود - برای کشور ما و برای نظام جمهوری اسلامی، ده سال پیشرفت و عدالت باشد؛ که همه باید در این قسمت تلاش و کار کنند.

یک جمله‌ی کوتاه در مورد مفهوم پیشرفت، یک جمله‌ی کوتاه هم در مورد مفهوم عدالت عرض میکنم؛ تفصیل این اجمال را بایستی مسئولان، گویندگان، کسانی که با افکار مردم سر و کار دارند، باز کنند؛ هم تحقیق کنند، هم به مردم اطلاع‌رسانی کنند. مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز

موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه‌مورد سوء استفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هر چه بیشتر کنیم و ارتقاء بخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلویند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمیشود، با الفاظ نمیتوان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرک و برنامه‌ریزی لازم دارد، که بعد اشاره‌ای عرض خواهیم کرد.

### عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی

اما عدالت. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود. عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. اینجور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجائی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینجور نباشد که نور چشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛

دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.

### مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی، یکی از مصداقهای عدالت

یکی از مصداقهای عدالت، مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سالها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تأکید کرده‌ام، تلاشهای خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام میگیرد؛ اما مبارزه‌ی با فساد، کار دشواری است؛ کاری است که انسان، مخالف پیدا میکند. شایعه درست میکنند، دروغ میگویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار میگیرد. این مبارزه هم لازم است و باید انجام بگیرد. خوب، کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را چه در زمینه‌ی پیشرفت، چه در زمینه‌ی عدالت انجام دهند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتاً عقیده داشته باشند که باید عدالت برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مؤمن به این مبانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً میتوانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی را تحقق ببخشند. این مطلب اولی که لازم بود عرض کنم.

### مبارزه‌ی با اسراف، یک اقدام اساسی در زمینه‌ی پیشرفت و عدالت

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم؛ و آن مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تزییع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح میکنیم. من در همین دیدار اول سال، در نوبتهای متعددی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان در باره‌ی اسراف، درباره‌ی ولخرجی و تزییع اموال و لزوم صرفه‌جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض میکنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عادت‌های

ما، سمنتهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته ایم، ما را سوق داده است به زیاده روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما اینجوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد میکند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی میشود. در آیات شریفه ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه ی اقتصادی میزند، هم لطمه ی فرهنگی میزند. وقتی جامعه ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی میگذارد. بنابراین مسئله ی صرفه جوئی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده ی کشور را تهدید میکند.

من یکی دو تا از این آمارهای تکان دهنده را عرض بکنم؛ اسراف در قلمهای مهم مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان. بر حسب بررسی میدانی ای که در تهران و بعضی از مراکز استانها شده است، گفته میشود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوم همه ی نانی که در این شهرها تولید میشود، دور ریخته میشود. فکرش را بکنید شما؛ یک سوم! آن وقت کشاورز ما با آن زحمت گندم را تولید کند و اگر یک سالی بارندگی کم بود - مثل سال گذشته که تولید گندم در کشور کم شد - دولت از پول عمومی، از بودجه ی مردم گندم از خارج وارد کند، این گندم آرد بشود، خمیر بشود، نان بشود، بعد یک سوم از این همه ثروت دور ریخته شود. چقدر تأسف آور است! متأسفانه این واقعیت دارد، این هست.

در مورد آب بررسی هائی که کرده اند، میگویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرآبی نیست. حداکثر صرفه جوئی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید میشود، از راه های دور آورده میشود، با بهای سنگین سدهائی به وجود می آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار میرود تا این آب به خانه ی ما بیاید؛ بعد در خانه ی ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود! این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسرافهائی دارد. آنچه که بر حسب بررسی ها به عنوان آمار در اختیار ماست، ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی - چه برق، چه حامله های انرژی - مصرف میکنیم؛ یعنی نفت، گاز، گازوئیل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است. خوب، این اسراف است. اسراف نیست؟

شاخصی به نام شاخص شدت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی ای که مصرف میشود، با کالائی که تولید میشود؛ که هر چه انرژی ای که مصرف میشود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر

است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسرافهایی است که در جامعه دارد انجام میگیرد.

در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت میگیرد. تجمل گراییها، چشم و هم چشمیها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسائل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف میکنیم. پولی که میتواند در تولید مصرف شود، سرمایه گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف میکنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم چشمی، آبروداریهای خیالی. مسافرت میروند، می آیند، میهمانی درست میکنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه ای که رفته اند، بیشتر است! - عروسی میگیرند، عزا میگیرند؛ هزینه ای که برای این میهمانیها مصرف میکنند، هزینه های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمیگوئیم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید - البته اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات میشود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست میکنیم، عزا درست میکنیم، هی رخت و بر روز به روز دگرگون برای خودمان درست میکنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمیکند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن میفرماید: «و لاتسرفوا آتیه لا یحبّ المسرفین»، «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا»؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده روی نکنید. در آیهی شریفه ی دیگر: «کلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقّه یوم حصاده و لاتسرفوا آتیه لا یحبّ المسرفین». خداوند اسراف کنندگان را دوست نمیدارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (علیه السلام) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه ی خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتلها میهمانی درست کنند و به یک عده ای میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا ماند، به بهانه ی اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه ی اسلامی است؟ اینجوری میشود به عدالت رسید؟

### باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه تو جیبمان گذاشته ایم؛

به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار میشود، این را کانه دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازی‌ای است که ما به آن دچار هستیم.

مسئولان موظفند اسراف فقط در زمینه‌ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف میشود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف میشود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر میرود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه‌ی فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر میرود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر میرود. اینها اسرافهای ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمیکنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همان طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمیشود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه موظفند به پیگیری، برنامه‌ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجراء کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی اش مربوط به همین قضیه است.

این صرفه‌جویی‌ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا باز یافت: آب را صرفه‌جویی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری‌های با صرفه‌ی در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این سالها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی. اینکه گفته میشود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، یارانه‌ی کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمکهای دولتی، از کمکهای عمومی بهره‌مند شوند. بعضی‌ها هستند به قدری کم آب مصرف میکنند که اگر دولت از آنها پول آب را هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضی‌ها ده برابر آنها، بیست برابر آنها آب مصرف میکنند؛ خوب، اینها بایستی هزینه‌ی بیشتری بدهند. در امر نان، تولید گندم خوب، تولید آرد خوب، نگهداری درست، پخت خوب، بعد هم مصرف درست؛ همه‌ی اینها لازم است. این مسئله‌ی اسراف و صرفه‌جویی بود، که لازم بود من عرض کنم.





## تبیین شعار دهه عدالت و پیشرفت

پیشرفت و عدالت، موضوعی موافق با طبیعت

جوان و طبیعت

تفاوت پیشرفت با توسعه‌ی به مفهوم رائج غربی

باید به الگوی بومی برای پیشرفت برسیم

تأثیر مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا

نامطلوب

لزوم توجه به نقاط اشتراک پیشرفت غربی با

منطق اسلامی

اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی عدالت است

اصل دانستن دنیا و فراموشی آخرت، یک انحراف

درمسأله پیشرفت

استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در

دهه‌ی پیشرفت و توسعه

جهانی شدن به شرط حفظ استقلال و قدرت

تصمیم‌گیری کشورها

و...



## تبیین شعار دهه عدالت و پیشرفت\*

## پیشرفت و عدالت، موضوعی موافق با طبیعت جوان و طبیعت

موضوعی که من می‌خواهم عرض بکنم، موضوعی است که با طبیعت جوان و طبیعت دانشجویان در صد موافق است و نگاه به آینده دارد. چون آینده متعلق به شماست. ما امروز هر چه راجع به آینده بگوئیم، در حقیقت نگاه کردن و گفتن و اشاره کردن به برهه‌ای از زمان است که آن برهه متعلق به شماست؛ وجود واقعی شما در آن برهه تعیین کننده و کارگشاست. این موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسئله‌ی شعار دهه‌ی چهارم است - که شروع شده - یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می‌شود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می‌شود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود. من می‌خواهم یک قدری راجع به این مسئله‌ی پیشرفت صحبت کنم. مسئله‌ی عدالت هم باز یک باب واسع و طولانی دیگری است.

ابتدا شکل کلی بحث را می‌گویم و سعی می‌کنم که ان شاء الله هر چه بتوانم، موجزتر و کوتاه‌تر بگویم. شکل کلی بحث امروز این است: برخی از مختصات پیشرفت را عرض می‌کنیم تا قواره‌ی کلی و نمای کلی‌ای که ما برای پیشرفت در ذهن داریم، روشن بشود - عمده‌ی بحث هم همین است

- بعد برخی از پیش نیازهای یا نیازهای پیشرفت را می‌شماریم؛ بعد هم اگر مجال بود، به برخی از موانعی که در این راه وجود دارد و آسیب‌هایی که ممکن است گریبان ما را در این راه بگیرد، اشاره می‌کنیم.

### 🌟 تفاوت پیشرفت با توسعه‌ی به مفهوم رائج غربی

در مسئله‌ی اول - یعنی تبیین نمای کلی پیشرفت - من چند نکته را می‌گویم که مجموع این نکات، این نمای کلی را به ما نشان خواهد داد.

نکته‌ی اول این است که ما وقتی می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه‌ی به مفهوم رائج غربی تداومی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رائجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده میشود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایبستی اشتباه بشود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست. غربی‌ها یک تاکتیک زیر‌کانه‌ی تبلیغاتی را در طول سالهای متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. در وهله‌ی اول انسان خیال میکند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه‌ی ارزش‌گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته، یعنی کشور غربی! با همه‌ی خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جور می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله، در مجموعه‌ی رفتار و کارها و شکل و قواره‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی‌اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما اینها را یاد هم بگیریم، یاد می‌گیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی می‌کنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه‌ای از چیزهای ضد ارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه‌ی غربی شدن، یا توسعه‌یافته‌ی به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است.

### باید به الگوی بومی برای پیشرفت برسیم

مطلب دوم این است که پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرائط گوناگون - شرائط تاریخی، شرائط جغرافیایی، شرائط جغرافیای سیاسی، شرائط طبیعی، شرائط انسانی و شرائط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر میگذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزاء آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرائط تاریخی ما، با شرائط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمیخورد؛ چه نسخه‌ی پیشرفت آمریکائی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپائی از نوع اروپای غربی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپائی از نوع اروپای شمالی - کشورهای اسکاندیناوی، که آنها یک نوع دیگری هستند - هیچ کدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمیتواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرائط خودمان پیدا کنیم. من این بحث را در محیط دانشگاه دارم میکنم؛ معنایش این است که این تحقیق و این پیگیری و این تفحص را شما دانشجو، شما استاد و شما عنصر دانشگاهی، با جدیت باید انجام بدهید؛ و ان شاء الله خواهید توانست.

### تأثیر مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب

نکته‌ی بعدی هم نکته‌ی مهمی است: مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین کننده است و به ما میگوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و نابخردانه، یک روزی شعار داد و فریاد کشید که باید برویم سر تا پا فرنگی بشویم و اروپائی بشویم، او توجه نکرد که اروپا یک سابقه و فرهنگ و مبانی معرفتی‌ای دارد که پیشرفت اروپا، بر اساس آن مبانی معرفتی است؛ ممکن است آن مبانی بعضاً مورد قبول ما نباشد و آنها را تخطئه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه‌ی تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه‌های عکس‌العملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت. تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او میخواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق‌العاده است. مبانی معرفتی ما به ما میگوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا

غیر عادلانه.

فرض بفرمائید در یک جامعه‌ای تفکر سودمحور مطرح است؛ یعنی همه‌ی پدیده‌های عالم با پول محک زده میشوند و اندازه‌گیری میشوند: هر چیزی قیمت پولی‌اش و سود مادی‌اش چقدر است. امروز در یک بخش بزرگی از دنیا مسئله این است: همه چیز با پول سنجیده میشود! در این جامعه ممکن است برخی از کارها ارزشی باشد - برای خاطر اینکه آنها را به پول میرساند - اما در یک جامعه‌ای که در آن پول و سود، محور قضاوت نیست، همان کار ممکن است ضدارزش محسوب شود. یا در یک جامعه‌ای اصالت لذت حاکم است. آقا شما چرا این عمل را مباح میدانید؟ چرا همجنس‌گرایی و همجنس‌سازی را مباح میدانید؟ می‌گویید: لذت است؛ انسان از او لذت می‌برد! این شد اصالت لذت؛ وقتی اصالت لذت بر یک جامعه و بر یک ذهنیت عمومی حاکم بود، یک چیزهایی مباح میشود. اما وقتی شما در یک فلسفه‌ای، در یک ایدئولوژی‌ای و در یک نظام اخلاقی‌ای دارید تنفس میکنید که اصالت لذت در او وجود ندارد، یک کارهایی لذت هم دارد، اما نامشروع است، ممنوع است. لذت مجوز اقدام نیست، مجوز تصمیم‌گیری نیست، مجوز مشروعیت نیست. اینجا دیگر شما نمیتوانید مانند همان جامعه‌ای که در آن اصالت لذت حاکم است، تصمیم‌گیری کنید؛ مبانی معرفتی فرق میکند.

یا در یک جامعه و در یک نظام اخلاقی‌ای، پول احترام مطلق دارد؛ از کجا آمده؟ مهم نیست. ممکن است از راه استثمار بدست آمده باشد، ممکن است از راه استعمار بدست آمده باشد، ممکن است از راه غارت بدست آمده باشد؛ فرقی نمیکند، پول است. البته امروز این چیزها اگر صریحاً گفته بشود - در آن جوامعی که به آنها مبتلایند - ممکن است انکار بشود؛ اما تاریخشان را که نگاه میکنید قضیه روشن میشود. در آمریکا، ریشه‌ی این مسئله‌ی آزادی فردی و این لیبرالیسمی که به آن افتخار میکردند و میکنند و یکی از ارزشهای آمریکائی بحساب می‌آورند، عبارت است از حفظ ثروت شخصی. یعنی محیطی که آمریکا در آن محیط بوجود آمد و با آن مردمی که آن روز در آمریکا جمع شده بودند، حفظ فعالیت و تلاش مادی، نیاز به این داشت که به ثروت شخصی افراد یک ارزش مطلق داد بشود. البته این از نگاه جامعه‌شناختی و با نگاه واقعی - متنی به جامعه‌ی آمریکائی، داستان خیلی مفصلی دارد. آن روزی که منطقه‌ی آمریکا - نه نظام سیاسی آمریکا - به عنوان محلی برای کسب درآمد با آن زمینه‌ی طبیعی پرسود تبدیل شد، آن کسانی که در آمریکا جمع شده بودند، بیشتر ماجراجویانی بودند که از اروپا راه افتاده بودند، توانسته بودند عرض اقیانوس متلاطم اطلس را بیمایند و خودشان را به سرزمین اتازونی برسانند؛ هر کسی نمی‌آمد. آن کسی که در اروپا زندگی داشت، کار داشت، خانواده داشت، اصالت داشت، او که نمی‌آمد؛ افرادی می‌آمدند که یا از لحاظ مالی استیصال داشتند، یا تحت تعقیب جزائی بودند، یا ماجراجو بودند. میدانید، اقیانوس اطلس، متلاطم‌ترین دریاهای دنیاست؛ از عرض این اقیانوس عبور کردن و خود را از اروپا به سرزمین

آمریکارساندن، خودش یک ماجراجویی میخواست. مجموعه‌ای از این ماجراجوها، عمدتاً - نمیگویم عموماً - مردم اولیه‌ی آمریکا را تشکیل دادند. اگر بنا بود اینها بتوانند با هم و در کنار هم زندگی بکنند و ثروت تولید بکنند، باید به ثروت شخصی یک ارزش مطلق داده میشد. و داده شد. توی این فیلمهای کابوئی - البته اینها نه اینکه صددرصد واقعیت داشته باشد، به هر حال فیلم است، داستان است؛ اما نشانه‌های واقعیت کاملاً در آنها وجود دارد - شما می‌بینید برای خاطر یک گاوی که کسی از گله‌ی یک گله‌دار دزدیده، قاضی می‌نشیند قضاوت میکند، حکم اعدام به او میدهد، بعد هم به دارش میزنند! این بخاطر این است که ثروت شخصی و مالکیت خصوصی، یک ارزش مطلق پیدا میکند. خب، در یک چنین جامعه‌ای دیگر مهم نیست این پول از کجا آمده باشد.

در جوامع غربی - تقریباً به طور عموم - از راه استعمار آمده است. ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم بدست آورد و توانست به وسیله‌ی آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، بخاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره‌ی هند بدست آورده بودند؛ شبه قاره‌ی هند و کشور سیام سابق و بقیه‌ی کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو کلمه نمیشود گفت که اینها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را - که منطقه‌ی بسیار پر ثروتی بود - مثل یک انار آب‌لمبویی فشردند و همه رفت توی خزانه‌ی دولت انگلیس و کشور انگلیس تبدیل شد به یک ثروتمند! دیگر سؤال نمیشود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! خب پیشرفت در این کشور یک معنا پیدا میکند؛ اما در کشوری که استعمار را حرام میدانند، استثمار را گناه میدانند، غارت را ممنوع میدانند، غصب را حرام میدانند، تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع میدانند، پیشرفت یک معنای دیگری پیدا خواهد کرد. بنابراین مبانی معرفتی، مبانی اخلاقی و تفکرات اصولی و فلسفی، در تعریف پیشرفت در یک کشور تعیین کننده است. این هم یک مطلب.

### 🏠 لزوم توجه به نقاط اشتراک پیشرفت غربی با منطق اسلامی

مطلب بعدی این است که ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه‌ی غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه‌ی کشورهای توسعه یافته‌ی غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیقات و خصال خوب اروپائی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم میگیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم.

### اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی عدالت است

نکته‌ی بعدی مسئله‌ی پسوند عدالت است. ما گفتیم پیشرفت و عدالت؛ این خیلی معنادار است. فرض بفرمائید یکی از شاخصهای مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشورهاست. فلان کشور درآمد ناخالص ملی اش، مثلاً چندین هزار میلیارد است، فلان کشور یک دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمیتواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم میشود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدمهایی شب توی خیابان میخوابند و با گرمای چهل و دو درجه‌ی هوا عده‌ی زیادیشان میمیرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خبرها: در فلان شهر معروف بزرگ غربی - مثلاً در آمریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دو درجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دو درجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که اینها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسانهایی وجود دارند که بی سرپناه زندگی میکنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست. بنابراین پسوند عدالت اینقدر اهمیت دارد.

البته درباره‌ی پسوند عدالت حرفهای بیشتری هست. اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی میداند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه‌ی همه‌ی مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را تک ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیائی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دوساحتی میداند - بکلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه‌ی اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را میخواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول عنه واقع بشود به توهم دنبالگیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول عنه واقع بشود بخاطر دنبالگیری از دنیا. این بسیار نکته‌ی مهمی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه‌ی اسلامی مورد نظر است، اینچنین پیشرفتی است.

### اصل دانستن دنیا و فراموشی آخرت، یک انحراف در مسأله پیشرفت

چند جور انحراف ممکن است در اینجا بوجود بیاید:

یکی این است که کسانی دنیا را اصل بدانند و از آخرت فراموش کنند؛ یعنی همه‌ی تلاش جامعه و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیائی آباد

کنند: مردم پول داشته باشند، ثروت داشته باشند، راحت باشند، مشکل مسکن نداشته باشند، مشکل ازدواج نداشته باشند، مشکل بیکاری نداشته باشند؛ فقط همین! اما از لحاظ معنوی در چه وضعی باشند، مطلقاً مورد توجه قرار نگیرد. این یک انحراف است.

یک انحراف دیگر این است که از دنیا غفلت کنند؛ از دنیا غفلت کردن یعنی از مواهب حیات و مواهب زندگی غفلت کردن و به آن بی‌اعتنائی کردن؛ این هم یک انحراف دیگر است. مثل بسیاری از گرفتاری‌هایی که در مجموعه‌ی دینداران در گذشته اتفاق افتاده: اقبال به مسائل اخروی و دینی، و بی‌توجهی به مواهب عالم حیات و استعدادهایی که خدای متعال در این عالم قرار داده است؛ این هم یکی از انحرافهاست. «هو الذی انشأکم من الارض و استعمرکم فیها»؛ خدا شما را مأمور کرده است به آبادی زمین. آبادی یعنی چه؟ یعنی استعدادهای بی‌پایانی که در عالم ماده وجود دارد را یکی یکی کشف کردن، آنها را در معرض استفاده‌ی انسان قرار دادن و انسان را به این وسیله به جلو بردن. این مسئله‌ی علم و تولید علم و این مسائلی که ما می‌گوئیم، ناظر به این است.

یک انحراف دیگر هم این است که انسان در زندگی شخصی خود، مواهب حیات و نیازهای مادی را دست کم بگیرد و مورد بی‌اعتنائی قرار بدهد؛ این هم در اسلام گفته نشده، خواسته نشده؛ بلکه عکسش خواسته شده: «لیس منّا من ترک آخرته لدنیا و لا من ترک دنیا لآخرته». اگر آخرت را به خاطر دنیا ترک کردید در این امتحان مردودید؛ اگر دنیا را هم به خاطر آخرت ترک کردید در این امتحان مردودید. این خیلی مهم است. امیرالمؤمنین به کسی برخورد کرد که زن و زندگی و خانه و همه چیز را کنار گذاشته بود و به عبادت پرداخته بود؛ فرمود: «یا عدی نفسه»، ای دشمن کوچک خویش! با خودت داری دشمنی میکنی؛ خدا این را از تو نخواسته. «قل من حرم زینة الله الّتی اخرج لعباده و الطّیبات من الرّزق». (۱) این هم این مطلب است. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت - هم در برنامه‌ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره‌ی کشور - لازم است. این هم یک شاخص عمده‌ی پیشرفت است.

اینها یک مختصاتی از جمله‌ی مختصات پیشرفت مورد نظر ما بود که عرض کردیم. همانطور که گفتیم با این حرفها تمام نمیشود؛ باید دقت کرد، باید تعقیب کرد، باید تحقیق کرد. صاحبان فکر در دانشگاهها بنشینند و روی این مسائل مطالعه کنند؛ تبیین علمی بشود؛ مدل‌سازی علمی بشود تا بتوانیم این را به برنامه تبدیل کنیم و بیندازیم در میدان اجرا تا در پایان ده سال، ملت احساس کنند که پیشرفت حقیقی پیدا کردند.

### استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه

یکی از الزامات ما این است: هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده‌ی استقلال کشور باشد؛





این باید بعنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، دلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمی‌شود. امروز هستند کشورهایی - بخصوص در آسیا - که از لحاظ فناوری، از لحاظ دانش، از لحاظ صنوعات، پیشرفته‌های ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده‌اند؛ اما وابسته‌اند، وابسته‌اند. ملت و به تبع آنها دولت، از خودشان هیچ نقشی ندارند: نه در سیاستهای جهانی، نه در سیاستهای اقتصادی عالم و نه در طراحی‌های مهمی که در عرصه‌ی بین‌المللی مورد توجه است. دنباله‌روند؛ غالباً هم دنباله‌رو آمریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد.

### جهانی شدن به شرط حفظ استقلال و قدرت تصمیم‌گیری کشورها

یک نکته‌ای را در این جا من عرض بکنم و آن مسئله‌ی جهانی شدن است. جهانی شدن، اسم خیلی فشنگی است و هر کشوری فکر میکند بازارهای جهانی به رویش باز میشود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الا جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال اینها - که همه ابزارهای آمریکائی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است.

### لزوم تولید علم در همه علوم

یک مسئله‌ی دیگر هم که به شدت به شما ارتباط پیدا میکند، مسئله‌ی تولید علم است. خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاهها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفتمان عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسند کننده و نویدبخش است. باید اجرائی کنید. این پیشنهادهایی که این عزیزان من در زمینه‌های دانش و تحقیق و پژوهش و ایجاد مراکز و نخبه‌پروری و ارتباطات و غیره گفتند، همه در جهت همین مسئله‌ی تولید علم است. این بسیار باارزش است. این راه را باید دنبال کرد. ما عقبیم. امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هر چه سرعت مان بیشتر باشد باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راههای میان‌بر استفاده کنیم؛ از شتاب‌فراوان بهره



ببریم؛ ما باید در همه‌ی علوم تولید داشته باشیم.

### باید بین کشورها در زمینه‌ی علم تعادل و توازن باشد

رابطه‌ی بین کشورها در زمینه‌ی علم باید رابطه‌ی صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی میشود و احساس غبن میکند، در زمینه‌ی علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد میکنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد. و الا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرا بگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در این جا هم منفی نباشد. متأسفانه در این یکی دو قرن شکوفائی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اول انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدت هر چه بیشتر ادامه پیدا کند.

### کمتر نبودن اهمیت علوم انسانی از علوم طبیعی

البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست: جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه، نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبر تر! فلان جامعه‌شناس این جور ی گفته؛ این دیگر برو بر گرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه پردازی کنید؛ از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله‌ی کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.

### مبارزه، یکی از الزامات مسأله پیشرفت

من دیگر میخواهم بحث را تمام نکنم. یکی دیگر از الزامات هم مسأله‌ی مبارزه است؛ مبارزه. اگر میخواهید پیشرفت کنید باید مبارزه کنید. عافیت‌طلبی، یک گوشه‌ای نشستن، دستها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدانهای بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملتی پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید. این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهمتر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است. امروز بسیاری از کشورها، دولتها و جوامعی که در دنیا به عنوان پیشرفته مطرحند، اگر حساب‌کشی اخلاقی و سیاسی بشود سر به زیر و سر افکنده‌اند.

شما امروز نگاه کنید؛ فرض کنیم در غزه؛ یک جمعیت از اطراف محاصره‌شده‌ی در یک زمین محدود - که اجازه‌ی ورود و خروج هیچ امکانی از امکانات زندگی به اینها داده نمیشود - با هواپیما



این‌ها را بکوبند، با موشک بکوبند، با توپخانه بکوبند، نیروی زرهی شان را وارد کنند، در ظرف بیست و دو روز بیش از پنج هزار نفر را بکشند، آنوقت دنیا هم بنشیند و تماشا کند؛ اواسط کار، یک آخ و اوخی - بی اثر و بی نتیجه - از این گوشه و آن گوشه‌ی دنیا بلند بشود؛ آخرش هم سازمان ملل اعلام کند - که جناب دبیر کل همین چند روز قبل از این اعلام کرد - که پرونده‌ی مسئله‌ی غزه بسته شد! عجب!

امروز در دنیا ظلم وجود دارد، تبعیض وجود دارد، یک بام و دو هوا وجود دارد. یکی از مصادیقش همین مسئله‌ی هسته‌ای خود ماست. یکی از مصادیقش همین تجاوزهای نظامی به کشورهای مسلمان همسایه‌ی ماست. کشتن غیر نظامیان و بمباران غیر نظامیان یک چیز عادی شده. همین هفته‌ی قبل اعلام کردند صد و پنجاه نفر در افغانستان با بمباران هوایی نظامیان آمریکائی کشته شدند؛ آب هم از آب تکان نمیخورد! بعد هم میگویند: بله، بخشید اشتباه شد! این شد حرف! اگر آن روزی که صدام حسین حلبچه را بمباران شیمیائی کرد، یقه‌ی او را میگرفتند و دنیا او را به پای میز محاکمه میکشاند و محاکمه میکرد؛ اگر آن روزی که هواپیمای مسافری ایران به وسیله‌ی یک ژنرال آمریکائی در خلیج فارس سرنگون شد و چند صد نفر ایرانی و غیر ایرانی کشته شدند، گریبان این نظامی جنایت کار را میگرفتند، به دادگاه میکشاندند - که بجایش رئیس جمهور آن روز آمریکا به او نشان داد، مدال داد؛ انحطاط را ببینید - و او را محاکمه میکردند؛ اگر آن روزی که اولین بار یک کاروان عروسی در افغانستان به وسیله‌ی نظامیان آمریکائی بمباران شد، آن افسر جنایتکار را میگرفتند و محاکمه میکردند؛ دیگر این قضایا در دنیا اتفاق نمی افتاد یا کم میشد. این وضعیت زشت و ناهنجار و ضد بشری‌ای است؛ یک ملت زنده باید با آن مبارزه کند.

ما افتخار میکنیم که ملت ما، دولت ما، مسئولین ما، جوانان ما و فرزندان ما در همه‌ی این سالها نسبت به این قضایا بی تفاوت نبودند؛ اعلام موضع کردند، ابراز نفرت کردند. این روحیه را ملت ایران نباید از دست بدهد. این روحیه را از دست ندهید؛ بخصوص شما جوانها. یک عده‌ای میخواهند مطلب را واژگونه نشان بدهند؛ اعتراض میکنند آقا! چقدر میگوئید مرگ بر فلان، مرگ بر فلان. اعتراض میکنند چرا جنایات آمریکا را یا صهیونیستها را یا هم پیمانانشان را در تریبونهای جهانی علنی مطرح میکنید. باید مطرح کرد، باید گفت. ملتها درس میگیرند. من به شما بگویم این را - اگر چه نمیتوانیم این را اثبات بکنیم اما من میدانم، این را بالعیان مشاهده کردم - برخی از کشورهای استقلال یافته و آزاد شده - از جمله یکی از کشورهای معروف آفریقا - از ایران الگوگیری کردند؛ همان روشی را که در دوران انقلاب در ایران اعمال شده بود، آن روش را به کار بردند. این جا بهشان گفته شد. سران انقلابیونشان آمده بودند این جا؛ به آنها گفته شد که امام از این روش استفاده کرد؛ رفتند و همان روش را اعمال کردند و توانستند استقلال بگیرند و نوری کشور خودشان، پارتاید را نابود کنند.

ملت‌ها الهام میگیرند، دولتها یاد میگیرند و رهبران ملی تشجیع میشوند، وقتی می بینند یک ملت این جور ایستاده است. چرا ما خجالت بکشیم؟ قبل از پیروزی انقلاب در دوران طاغوت، اگر توی یک جمعی - که مثلاً داشتند با همدیگر توی خیابان راه میرفتند، یا توی فرودگاه منتظر پرواز بودند، یا مثلاً یک گوشه‌ای از دانشگاه گیر افتاده بودند - یکی شان میخواست نماز بخواند، این قدر این کار غیر مأنوس بود که آن کسانی که همراهش بودند میگفتند: نماز میخوانی؟! آبروی ما رفت! نماز خواندن مایه‌ی آبروریزی بود! این بود؛ شما جوانها آن روزها را ندیده‌اید؛ ما دیده‌ایم. اگر یک جوان نماز خوانی در یک منطقه‌ی جلوی چشم و یک مرکز عمومی، میایستاد نماز میخواند، رفقایش خجالت میکشیدند و میگفتند آبروی ما را بردی. اگر در یک اجتماع عمومی - که بنا بود چند نفر سخنرانی کنند - سخنران، اول سخنرانی میگفت بسم الله الرحمن الرحيم، رفقایش خجالت میکشیدند و سرشان را پائین می انداختند!

امروز و در دوران عظمت اسلام، سربلندی نظام اسلامی و سربلندی ملت ایران به خاطر مواضع ضد استکباری اش، آدم می بیند اگر کسی در تریبونهای جهانی در مقابل آمریکا و اسرائیل و صهیونیسم و هم پیمانانشان بایستد و صریح حرف بزند، یک عده‌ای این جا خجالت میکشند! دست به دست هم میمالند و میگویند: آقا! آبرویمان رفت! مثل همان خجالت کشیدنی که در دوران طاغوت، از نماز خواندن یکی میبردند. چرا خجالت بکشیم؟! مواضع صریح ملت ایران - و بخصوص جوانها - در مقابل ظلمها و ستمهای بین المللی هرگز نایستی متوقف بشود.

### 🔗 تلاش همگانی برای پیشرفت

عزیزان من! در این میدانهای پیشرفت، همه باید تلاش کنید. این جا دانشگاه کردستان است. اکثریت شما دانشجویها، گردید. من افتخار میکنم که در محیط کردستان و در بین دانشجویان گرد، آنچنان شعارهای اسلامی زنده است و آنچنان احساس دل بستگی به آرمانهای ملی زنده است که دشمنان ما به خشم می آیند. این مایه‌ی افتخار ملی ماست. این همه اینها روی کردستان کار کردند؛ این همه در بلندگوها و شب‌نامه‌ها و روزنامه‌ها و در سر و علن، جدائی بین اقوام ایرانی را تلقین کردند؛ شما نتیجه‌اش را امروز توی این جمع می بینید، در جمع میدان آزادی سنندج دیدید، در میوان دیدید. ملت یکپارچه است؛ ملت دارای آرمان است. اقوام یکی اند. این مطالبی که عزیزان گرد ما امروز در این جا راجع به دل بستگی‌ها و هم بستگی‌ها گفتند، اینها چیزهایی است که برای من جزو واضحات است، مثل روز روشن است. ممکن است بعضی درست ندانند، درست نفهمند؛ باید خودشان را اصلاح کنند.

## استقلال صنعتی، یکی از شرایط توسعه‌ی کشور

- تأثیر بسیار اساسی صنعت در پیشرفت کشور
- جمهوری اسلامی، باطل کننده توهم تقابل میان عقلانی‌زیستن و توسعه یافتگی
- عقب افتادگی طولانی کشور در خصوص صنعت خودرو
- لزوم روی پای خود ایستادن در همه‌ی زمینه‌های صنعتی
- باز کردن راه برای مصنوعات خارجی، بدترین گزینه برای بالابردن کیفیت داخلی
- تحقیق، عامل حفظ صنعت در شرایط سخت رقابتی
- تلاش دستگاه‌های گوناگون دولتی برای تأمین بازار صنعتی
- مسئله‌ی محیط زیست، شاخصی در ساخت موتورها و دستگاه‌های صنعتی
- ابتکار و هوشمندی و تلاش و پیگیری صنعتگران
- ضامن فردای این کشور
- و...

## استقلال صنعتی، یکی از شرایط توسعه‌ی کشور\*

### تأثیر بسیار اساسی صنعت در پیشرفت کشور

دیدار امروز من یک معنای نمادین هم دارد؛ علاوه بر اینکه دیدار از یک بخش قابل توجه و مهمی هست. مضمون مورد نظر ما این است که ما توجه بدهیم به اهمیت صنعت در پیشرفت کشور. منظور ما از صنعت، صنعت جوشیده‌ی از ذهن و فکر و ابتکار و ایمان خود شماست. معتقدیم که صنعت تأثیر بسیار اساسی‌ای دارد در پیشرفت کشور؛ یعنی در واقع عنصر اصلی پیشرفته محسوب شدن یک کشور و لوازمی که دارد، پیشرفت در صنعت است؛ با شرایط در جای خود معین شده‌ای که مربوط میشود به افکار و عقاید و ایمانهای ملت ما و شما عزیزان.

### جمهوری اسلامی، باطل کننده توهّم تقابل میان عقلانی زیستن و توسعه یافتگی

یک توهّم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهنها هنوز هم این توهّم وجود داشته باشد - و آن عبارت بود از توهّم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه یافتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب گیرنده‌ی در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه‌ی ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم‌پوشیم! یک چنین توهمی وجود داشته.

دلایل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل، و دلایل جامعه‌شناسی هم دارد. آنچه که ما می‌خواهیم بر آن پافشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده. ما می‌خواهیم و میتوانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته‌تر زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیشتر برویم. اسلام که دین معنویت است، دین علم هم هست. جامعه‌ی اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم هجری پیشرفته‌ترین جوامع بشری در زمان خودشان بودند. مفاخر علمی ما در آن دوران، همچنان مثل ستاره در آسمان دانش بعد از گذشت هزار سال میدرخشند؛ اما به دلایل خاص خود، ما رکود داشتیم؛ تنزل داشتیم.

امروز حرکت ما رو به جلو است؛ حرکت جهشی است و باید اینجور باشد؛ هم در زمینه‌های علمی، هم در زمینه‌های معنوی و اخلاقی. صنعت میتواند یک صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظات دینی، ملاحظات اخلاقی، ملاحظات انسانی در صنعت کاملاً رعایت بشود. ما می‌خواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و به همان استناد، پایبند به پیشرفت جهشی صنعت.

خب، ما در قضیه‌ی صنعت قانع نیستیم به آنچه که تا امروز به دست آمده. اگر چه آنچه تا امروز به دست آمده، بسیار ارزشمند است؛ نه اینکه ارزش اینها را ندانیم، قدر اینها را نشناسیم، کوشش ارزشمندی که در راه آن انجام گرفته، ندیده بگیریم؛ نه، اینها همه به جای خود محفوظ، اما این آغاز کار است، آغاز راه است.

### 🏠 عقب‌افتادگی طولانی کشور در خصوص صنعت خودرو

ما در خصوص صنعت خودرو یک عقب‌افتادگی طولانی‌ای را آزمودیم و تحمل کردیم. هنر بزرگ شماها این است که توانسته‌اید این عقب‌ماندگی طولانی را با همت خودتان قطع کنید؛ یعنی این حال چرت و خواب و خواب‌آلودگی را که تقریباً از بعد از ورود صنعت خودرو به کشور حدود سی سال طول کشیده، به هم بزنید. ما از سالهای دهه‌ی ۴۰ که صنعت خودروسازی وارد کشور شده - در حدود سی سال تقریباً - همین‌طور در جاز داریم. در مرحله‌ی تقلید محض و تقلید صرف باقی ماندیم. نمیتوان مسئولین کشور را در دهه‌ی ۶۰ مؤاخذه کرد؛ زیرا دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی انقلاب است، دهه‌ی دفاع مقدس است؛ به قول مسئول محترم، این سالن، سالن تسلیح رزمندگان است؛ همه‌ی خانه‌های ملت ایران در واقع به یک نحوی عقبه‌ی میدان جنگ بوده. دهه‌ی ۶۰ را نمیشود مؤاخذه کرد؛ اما قبل از دهه‌ی ۶۰، قبل از دوران انقلاب را، چرا؛ باید محاسبه کرد، باید مؤاخذه کرد. دوران حرکت تقلیدی برای خودروسازی در کشورهایی که خواستند خودروساز بشوند، چهار پنج

سال است. چرا باید در اینجا این قدر طول بکشد؟ این گناه آن کسانی است که به منافع کشور فکر نمی‌کردند؛ برای عزت کشور دل نمی‌سوزاندند؛ برای ضایع شدن و دور ریخته شدن سرمایه‌های مادی کشور اهمیتی قائل نبودند. اما در نظام جمهوری اسلامی از دهه ۷۰ شما شروع کردید؛ خوب، پیشرفت هم خوب بوده. امروز این موتور ملی که از ایده و طراحی تا آخرین اجزایش را هنر ایرانی و سرانگشت ایرانی و فکر ایرانی و تلاش ایرانی ساخته، یک نماد عزت برای کشور است؛ این خیلی چیز پر معنائی است. مسئله فقط این نیست که ما توانسته‌ایم یک موتور خودرو تولید بکنیم؛ مسئله فراتر از اینهاست. امروز دنیا میدان مسابقه‌ی وسایل انواع موتور هاست و موتور خودرو به عنوان یک وسیله‌ی متعارف زندگی و جلو چشم و مورد استفاده‌ی همه، یکی از برجسته‌ترین اقلام است. توی این دنیای پر کشمکش، شما توانستید هنر سرانگشت هنرمند ایرانی را اینجا نشان بدهید؛ این خیلی باارزش است. دل انسان خون میشود وقتی به یاد می‌آورد که مادر طول سالهای متمادی در خودروهای کشور مان - چه آنهایی که از خارج می‌آمده، چه آنهایی که به ظاهر در داخل تولید میشده - موتورهائی کار میکرده که یکسره بیگانه بوده؛ دیگران ساخته بودند؛ کارگر دیگری این را ساخته. ما به جای اینکه کارگر خودمان را به کار مشغول کنیم، از هنر او استفاده کنیم، به او سود برسانیم و کشور را پیش ببریم، در واقع به دیگران کمک کردیم. امروز بحمدالله این زمینه را شما فراهم کردید، این امکان را به وجود آوردید؛ این خیلی باارزش است. من از این کار خوب تقدیر میکنم؛ منتها همانطور که عرض کردم، این گام اول است.

### 🔗 لزوم روی پای خود ایستادن در همه‌ی زمینه‌های صنعتی

یکی از شرایط توسعه‌ی یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ توانائیهای خودمان را به کار بگیریم. البته دنیا، دنیای تبادل است؛ اما تبادل دوجانبه. تبادل؛ دادن و ستاندن. آن وقتی شما میتوانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه‌ی صنعت بایستید. ما این را میخواهیم؛ ما این را لازم داریم. ایران اسلامی شایسته‌ی این است؛ با این تاریخمان، با این میراث عظیم تمدنی مان، با این حرکت مردمی، با این آمادگی جوانها، با این استعداد فراوان که در کشور ما هست؛ ما این را لازم داریم. باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیائیم. و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد - حالا من بعد در زمینه‌ی مسئله‌ی صادرات که یکی از مسائل اساسی ماست، اشاره میکنم - و دنیا نگاه کند به جمهوری اسلامی و ببیند که این ملت با هوشمندی خود، با توانائیهای خود، توانسته در این میدان این پیشروی‌ها را انجام بدهد.



### 🏠 باز کردن راه برای مصنوعات خارجی، بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی

خب، چند تا نکته و مطلب در این زمینه هست که عرض میکنم. یک مسئله این است که ما اگر اهمیت میدهیم به صنعت داخلی - حالا در زمینه‌ی خودرو که فعلاً محل کلام ماست و یا زمینه‌های دیگر - بایستی سیاست تعدیل بازرگانی خودمان را در این زمینه حتماً تنظیم کنیم. یعنی واردات بی‌رویه قطعاً ضرر خواهد زد. دستگاه‌های سیاستگذار کشور و کسانی که سیاستهای اجرایی را تنظیم میکنند، به این نکته باید توجه کنند. فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهمتر و بهتر، رشد صنعت داخلی است؛ قوام گرفتن صنعت داخلی است. این درست نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم. من بارها به مسئولین - مسئولین گوناگون در بخشهای مختلف دولتی - گفتم: اگر فلسفه‌ی شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته‌های صنعتی این است که میگوئید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاستهایی وجود دارد که میشود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده‌ی داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقاء بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است. گزینه‌های بهتری وجود دارد برای اینکه ما کیفیت را بالا ببریم.

### 🏠 تحقیق، عامل حفظ صنعت در شرایط سخت رقابتی

یک نکته‌ی دیگری که مهم است، مسئله‌ی تحقیق است؛ تحقیق و توسعه‌ی فناوری. امروز همه‌ی صنایع دنیا از جمله صنعت خودرو دانش محور است. مرتب دارند فکر میکنند، کار میکنند، تحقیق میکنند، پژوهش میکنند، برای اینکه این را کامل تر، بی‌عیب‌تر، زیباتر، کم‌مصرف‌تر، ارزان‌تر از آب در بیاورند. این جز با پیشرفت علمی، جز با تأمل و دقت و تحقیق، ممکن نیست. باب تحقیق را بایستی باز گذاشت. دستگاه‌های مختلف، کارخانجات صنعتی و مدیران صنعتی و مدیران دولتی مشرف بر صنعت، بر روی مسئله‌ی تحقیق باید خیلی تلاش بکنند. این کمک میکند به اینکه صنعت بتواند در شرایط سخت رقابتی، خودش را حفظ کند؛ در رقابت با رقبای پیشرفته زمین نخورد. این با تحقیق امکان پذیر است.

### 🏠 تلاش دستگاه‌های گوناگون دولتی برای تأمین بازار صنعتی

یک مسئله‌ی مهم در باب صنایع ما و از جمله حالا صنعت خودرو، همین مسئله‌ی صادرات است. دستگاه‌های گوناگون دولتی باید تلاش بکنند تا بازار صادراتی را تأمین بکنند. این یکی از آن کارهای بسیار حساس، بسیار هنرمندانه و مبتنی بر تلاشهای متنوع و مرکب چند جانبه است. بعضی از کشورهای همسایه‌ی ما صادرات خودروشان در سال، میلیاردها دلار درآمد برایشان دارد! این



کار بسیار مهمی است؛ یعنی از اول باید حرکت سازندگان خودرو ناظر باشد - حالا خودرو را من به عنوان یک نمونه‌ی بارز عرض میکنم، مجموعه‌ی صنایع از این قبیل است - که باب صادرات باز بشود؛ یعنی از اول فکر بشود و دستگاه‌های دولتی، پیدا کردن بازارهای صادراتی را یکی از اهداف خودشان قرار بدهند.

### مسئله‌ی محیط زیست، شاخصی در ساخت موتورها و دستگاه‌های صنعتی

یک مسئله هم مسئله‌ی محیط زیست است - که من حالا اینجا در خلال گزارشها شنیدم که به مسئله‌ی محیط زیست توجه میشود و میخواهم روی این مسئله تأکید کنم - یعنی یکی از شاخصهای اساسی‌ای که در ساخت موتورها و همه‌ی دستگاه‌های صنعتی باید مورد توجه باشد، مسئله‌ی محیط زیست است. تخریب محیط زیست، از آن چیزهایی است که ضربه‌اش را یک ملت، یک منطقه‌ی جغرافیائی، گاهی همه‌ی دنیا در وقتی احساس میکنند که دیگر قابل جبران نیست. مسئله‌ی محیط زیست، بسیار مسئله‌ی مهمی است. اسلام هم بر روی محیط زیست خیلی تکیه کرده است. حفظ محیط زیست، رعایت محیط زیست، این چیزی که امروز دنیا به آن دست یافته، از جمله‌ی چیزهایی است که جزو تعالیم اسلام است. این هم نکته‌ی بسیار مهمی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

### ابتکار و هوشمندی و تلاش و پیگیری صنعتگران ضامن فردای این کشور

من اگر بخواهم همه‌ی آن چیزی را که در ذهنم هست در مورد کار شما برادران عزیز در یک جمله عرض بکنم، این است که میخواهم بگویم: ابتکار شما، هوشمندی شما، تلاش و پیگیری شما ضامن فردای این کشور است؛ ضامن فردای این ملت است. از کار خسته نشوید، از تلاش و پیگیری خسته نشوید. ما کشورهایی را سراغ داریم که بعد از ما وارد این میدان شده‌اند، الان جلوتر از ما هستند! به خاطر پیگیری، به خاطر خسته نشدن از کار و اینکه مدیران ارشد، همت خودشان را مصروف این کرده‌اند که کار را رها نکنند. یکی از نقیصه‌های عمده‌ای که بنده در بعضی از دولتهامان در طول این سالها مشاهده کرده‌ام، پیگیری نکردن و دنبال نکردن کارهاست. کار را با شوق و ذوق شروع میکنند، بعد نصفه کاره میماند! چرا؟ چون مدیران حمایت نمیکنند، پیگیری نمیکنند؛ چه حمایت مالی، چه حمایت اداری، حمایت‌های مدیریتی، تشویق، رسیدگی، برداشتن موانع جزئی از سر راه. گاهی یک مانع جزئی یک کار بزرگ را مدتها معطل میکند؛ تجربه‌ی انسان این را نشان میدهد. ما دیده‌ایم کارهای بزرگی که متوقف شده، بعد که رفتیم سراغ کار که چرا متوقف شده، فهمیدیم یک جا یک گیر کوچکی وجود داشته، همت نکردند این گیر کوچک را برطرف کنند، این جریان عظیم همین طور متوقف مانده. خوشبختانه دولت کنونی دولت فعالی

است، دولت پیگیری است، با همتند، حقاً دلسوزند، وزیر محترم هم جوان و پرنشاط و پراگیزه است. امیدواریم ان شاء الله کارها را به بهترین وجهی پیش ببرید.

### ❁ ممکن نبودن پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی

کشاورزی هم که برای ما خیلی اهمیت دارد و از نظر من یک رکن اساسی قوام و حیات کشور ما است، بستگی دارد به صنعت. پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی ممکن نیست. یعنی من که رو صنعت تکیه میکنم، این نفی بخش کشاورزی نباید به حساب بیاید. این در واقع تأیید و کمک پیشرفت مجموعی کشور است که از جمله بخش کشاورزی هم در آن هست. اصرار دارم بر اینکه بخش صنعت پیشرفت بکند و این پیشرفت هم با تحقیق، با به کار انداختن فکر و هوش سرشاری که بحمد الله در شما جوانان عزیز هست، و سرانگشتان ماهر ایرانی، امکان پذیر است.

### ❁ پرکاری و تلاش فراوان، عامل پیشرفت کشورهای صنعتی

من عرض بکنم به شما، خیلی از این کشورهایی که امروز در زمینه‌ی صنعت نام آورند و در دنیا در واقع در ردیف اول قرار دارند، اطلاعات متقنی که بنده دارم، این است که سطح هوشی آنها از سطح هوشی متوسط کشور ما بسیار پائین تر است! منتها با پرکاری و با تلاش فراوان توانسته‌اند پیشرفت بکنند. هوشمندی و برخورداری از هوش و استعداد و ظرفیت ذهنی یکی از عوامل بسیار مهم است که در ما هست. باید آن عنصر و عامل دوم را که عامل کار و تلاش پیگیر و خسته نشدن است هم همراه بکنیم. بدانید که در آن صورت، ان شاء الله کشور حرکت جهشی خواهد داشت، پیشرفت جهشی خواهد کرد و کارهای بزرگ انجام خواهد داد؛ همچنانی که امروز در بخشهای متعددی ما می بینیم که کشور ما در مجموعه‌ی مثلاً ده کشور اول، هشت کشور اول قرار دارد. الان اینجا در یک موردی یکی از آقایان گفتند، جزو شش کشور دنیا هستیم که این امکان را داریم و این کار را میتوانیم انجام بدهیم؛ اینها خیلی مهم است. این کشوری است که از صنعت و ابتکار و خلاقیت و فعالیت در دوران پیش از انقلاب فرسنگها فاصله داشته است، امیدش را هم نداشته، اعتماد به نفس را هم نداشته است، امروز به اینجا رسیده؛ این خیلی مهم است. بنابراین راه برای شما باز هست و استعداد جهش فراوان است. از خداوند متعال خواستاریم که ان شاء الله شماها را توفیق بدهد و کمک بکند.

### ❁ پیوند دانشگاه با بخش صنعت

این مسئله‌ی پیوند با دانشگاه را هم که یکی از آقایان اشاره کردند، بسیار مهم است؛ بسیار مهم است. من چندین سال است که به دانشگاه‌ها، به دستگاه‌های دولتی این سفارش را میکنم که

بین صنعت و بین دانشگاه یک ارتباط مستحکمی برقرار بشود. احتیاج داریم ما به اینکه در دانشگاه کانونهای دانشی، مخصوص بخش صنعت و بخشهای گوناگون صنعت، مثلاً مخصوص بخش خودرو به وجود بیاید که پشتیبانی کنند.



# سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف



سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف 



## سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف

بسم الله الرحمن الرحيم

## سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف

- ۱- اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و سازمانی، ترویج فرهنگ صرفه جویی و قناعت و مقابله با اسراف، تبذیر، تجمل‌گرایی و مصرف کالای خارجی با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی و هنری و رسانه‌ها بویژه رسانه ملی.
- ۲- آموزش همگانی الگوی مصرف مطلوب.
- ۳- توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌وری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه و با تأکید بر شاخص‌های کارآمدی، مسوولیت‌پذیری، انضباط و رضایت‌مندی.
- ۴- آموزش اصول و روش‌های بهینه‌سازی مصرف در کلیه پایه‌های آموزش عمومی و آموزش‌های تخصصی دانشگاهی.
- ۵- پیشگامی دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در رعایت الگوی مصرف.
- ۶- مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و ابراز حساسیت عملی نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی.
- ۷- صرفه‌جویی در مصرف انرژی با اعمال مجموعه‌ای متعادل از اقدامات قیمتی و غیرقیمتی به منظور کاهش مستمر «شاخص شدت انرژی» کشور به حداقل دو سوم میزان کنونی تا پایان برنامه پنجم توسعه و به حداقل یک دوم میزان کنونی تا پایان برنامه ششم توسعه با تأکید بر

سیاست‌های زیر:

- اولویت دادن به افزایش بهره‌وری در تولید، انتقال و مصرف انرژی در ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید انرژی.

- انجام مطالعات جامع و یکپارچه سامانه انرژی کشور به منظور بهینه‌سازی عرضه و مصرف انرژی.

- تدوین برنامه ملی بهره‌وری انرژی و اعمال سیاست‌های تشویقی نظیر حمایت مالی و فراهم کردن تسهیلات بانکی برای اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف و عرضه انرژی و شکل‌گیری نهادهای مردمی و خصوصی برای ارتقاء کارایی انرژی.

- پایش شاخص‌های کلان انرژی با ساز و کار مناسب.

- بازنگری و تصویب قوانین و مقررات مربوط به عرضه و مصرف انرژی، تدوین و اعمال استانداردهای اجباری ملی برای تولید و واردات کلیه وسایل و تجهیزات انرژی‌بر و تقویت نظام نظارت بر حسن اجرای آنها و الزام تولیدکنندگان به اصلاح فرآیندهای تولیدی انرژی‌بر.

- اصلاح و تقویت ساختار حمل و نقل عمومی با تأکید بر راه آهن درون‌شهری و برون‌شهری به منظور فراهم کردن امکان استفاده سهل و ارزان از وسایل حمل و نقل عمومی.

- افزایش بازدهی نیروگاهها، متنوع‌سازی منابع تولید برق و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین.

- گسترش تولید برق از نیروگاههای تولید پراکنده، کوچک مقیاس و پربازده برق و تولید همزمان برق و حرارت.

- بهبود روش‌های انتقال حامل‌های انرژی از جمله حداکثرسازی انتقال فرآورده‌های نفتی از طریق خط لوله و راه آهن.

۸- ارتقاء بهره‌وری و نهادینه شدن مصرف بهینه آب در تمام بخش‌ها بویژه بخش کشاورزی در چارچوب سیاست‌های زیر:

- طراحی، تدوین و اجرای سند ملی الگوی مصرف آب در بخش‌های مختلف و به‌هنگام‌سازی آن.

- اعمال سیاست‌های تشویقی و حمایتی از طرح‌های بهینه‌سازی استحصال، نگهداری و مصرف آب.

- تدوین و اعمال استانداردها و ضوابط لازم برای کاهش ضایعات آب، پایش کیفیت منابع آب و جلوگیری از آلودگی آبها.

- اصلاح الگوی کشت و اعمال شیوه‌های آبیاری کارآمدتر، ایجاد سامانه‌های بهینه تأمین و توزیع آب شرب و بهینه‌سازی تخصیص و مصرف آب در بخش تولید براساس ارزش راهبردی و اقتصادی بیشتر.

- برنامه‌ریزی برای استفاده مجدد و باز چرخانی آب.

- تدوین و اجرای برنامه‌های عملیاتی مناسب برای ایجاد تعادل بین منابع و مصارف آب بویژه در سفره‌های زیرزمینی دارای تراز منفی و اعمال مدیریت خشکسالی و سیل، سازگار با شرایط اقلیمی.
- ۹- اصلاح الگوی مصرف نان کشور از طریق ارتقاء و بهبود شرایط و کیفیت فرآورده‌های «تولید و تبدیل گندم به نان» و «مصرف نان» در چارچوب سیاست‌های زیر:
  - تمرکز در سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت و تعیین دستگاه متولی تنظیم بازار نان.
  - اعمال سیاست‌های حمایتی و تشویقی برای ارتقاء سطح بهداشتی مراکز تولید نان و استفاده از نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده در فرآیند تولید نان.
  - حفظ ذخیره‌ی استراتژیک گندم.
  - تنظیم مبادلات تجاری بازار گندم و آرد با هدف تنظیم بازار داخلی.
- اصلاح ساختار تولید و بهبود فرآیند و توسعه تولید انواع نان‌های با کیفیت، بهداشتی و متناسب با ذائقه و فرهنگ مردم از طریق تدوین و اعمال استانداردها و روش‌های تجربه شده و اصول صحیح تولید گندم، آرد و خمیر و پخت نان.
- ۱۰- ارتقاء بهره‌وری در چارچوب سیاست‌های زیر:
  - تحول رویکرد تحقق درآمد ملی به سمت اتکای هرچه بیشتر به منافع حاصل از کسب و کار جامعه.
  - افزایش بهره‌وری با تأکید بر استقرار نظام تسهیم منافع حاصل از بهره‌وری از طریق:
    - حداکثرسازی ارزش افزوده و منافع ناشی از سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و مادی با تأکید بر اقتصاد دانش پایه.
    - استقرار ساز و کارهای انگیزشی در نظام پرداخت‌ها در بخش عمومی و بنگاهی.
    - استقرار بودجه‌ریزی عملیاتی و بهبود فرآیند تخصیص منابع کشور براساس منافع اقتصادی و اجتماعی.
    - اصلاح ساختارهای ارزیابی و ارزشیابی، اتخاذ رویکرد نتیجه‌گرا و اجرای حسابرسی عملکرد در دستگاه‌های دولتی.
    - اصلاح قوانین و مقررات، روش‌ها، ابزارها و فرآورده‌های اجرایی.
    - اولویت توانمندسازی نیروی کار در کلیه برنامه‌های حمایتی.

## ورود سرمایه و مدیریت مردم در عرصه اقتصاد، روح اصل ۴۴

- توصیه‌هایی در زمینه‌ی جهت‌گیری‌های کلان دولت
- تسهیل زندگی مردم
- توجه به مسئله‌ی سند چشم‌انداز
- توجه به مسئله‌ی دهه‌ی پیشرفت و عدالت
- در نظر گرفتن برنامه‌های پنج‌ساله
- گزارش دادن فعالیت‌های دولت به مردم
- توجه به شاخصهای کلان اقتصادی و کار بر روی نرخ رشد
- اهمیت دادن به مسئله‌ی اشتغال
- تأکید بر مسئله‌ی سیاستهای اصل ۴۴ در باب مسائل اقتصادی
- لزوم سیاست‌گذاری برای وارد شدن بخش خصوصی در برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ
- سرمایه و مدیریت از مردم اقتصاد؛ کنترل و نظارت به عهده‌ی دولت



## ورود سرمایه و مدیریت مردم در عرصه اقتصاد، روح اصل ۴۴\*

### توصیه‌هایی در زمینه‌ی جهتگیری‌های کلان دولت

من در چند سرفصل توصیه‌هایی عرض میکنم. در زمینه‌ی جهتگیری‌های کلی و کلان دولت توصیه‌ی من این است که این جهتگیری‌ها را با شدت، با حدت و با تعصب حفظ کنید. از این جهتگیری‌ها انصراف پیدا نکنید: جهتگیری دین، جهتگیری اخلاق، جهتگیری عدالت، جهتگیری خدمت، جهتگیری مقابله و مبارزه‌ی با استکبار و زورگویان عالم. رشد روزافزون فهم و سواد و بلوغ سیاسی مردم موجب شده است که این چیزها را بیشتر بخواهند. امروز برای مردم مسئله‌ی استکبارستیزی، روشن‌تر و واضح‌تر و مطلوب‌تر از سالهای قبل و اوائل انقلاب است. امروز مردم خیلی چیزها را به چشم خودشان مشاهده کرده‌اند، بوضوح تجربه کرده‌اند؛ لذا خیلی چیزها برایشان روشن است. مسئله‌ی خدمت‌رسانی همین جور است، مسئله‌ی مبارزه‌ی دائم برای پیشبرد کشور همین جور است؛ اینها باید جهتگیری‌های کلی شما باشد؛ یعنی اینها را از دست ندهید و رها نکنید.

### تسهیل زندگی مردم

یکی از چیزهایی که در جهتگیری‌های کلی دولت باید مورد نظر باشد، تسهیل زندگی برای مردم است. زندگی کردن را برای مردم باید آسان کرد. این یک سرفصل مهم است که اگر چنانچه انسان این را باز کند، خواهیم دید که بسیاری از خواسته‌های اقتصادی، بسیاری از کارکردهای مربوط به دولت، همین دولت الکترونیک، تا برسیم به مسئله‌ی فعال کردن روستاها، جلوگیری از مهاجرت، اینها همه‌اش تحت همین

عنوان آسان کردن زندگی برای مردم است، که مردم بتوانند راحت زندگی کنند، بتوانند با امنیت زندگی کنند. این کار در بخشهای مختلف تأثیر میگذارد.

### توجه به مسئله‌ی سند چشم‌انداز

یکی از مواردی که به نظر ما باید در جهتگیری‌های کلی دولت مورد توجه قرار بگیرد، مسئله‌ی سند چشم‌انداز است. این سند چشم‌انداز یک کار اساسی بود که در کشور انجام گرفت؛ بررسی شد، مطالعه شد، جوانبش سنجیده شد. آنچه که در این سند هم آمده، شعار نیست. با توجه به امکانات و واقعیات، این سند تنظیم شده. این سند در واقع نقشه‌ی راه بیست ساله‌ی ماست. خوب، از این بیست سال، پنج سالش گذشت. یک وقت می‌بینیم این بیست سال با یک چشم به هم زدنی تمام شد. باید ببینیم چقدر جلو رفتیم. یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، همین است؛ باید ببینیم چقدر ما توانستیم از این نقشه را به سمت آن هدفها طی کنیم. و الا اگر چنانچه این توجه و این ذکر را نداشته باشیم، یک وقت چشم باز میکنیم، می‌بینیم فرضاً ده سال یا دوازده سال از این زمان گذشت، ما هنوز آن راهی را که باید در این مدت طی کنیم، طی نکردیم؛ در بقیه‌ی این مدت هم طی کردن آن راه امکان ندارد. بنابراین بایستی یک تقسیم‌بندی صحیحی انجام بگیرد بین تلاشها و فعالیتهایی که باید بشود، و بین این مسیری که ما تا آن اهداف داریم، تا در هر برهه‌ای از زمان، به تناسب امکان آن برهه، پیشرفت کرده باشیم. به نظر من بایستی این را یک جا بررسی کرد. این کار هم برعهده‌ی دولت است؛ این را بررسی کنید.

اگر چنانچه شما دیدید که ما در طول مثلاً پنج سال به قدر متناسب، به آن هدفها نزدیک نشدیم، این را حاکی بگیریم از اینکه برنامه‌ی پنج ساله‌ی ما برنامه‌ی کافی‌ای نبوده که نتوانسته ما را به قدر پنج سال جلو بیاورد. به نظر من کسانی را مأمور کنید که بنشینند عاقلانه و با تدبیر و تدبیر و با ملاحظه‌ی واقعیتها بررسی کنند، ببینند پیشرفت ما متناسب بوده یا نه. البته شاید در اینطور چیزها خیلی دقیق نشود محاسبه کرد، اما اجمالاً میشود فهمید که ما پیشرفت کرده‌ایم یا نه.

### توجه به مسئله‌ی دهه‌ی پیشرفت و عدالت

یکی از چیزهای دیگری که در مورد جهتگیری‌ها مهم است، همین مسئله‌ی دهه‌ی پیشرفت و عدالت است که ما گفتیم این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. خوب، تلقی به قبول شد و دستگاه‌های گوناگون کشور گفتند بله، این دهه را دهه‌ی پیشرفت و عدالت قرار بدهیم. از این دهه هم تقریباً دو سالش سپری شده. البته انسان مصادیق پیشرفت را در همین کارهای گوناگون ملاحظه میکند؛ همین گزارشهایی که دادند، گزارشهای خوبی است؛ نشان دهنده‌ی پیشرفتهایی در بخشهای مختلف است؛ لیکن عدالت چه جوری تأمین میشود؟ یعنی واقعاً یک مقیاسی لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخشهای مختلف - بخشهای فرهنگی، بخشهای آموزشی، بخشهای اقتصادی - مراعات شده یا نه؟ فرض کنید در بخش آموزش

و پرورش یا در بخش آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین میشود؟ این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم و در مقام عمل و در مقام اجراء، به آن عدالت مورد نظر برسیم. تا ندانیم، تعریف نکنیم، نمیشود. بنابراین تعیین کردن شاخص و معیار برای عدالت در بخشهای مختلف، خودش یک چیز مهمی است. فرض کنید در صرف بودجه‌های گوناگون - که حالا در بخش فرهنگ من اشاره میکنم - رعایت عدالت به چیست؟ چگونه میشود انسان خاطر جمع شود که در صرف این بودجه‌ها رعایت عدالت شد یا نشد؟ اینها معیار و شاخص لازم دارد.

### در نظر گرفتن برنامه‌های پنج‌ساله

یکی از چیزهای دیگری که باز در این جهتگیری‌ها لازم است، برنامه‌های پنج‌ساله است؛ که حالا این برنامه‌ی پنجم در دست ملاحظه و بررسی مجلس است و امیدواریم که همکاری واقعی بین دولت و مجلس انجام بگیرد. اگر چنانچه فرض کنیم که دولت یک چیزی را تهیه کرده و بر همان اساس هم پافشاری دارد، مجلس هم تغییرات اساسی‌ای روی این بدهد، انسجام برنامه به هم میخورد. یا اگر فرض کنیم که تغییراتی در برنامه‌ی پنجم صورت بگیرد که این تغییرات ناشی از نگاه یکپارچه و نگاه کلان به کشور نباشد، بلکه ناشی از نگاه به یک بخش یا نگاه به یک منطقه باشد، باز هم انسجام برنامه به هم میخورد. انسان وقتی بخشی یا منطقه‌ای نگاه کند، یک چیزهایی به نظر او بزرگ و درشت مینماید. واقعاً هم همین جور است، نیاز هم واقعی است؛ اما وقتی که انسان با نظر مجموعی نگاه میکند، همان نیازی که در جای خود درشت هم هست، می‌بینیم رنگ میبازد و کوچک میشود؛ چون در مقایسه‌ی با بقیه‌ی کارهایی که باید انجام بگیرد و امکانات محدودی که هست، طبعاً این نیاز نمیتواند اولویت داشته باشد. باید اینجوری به برنامه نگاه کرد. نباید نگاه بخشی یا نگاه موضعی و محلی و منطقه‌ای بر برنامه حاکم باشد.

حالا این از آن طرف بود؛ از این طرف هم آن چیزی را که دولت تهیه کرده و داده، قابل تغییر و نقد بدانند. باید جوری بشود که هم مجلس، هم دولت از جایگاهی که خودشان را در آن قرار داده‌اند، انعطاف داشته باشند؛ بتوانند حرکت کنند که به هم برسند تا برنامه، برنامه‌ی منسجمی از آب در بیاید که مورد اتفاق دولت و مجلس باشد تا عملی شود.

### گزارش دادن فعالیت‌های دولت به مردم

در زمینه‌ی مسائل اقتصادی هم کارهای خوبی انجام گرفته، که آقای رئیس‌جمهور هم در گزارش خود به آن اشاره کردند. خوب است که این گزارش را در معرض اطلاع عموم بگذارید؛ یعنی چیزی باشد که همه این گزارش دولت را در زمینه‌ی کارهایی که انجام گرفته، بشنوند. آنچه که من رویش تکیه میکنم، همین طرح تحول اقتصادی است که در دولت نهم مطرح شد. خوب، الان هدفمند کردن یارانه‌ها که یک بخشی از آن طرح تحول بود، مورد بحث و بررسی و نزدیک به اجراست؛ همه هم متفق‌القولند - اگر چه حالا در کیفیت

اجراء ممکن است اختلاف نظرهایی باشد - لیکن بخشهای دیگر طرح تحول اقتصادی که درباره‌ی نظامهای پولی و بازرگانی و گمرکی و امثال اینها بود، نباید مغفول‌عنه قرار بگیرد؛ آنها هم بایستی حتماً دنبال شود. طرح تحول اقتصادی، کار مهم و بزرگی بود. ما توصیه میکنیم؛ از جمله‌ی چیزهایی که از بین راه برنگردید، همین طرح تحول اقتصادی است؛ آن را واقعاً دنبال کنید.

### توجه به شاخصهای کلان اقتصادی و کار بر روی نرخ رشد

یک چیز دیگری که ما در زمینه‌ی اقتصادی حتماً رویش تکیه میکنیم، مسئله‌ی توجه به شاخصهای کلان اقتصادی است. البته در گزارش آقای رئیس‌جمهور نکاتی در این زمینه بود، لیکن ما هم تأکید میکنیم. روی مسئله‌ی نرخ رشد واقعاً کار بشود. آن چیزی که به عنوان نرخ رشد در برنامه یا در چشم‌انداز دیده شده، با آنچه که در واقعیت اتفاق افتاده، خیلی فاصله دارد. البته از عوامل رکود اقتصادی جهانی و مشکلات اقتصادی جهانی غافل نیستیم - اینها مسلماً تأثیر دارد - لیکن بالاخره باید تلاش کرد تا به آن چیزی که به عنوان شاخص معین شده و ذکر شده، نزدیک شویم. مسئله‌ی سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی هم همین طور. آمارهایی که میدهند، آمارهای خوب و امیدوارکننده‌ای است. به هر حال مسئله‌ی سرمایه‌گذاری خیلی اهمیت دارد. آینده، وابسته به سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف است؛ چه در بخش انرژی، چه در بخشهای دیگر. در بخشهای گوناگون، سرمایه‌گذاری لازم است.

### اهمیت دادن به مسئله‌ی اشتغال

مسئله‌ی اشتغال هم مسئله‌ی مهمی است. طرهایی که از چند سال پیش به این طرف برای اشتغال پیش‌بینی شده، آنچنان که انسان انتظار داشت، نشد. اگرچه حالا کارهایی انجام گرفت و خوب بود، بد نیست؛ لیکن ما را مستغنی نمیکند از اینکه نسبت به مسئله‌ی اشتغال یک اهتمام ویژه‌ای داشته باشیم. مسئله‌ی ارتقای بهره‌وری هم همین طور.

### تأکید بر مسئله‌ی سیاستهای اصل ۴۴ در باب مسائل اقتصادی

باز از جمله‌ی چیزهایی که ما در باب مسائل اقتصادی رویش تکیه میکنیم و به عنوان توصیه‌ی جزئی مطرح میکنیم، مسئله‌ی سیاستهای اصل ۴۴ است. خیلی بایستی به این سیاستها اهتمام ورزید. خوب، حالا در مقایسه‌ی خصوصی‌سازی در سالهای طولانی گذشته با این چند سال، آمار ذکر میشود؛ این آمار، آمار درستی است؛ منتها آن زمان سیاستهای اصل ۴۴ ابلاغ نشده بود. یعنی آن زمانی که اصلاً بحث سیاستهای اصل ۴۴ نبود، آن وقت را نباید ملاحظه کرد؛ بعد که آن سیاستها ابلاغ شد، اصلاً وضع مسئله‌ی اقتصاد عوض شد؛ در واقع حرکت جدیدی در اقتصاد کشور آغاز شد. لذا مقایسه‌ی با قبل از آن دوران، مقایسه‌ی تعیین‌کننده‌ای نیست. در همین دوران، ما بایستی ببینیم در باب اصل ۴۴ چه کار کردیم؛ این مهم است.

ببینید، روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه‌ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه‌های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه‌ی اقتصاد بشود؛ والا اگر مدیریتهای دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. البته در همان محدوده‌ای که این سیاستها اجازه میدهند و با همان رعایت‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده - که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است - این را باید رعایت کنید.

### 🔗 لزوم سیاست‌گذاری برای وارد شدن بخش خصوصی در برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ

البته در برخی از سرمایه‌گذاری‌ها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانایی سرمایه‌گذاری ندارد. خوب، علاجش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین‌طور ناتوان بماند، هیچ‌گره‌ی باز نخواهد شد؛ باید سیاستها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برود. این هم میشود یکی از سیاستها. البته دولت وقتی که شانسی خودش را از فعالیت‌های اقتصادی خالی میکند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره میگیرد؛ نه، سیاستگذاری‌ها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند. در آن سالهای دهه‌ی ۶۰ که آقایان همین‌طور به سمت روزه‌روز غلیظتر کردن اقتصاد دولتی میرفتند، من مثال می‌زدم و میگفتم فرض کنید یک موتوری است که میتواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان پشت فرمان می‌نشینید و هدایتش میکنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه‌ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هن و هن دارید جلو می‌روید؛ هم نمیرسید، هم خسته میشوید، هم همه‌ی بار حمل نمیشود، هم این موتور اینجا بیکار میماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها میگفتیم، اثر هم نمیکرد. امام هم هر چه میگفتند به مردم بدهید، اینها میگفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست - مراد نظر امام را توجیه میکردند! - مردم یعنی توده‌ی مردم. به توده‌ی مردم چه جوری میشود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده‌ی مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا میکردند! خوب، این توجیه، غلط بود.

### 🔗 سرمایه و مدیریت از مردم اقتصاد؛ کنترل و نظارت به عهده‌ی دولت

الان فضا، فضای دیگری است. همان کسانی که آن زمان آنجور حرف می‌زدند، حالا صد و هشتاد درجه برگشته‌اند؛ یعنی باز هم در حد تعادل قرار ندارند، خط وسط نیستند. آن افراط بود، این طرف هم همانها دارند تفریط میکنند. بالاخره یک خط متعادلی وجود دارد. خط متعادل همین است: سرمایه‌ی مردم و مدیریت مردم اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده‌ی دولت باشد. اگر چنانچه ان شاء الله این کار بخوبی انجام بگیرد - که البته در کوتاه‌مدت هم انجام نمیگیرد؛ این جزو کارهای میان‌مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد - واقعاً یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد.

# سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه گذاری»

راهنمای دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و

نظارتی نظام

## سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری»\*

### راهنمای دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و نظارتی نظام

- متن کامل این سیاست‌های ابلاغی که به عنوان راهنمای دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و نظارتی، خط مشی و جهت‌گیری نظام را در بخش مذکور تعیین می‌کند، به شرح زیر است:
- ۱- حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن از جمله مالکیت معنوی.
  - ۲- تقویت و حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی کشور برابر با سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی.
  - ۳- تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات و تقویت تولید ملی.
  - ۴- افزایش بهره‌وری اقتصاد کشور با اصلاحات و اقدامات لازم بویژه اصلاحات ساختاری و مدیریتی و کاهش هزینه‌های مبادله و رفع موانع.
  - ۵- افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه‌های بین‌المللی از طریق لغو انحصارات غیر ضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساخت‌های لازم و حمایت از کارآفرینی و ارتقاء خلاقیت و نوآوری.
  - ۶- اصلاح نظام مالیاتی در جهت تقویت سرمایه‌گذاری از طریق ثبات مالیات‌ها، شفافیت درآمدها، صراحت در مقررات و منطقی کردن معافیت‌ها.
  - ۷- تجهیز پس‌انداز ملی، تقویت نظام پولی و هدایت بازارهای پول و سرمایه در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری.

- ۸- توجه به کسب دانش فنی، دسترسی به بازارهای بین‌المللی، رشد اقتصادی، توسعه اشتغال و ارتقاء مدیریت و بهره‌وری، در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، با اولویت سرمایه‌گذاری مستقیم و بلند مدت.
- ۹- تنظیم فعالیت مجاز سرمایه‌گذاری خارجی در بورس اوراق بهادار به نحوی که ثبات و تعادل بازارهای مالی و ارزی حفظ شود.
- ۱۰- سازماندهی رفتار تقنینی، اداری، قضایی، بازرسی، نظارت، حسابرسی و تخصصی کردن امور در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید.
- ۱۱- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ.





## اثرات همت مضاعف در زمینه‌ی اقتصاد / جهاد اقتصادی

- مدیریت مصرف منابع عمومی کشور، یکی از اهداف هدفمند کردن بارانه‌ها
- افزایش صادرات غیر نفتی، نشان دهنده همت مضاعف در زمینه‌ی اقتصاد
- مواجهه‌ی هوشمندانه و مقتدرانه با تحریمها، نشان دهنده همت مضاعف در زمینه‌ی اقتصاد
- فوریت و اولویت بیشتر مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور
- مسئولان باید اهمیت ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور را به مردم بگویند
- مسائل بسیار اساسی و مهم اقتصاد کشور
- صرفه‌جویی در مواد اساسی، از جمله مصرف آب
- مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد لازم است
- روحیه‌ی جهادی، لازمه حرکت عظیم اقتصادی در کشور

## اثرات همت مضاعف در زمینه‌ی اقتصاد / جهاد اقتصادی \*

### مدیریت مصرف منابع عمومی کشور، یکی از اهداف هدفمند کردن یارانه‌ها

زمینه‌ی دیگری که در آن، همت مضاعف را انسان مشاهده میکند و به دنبال خود، دریائی از کار به وجود می‌آید، مسئله‌ی عرصه‌های اقتصادی است که یک نمونه‌ی آن، گام بلند هدفمند کردن یارانه‌هاست. خوب است ملت عزیز ما بدانند که همه‌ی صاحب‌نظران اقتصادی - چه آن کسانی که از لحاظ دیدگاه‌های اقتصادی با دولت فعلی موافقند، و چه آن کسانی که دیدگاه‌های اقتصادی آنها مخالف با نظرات دولت فعلی است - متفقند که هدفمند کردن یارانه‌ها یک کار بسیار لازم، بسیار اساسی و بسیار مفید است. این، جزو آرزوهائی بود که سالهای گذشته از دولت‌ها مطالبه میشد. ورود در این میدان، کار دشوار و سختی است؛ زمینه‌ها هم آماده نبود. بحمدالله اکنون این کار شروع شده است. همکاری ملت و دولت در این زمینه هم انصافاً عالی بود. حرکت مردم در جهت هدفمند کردن یارانه‌ها، حرکت عالی‌ای بود. آثار این کار در آینده بتدریج آشکار میشود؛ اگرچه تا امروز هم بعضی از آثار مثبت آن آشکار شده است. اهداف مهم این کار، در درجه‌ی اول، توزیع عادلانه‌ی یارانه‌هاست. دستگاه مدیریت کشور یارانه‌هایی را بین مردم تقسیم میکند. با شکل قبلی، این یارانه‌ها به کسانی که بیشتر پول داشتند، بیشتر مصرف میکردند، بیشتر میرسید؛ اما به کسانی که کمتر پول داشتند، کمتر مصرف میکردند، این یارانه‌ها کمتر میرسید. با هدفمند کردن یارانه‌ها، توزیع عادلانه انجام میگیرد؛ یعنی به همه، به نسبت واحدی میرسد. این، یک گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی است.

یک هدف دیگر، مدیریت مصرف منابع عمومی کشور است؛ از جمله آب، از جمله انرژی. در دو سال قبل از این، ما شعار سال را «اصلاح الگوی مصرف» قرار دادیم؛ صرفه‌جویی، دوری از اسراف. این، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند الگوی مصرف را به معنای واقعی کلمه اصلاح کند؛ کم‌اینکه تاکنون هم آثاری از آن دیده شده است. در همین چند ماهی که هدفمندی یارانه‌ها دارد اجرا می‌شود، مصرف انرژی پائین آمده است؛ که این به نفع کشور است. اسراف در نان و دور ریختن نان و ضایع شدن گندم - که نعمت بزرگ خداست و با چه زحمتی به دست می‌آید - کم شده است، مصرف‌ها تعادل پیدا کرده است. این از جمله‌ی فوایدی است که تاکنون حاصل شده و البته فواید بسیاری ان شاء الله در آینده خواهد داشت. اصلاح ساختار اقتصاد هم از این قبیل است.

### افزایش صادرات غیرنفتی، نشان دهنده همت مضاعف در زمینه‌ی اقتصاد

از جمله‌ی کارهایی که باز همت مضاعف را در زمینه‌ی اقتصاد نشان می‌داد، افزایش صادرات غیرنفتی است. بودجه‌ی کشور ما متأسفانه از ده‌ها سال پیش به این طرف، وابسته‌ی به نفت است. این روش را همه‌ی اقتصاددانهای دلسوز رد می‌کنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوه‌ی غلطی است. من سالها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهای من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است. البته کار آسانی هم نیست، کار بسیار مشکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب می‌شود که ما به این هدف نزدیک شویم؛ و این کار دارد انجام می‌گیرد. سال ۸۹ گام بلندی در این راه برداشته شد.

### مواجهه‌ی هوشمندانه و مقتدرانه با تحریمها، نشان دهنده همت مضاعف در زمینه‌ی اقتصاد

از جمله‌ی چیزهایی که همت مضاعف را در زمینه‌ی اقتصادی نشان می‌دهد، مواجهه‌ی هوشمندانه و مقتدرانه با تحریم‌هایی است که غرب به سردمداری آمریکا و متأسفانه پیروی کورکورانه‌ی بعضی از دولتهای اروپایی از آمریکا علیه ایران اعمال کرد. از اول سال ۸۹ اینها به خیال خودشان حرکت تحریم ایران را تشدید کرده‌اند. خودشان در محاسباتشان - که خبرهایش به ما میرسید - صحبت می‌کردند، می‌گفتند که این تحریمها پنج شش ماهه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو درمی‌آورد؛ تصورشان این بود. آنها به فکر بودند که به وسیله‌ی تحریمها کار را آنچنان بر ملت ایران دشوار کنند و دایره را آنچنان بر ملت ایران تنگ کنند که ملت ایران به نظام خودشان، به جمهوری اسلامی معترض شوند؛ هدفشان این بود. یک برخورد هوشمندانه و قدرتمندانه‌ای با این تحریمها انجام گرفت و تیغ دشمن گند شد. دشمن نتوانست با این تحریمها به هدفهای خود

دست پیدا کند. خوشبختانه با تلاش زیاد، با کار متراکم شبانه‌روزی، مسئولان در بخشهای مختلف توانستند از این عقبه عبور کنند. امروز خود غربی‌ها اعتراف میکنند، میگویند تحریم ایران دیگر فایده‌ای ندارد.

گفتند بنزین را تحریم میکنیم. یکی از مشکلات کار ما در طول زمان همین بوده است؛ ما کشور تولیدکننده نفت، مبالغ زیادی فرآورده‌ی نفت را که بنزین است، از خارج وارد میکردیم. اینها گفتند این نقطه ضعف جمهوری اسلامی است، نمیگذاریم بنزین وارد شود. مسئولین کشور ما، قبل از آنکه آنها دست به کار شوند، مشغول تهیه‌ی مقدمات شدند. کار به جایی رسید که در تولید بنزین، کشور عزیز ما خودکفا شد؛ این به برکت تحریم آنها بود. «إِنَّ اللَّهَ يُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِأَقْوَامٍ لَا خَلْقَ لَهُمْ». به وسیله‌ی تحریم آنها، مسئولین ما به فکر افتادند؛ تلاش کردند، ما از وارد کردن بنزین بی‌نیاز شدیم. من این را در همین نمایشگاهی هم که آخر اسفند رفتیم، از زبان چند نفر از این دانشمندان جوان شنیدم. به من گفتند که ما میخواستیم این دستگاه را تولید کنیم، رفتیم ابزارش را از خارج تهیه کنیم، به ما گفتند شما تحریمید، به شما نمیدهیم؛ فهمیدیم خودمان باید درست کنیم. آمدیم داخل فکر کردیم، زحمت کشیدیم، تلاش کردیم، بدون احتیاج به بیگانه این را ساختیم. این، برخورد هوشمندانه است. هم مسئولین کشور، هم آحاد مردم، با تحریمهای دشمن اینجور برخورد کردند؛ یعنی دشمن را از بُرنده‌ترین ابزارهایی که در اختیار داشت، محروم کردند. مثل این است که در یک جنگی، شما اسلحه را از دست دشمن بگیری؛ و گرفتید. این هم یکی دیگر از همتهای مضاعف.

در زمینه‌ی اشتغال، کارهای خوبی انجام گرفته است. گزارش دولت میگوید که در سال ۸۹ یک میلیون و ششصد هزار شغل ایجاد شده است؛ که اگر این گزارش دقیق باشد، معنایش این است که پانصد هزار شغل بیش از پیش بینی فراهم شده است. در ایجاد مسکن روستائی، در ایجاد مسکن شهری، در ایجاد بزرگراه‌ها و خطوط مواصلاتی، در ایجاد ارتباطات الکترونیک و و - که همه‌ی اینها برای کشور کارهای زیرساختی و زیربنائی است - کارهای خوبی صورت گرفته است. این، عرصه‌ی اقتصاد.

در عرصه‌های دیگر هم کارهای زیادی انجام گرفته است، که چون وقت محدود است، میگذریم. به هر حال آنچه که سال ۸۹ برای ما مشخص کرده است، این است که بحمدالله این سال به معنای واقعی کلمه، سال همت مضاعف و کار مضاعف بود. البته سال ۸۹ خصوصیت ویژه‌ای ندارد؛ امسال هم، سال بعد هم، ده سال بعد هم، سال همت مضاعف و کار مضاعف است. ملت ایران و مسئولین در هر دوره‌ای بایستی همت بلند و همت مضاعف داشته باشند و کار مضاعف بکنند تا ما بتوانیم به آنجائی که شایسته‌ی ملت ایران است، ان شاءالله برسیم.

### ✦ فوریت و اولویت بیشتر مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور

در مورد شعار امسال و کاری که امسال باید انجام بگیرد. البته سرفصل‌های مهمی وجود دارد که همه دارای اولویت‌تند. مثلاً تحول نظام اداری یک کار لازم است که باید انجام بگیرد؛ تحول آموزش و پرورش، یک کار بنیانی است؛ جایگاه علوم انسانی در دانشگاه‌ها و در مراکز آموزش و تحقیق، یک کار اساسی است؛ مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، مسائل مربوط به اخلاق جامعه، این کارها همه‌اش کارهای مهمی است؛ لیکن به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه‌ی از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.

### ✦ مسئولان باید اهمیت ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور را به مردم بگویند

آنچه که در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده‌ی در برنامه‌ی پنجم است که اعلام شده است؛ یعنی حداقل رشد هشت درصدی. در این رشد، سهم بیشتر مربوط به بهره‌وری است؛ یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به شکل بهتری استفاده کنیم. من دو سال قبل در زمینه‌ی مسئله‌ی صرفه‌جویی و مشکلاتی که در باب بهره‌وری وجود دارد، در همین سخنرانی اول سال مطالبی عرض کردم. مردم باید اینها را بدانند. من به مسئولان کشور توصیه میکنم که در زمینه‌ی اهمیت ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله‌ی درآمدی دهک‌های بالا و پائین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخشهای مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکافها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمی‌پسندد. تا حدی که در برنامه‌ی پنجم تعیین شده است، باید تلاش کنند این کارها انجام بگیرد.

### ✦ مسائل بسیار اساسی و مهم اقتصاد کشور

کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال در کشور، از جمله‌ی مسائل بسیار اساسی و مهم است. همچنین مسئله‌ی افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، از جمله‌ی مسائل مهم و اساسی است؛ که یکی از کارهای

مهم در این باب، ایجاد تعاونی‌هاست، که به وسیله‌ی تعاونی‌ها سرمایه‌های بزرگ تشکیل بشود و بتوانند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کنند و گره‌های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد. بایستی زیرساخت‌های حقوقی و قانونی‌اش آماده شود. این، یعنی حمایت از شکوفائی کار.

### ☞ صرفه‌جوئی در مواد اساسی، از جمله مصرف آب

صرفه‌جوئی در مواد اساسی، از جمله صرفه‌جوئی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که مادر کشور مصرف میکنیم، در بخش کشاورزی مصرف میشود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه‌های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد. غیر از بخش کشاورزی، در همه‌ی بخش‌های دیگر - بخش خانگی، بخش صنعتی و بخش‌هایی که احتیاج به آب دارد - ما فقط از ده درصد آب کشور داریم استفاده میکنیم. اگر ما بتوانیم در بخش کشاورزی ده درصد صرفه‌جوئی کنیم، ببینید چه اتفاقی می‌افتد. در واقع امکانات بهره‌برداری از آب در بخش غیر کشاورزی دو برابر میشود؛ که این بسیار چیز مهم و باارزشی است.

### ☞ مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد لازم است

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان‌شاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، میتوانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال بر خورد کند و بتوانند ان‌شاءالله مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند.

### ☞ روحیه‌ی جهادی، لازمه حرکت عظیم اقتصادی در کشور

خب، اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرستوار عرض بکنم. اولاً روحیه‌ی جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه‌ی جهادی وارد میدان شده، پیش‌رفته؛ این را مادر دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده میکنیم. اگر مادر بخش‌های گوناگون، روحیه‌ی جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.

دوم، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه است. عزیزان من! این راه‌ها همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیائی هم به ملت و به جامعه کمک میکند. خیال نکنند که

متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شبهای جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمینگیر میکند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار میکنند، تلاش میکنند؛ در زمینه علم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت میکند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد. یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسئله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله اصلی بروند؛ باید مسئله‌ی قانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدائی بلند میشود، یک مسئله‌ی حاشیه‌ای درست میکنند، ذهنها متوجه آن میشود. این مثل این میماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت میکند، هدفش رسیدن به یک نقطه‌ی خاص است؛ ناگهان ذهنها را مشغول کنند به یک چیز حاشیه‌ای در بیابان، از راه باز بمانند، احياناً امکان ادامه‌ی حرکت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشیه‌ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ میتوانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای قانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد.

یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولین خودشان علاقه‌مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک میکنند، با آنها همراهی میکنند، بین خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روز به روز تقویت شود. یکی از نقشه‌های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی گرایش‌های سیاسی، به بهانه‌ی جناح‌بندی‌ها، به بهانه‌های گوناگون، اتحاد را باید حفظ کرد. خوشبختانه ملت ما آگاهند. همه‌ی کسانی که به کشورشان علاقه‌مندند، به نظام مردم‌سالاری دینی - که مایه‌ی افتخار امروز ملت ایران است - علاقه‌مندند، باید با هم هماهنگی داشته باشند. مسئولین کشور هم همین جور؛ آنها هم باید سعی کنند اگر گله‌ای از هم دارند - که گاهی ممکن است این گله‌ها بحق هم باشد - این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند؛ این ضربه‌ی به اتحاد ملی است؛ این را همه توجه داشته باشند. من به مسئولین کشور به طور جد این را تذکر و هشدار میدهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند - که همیشه بوده؛ از اول انقلاب که ما دست‌اندر کار مسائل بودیم، دیدیم؛ گاهی قوه‌ی مجریه از قوه‌ی مقننه، گاهی قوه‌ی مقننه از قوه‌ی قضائیه، گاهی قوه‌ی قضائیه از قوه‌ی مجریه گله‌هایی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است، گله به وجود می‌آید - ممکن است گله‌ها بحق هم باشد؛ اما این را نباید در عرصه‌ی افکار عمومی بیاورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کنند، مردم را مأیوس کنند؛ بین خودشان حل کنند. مهمترین مسائل دنیا با



مذاکره قابل حل است؛ این مسائل جزئی اهمیتی ندارد. پس انسجام قوا با یکدیگر، هماهنگی قوا با یکدیگر هم مهم است.

البته من این نکته را حتماً تذکر بدهم؛ گاهی اوقات این شعاری که ما برای سال اعلام میکنیم، بعد ناگهان می بینیم همه‌ی در و دیوارهای تهران و شهرهای دیگر پر شده از تابلو، که این شعار رویش نوشته شده. این فایده‌ای ندارد. گاهی کارهای پرهزینه‌ای انجام میگیرد؛ چه لزومی دارد؟ آنچه که من از مسئولین و از مردم عزیزمان توقع دارم، این است که این شعار را بشنوند، باور کنند و دنبال کنند. تابلو کردن و در و دیوار را پر کردن و عکس زدن و اینها هیچ لزومی ندارد. اگر هزینه‌ای نداشته باشد، لزومی ندارد؛ اگر هزینه داشته باشد، اشکال هم دارد. هیچ لزومی ندارد کارهای پرهزینه را انجام بدهند.

البته محوریت اقتصاد که من عرض کردم، به معنای غفلت از عرصه‌های دیگر تلقی نشود. در عرصه‌های دیگر، مخصوصاً در همان عرصه‌ی علم و فناوری، باید به این دانشمندان جوان کمک شود، به آنها اعتماد شود تا بتوانند کارهای بزرگ را انجام دهند.

## در جهاد اقتصادی وعده‌ی الهی بر پیروزی آن است

- تولید، مهمترین بخش به وجود آورنده شکوفائی پایدار
- مشکلاتر نبودن جهاد اقتصادی از جهادهای ملت
- ایران تا امروز
- جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی؛ صرفاً تلاش اقتصادی نیست
- جهاد اقتصادی، جهاد فی سبیل الله است
- برگشتن و تکیه کردن به خود، علاج پیشرفت اقتصادی
- مصرف، یک رکن عمده در اداره‌ی اقتصاد یک ملت
- رفع نیاز مردم عسلویه و نخل تقی جزو جهاد اقتصادی است
- تکیه‌ی به نیروی درونی و استغنائی از دیگران داشته باشید
- احساس توانائی در یک ملت، بزرگترین سرمایه‌ی معنوی و روحی برای آن ملت
- ثروت اصلی ما نیروی انسانی با استعداد و علاقه‌مند و دارای توان کار است

## در جهاد اقتصادی وعده‌ی الهی بر پیروزی آن است\*

### تولید، مهمترین بخش به وجود آورنده شکوفائی پایدار

من امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه‌ی از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه‌ی اقتصاد است. امروز ما آمدم این منطقه را از نزدیک بازدید کردیم. این منطقه، یک منطقه‌ی اقتصادی است که متکی است به تولید؛ و برای اقتصاد یک کشور، مهمترین بخشی که میتواند یک شکوفائی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است؛ بخصوص آن بخش اقتصاد تولیدی‌ای که متکی است به دانش، متکی است به علم؛ اینجا اینچور است؛ هم اقتصادی است، هم تولیدی است، هم علمی است؛ دانش بنیان است. این، شایسته‌ی ملت ایران است. اگر یک روز مردم این منطقه و مردم بخشهای مختلف کشور در مقابل زور گوئی و پروائی و زیاده طلبی دولتهای غارتگر و متجاوز، آنچور باید می‌ایستادند، امروز در مقابل آن قدرتها شکل ایستادگی پیچیده‌تر است، حساس‌تر است، متنوع‌تر است؛ احتیاج دارد به یک مجاهدت پیچیده و عمیق.

### مشکلتر نبودن جهاد اقتصادی از جهادهای ملت ایران تا امروز

خوشبختانه ملت ما با فرهنگ مجاهدت آشناست. ما از مجاهدت، بیگانه نیستیم. ملت ما در میدانهای جهاد؛ هم جهاد نظامی، در دوران هشت سال دفاع مقدس؛ هم جهاد سیاسی، در طول این مدت؛ هم جهاد اقتصادی و علمی، یک ملت امتحان داده است. ما آشنا هستیم با جهاد. این

جهادی که امروز باید انجام دهیم - جهاد اقتصادی - از جهادهائی که تا امروز ملت ایران انجام داده، مشکلتر نیست؛ اما باید بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم.

### 🌱 جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی؛ صرفاً تلاش اقتصادی نیست

جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را همیشه گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی میکند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه‌ی شما ایستاده است؛ این میشود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، میشود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی.

همه هم مسئولند. این مردان مؤمنی که بعضی از آنها را ما امروز دیدیم و بسیاری از شماها در این مجموعه مشغول کار هستید و جزو آنها هستید، این کارتان جهاد است. این کاری که در این منطقه‌ی صنعتی و اقتصادی عظیم دارد انجام می‌گیرد، یک جهاد است. نیت اگر نیت خدائی باشد، میشود جهاد فی سبیل الله. وقتی انسان برای اعلا‌ی کلمه‌ی حق، اعلا‌ی کلمه‌ی اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش میکند، این جهاد میشود جهاد فی سبیل الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل الله وجود دارد.

### 🌱 جهاد اقتصادی، جهاد فی سبیل الله است

من از همه‌ی کارکنان، متخصصان و فعالان این عرصه - ضمن تشکر - بجد می‌خواهم که کار خودتان را جهاد فی سبیل الله بدانید؛ احساس خستگی نکنید و بدانید جهاد فی سبیل الله وعده‌ی الهی بر پیروزی آن است. وقتی برای خدا و در راه خدا حرکت میکنید، به پیروزی خواهید رسید. امسال همه‌ی اجزای گوناگون ملت ما، مسئولین کشوری، مسئولین بخشهای گوناگون استانی در گوشه و کنار کشور و آحاد مردم، همه باید این تلاش را برای خدا در پیش بگیرند. خدای متعال هم برکت خواهد داد. خدای متعال به آن تلاشی، به آن کاری، به آن نیت و عزمی که در این جهت باشد، حتماً برکت میدهد و کمک میکند؛ کمالینکه در طول این سی و دو سال تا امروز خدای متعال به ما کمک کرده. بدون اراده‌ی الهی، امکان نداشت یک ملتی بتواند در مقابل استکبار جهانی بایستد. در این منطقه‌ی معادن غنی گاز، خب ما شریکی داریم؛ حالا من نمی‌خواهم تعبیر کنم به رقیب. شما وقتی نگاه میکنید، می‌بینید همه‌ی کسانی که از پیشرفت ملت ایران ناراضی‌اند، آنجا در

مواجهه‌ی با ملت ایران جمع شده‌اند، متراکم شده‌اند؛ آن طرف را کمک کنند و هر چه می‌توانند، در کار این طرف کارشکنی کنند. این، معنای جهاد و مبارزه را نشان می‌دهد؛ اینکه انسان در مقابل خود، دشمنی دشمن و خصم را احساس کند. هر یک قدمی که شما در این کار و امثال این کار پیش بروید، دشمن را عصبانی می‌کند، ناراحت می‌کند؛ هر چه هم بتوانند، کارشکنی می‌کنند. هر چه شما برای این پیشرفت احتیاج داشته باشید، آنها سعی می‌کنند بر روی آن متمرکز شوند و دسترسی شما به آن را مشکل کنند، دشوار کنند.

### 📌 برگشتن و تکیه کردن به خود، علاج پیشرفت اقتصادی

علاج چیست؟ علاج، برگشتن و تکیه کردن به خود؛ استمداد از توانائی‌های خود؛ این چشمه‌ی جوشان تمام نشدنی اراده‌ی انسانی و استعدادی که بحمدالله در ایران عزیز ما، در مردم ما، در نسل جوان ما وجود دارد.

### 📌 مصرف، یک رکن عمده در اداره‌ی اقتصاد یک ملت

حرف در این زمینه زیاد است. بعضی از حرف‌ها را هم امروز مسئولین این بخش در طول این بازدید طولانی در میان گذاشتند، ما هم توصیه‌هایی کردیم. یک جمله خطاب به همه‌ی ملت ایران است، و آن اینکه در این جهاد اقتصادی همه شریکند. در اداره‌ی اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال؛ همین چیزی که همیشه توصیه می‌شود.

ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله. شما حتی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، می‌توانید در این جهاد اقتصادی سهیم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می‌دهید؛ این می‌شود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، می‌توانید در این جهاد سهیم باشید. رفع نیاز مردم عسلیویه و نخل تقی جزو جهاد اقتصادی است

کمک به پیشرفت عدالت. این دهه برای ماده‌ی پیشرفت و عدالت است. پیشرفت منهای عدالت، از نظر اسلام اصلاً پیشرفت نیست.

در همین منطقه‌ی عسلیویه - در این دو تا مرکز مهم بشری و انسانی عسلیویه و نخل تقی - مردم نیازهایی دارند. کمک به رفع این نیازها، جزو جهاد اقتصادی است؛ جزو کار بزرگ است. امروز ما با مدیران و مسئولان بخشهای مختلف، در زمینه‌ی محیط زیست، هوای آلوده، مشکلات گوناگون، درباره‌ی این مردم، همین طور گفتگوهای داشتیم. ان شاءالله باید این مسائل را دنبال کنند. باید مشکلات مردم حل شود. اینها همه اجزائی است از مجموعه‌ی یک جهاد عظیم و همه‌جانبه‌ی اقتصادی. با همکاری، همدلی، احساس برادری، احساس عمل لله و کار برای خدا، این ملت می‌تواند

جایگاه شایسته‌ی خود را پیدا کند.

این دشمنان عنود از هر راهی بتوانند، می‌خواهند به ملت ایران آسیب وارد کنند؛ آن هم به جرم طرفداری از حق، به جرم استقلال، به جرم تسلیم نشدن در مقابل زور گوئی دشمنان؛ آنها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل کنند و زور بگویند و ضربه بزنند. در مقابل این دشمنان، با این اتحاد کلمه، با این همدلی، با این همکاری، با این مجاهدت عمومی، میتوان ایستاد و بر آنها فائق آمد؛ همچنان که ملت ایران تا امروز بر دشمنان خود فائق آمده است و توانسته است عزت خود را تأمین کند؛ بعد از این هم همین طور خواهد بود.

### 🕌 تکیه‌ی به نیروی درونی و استغنائی از دیگران داشته باشید

آنچه که ما به مسئولین محترم بخشهای گوناگون و به تناسب بازدید امروز بخصوص به این بخش توصیه میکنیم، این است که همین خط مستقیم تکیه‌ی به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد استغنائی از دیگران را با جدیت تمام دنبال کنند؛ بدانند این تلاش و فعالیت، مورد توجه پروردگار است و جهاد فی سبیل الله است؛ اگر با نیت الهی باشد - نیت خدمت به مردم و خدمت به کشور، یکی از نیت الهی است - و خدای متعال این جهاد را به نتیجه میرساند. این خط و این جهتگیری را رها نکنند، تلاش کنند.

### 🕌 احساس توانائی در یک ملت، بزرگترین سرمایه‌ی معنوی و روحی برای آن ملت

آنچه که من امروز اینجا مشاهده کردم، خرسند کننده است. البته نقائصی وجود دارد؛ باید به فکر باشند، و هستند. انسان احساس میکند که در فکر بر طرف کردن نقائصند. در عین حال کاری که انجام گرفته، کار بسیار عظیمی است؛ و این نشان میدهد که ملت ایران هر کاری را که اراده کند، میتواند انجام دهد. این احساس توانائی در یک ملت، بزرگترین سرمایه‌ی معنوی و روحی برای آن ملت است؛ و ملت ما این احساس را دارد؛ شواهدش هم در همه‌ی بخشها دارد مشاهده میشود.

### 🕌 ثروت اصلی ما نیروی انسانی با استعداد و علاقه‌مند و دارای توان کار است

در این کار، بخشهایی وجود دارد که باید کارهای علمی انجام بگیرد. در خصوص مسئله‌ی نفت و گاز، علاوه‌ی بر بخشهای فنی، حتماً بایستی روی بخشهای حقوقی و اقتصادی - حقوق نفت و گاز، اقتصاد نفت و گاز - کار کنیم، فکر کنیم و در این زمینه مطالعات علمی داشته باشیم. جوانهای ما خواهند توانست در این زمینه‌ها کار کنند و ان شاء الله پیشرفت پیدا خواهند کرد. این ثروت متعلق به ملت ایران است. گاز ثروت است، نفت ثروت است؛ اما از این ثروتها خیلی مهمتر، نیروی انسانی با استعداد و علاقه‌مند و دارای توان کار است. ما این ثروت را داریم؛ اصل این است. اگر یک ملتی

این نیروی انسانی را داشت، میتواند ثروت‌های طبیعی خودش را هم استحصال کند و در خدمت ملت قرار دهد؛ اما اگر این را نداشت، ثروت‌های طبیعی‌اش هم در خدمت دیگران قرار خواهد گرفت؛ برای دیگران بیشتر سود خواهد داد تا برای خود او. ما بحمدالله این ثروت را داریم.



# سیاست‌های کلی اشتغال



سیاست‌های کلی اشتغال 





## سیاست‌های کلی اشتغال

بسم الله الرحمن الرحيم

## سیاست‌های کلی اشتغال

۱. ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور.
۲. آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی با مسئولیت نظام آموزشی کشور (آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی) و توأم کردن آموزش و مهارت و جلب همکاری بنگاه‌های اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آنها.
۳. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی.
۴. ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار.
۵. بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص‌های آن (محیط سیاسی، فرهنگی و قضایی و محیط اقتصاد کلان، بازار کار، مالیات‌ها و زیرساخت‌ها) و حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین، مقررات و روبه‌های ذیربط در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۶. جذب فناوری، سرمایه و منابع مالی، مبادله نیروی کار و دسترسی به بازارهای خارجی کالا و خدمات از طریق تعامل مؤثر و سازنده با کشورهای، سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و جهانی.

۷. هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید.
۸. توجه بیشتر در پرداخت یارانه‌ها به حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد در بخش‌های خصوصی و تعاونی.
۹. گسترش و استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی دارای مزیت مانند: گردشگری و حق‌گذر (ترانزیت).
۱۰. حمایت از تأسیس و توسعه صندوق‌های شراکت در سرمایه‌های تجاری سازی ایده‌ها و پشتیبانی از شرکت‌های نوپا، کوچک و نوآور.
۱۱. برقراری حمایت‌های مؤثر از بیکاران برای افزایش توانمندی‌های آنان در جهت دسترسی آن‌ها به اشتغال پایدار.
۱۲. توجه ویژه به کاهش نرخ بیکاری استان‌های بالاتر از متوسط کشور.
۱۳. رعایت تناسب بین افزایش دستمزدها و بهره‌وری نیروی کار.



## اقتصاد یکی از پایه‌های استحکام درونی

❖ تحریمها، سیاست استکباری برای زمین زدن ملت

ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد

❖ جهاد اقتصادی، یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه‌ی

هدفدار ملت ایران

❖ شتاب همراه با تدبیر شرط رسیدن کشور به

رتبه‌ی اول در بخشهای مهم و حیاتی و اساسی

❖ استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمش

«اقتصاد» است

❖ ظرفیت منابع انسانی ما، جزو ظرفیتهای ممتاز در

سطح جهان است

❖ برخی ظرفیتهای اقتصادی کشور

❖ درباره سیاستهای برنامه‌ی چهارم و پنجم

❖ هدف ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴

❖ تحرک بیشتری در زمینه‌ی اجرای سیاستهای

اصل ۴۴ نیاز است

❖ و...

## اقتصاد یکی از پایه‌های استحکام درونی\*

## ✎ تحریمها، سیاست استکباری برای زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد

یک مسئله این است که ما امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کردیم. سیاست استکباری، زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد است. تحریمها گرچه بهانه‌اش مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است، اما دروغ میگویند؛ عامل طرح مسئله‌ی تحریمها، انرژی هسته‌ای نیست. شاید یادتان هست، تحریمهای عمده‌ای که سرآغاز تحریمهای این کشور بود، آن وقتی بود که اصلاً نامی از مسئله‌ی هسته‌ای در این کشور نبود؛ که حالا آن رقم معروفش که البته خیلی تحریم مهمی نبود، اما چون معروف است به تحریم «داماتو» - که کسی به این نام در کنگره‌ی آمریکا مطرح کرد و دنبالش را گرفتند - مال وقتی است که اصلاً مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح نبود. هدف تحریمها، فلج کردن اقتصادی است. البته این افتخار را ملت ایران دارد که سی و دو سال است دارد این تحریمها را تحمل میکند.

## ✎ جهاد اقتصادی، یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه‌ی هدفدار ملت ایران

البته توسعه‌ی تحریمها و تنوع تحریمها در سالهای اخیر بیشتر بوده، لیکن در مقابل توسعه و تنوع فعالیت‌های سازنده در کشور، کوچک و ناچیز است. سی سال پیش که تحریمها را علیه ما شروع کردند، آن تحریمها ممکن بود علیه ما کارگرتر واقع بشود تا تحریمهایی که امروز علیه ما دارند تصویب و اجرا میکنند و همین طور هی وعده هم میدهند که بیشترش خواهیم کرد. این معنایش این است که ما در مقابل تحریمها تدریجاً یک حالت ضدضربه پیدا کردیم؛ میتوانیم به شکلهای مختلف با تحریمها مقابله

کنیم: یا با دور زدن تحریمها - که شگرد خوب و جالب و ظریفی است و خوب است که دولت و ملت این شگرد را به کار ببرند - یا از جهت رو آوردن به ظرفیتهای درونی‌ای که کار بنیادی و زیربنائی است و حتماً باید انجام بگیرد و تا حالا هم انجام گرفته. پس هدف دشمن، زمین زدن جمهوری اسلامی است؛ یعنی زمین زدن ایران اسلامی؛ یعنی زمین زدن ملتی که با حضور خود، با پشتیبانی خود، با حمایت خود، این نظام را تا امروز پیش برده و رشد داده و رونق داده. بنابراین بایستی در مقابلش مجهز بود. جبهه‌ی مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد؛ این جهاد اقتصادی می‌خواهد. جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام می‌گیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهتگیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است.

جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. اینجور تحرکی اسمش جهاد است. بنابراین جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه‌ی هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن.

#### 🔗 شتاب همراه با تدبیر شرط رسیدن کشور به رتبه‌ی اول در بخشهای مهم و حیاتی و اساسی

نکته‌ی دیگر این است که ما در سند چشم‌انداز - که یک سند اساسی بالادستی مهم و مرجع است - برای کشورمان رتبه‌ی اول را در بخشهای مهم و حیاتی و اساسی پیش‌بینی کردیم؛ باید به این رتبه برسیم. خوب، دیگران طبعاً نمی‌ایستند تا ما برویم اول بشویم؛ دیگران هم دارند کار میکنند، تلاش میکنند. ما شاهد تلاش و تحرک شدید اقتصادی برخی از کشورهایی هستیم که در همین حوزه‌ی اول شدن ما واقع هستند. البته ما از بعضی از ابزارهایی که آنها استفاده میکنند، استفاده نمیکنیم و نخواهیم کرد؛ ما نظیف‌تر و شریف‌تر و نجیبانه‌تر حرکت میکنیم؛ اما معتقدیم میشود به آن مرحله‌ی اول رسید، اگر سرعت را بیشتر و منضبط‌تر بکنیم. لذا این احتیاج دارد به جهاد. هم باید شتاب باشد، هم باید تدبیر باشد تا بتوانیم به این رتبه‌ی اول برسیم. این رتبه‌ی اول بودن هم فقط یک هوس نیست که بگوئیم اول بشویم؛ نه، این به خاطر این است که سرنوشت ملتها امروز به این وابسته است. اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساختهای پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بیرحمانه مورد تجاوز قرار خواهد گرفت. ما نمیخواهیم مورد تجاوز قرار بگیریم. دو‌یست سال کشور ما مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته. ضعف دستگاه‌های سلطنتی بی‌عرضه‌ی نالایق فاسد دنیاطلب، و نشاطی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تجاوز شد. از سال ۱۸۰۰ انگلیس‌ها اول‌بار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و یارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از

کشورهای دیگر اروپائی هم در این مدت همین کار را کردند. سال ۱۸۰۰ که اولین سفیر انگلیس وارد کشور شد - که از هند هم آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیس ها بود و نایب السلطنه در آنجا بود - از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد، و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسمه‌های دهن پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدند! روند تطاول دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد. این خاک نرم و خاکریز بی بنیاد ملی آن روز اجازه داد دشمن نفوذ کند، و نفوذ کردند. ما نمیخواهیم دیگر این ادامه پیدا کند. انقلاب یک سد پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما میخواهیم این سد را مستحکمتر کنیم.

### استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمش «اقتصاد» است

به هیچ قیمتی اجازه ندهیم اینها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند؛ این احتیاج دارد به این که استحکام درونی و داخلی پیدا کنیم. این استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمش «اقتصاد» است. بنابراین اینکه میگوئیم اول بشویم، به خاطر این است؛ نه به خاطر اینکه حالا یک هوسی است که ایران در منطقه اول بشود؛ نه، سرنوشت ملت به این وابسته است. بنابراین تلاش مستمر، هوشمندانه، مخلصانه و اثر گذار، که طبعاً همه‌ی ظرفیت کشور هم باید در آن به کار گرفته شود، در این زمینه مؤثر است.

### ظرفیت منابع انسانی ما، جزو ظرفیتهای ممتاز در سطح جهان است

ظرفیت کشور، خیلی حقیقت در خشان و مهمی است. ظرفیتهای کشور، فوق العاده است. ظرفیت منابع انسانی ما جزو ظرفیتهای ممتاز در سطح جهان است؛ این ظرفیت را باید بالفعل کرد و باید به کار گرفت؛ ما داریم این را مشاهده میکنیم. البته من از چند ده سال قبل میشنفتم از افرادی که مطلع بودند - یا از لحاظ علمی، یا از لحاظ تجربه‌ی مشاهده‌ی بعضی از دستگاه‌های علمی دنیا - که میگفتند استعداد ایرانی‌ها و ظرفیت فکری آنها از متوسط دنیا بیشتر است. خب، ما این را شنیده بودیم؛ بعد در پیشرفت مسائل کشور در دوران انقلاب، این را داریم تجربه میکنیم و می‌بینیم. حالا به مسئله‌ی سدسازی اشاره کردند. آنچه که در مسئله‌ی سد در کشور اتفاق افتاده، قبل از انقلاب هیچ کس آن را باور نمیکرد. حالا ایشان سد را مثال زدند؛ در خیلی از بخشها همین جور است. آنچه که الان در پیشرفتهای علمی بخشهای مختلف کشور اتفاق افتاده، یک روزی با قسم حضرت عباس هم برای کسی باور کردنی نبود؛ امروز داریم جلوی چشممان می‌بینیم. من این را به تجربه و با آشنائی با بخشهای مختلف دریافتم که هیچ موردی نیست که در کشور زير ساخت آن آماده باشد و جوان ما نتواند آن مورد را خلق کند و به وجود بیاورد. همه‌ی بخشهای گوناگون علمی، از ظرفیتهای دقیق‌ترین‌ها و دقیق‌ترین‌ها تا کلان‌ترین‌ها، اینجور است؛ مگر زیرساختش آماده نباشد. ما در کشور، یک چنین ظرفیت انسانی‌ای داریم. خب، این خیلی مهم است.

### ❖ برخی ظرفیتهای اقتصادی کشور

ظرفیت اقتصادی ما هم خیلی مهم است. من یک وقتی گفتم نسبت معادن و منابع مهم حیاتی ما در قبال نسبت جمعیت ما به جمعیت کره‌ی زمین، بالاتر است. ما تقریباً یک درصد جمعیت کره‌ی زمین هستیم - کما اینکه کشورمان هم تقریباً یک درصد مجموعه‌ی سطح کره‌ی زمین است - خب، ما یک درصد منابع حیاتی و اساسی را باید داشته باشیم؛ که در جاهائی ۳ درصد، ۴ درصد، ۵ درصد داریم. اینها ظرفیتهای مهمی است، اینها خیلی باارزش است.

همین کمبود آب هم که در کشور مطرح است و درست هم هست - ما کشور کم‌آبی هستیم - با طرحهای علمی فنی هوشمندانه کاملاً قابل برطرف شدن است؛ که بعضی از دوستان هم اینجا اشاره کردند، بنده هم قبلاً این را گفته‌ام. با یک مقدار مذاقه، یک مقدار پیشرفت، در همین زمینه هم که ما کمبود داریم، میتوانیم این کمبود را جبران و برطرف کنیم. بنابراین واقعاً کشور از لحاظ منابع طبیعی هم ظرفیت فوق‌العاده‌ای دارد.

از لحاظ موقعیت جغرافیائی و منطقه‌ای هم همین جور است. ما جای حساسی قرار گرفته‌ایم. همسایگی ما با دو دریا و ارتباط با دریاهای آزاد و منطقه‌ی حساسی که بین شرق و غرب، یعنی بین آسیا و اروپا وجود دارد - ما در یکی از مهمترین بخش این منطقه‌ی حساس قرار گرفته‌ایم - دسترسی ما را به غرب و به شرق فراهم میکند. اینها همه‌اش امتیازات است. اینها ظرفیتهای کشور است؛ باید این ظرفیتهای بالفعل کنیم؛ این احتیاج به تلاش دارد.

### ❖ درباره سیاستهای برنامه‌ی چهارم و پنجم

خب، از دوران بیست ساله‌ی چشم‌انداز - همین طور که اشاره شده - حدود یک چهارم گذشته. یک برنامه، که برنامه‌ی چهارم توسعه باشد، تمام شده؛ امسال سال اول برنامه‌ی پنجمیم. البته در برنامه‌ی چهارم خیلی کارها انجام گرفته. طبق گزارشهایی که دادند و شنیدید و این گزارشها درست هم هست، کارهای بسیار مهمی انجام گرفته؛ لیکن در عین حال برخی از کارها هم هست که انجام نگرفته و باید انجام بگیرد. سیاستگذاری‌ها درست است. سیاستهای اعلام شده در حوزه‌ی اصلاح الگوی مصرف، سیاستهای کلی نظام اداری، سیاستهای کلی اشتغال و سیاستهای اصل ۴۴ - اینهایی که ابلاغ شده - همه‌اش با هم هماهنگ است. اگر بتوانیم برنامه را بر طبق این سیاستها تنظیم کنیم و پیش ببریم و در عالم واقعیت تحقق پیدا کند، ما خیلی خواهیم توانست از این ظرفیتی که اشاره کردم، استفاده کنیم. این سیاستها یک انسجامی را به وجود می‌آورد و انسجام لایه‌های مختلف تحرک اقتصادی را تأمین میکند. البته در برنامه‌ی چهارم، برخی از هدفهایی که تعیین شده بود، تحقق پیدا نکرد، که عوامل گوناگونی هم داشته؛ هم مسائل داخلی دخالت داشته، هم مسائل خارجی دخالت داشته. مسئله‌ی رشد ۸ درصدی،



یا کاهش بیکاری، یا درصد سرمایه‌گذاری‌ای که تعیین شده بود، یا مسئله‌ی کاهش تورم - که من آن روز هم اشاره کردم - تحقق پیدا نکرده. این مسئله ایجاب میکند که ما در دوره‌ی پنجساله‌ی این برنامه تلاشمان را مضاعف کنیم، همتان را مضاعف کنیم تا بتوانیم آن کمبودهای قبلی را هم جبران کنیم.

#### هدف ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴

البته ما در اعلام و ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴ یک هدف بزرگی را در نظر داشتیم و داریم که باید ان شاءالله دنبال شود. طبق منطق خود آن اصل، ما بایستی در زمینه‌ی مالکیت دولت و فعالیت اقتصادی دولت تجدید نظر میکردیم، و این تجدید نظر انجام گرفت. با چه هدفی؟ با هدف ایجاد یک اقتصاد رقابتی با حضور بخش خصوصی و سرمایه‌ی بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصاد کشور. محاسبه کردند که مبلغ مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در این پنج سال، سالی حدود ۱۶۰ میلیارد دلار است. این از عهده‌ی دولت بر نمی‌آید؛ حتماً بایستی بخش خصوصی وارد شود و همکاری کند؛ این باید تحقق پیدا کند.

#### تحرك بیشتری در زمینه‌ی اجرای سیاستهای اصل ۴۴ نیاز است

در زمینه‌ی اجرای سیاستهای اصل ۴۴ کارهای خوبی انجام گرفته، لیکن کافی نیست؛ بایستی تحرك بیشتری انجام بگیرد. مسئله فقط این نیست که ما بنگاه‌های اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد، خودمان را خلاص کردیم؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است: بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا کند، نظارت برای جلوگیری از سوءاستفاده باید انجام بگیرد

#### مبارزه با مفاسد اقتصادی، یک رکن اساسی فعالیت اقتصادی

همیشه در کنار فعالیتهای سالم، فعالیتهای ناسالم هم وجود دارد. بنده چند سال است که روی مفاسد اقتصادی تأکید میکنم. آن وقتی که من این مسئله را مطرح کردم، یک عده‌ای به ما مراجعه میکردند که آقا شما روی مسئله‌ی مفاسد اقتصادی اینقدر تکیه میکنید، ممکن است فعالان اقتصادی ما را از ورود در عرصه‌ی فعالیت اقتصادی بترساند. من گفتم بعکس، آنها را تشویق میکند. اگر فعال اقتصادی که میخواهد نان حلال دربیآورد و کار حلال و مطابق وجدان و شرع انجام بدهد، بداند که دستگاه با افراد متخلف برخورد میکند، او بیشتر تشویق میشود. ما با مفسد مخالفیم، با ایجادکننده‌ی مفسد مخالفیم، با سوءاستفاده‌کننده مخالفیم. فعال اقتصادی که با وجود خودش، با فکرش، با پولش، با سرمایه‌گذاری‌اش، با کارآفرینی‌اش دارد به کشور کمک میکند، باید مورد تشویق و تقدیر قرار بگیرد، و میگیرد. بنابراین مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی حتماً یک رکن اساسی کار است که بایستی انجام بگیرد.

اینجا خوشبختانه همه یا اغلب وزرای اقتصادی و فعالان اقتصادی دولت در جلسه هستند. خوب، مطالب نطق‌کنندگان را شنیدند؛ هم آن بخشهایی که مثبتات را ذکر میکرد، هم آن چیزهایی که پیشنهادها را

بیان میکرد، که حاکی از وجود نواقص بود. من خواهش میکنم آنچه را که شنیدند، با دقت مورد توجه قرار بدهند و روی آنها مذاقه کنند. نگذاریم حرف گفته بشود و در همین جلسه هم تمام بشود. حالا اگر چه آقای توکلی گله داشتند که چرا منفی‌ها را نگفتید؛ اما چرا، وقتی پیشنهاد میکنند که این کار انجام بگیرد، یعنی انجام نگرفته؛ بنابراین نشان دهنده‌ی برخی از نواقص و مشکلات است. اگر به همین پیشنهادها توجه کنند، دقت بکنند، همین پیشنهادها به نظر من پیشنهادهای خوبی بود و قابل بررسی است.

### 🌱 لزوم ملاحظه هدفمندی یارانه‌ها برای حمایت از بخش تولید

حرف در این زمینه زیاد است، من فقط دو سه تا توصیه میکنم؛ بخشی توصیه به دستگاه‌های مسئول دولتی است، بخشی هم عمومی است. اول، مسئله‌ی اجرای کامل سیاستهای حمایتی از بخش تولید است. تولید، اساس اقتصاد است؛ قائمه‌ی اقتصاد در کشور است. در مسئله‌ی هدفمندی یارانه‌ها و فعالیت عظیمی که دولت در این زمینه شروع کرده، حتماً حمایت از بخش تولید ملاحظه بشود؛ همچنان که در قانون هم هست: آن ۳۰ درصدی که معین شده. البته بعضی از مسئولین دولتی که با من صحبت کردند، معتقدند که این ۳۰ درصد مورد نیاز نیست. بعضی از فعالان اقتصادی تولیدی هم گفتند که ما احتیاج نداریم؛ ما را به خودمان واگذار کنید، خودمان خودمان را اداره میکنیم. ممکن است در بعضی از بخشها اینجور باشد، لیکن به هر حال تولید احتیاج دارد به کمک و حمایت دستگاه. سهم بخش تولید باید داده بشود؛ بخصوص بعضی از بنگاه‌هایی که از تحریم صدمه میخورند. بنگاه‌هایی داریم که این تحریمها به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آنها صدمه میزند، که باید از این معنا استفاده بشود.

### 🌱 وظایف بخش خصوصی در اقتصاد کشور

البته بخش خصوصی هم در این زمینه وظائفی دارد: صرفه‌جویی در مصرف انرژی، افزایش سطح بهره‌وری، نوسازی ماشین‌آلات. بعضی از مسئولین دولتی پیش من گله کردند و گفتند صاحبان بعضی از صنایع به نوسازی ماشین‌آلات فرسوده و قدیمی خودشان که بازدهی کم و مصرف انرژی زیادی دارد، رغبتی نشان نمیدهند؛ اگر چنانچه به آنها تسهیلات هم داده میشود، برای این به کار نمیبرند. خوب، باید به این مسئله توجه کرد. البته نظارت دولت هم در این زمینه خیلی مهم است؛ یعنی در قبال حمایتی که دولت میکند، باید نظارت هم بکند. تسهیلات داده بشود، آن مقداری که سهم تولید است؛ لیکن مراقبت بشود که همان افرادی که اشاره کردم - یعنی سوءاستفاده کنندگان و فرصت‌طلبان - از این تسهیلات برای یک کار دیگر استفاده نکنند؛ که این اتفاق افتاده و اطلاع داریم، موارد گوناگونش گزارش شده. باید با این موارد برخورد قاطع انجام بگیرد تا تولید کننده‌ی سالم، صادق، علاقه‌مند به کار و مشتاق تولید بتواند کار خودش را انجام بدهد.

### در مسئله واردات ملاحظه تولید داخلی باید بشود

مسئله‌ی دیگر، واردات است؛ که حالا اینجا هم اشاره شد، من هم بارها با مسئولین در زمینه‌ی واردات صحبت کردم. البته هیچ کس با واردات مخالف نیست؛ تنظیم واردات لازم است، کنترل واردات لازم است. صرف اینکه ما نگذاریم بازار در یک فصلی - مثلاً فصل شب عید - از فلان کالا خالی بماند، خیلی توجیه کاملی برای افزایش واردات نیست. حتماً بایستی در مسئله‌ی واردات ملاحظه‌ی تولید داخلی بشود. البته گفته میشود که واردات به رقابت‌پذیری تولید داخلی کمک میکند؛ اگر واردات نباشد، تولیدکننده‌ی داخلی به کیفیت یا به قیمت تمام‌شده اهمیت نمیدهد؛ واردات، او را به این کار وادار میکند. به نظر من این خیلی منطقی قوی‌ای نیست. در این خصوص، با بعضی از مسئولین بحث‌هایی هم داشتیم.

در مسئله‌ی واردات، بالخصوص اشاره کنم به بخش کشاورزی. به اعتقاد من واردات محصولات کشاورزی خیلی توجیه قوی تری میخواهد از آنچه که امروز انسان مشاهده میکند. ما در بخش کشاورزی تولیدات ممتازی داریم. یکی از آقایان، اینجا درباره‌ی تولیدات باغی گزارش دادند. کشور ما در این زمینه، از لحاظ کیفیت، جزو ممتازان دنیاست. ما باید بتوانیم تولیداتمان را افزایش بدهیم. این محصولات باغی و محصولات زراعی را صادر کنیم تا دنیا ببینند در ایران چه خبر است؛ نه اینکه مثلاً از آمریکای لاتین و از اینجا و آنجا مشابه آنها را که از لحاظ کیفیت هم خیلی پائین ترند، وارد کنیم. غرض، در این مسئله‌ی واردات، من این تأکید را دارم.

### وابستگی به درآمد نفت، یکی از بزرگترین بلیات عمومی کشور

مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی صادرات است. البته دولت وظیفه دارد به صادرات و صادرکننده کمک کند. خوشبختانه - همان طور که یکی از آقایان گزارش دادند - صادرات غیرنفتی رشد خیلی خوبی داشته؛ بعد از این هم رشد بیشتری خواهد داشت؛ انتظار هم داریم که در آینده بتواند رشد متناسب خودش را داشته باشد؛ به طوری که معادله‌ی صادرات و واردات حتماً مثبت باشد. ما باید به اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگترین بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است.

من چند سال قبل از این گفتم - البته آن وقت مسئولین دولتی از این حرف هیچ استقبال نکردند - ما باید به جایی برسیم که اگر یک روزی به خاطر قضایای سیاسی، اقتضات سیاسی، یا اقتضات اقتصادی در دنیا، اراده کردیم که صادرات خودمان را مثلاً برای مدت پانزده روز یا یک ماه متوقف کنیم، بتوانیم. شما ببینید این کار چه قدرت عظیمی را برای یک کشور تولیدکننده‌ی نفت به وجود می‌آورد که یک وقت اگر اراده کرد، بگوید آقا من از امروز تا بیست روز نفت صادر نمیکنم. ببینید چه حادثه‌ای در دنیا به وجود می‌آید. امروز ما نمیتوانیم این کار را بکنیم، چون به این درآمد احتیاج داریم. اگر یک روزی اقتصاد کشور

از درآمد نفت و صادرات نفت بریده شود، این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد؛ که تأثیر گذاری اش در دنیا فوق العاده است. ما باید به اینجا برسیم. خب، این حمایت میخواهد؛ باید از صادرات حمایت بشود.

### 🌱 لزوم ملاحظه فرهنگ حسن عمل در تولیدی که میخواهد به خارج از کشور و خارج از مرزها برود

از آن طرف هم خود بخش صادر کنندگان و مسئولین این کار وظائفی دارند. همین کشورهایی که اشاره کردند صادرات عمده‌ی ما به این کشورهاست، باز خورد سوء عمل بعضی از صادر کنندگان، اینجا به ما میرسد. ارسال جنس نامرغوب، جنس بد، بسته بندی نامطلوب، تأخیر در رساندن، اینها بد است. آن شرکت‌هایی در دنیا موفقند که صد سال است، صد و پنجاه سال است دارند محصول تولید میکنند و توانسته‌اند مشتری را راضی نگه دارند. فرض بفرمائید یک شرکت آلمانی یا یک شرکت سوئیسی از صد و پنجاه سال، صد و شصت سال قبل دارد یک جنسی را تولید میکند و میفرستد و همچنان در کشور ما و کشورهای دیگر مشتری دارد. چرا؟ چون از جنس راضی هستند؛ به وقت میرسد، استحکام لازم را دارد، دوام لازم را دارد، زیبایی لازم را دارد، تنوع و تطور لازم را به تناسب پیشرفت زمان دارد. صادر کننده باید اینها را ملاحظه کند. این احتیاج به یک فرهنگ دارد؛ فرهنگ حسن عمل در تولیدی که میخواهد به خارج از کشور و خارج از مرزها برود.

### 🌱 اهمیت مسئله مبارزه با فساد اقتصادی

مسئله‌ی مبارزه با فساد اقتصادی هم خیلی مهم است. البته متأسفانه همیشه اینجور است که مفسد اقتصادی در مرکز دولتی جا پا پیدا میکند. یعنی یک کسی را پیدا میکند که به او کمک کند، به او پاس بدهد، تا او آبخار بزند. تا کسی در داخل حصار نباشد که به آن متجاوز کمک کند، آن متجاوز نمیتواند فساد اقتصادی بکند. لذا مسئولین دولتی موظفند نسبت به بروز و نفوذ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی بشدت حساس باشند. شما وقتی که مثلاً در صنعت دامداری کشور یک نمونه‌ای را پیدا کردید که نشان داد فلان بیماری وارد این مرغداری شده، دیگر رحم نمیکنید؛ چون میدانید اگر چنانچه ملاحظه کردید، ضایعات منحصر به این چند هزار مرغ نخواهد بود؛ دامنه‌اش وسیع خواهد شد؛ لذا بی ملاحظه نابود میکنید، محو میکنید. فساد اینجوری است. اگر یک جا احساس کردید و دیدید در دستگاه‌های دولتی - این، مخاطبش مسئولین دولتی هستند - شائبه‌ی فساد وجود دارد، نباید هیچ ملاحظه بکنید. اگر ملاحظه کردید، این مسئله خیلی سریع گسترش پیدا میکند؛ چون بشدت واگیردار است. بیماری فساد اقتصادی جزو آن بیماری‌های واگیردار بسیار شدید و سریع است؛ لذا بایستی حتماً به این مسئله توجه کرد.



### مسئله‌ی برنامه‌ی جامع برای رشد بخش تعاون، یکی از چیزهای خیلی لازم

یکی از چیزهایی هم که خیلی لازم است، مسئله‌ی برنامه‌ی جامع برای رشد بخش تعاون است؛ که مادر همین سیاستهای اصل ۴۴ روی مسئله‌ی تعاون تکیه کردیم و این باید انجام بگیرد. ما یک سیاست جامع کاملی در زمینه‌ی بخش تعاون لازم داریم. حالا همینی هم که یکی از آقایان گفتند اصناف خرد بتوانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند و چه و چه، در سایه‌ی تعاون کاملاً امکان پذیر است؛ یعنی بهترین راهش ایجاد تعاونی‌هاست؛ تعاونی‌های منطقی، معقول، قانونی، سالم و قوی. در این صورت میتوانند از امکانات و تسهیلات بهره‌برداري و استفاده کنند؛ و این کار میشود.

### معرفی فرصتهای سرمایه‌گذاری کشور به بخش خصوصی

یک نکته‌ی اصلی دیگر همین است که ما معرفی فرصتهای سرمایه‌گذاری کشور به بخش خصوصی را بایستی جدی بگیریم. یعنی بایستی فعالان بخش خصوصی بدانند فرصتهای سرمایه‌گذاری کجاست، کدام‌هاست؛ همه مطلع باشند، استفاده‌های ویژه‌خوارانه نشود. محصور بودن اطلاعات، محدود بودن اطلاعات به بعضی از افراد، دون بعضی، موجب ویژه‌خواری‌های عجیبی میشود؛ که گاهی ثروتهای بادآورده‌ی یک‌شبه را برای افرادی که سوء استفاده‌چی هستند، فراهم میکند؛ به خاطر اینکه اطلاع دارند که بناست فلان کالا بیاید، فلان کالا تولید بشود، فلان کالا جلوی‌ش گرفته بشود، قیمت فلان کالا بالا برود یا پائین بیاید، یا فلان قانون تصویب بشود. اینهایی که مطلعند، سوء استفاده میکنند. اطلاعات باید عمومی بشود. باید شفاف‌سازی اطلاعات صورت بگیرد. البته این در دولتهای قبل مطرح بود، در دولت نهم و دهم هم فعالیتهایی انجام گرفته؛ لیکن کافی نیست. بایستی در این زمینه کار بیشتری انجام بگیرد.

## جهاد اقتصادی ضرورت و نیاز قطعی برای کشور

- ❖ مسائل اقتصادی، مسئله‌ی اصلی و محوری کشور
- ❖ لزوم پایبندی دولت نهم و دهم به شعارهای خود
- ❖ سست شدن پایبندی‌ها، عامل سلب توفیقات الهی
- ❖ بیان نقاط قوت و ضعف برای مردم
- ❖ دو رویکرد در مقابل انتقادهای رسانه‌ها و روزنامه‌ها نسبت به دولت
- ❖ ندیدن اولویت‌ها در کارها، ضعف است
- ❖ عمل به وعده، عامل تبدیل توقعات مردم به ایمان و اعتقاد
- ❖ مسئله‌ی معیشت مردم، اولین مسئله هر دولتی که بخواهد به مردم خدمت کند
- ❖ رسیدن به چشم‌انداز را باید رعایت کنیم
- ❖ تحریم، یکی از ابزارهای اقتصادی دشمن بر علیه نظام اسلامی
- ❖ طرح تحول اقتصادی، یک مصداق از جهاد اقتصادی
- ❖ و...

## جهاد اقتصادی ضرورت و نیاز قطعی برای کشور\*

### مسائل اقتصادی، مسئله‌ی اصلی و محوری کشور

خب، جلسه‌ی امروز عمدتاً حول و حوش مسائل اقتصادی دور میزند؛ که اتفاقاً مسئله‌ی اصلی و محوری کشور همین است و یکی از نقاط مهم چالشی که بین مسئولین در سطوح مختلف وجود دارد و بین بعضی از کسانی که معترضند یا منتقدند، همین مسئله‌ی اقتصاد است. خیلی خوب، این را ببرید در مجموعه‌ی نخبگان؛ تشریح کنید، توجیه کنید، بیان کنید. فرض بفرمائید وزیر محترم اقتصاد یا رئیس کل بانک مرکزی وقتی که در جمع بزرگی از دانشگاهیان بروند، ممکن است در بین سؤالاتی که انجام میگیرد یا انتقادهایی که میشود، احیاناً سؤالیهای جهتدار و انتقادهای دارای علل غیر فنی هم وجود داشته باشد؛ باشد، اشکالی ندارد. شما بروید؛ نگاهتان در آن صد نفر یا دویست نفر یا پانصد نفری که حضور پیدا میکنند، به ده نفری که احیاناً ممکن است اینجوری فکر کنند، نباشد. از پانصد نفر، به آن چهار صد و نود نفر دیگر توجه داشته باشید و حرفهایتان را بزنید. احیاناً ممکن است برخی از انتقادهای صورت بگیرد که برای شما مفید باشد. یعنی در زمینه‌ی کارهای زیربنایی، در زمینه‌ی کارهای اقتصادی، در زمینه‌ی مسائل مربوط به کار و اشتغال و غیره، این هم افزایی به وجود خواهد آمد. به نظر من این کار، کار لازمی است؛ من توصیه‌ام این است.

درخواست ما این است که این جلسه با تفصیلش منتشر شود؛ یعنی دانه دانه این گزارشهایی که دوستان، وزرای محترم یا معاونین محترم رئیس جمهور دادند، منعکس شود تا مردم اینها را بشنوند؛ لیکن من به شما بگویم، این آمارهای رقمی و عددی در ذهن متعارف مردم باقی نمیماند؛ خواص و اهل فن



بیشتر از این آمارها استفاده میکنند و روی آنها محاسبه میکنند و نتیجه گیری میکنند. خب، سراغ اینها بروید، اینها را در میان بگذارید و مطرح کنید. اینها حیثاً باز خوردی خواهد داشت؛ ممکن است اشکالی بکنند، اشکال واردی هم باشد؛ این به شما کمک خواهد کرد. من این توصیه‌ی مؤکد را دارم. فقط هم منتظر نشویم که رئیس جمهور این کار را بکند؛ وزرا هم میتوانند این کار را بکنند. البته اگر چنانچه خود رئیس جمهور محترم هم در مجامع نخبگانی حضور پیدا کنند و اینها را مطرح کنند، بسیار خوب است.

### 🌱 لزوم پابندی دولت نهم و دهم به شعارهای خود

اما من دو سه تا تذکر عرض میکنم، که اینها تذکرات همیشگی ما به شماسست و تأکید میکنم. شعارهای دولت نهم و دهم شعارهایی بود و هست که این شعارها برای مردم مؤمن ما جاذبه دارد؛ مثلاً عدالتخواهی، یا استکبارستیزی، یا ساده‌زیستی و مقابله‌ی با منشا اشرفیگری، یا مقابله‌ی با ویژه‌خواری و سوء استفاده‌ی از ارتباطات در مسائل اقتصادی و غیر اقتصادی، یا خدمت‌رسانی صادقانه. و من عرض بکنم، شما هم این را میدانید؛ علت اقبال مردم به دولت و به رئیس جمهور - چه در سال ۸۴، چه در سال ۸۸ - این شعارها بود. یعنی مردم به این شعارها دل‌بسته‌اند و نیاز به آنها و ضرورت آنها را احساس میکنند. از این شعارها دست بردارید. از جمله‌ی اساسی‌ترین شعارها، پابندی به اصول و ارزشهایی بود که امام بزرگوار ما اینها را وارد جامعه کرد و مطرح کرد؛ که اتفاقاً در دنیا هم عامل رشد علاقه‌مندی به انقلاب اسلامی، همین شعارها بود. یعنی بدون اینکه ما ابزار تبلیغاتی‌ای داشته باشیم، یا شیوه‌های تبلیغاتی کافی را بلد باشیم و به کار بگیریم، عنوان و محبوبیت امام بزرگوار ما در بین ملت‌ها و در سراسر دنیا ساری و جاری شد؛ این به خاطر همین شعارها و به خاطر همین رویکردها و جهتگیری‌ها بود. خود این هم که شما در مقابل قدرت فائقه‌ی ظاهری استکبار - که امروز مظهرش آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و جهانی است - می‌ایستید، ارزش ایجاد میکند؛ خود این محبوبیت ایجاد میکند؛ خود این در دل ملت‌ها امید به وجود می‌آورد و پرورش میدهد؛ این را نباید از دست داد. مراقب باشید در روشها، در اظهارات، در نوع برخورد، در نوع عملکرد، از این شعارها تجاوزی صورت نگیرد.

### 🌱 سست شدن پابندی‌ها، عامل سلب توفیقات الهی

کار را برای خدا بکنید. نه اینکه چون مردم دوست دارند، این کار را بکنید؛ نه. اگر هدف این شد که دل مردم را به دست بیاوریم، ناکام خواهیم ماند. «لأقطعنّ امل کلّ ءامل غیري»؛ این حدیث قدسی است، که در ذهنم اینجور است که با سند معتبری از قول خدای متعال نقل شده که فرموده: من قطعاً امید آن کسی را که به غیر من امید ببندد، قطع خواهم کرد. ما باید امیدمان به خدا باشد، برای خدا کار کنیم؛ منتها میدانیم که کار برای خدا جاذبه دارد. این شعارها، شعارهای الهی است. اگر چنانچه این پابندی‌ها سست شود، اگر نسبت به این شعارها تقید و پابندی کم شود، توفیقات الهی هم سلب خواهد شد.



بسیاری از این موفقیت‌هایی که شما در میدان عمل دارید، و از اول انقلاب تا امروز هر چه که موفقیت بوده، به خاطر این است که توفیقات الهی شامل حال بوده و این کمک الهی است. اگر کار برای خدا نباشد، این موفقیتها از ما گرفته خواهد شد. همان شور و نشاط و تلاش و خدمت صادقانه و بدون توقع مزد و منت باید ادامه پیدا کند. این یک نکته‌ی اصلی است.

### بیان نقاط قوت و ضعف برای مردم

نکته‌ی دوم: آن روز هم من در مجموعه‌ی مسئولین کشور گفتم نقاط قوت را برای مردم بیان کنید، نقاط ضعف خودتان را هم بیان کنید؛ این مهم است، این تأثیر میگذارد. امروز مثلاً در بین گزارشهای دوستان، من مواردی را دیدم که به نقطه‌ی ضعف اشاره کردند؛ منتها با این بیان که «این کارها باید انجام بگیرد». این «باید» نشان دهنده‌ی نیاز به کاری است که باید بشود و نشده. این را صریح بگوئید. بگوئید این کار را باید می‌کردیم، تا حالا نتوانستیم بکنیم. کسی بر اساس نتوانستن، کسی را مؤاخذه نخواهد کرد. می‌گوید خب، در قبال این ده تا کاری که انجام گرفته، این دو تا، سه تا، پنج تا کار هم انجام نگرفته؛ بنا داریم اینها را هم انجام بدهیم. این را بیان کنید، این را صریحاً بگوئید؛ اشکالی ندارد. ترس از این نداشته باشید که فلان منتقدی که احياناً ممکن است مغرض هم باشد، حرفش با حرف شما تطبیق کند؛ خب بکند، چه اشکالی دارد؟ بگوئید بله، این انتقادی که به ما میکنند، وارد است. این را مطرح کنید، منتها بگوئید ما تصمیم داریم این را برطرف کنیم. بگوئید این کارها را کرده‌ایم، این کارها را هم خواهیم کرد. این توصیه‌ی من است.

### دورویکرد در مقابل انتقادهای رسانه‌ها و روزنامه‌ها نسبت به دولت

البته در برخورد با انتقادهایی که احياناً در رسانه‌ها و روزنامه‌ها یا بعضی از مراکز قانونی نسبت به دولت انجام میگیرد، دو جور رویکرد میشود داشت: یک رویکرد توجیه و تبیین کننده است، این خوب است؛ یک رویکردِ مخاصمه است، این خوب نیست. اینجور نباشد که شما بگوئید چون به دولت حمله میکنند، چون انتقاد مغرضانه میکنند، پس ما هم بایستی اینجوری برخورد کنیم؛ نه، تبیین کنید. بله، تبیین کار لازمی است. راه تبیین هم همین است که در جلسات عمومی با مردم، بیان کنید، روشن کنید؛ سؤالات را مطرح کنند، شما جواب بدهید، اینها تبیین میشود؛ در رسانه‌ها هم پخش شود. اگر چنانچه تبیین خوب انجام بگیرد، غرض‌ورزیِ غرض‌ورزان به جایی نخواهد رسید.

### ندیدن اولویت‌ها در کارها، ضعف است

یک نکته‌ی دیگر هم که ذیل این مسئله‌ی توجه به ضعفها می‌خواهم عرض بکنم، این است: یکی از ضعفها این است که ما در کارها اولویتها را نبینیم. یکی از آقایان اشاره کردند - که اشاره‌ی درستی است - به این

که طرح‌های نیمه‌تمام را باید دنبال کنیم. این خیلی خوب است؛ این کار، کار لازمی است؛ من همیشه تأکیدم بر این است؛ منتها مشخص کنید، یک مجموعه‌ی کاری درست کنید، بنشینند واقعاً طرح‌های نیمه‌تمام را - حالا یک رقمی هم ذکر کردند که فلان تعداد طرح‌های نیمه‌تمام داریم - اولویت‌بندی کنند؛ کدام‌های اولویت‌دار هستند، کدام‌هایش وعده‌ی بیشتری داده شده یا توقع بیشتری از سوی مردم وجود دارد؛ اینها را مشخص کنید، به آنها بپردازید. این را مقدم کنید بر طرح‌های جدید. چقدر خوب است که همه‌ی وعده‌هایی که دولت به مردم داده، عمل بشود. اگر چنانچه وعده‌ای به مردم داده بشود و عمل نشود، این مشکلات درست خواهد کرد؛ نه فقط نسبت به دولت، بلکه به نظام.

### عمل به وعده، عامل تبدیل توقعات مردم به ایمان و اعتقاد

آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند که به ما می‌گویند شما سطح توقعات مردم را بالا بردید. این بالا بردن سطح توقعات، ناشی از این نیست که شما نواقص خودتان را گفته‌اید، مردم توقعاتشان بالا رفته؛ نه، توقعات با دادن وعده‌ها بالا می‌رود. اگر ما بتوانیم به این وعده‌ها عمل کنیم، توقعات مردم تبدیل می‌شود به ایمان و اعتقاد مردم؛ این خوب است. کاری کنیم که آنچه را که گفته‌ایم انجام می‌دهیم، انجام بدهیم و مردم ببینند که انجام گرفته. امروز دیدم آمارهای شما آمارهای مقایسه‌ای است - که خیلی هم خوب و بجاست - یکی از مقایسه‌ها این باشد: مقایسه‌ی بین آنچه که گفته‌ایم انجام می‌دهیم و آنچه که تا حالا توانسته‌ایم انجام بدهیم. یک درصد در بیاورید، ببینیم چه جوری است. این خیلی چیز مهمی است.

### مسئله‌ی معیشت مردم، اولین مسئله هر دولتی که بخواهد به مردم خدمت کند

یک نکته‌ی دیگر، همین مسئله‌ی جهاد اقتصادی است که مکرر مطرح شده، امروز هم دوستان مطرح کردند. مبانی و استدلال‌های اعلام «سال جهاد اقتصادی» برای شماها که دولتی هستید، معلوم است. یعنی ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور میدانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است. اولاً اقتصاد، پیشرفت اقتصادی، رونق اقتصادی ارتباط مستقیم دارد با معیشت مردم. معیشت مردم جزو اولین اهداف همه‌ی دولتهاست در همه جای دنیا و در همه‌ی دوران تاریخ؛ البته دولتهای علاقه‌مند به مردم؛ آن دولتهای مستأثر و زورگو و جبار، مورد نظرمان نیستند. هر دولتی که بخواهد به مردم خودش خدمت کند، اولین مسئله‌اش، مسئله‌ی معیشت مردم است، که بتواند مردم را اداره کند. خوب، این به اقتصاد وابسته است. یک اقتصاد خوب، سالم، وافر و پیشرو میتواند وضع زندگی مردم را خوب کند. خوب، این یک دلیل است مبنی بر اینکه لازم است ما در کار اقتصاد مجاهدت کنیم.

### رسیدن به چشم‌انداز را باید رعایت کنیم

یک مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی رسیدن به چشم‌انداز است. این چشم‌انداز هدفگذاری شده است، یک سند

بالادستی است؛ باید ما این را حتماً رعایت کنیم. بدون جهاد اقتصادی، به چشم انداز نخواهیم رسید. در چشم انداز، قدرت اول اقتصادی منطقه هم مطرح شده. در این میدان - که میدان مسابقه است - اگر چنانچه عقب ماندیم، ضربه خواهیم خورد. آن روز در آن جلسه هم مطرح شد که مسئله‌ی چشم و همچشمی مطرح نیست؛ مسئله این است که در این چالش عمومی و میدان تحرکات عمومی دولت‌ها در این برهه‌ی از زمان، اگر کسی عقب ماند، پامال خواهد شد. پیشرفت اقتصادی ما و رسیدن به اهداف چشم انداز، به خاطر این است که اگر چنانچه به آنجا نرسیدیم، ملت ما و کشور ما دچار ضربات سختی خواهد شد؛ احیاناً ضربات مهلکی به ما وارد خواهد آمد. باید به آنجا برسیم؛ این نیاز ماست. با شعاری که ما داریم می‌دهیم، با اهداف انقلاب اسلامی، جز این چاره‌ای وجود ندارد. حقیقت این است که نظام اسلامی، امروز نظام استکبار و سلطه و الحاد را به چالش گرفته؛ این یک حرکتی است که آغاز شده. شکست خوردن در این میدان، خسارت‌های غیر قابل توصیف است و مخصوص به ملت ما هم نخواهد شد؛ لذا باید در این میدان قطعاً پیروز شد. این پیروزی با این ابزار ممکن نیست؛ ابزارهای گوناگون دیگری هم لازم است؛ از جمله‌ی اینها، پیشرفت اقتصادی است.

### 🔒 تحریم، یکی از ابزارهای اقتصادی دشمن بر علیه نظام اسلامی

یک مسئله‌ی دیگر هم این است که امروز دشمنان نظام اسلامی و دشمنان ملت ایران از ابزار اقتصادی دارند علیه ما استفاده می‌کنند، که نمونه‌اش همین تحریم‌هایی است که گفته شد. البته لازم است من تشکر کنم از این مجموعه‌ای که در مقابل تحریم‌ها کار میکنند. از همه‌ی روش‌های درست و منطقی و زیرکانه و عاقلانه باید استفاده کرد و استفاده کنید. تحریم‌ها را خنثی کنید. تدبیر دشمن هیکلمند و لیکن در واقع کم‌زور را خنثی کنید. وقتی که ما این حجم عظیم ظاهری نظامی و اقتصادی استکبار را در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم، انسان به یاد گریه‌ی کارتون «تام و جری» می‌افتد! تحرک‌ش زیاد و های و هویش زیاد و حجمش بزرگ، اما نتیجه‌ی کارش نه آنچنان که خودش انتظار دارد یا بینندگان انتظار دارند. واقعاً همین جوری است. این به زیرکی شما بستگی دارد.

آنها گفتند تحریم‌های هوشمند یا تحریم‌های فلج‌کننده؛ اما می‌بینیم که این تحریم‌ها نه آنچنان هوشمند بود، نه فلج‌کننده بود. خب، همین تحریم‌ها موجب شد که در بسیاری از چیزهایی که خود کفائی نداشتیم، به خود کفائی برسیم؛ تحرک خوبی را در زمینه‌های علمی به وجود بیاوریم؛ کارهایی بزرگی را در زمینه‌ی تولیدات صنعتی و نظامی و غیر نظامی در کشورمان شاهد باشیم؛ و به راه‌های گوناگونی برای اینکه این تحریم را خنثی کنیم، برسیم.

این تحریم‌ها خنثی خواهد شد؛ شما بدانید. اینجور نیست که اینها بتوانند و طاقت بیاورند که این حرکت و این رفتار را مدت طولانی ادامه بدهند؛ این امکان‌پذیر نیست؛ یعنی دنیا این را نمی‌پذیرد. امروز دنیا، دنیائی نیست که به حرف آمریکا گوش کنند؛ ولو حالا نماینده‌ی ویژه‌ی او به فلان کشور برود، مؤاخذه

کند، چه کند. حالا یک چند وقتی این ادامه خواهد داشت، اما این قابل ادامه نیست. البته من چند ماه قبل هم گفتم، امروز هم شما مشاهده میکنید؛ آن چیزی که اینها در اول امسال گفتند فلج کننده، توقع خودشان این بود که در ظرف سه چهار ماه واقعاً به فلج برسد. این سه چهار ماه، بیشتر هم گذشت، به فلج که نرسید، هیچی، بحمدالله به تحرک بهتر ما انجامیده. پس جهاد اقتصادی برای این است. یعنی بایستی ان شاءالله یک مجاهدت، یک حرکت هدفمند و هوشمندانه و با توکل به خدای متعال و با اعتماد به حمایت الهی انجام بگیرد.

### 🌱 طرح تحول اقتصادی، یک مصداق از جهاد اقتصادی

خب، یک مصداق از این جهاد اقتصادی، همین طرح تحول اقتصادی است که دولت دو سه سالی است این را مطرح کرده. یک بند از طرح تحول اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها بود؛ که خب، بحمدالله قانونش تصویب شد و عملیاتی شده. البته من در زمینه‌ی کمک به تولید سؤال دارم. حالا آقایان در گزارش گفتند؛ لیکن آن چیزی که مصوبه‌ی قانونی بود برای کمک به تولید، تحقق پیدا نکرده. باید به تولید کمک کنید. البته در بلندمدت خود این دستگاه‌های تولیدکننده روی پای خودشان خواهند ایستاد و ان شاءالله خودشان خواهند توانست روز به روز قوی بشوند و جواب بدهند؛ اما در کوتاه‌مدت حتماً باید به اینها در موارد لازم تزریق منابع بشود. البته در آنجائی که کسی تقلب میکند، در آنجائی که کسی پول را برای تولید از بانک میگیرد، ولی در غیر تولید صرف میکند، بشدت برخورد کنید و ترحم بر پلنگهای تیزدندان نکنید؛ اما در آنجائی که نیاز هست، واقعاً بایستی بروید کمک کنید. پس در طرح هدفمندی، این بخش حتماً بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

### 🌱 لزوم توجه به مسئله گمرک و سیاستهای نظام پولی و بانکی در طرح تحول

بخشهای دیگر طرح تحول هم باید مورد توجه قرار بگیرد؛ یکی اش مسئله‌ی گمرک است - که امروز یکی از آقایان در گزارش خود گفتند لایحه‌اش به مجلس رفته - یکی اش مسئله‌ی سیاستهای نظام پولی و بانکی کشور است. این پنج شش موردی که در طرح تحول وجود داشت، همه‌اش باید انجام بگیرد. کاری کنید که در ظرف مدت باقیمانده‌ی دولت، این کارها سر بیفتد، تا اینکه بتواند ادامه پیدا کند. یعنی نگذارید کار، نیمه‌کاره بماند. این کارها در طول دو سال تمام نمیشود. همین هدفمندی هم مراحل گوناگونی دارد؛ شما شروع کردید، پیش رفتید. همان پیش رفتن، در واقع به یک معنا تمام کردن است. خود شروع کردن، به یک معنا تمام کردن است؛ اگر چنانچه خوب و صحیح و بر مبنای شروع شود.

### 🌱 لزوم بازنگری جدی در زمینه‌ی سیاستهای واردات

مسئله‌ی واردات را هم که گزارش دادند، البته جزو نگرانی‌های من است. حالا این گزارش هم هست؛

لیکن آنچه که انسان مشاهده میکند، یک قدری نگرانی آور است. درست است؛ ممکن است رشد نسبت واردات به صادرات غیر نفتی ما کاهش پیدا کرده، این رشد کم شده - این خودش چیز مثبتی است - اما به این اکتفاء نکنید. بخصوص در همین زمینه‌های زراعی و باغی و اینها که ذکر کردند، اینها چیزهایی است که بایستی هر چه میتوانیم، از واردات اینها پرهیز کنیم. بروید سراغ همان صنعتی سازی صادرات کشاورزی؛ همین چیزی که در گزارشها هم بود. اینها چیزهای مهمی است؛ ان شاء الله روی اینها تکیه شود. مردم هم تحمل میکنند و میپذیرند.

بنابراین در زمینه‌ی سیاستهای واردات، یک بازنگری جدی بکنید؛ بخصوص در کالاهایی که ما مزیت تولیدی داریم؛ چه صنعتی، چه کشاورزی. از نگاه بخشی به واردات - که حالا هر بخش دولتی طبق نیازهای خودش دنبال واردات برود - حتماً پرهیز شود.

### 📌 لطمه دیدن کشور در صورت پرداختن به کارهای اقتصادی و غفلت از فرهنگ

مسئله‌ی دیگر - که حالا البته این مربوط به مسائل اقتصادی نیست - مربوط به فرهنگ است؛ که امروز گزارشی داده نشد، موقوف شد به بعد. آنچه که من لازم میدانم به دوستان دولت توصیه کنم، این است که مسئله‌ی فرهنگ را خیلی جدی بگیرید. اگر چنانچه ما کارهای اقتصادی را - همچنان که در برنامه هست و آرزوهای ما متوجه به آن است - انجام بدهیم، اما در زمینه‌ی کار فرهنگی عقب بمانیم، بدانید کشور لطمه خواهد دید. دشمنان ما یکی از چشمه‌های دشمنی‌شان کار اقتصادی است؛ یک چشمه‌ی مهم دیگر، کار فرهنگی است. البته نه وقت و نه ظرفیت جلسه اجازه نمیدهد که انسان در این زمینه وارد بشود؛ لیکن فی‌الجمله دوستان توجه داشته باشند که کار فرهنگ، کار بسیار مهمی است؛ با ملاحظه‌ی جهتگیری‌های انقلابی و اسلامی. در زمینه‌ی فرهنگ، دچار رودر بایستی نشوید. در همه‌ی شعبه‌های فرهنگی - چه در موضوع کتاب، چه در کارهای هنری، چه در مؤسسات فرهنگی - جهتگیری‌ها را انقلابی و اسلامی قرار بدهید. اولویتها را در اینجا هم ملاحظه کنید، چون منابع بالاخره محدود است. البته مصوبه‌ی دولت در زمینه‌ی بودجه‌ی فرهنگی، مصوبه‌ی خوبی است؛ اگر چه حالا شنیدم که خیلی از مبالغ این مصوبه تخصیص داده نشده؛ حتی اگر همه‌اش هم تخصیص داده شود، باز برای همه‌ی فعالیتهای فرهنگی کافی نیست. بنابراین منابع دچار محدودیت است. با توجه به محدودیت منابع، نگاه کنید ببینید اولویتها چیست. البته من یک مجموعه‌ای را به نحو پیشنهاد به دولت ارائه کردم؛ که اگر این چیزها در کار فرهنگ مورد توجه قرار بگیرد، با توجه به نگاهی که ما در زمینه‌ی فرهنگ داریم، اینها اولویت خواهد داشت؛ یعنی اینها تأثیراتش بیشتر خواهد بود. بله، اینها را باید دنبال کنید تا ان شاء الله تحقق پیدا کند.

### 📌 دولت، دچار حاشیه‌سازی‌های مسئله‌دار نشود

مسئله‌ی دیگری هم که باز مطرح میشود و من به طور کلی عرض میکنم، این است: با این همه کاری

که دولت دارد، سعی کنید دچار حاشیه‌سازی‌های مسئله‌دار نشوید. دولت دارد کار میکند، تلاش میکند، میدان هم برای کار بحمدالله هست، نیاز هم به کار هست. خب، یک میدان کاری وجود دارد، نیاز فراوانی هم وجود دارد، دولت هم نشان داده که اهل خطرپذیری و وارد شدن در میدانهای کار و باهمه‌ی وجود کار کردن و وارد میدان شدن است؛ خیلی خوب، با این اوضاع و احوال، واقعاً شایسته و سزاوار نیست که حواشی‌ای به وجود بیاید؛ حالا چه حواشی‌ای که خود شما گاهی اوقات بی توجه به وجود می‌آوردید، چه آنهایی که دیگران به وجود می‌آورند و شما هم تسلیم آنها میشوید؛ از این حواشی باید پرهیز کرد. نگذارید در فضای کشور، در فضای بین دولت و مردم، درگیری‌ها و دلهره‌هایی به وجود بیاید که شماها را از کار باز بدارد.

### 🌸 لزوم تکیه بر زبان فارسی به عنوان نماد ملیت ایران

مسائل گوناگونی مطرح میشود. توصیه‌ی من این است که در زمینه‌ی علاقه‌ی به ایران، علاقه‌ی به کشور و گرایش به ایران، چند نکته را توجه داشته باشید. یکی اینکه مهمترین بخش مربوط به کشور، زبان و ادبیات است. علاقه‌ی به ایران، اینجوری تحقق پیدا میکند. ما در کشور زبانهای مختلفی داریم؛ اما زبان ملی، فارسی است. آن کسانی که زبانهای مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه‌ی یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه‌ی زبان فارسی، ترک‌زبانها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض میکنم... (۱) ان شاءالله کردها هم مینویسند؛ حرفی نیست، ما استقبال میکنیم. محققین برجسته‌ی ترک‌زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی‌ترین مقالات را در زمینه‌ی زبان فارسی نوشتند. بنابراین نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود. یا روی ایران بعد از اسلام تکیه شود. افتخاراتی که ایران دوره‌ی اسلامی دارد، در هیچ دوره‌ی دیگری از دوره‌های تاریخی ما این افتخارات وجود ندارد؛ من این را با استدلال به شما عرض میکنم و این قابل اثبات است. گسترش کشور، پیروزی‌های بزرگ نظامی کشور، پیشرفتهای عظیم علمی کشور در زمینه‌های گوناگون، همه‌اش مال دوره‌های بعد از اسلام است. نه اینکه قبل از اسلام از این چیزها ندارد؛ چرا، اما نسبت به دوره‌ی اسلامی، آنها ناقص است، کم است. البته یک چیزهایی به عنوان گفته‌ها مطرح میشود، اما چیزهایی نیست که مستند باشد و کسی بتواند آنها را اثبات کند؛ اینها قابل اثبات نیست. اما آنچه که در دوره‌ی اسلامی واقع شده، قابل اثبات است؛ روشن است. شما نگاه کنید ببینید پیشرفت نظامی و علمی و فرهنگی ایران در دوره‌ی دیلمی‌ها، در دوره‌ی سلجوقی‌ها، بعدها در دوره‌ی صفویه، و حتی در این وسط، در بخشی از دوره‌ی حاکمیت مغول چگونه است. مغولها به ایران که آمدند، ایرانی شدند و تحت تأثیر فرهنگ ایران قرار گرفتند؛ کما اینکه به هند که رفتند، هندی شدند. چه کارهای برجسته و عظیم علمی و فرهنگی و هنری در این دوره انجام گرفته. اگر کسی میخواهد از ایران و ایرانی‌گری حمایت کند، خب، ایران دوران اسلامی، هم مدون تر است، هم مستندتر است، هم قابل قبول تر است، هم جلوی چشم



است؛ کتابش جلوی چشم است، معماری اش جلوی چشم است، نشانه‌های علمی اش جلوی چشم است؛ تاریخش تدوین شده و روشن است.

### مسائل بین قوا را حل کنید

نکته‌ی آخر هم - که دیگر ظاهراً به اذان داریم نزدیک می‌شویم - این است که مسئله‌ی همکاری قوا را حل کنید. من هم غالباً به قوا سفارش می‌کنم؛ اما حالا شما که قوه‌ی مجریه هستید و اینجا حضور دارید، به شما باید سفارش کنم. هر چه می‌توانید، در آن جاهائی که میشود کوتاه آمد، کوتاه بیایید؛ چه اشکالی دارد؟ آنجائی که میشود تبیین کرد، تبیین کنید. آنجائی که میشود با ایجاد ارتباطات دوستانه، مسئله را حل کرد، اینجوری حل کنید. چرا من اینقدر بر تشکیل جلسه‌ی رؤسای قوا اصرار می‌کنم؟ وقتی که جلسه‌ی رؤسای قوا تشکیل بشود، خیلی از این مشکلات حل میشود. در جلسات روبه‌رو، با همدیگر می‌نشینند حرف می‌زنند؛ این کار خیلی از مشکلات را حل میکند؛ این تجربه‌ی ماست از گذشته. گیرم که حالا برخی از راه‌های گوناگونی هم که دوستان رفتند، به نتیجه نرسیده باشد؛ اما خب، راه‌های دیگری وجود دارد. بالاخره اختلاف سلیقه‌ها یا اختلاف برداشتهای از قانون را اینجوری باید حل کرد. کاری کنید که این ارتباط، ارتباط صمیمانه‌ای بشود. اگر چنانچه یک رفتاری را مشاهده می‌کنید که این رفتار را از آن طرف دیگر نمی‌پسندید، یک مراجعه هم به خودمان بکنیم، ببینیم آیا ما در آن فضای سنگینی که اشاره میشود، مثلاً تأثیری داشته‌ایم یا نداشته‌ایم. مراقبت بکنیم؛ اگر ما تأثیر داشتیم، آن را برداریم.

## حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- ❖ مسئله‌ی هدفمندی یارانه‌ها، نمونه‌ای از تحرک اقتصادی مسئولین کشور
- ❖ اهداف هدفمندی یارانه‌ها
- ❖ پیشرفت‌های علم و فناوری، یک عرصه‌ی مهم اقتصادی انجام گرفته در سال ۹۰
- ❖ ویژگی‌های پژوهشگران پژوهشگاه صنعت نفت
- ❖ دیپلماسی فعال، از جمله دستاوردهای بزرگ در سال ۹۰
- ❖ ده‌ها هزار خانه و مسکن ساخته شده، از جمله خدمات اقتصادی سال ۹۰
- ❖ انتخابات دوازدهم اسفند مجلس، یکی از حرکت‌های تحسین برانگیز ملت ایران در سال ۹۰
- ❖ متفاوت بودن بهانه‌های دشمن در اوقات مختلف
- ❖ تأثیر شعار تغییر بر مردم آمریکا، نشان دهنده‌ی وضع بدفعلی دولت آمریکا
- ❖ شکست دشمنان در صورت تجاوز به مسلمانان
- ❖ یک سنت الهی است
- ❖ و...



## حمایت از کار و سرمایه ایرانی\*

## ❏ مسئله‌ی هدفمندی یارانه‌ها، نمونه‌ای از تحرک اقتصادی مسئولین کشور

سال ۹۰ را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کردیم؛ لذا من از مسائل اقتصادی آغاز میکنم. تحرک اقتصادی مسئولین کشور با همراهی مثال‌زدنی و تحسین برانگیز مردم در طول سال ۹۰ قابل ذکر است. از جمله‌ی آنچه که میتوان در این زمینه مطرح کرد، همین مسئله‌ی هدفمندی یارانه‌هاست. همه‌ی کارشناسان اقتصادی، چه در دولتهای قبلی، چه در دولت کنونی متفق القولند که هدفمندی یارانه‌ها برای کشور یک نیاز و یک ضرورت است؛ همه این را اعتراف کرده‌اند. با وجود اینکه این معنا مورد اتفاق همه بوده است، اما این اقدام لازم به خاطر دشواری‌هایش، به خاطر پیچیدگی‌هایش، بر زمین مانده بود. دولت و مجلس در سال ۹۰، در شرایط تحریم، در شرایطی که دشواری و پیچیدگی این کار بیشتر از همیشه است، همت کردند، اقدام کردند و مراحل مهمی از این کار را پیش بردند. کار تمام نشده است؛ اما آنچه که تاکنون مسئولان کشور - چه در دولت، چه در مجلس شورای اسلامی - اقدام کرده‌اند و پشتیبانی و همدلی و همراهی ملت، آنها را قرین موفقیت کرده، بسیار مهم و قابل توجه است.

## ❏ اهداف هدفمندی یارانه‌ها

هدفهای عمده‌ی این قانون، چند مطلب بسیار اساسی است که من اشاره میکنم. آحاد مردم عزیز ما اینها را شنیده‌اند، لیکن باید تأمل و تعمق کنند. این کار، کار بزرگی است؛ کار مهمی است. یکی

از هدفهای این قانون عبارت است از توزیع عادلانه‌ی یارانه‌هایی که نظام و دولت به مردم میدهد. من قبلاً در یک صحبتی شرح دادم که یارانه‌ها همیشه به صورت نامتعادل و غیر عادلانه در بین قشرهای مختلف مردم تقسیم میشده است؛ طبیعت کار یارانه‌ی عمومی همین است. با هدفمندی یارانه‌ها، در واقع یک تعادلی، یک اجرای عدالتی در تقسیم و توزیع یارانه‌ها وجود پیدا کرده است. و من خبرهای موثقی از سراسر کشور دارم که حاکی از آن است که این کار در بهبود زندگی طبقات ضعیف نقش مؤثر داشته است. این یکی از هدفهاست، که مهمترین هدف و مقصد از این قانون هم همین است.

یک هدف دیگر، اصلاح ساختار تولید و اصلاح ساختار اقتصاد کشور است. چرخه‌ی تولید در کشور، چرخه‌ی معیوبی بوده است. آنچه را که ما در مجموعه‌ی تولیدی کشور به دست می‌آوردیم، با مصرف بیشتر، هزینه‌ی بیشتر و دستاورد و بازده کمتر بوده است. طبق تشخیص کارشناسان اقتصادی - که همه بر آن اتفاق نظر دارند - هدفمندی یارانه‌ها میتواند این را اصلاح کند؛ حالت پرمصرف و کم‌بازده را از تولید کشور بستاند و مصرف و بازده را در تولید متعادل کند.

یک هدف دیگر، مدیریت مصرف حاملهای انرژی است. ما چون یک کشور نفت خیز بودیم، از اول عادت کردیم بنزین را، گاز را، گازوئیل را، نفت سفید را بدون ملاحظه مصرف کنیم. مصرف ما از مصرف بسیاری از کشورها - شاید به یک معنا از همه‌ی کشورها - بیشتر و بی‌رویه‌تر بوده است. این هدفمندی یارانه‌ها، کشور را به صرفه‌جویی در مصرف حاملهای انرژی میکشاند. آمارهایی که منتشر شده است و آمارهای مورد قبول است، به ما نشان میدهد که تا همین امروز اگر قانون هدفمندی یارانه‌ها اجرا نمیشد، مصرف بنزین در کشور تقریباً دو برابر مصرفی بود که امروز انجام میگردد. وقتی که تولید داخلی بنزین به قدر مصرف نیست، ما مجبوریم چه کار کنیم؟ باید بنزین را وارد کنیم؛ یعنی دست ملت ایران زیر کارد بدخواهان و دشمنان باشد. با این کار، صرفه‌جویی شد. امروز مصرف بنزین در کشور، تقریباً به قدر تولید داخلی است؛ احتیاج به واردات بنزین نداریم؛ این برای کشور یک امتیاز بزرگ است. این کار در سال ۹۰ انجام شد؛ در همان وقتی که دشمنان ما، ما را تحریم کردند؛ برای اینکه ملت را به زانو دریاورند؛ اما جوانان ملت همت کردند، با این کارها توانستند نقشه و توطئه‌ی دشمن را خنثی کنند.

### 🌟 پیشرفتهای علم و فناوری، یک عرصه‌ی مهم اقتصادی انجام گرفته در سال ۹۰

یک عرصه‌ی مهم اقتصادی دیگر که در سال ۹۰ با همت این ملت انجام گرفته است، عرصه‌ی علم و فناوری است. علم و فناوری یکی از پایه‌های اقتدار اقتصادی یک ملت است. یک ملت با داشتن دانش پیشرفته، فناوری پیشرفته، هم به ثروت میرسد، هم به استغنائی سیاسی میرسد، هم آبرومند میشود، هم دستش قوی میشود. به خاطر کلیدی بودن مسئله‌ی پیشرفت علم و فناوری،

من نسبت به این مسئله حساسم. از راه‌های مختلف، کانال‌های مختلف، گزارش‌های متفاوتی را تقریباً به طور مستمر دریافت می‌کنم و میتوانم به شما قاطعانه عرض کنم که سطح پیشرفتهای کشور بسیار بیشتر از آن چیزی است که تاکنون به اطلاع مردم رسیده است.

بر اساس گزارش مراکز علمی معتبر دنیا - این گزارش مربوط به مراکز علمی خود ما نیست - سریع‌ترین رشد علمی جهان، امروز در ایران دارد انجام می‌گیرد. در سال ۹۰ که تقریباً برابر بود با سال ۲۰۱۱ میلادی، گزارش مراکز علمی معتبر این است که در سال ۲۰۱۱ - که سه ماه پیش این سال تمام شد - ملت ایران نسبت به سال قبل، یعنی سال ۲۰۱۰ میلادی، رشد علمی و پیشرفت علمی‌اش بیست درصد افزایش داشته است. معنای اینها چیست؟ در شرائطی که دشمنان ملت ایران بر روی سقوط ملت ایران شرط‌بندی میکردند و میگفتند ما تحریم‌های فلج‌کننده را برای ملت ایران در نظر گرفتیم، ملت ایران اینجوری عمل کرده است.

گزارش میدهند - این هم باز گزارش مراکز علمی معتبر دنیاست - که در منطقه، ایران در رتبه‌ی اول سطح علمی، و در کل جهان در رتبه‌ی هفدهم است. این گزارش کسانی است که اگر بتوانند گزارش خلاف علیه ما بدهند، امتناع نمیکنند؛ این را اینجور اعتراف میکنند. سال ۹۰ ما در زیست‌فناوری پیشرفت کردیم، در نانو فناوری پیشرفت کردیم، در هوا فضا پیشرفت کردیم - که ماهواره‌ی نوید پرتاب شد - در صنعت هسته‌ای پیشرفت کردیم، که غنی‌سازی بیست درصد محصول سال ۹۰ است. این غنی‌سازی بیست درصد، همان چیزی است که در سال ۸۹ آمریکایی‌ها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما میباید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیودارو هاست، اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد تهیه میکردیم؛ چون سوخت بیست درصدمان تمام شده بود. آنها برای این کار شرط گذاشتند و گفتند باید اورانیومی را که تولید کرده‌اید، خارج بفرستید؛ اما ما قبول نکردیم. آمریکایی‌ها دولت برزیل و دولت ترکیه را واسطه کردند که با ما صحبت کنند، میانه را بگیرند؛ چیزی مورد توافق به وجود بیاید. ما قبول کردیم. مسئولین ترکیه، مسئولین برزیل به اینجا آمدند و با رئیس جمهور ما نشستند بحث کردند، صحبت کردند و یک نوشته‌ای را امضاء کردند. بعد که این توافقنامه امضاء شد، آمریکایی‌ها زدند زیر قولشان! آنها نمیخواستند این قرارداد امضاء بشود؛ میخواستند امتیاز زیادی بگیرند، زور گوئی کنند، باج بگیرند. به خاطر بدقولی‌ای که آمریکایی‌ها کردند، دولت برزیل و دولت ترکیه پیش ما شرمند شدند. اجرای این بیست درصد این است.

با وجود این همه مشکلات، این همه مانع‌تراشی‌ها، جوانان ما گفتند خودمان درست میکنیم. در سال ۹۰ اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را اینها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! با اینکه میدانند مرکز هسته‌ای تهران مخصوص رادیودارو هاست - یعنی برای نیاز بیمارستانها و آزمایشگاه‌های ما در سرتاسر کشور است و هزاران

بیمار به این رادیوداروها احتیاج دارند - در عین حال نمیدانند، نمیفروختند، شرط می گذاشتند، باجگیری میکردند. جوانان ما خودشان آن را تهیه کردند. کار پیچیده‌ای هم بود، کار سختی هم بود، اما از عهده برآمدند و انواع و اقسام رادیوداروها الان در همین مرکز تهران با سوخت داخلی تولید میشود. این مال سال ۹۰ است.

در سال ۹۰، در همین صنعت هسته‌ای، تولید صفحه‌ی سوخت را در کشور انجام دادند؛ که اگر من بخواهم آن را هم شرح بدهم، طولانی میشود. اجمالاً، آن وقتی که صحبت تبادل اورانیوم تولید داخل بود، میگفتند اورانیوم سه و نیم درصد را به روسیه بدهید، روسیه ۲۰ درصد کند؛ او بدهد به فرانسه، فرانسه صفحه‌ی سوخت درست کند، بدهد به شما؛ یعنی هفت خان رستم! دانشمندان ما، جوانان ما گفتند ما خودمان این صفحه‌ی سوخت را درست میکنیم؛ همت کردند، درست کردند، گزارش دادند، نشان دادند. این مال سال ۹۰ است.

افزایش شش برابری داروهای نوترکیب، افزایش صادرات کالا و خدمات دانش بنیان؛ اینها همه مربوط به سال ۹۰ است. اینها بخشی از دستاوردهای «سال جهاد اقتصادی» است. اینها پیشرفت علمی است، پیشرفت فناوری است، نشان دهنده‌ی اقتدار علمی کشور است، اما دارای تأثیر مستقیم اقتصادی برای کشور است. جهاد اقتصادی یعنی این.

### ویژگیهای پژوهشگران پژوهشگاه صنعت نفت

من در پایان سال ۹۰ - در همین هفته‌ی گذشته - بازدید داشتم از پژوهشگاه صنعت نفت. انسان در آنجا چیزهایی را مشاهده میکند که نظائر آن را در بعضی از بازدیدهای دیگر، در پژوهشگاه‌های گوناگون علمی کشور می‌بیند و به این نتیجه میرسد که اینها استثناء نیست؛ قاعده است. این پدیده‌های مهم که یک روزی ملت ما در خواب هم این پیشرفت‌ها را نمیدید، تحقق پیدا کرده و به شکل قاعده درآمده است.

من چند تا از این خصوصیات و پدیده‌هایی را که در آنجا مشاهده کردم، به شما عرض میکنم. در درجه‌ی اول، روحیه و فکر جهادی حاکم بر مجموعه بود. آن مجموعه‌ی دانشمندان با روحیه‌ی جهادی کار میکردند؛ مثل اینکه دارند جهاد میکنند، مثل اینکه در جبهه‌ی جهاد فی سبیل الله‌اند. فرق میکند اینکه کسی برای پول، برای مقام، برای شهرت یا فقط برای خود علم کار کند؛ یا نه، به عنوان جهاد فی سبیل الله کار کند، در راه خدا تلاش کند. این روحیه، حاکم بر این مجموعه و مجموعه‌های علمی ماست؛ این خیلی ارزش دارد.

خصوصیت دوم این بود که من دیدم این دانشمندان ما این تحریم‌هایی را که بر ملت ما تحمیل کرده‌اند، فرصت میدانند. در خلال این بازدید مفصل طولانی‌ای که داشتیم، چند نفر به من گفتند الحمدلله که ما را تحریم کردند! ما به خودمان آمادیم، به خودمان پرداختیم، از درون جوشیدیم. این

روحیه‌ی احساس فرصت بودن تحریم دشمنان، خیلی باارزش است. لذا ساخت داخلی را جدی گرفتند، به جوانها میدان دادند، به ابتکارات و خلاقیتها میدان دادند و همین طور مرتب کار دارد پیش میرود؛ مثل چشمه‌ی جوشانی دارد کار میجوشد.

خصوصیت سومی که من در اینها دیدم، اعتماد به نفس بالاست. بعضی از بخشهای صنعت نفت هست که صرفاً در انحصار سه چهار تا کشور در دنیا است؛ اجازه نمیدهند کس دیگری در حریم این صنایع و فناوریها وارد شود. کشور ما هم در طول این سالهای طولانی، در زمینه‌ی اینگونه کارهای پیچیده و مهم، همیشه از آنها خواسته، از آنها گرفته، به آنها پول پرداخته. من دیدم اینها همت گماشته‌اند و میگویند ما میتوانیم، خودمان میکنیم، خودمان میسازیم. این اعتماد به نفس برای یک ملت، برای دانشمندان یک ملت، برای جوانان یک ملت، خیلی باارزش است.

خصوصیت دیگر، جوانگرایی است. کار دست جوانهاست، سررشته‌ی امور دست جوانهاست. جوان مرکز نوآوری است، مرکز خلاقیت و ابتکار است.

خصوصیت دیگر، ارتباط صنعت با دانشگاه است؛ که این از آرزوهای دیرینه‌ی بنده است. همیشه به مسئولان گوناگون بخشهای مرتبط دولتهای گذشته سفارش میکردم که سعی کنید بین صنعت و دانشگاه ارتباط برقرار کنید. خوشبختانه در اینجا دیدم که این ارتباط برقرار شده است. البته این باید عمومیت پیدا کند و همه‌ی صنایع ما با دانشگاهها مرتبط شوند، به دانشگاهها متصل شوند؛ هم دانش ما رشد میکند، هم صنعت ما رشد میکند. این خصوصیات را من در آنجا دیدم، اما اینها مخصوص این مرکز علمی و فناوری نفت نیست؛ این را در بازدیدهای دیگر هم مشاهده کردم. این نشان دهنده‌ی این است که در کشور قاعده بر این جاری است؛ حرکت، چنین حرکتی است.

این، بخش اقتصادی در سال ۹۰ بود؛ سالی که از اول تا آخر آن، عربده‌ی دشمنان و بدخواهان ملت ایران بلند بود؛ گاهی تهدید کردند، گاهی فشار سیاسی آوردند، گاهی تحریم کردند. عوامل دولت آمریکا امروز در سراسر دنیا دارند تلاش میکنند برای اینکه بتوانند تحریمها را عملی کنند، به خیال اینکه به ملت ایران ضربه بزنند و بین ملت ایران و نظام اسلامی جدائی ایجاد کنند.

### 🏠 دیپلماسی فعال، از جمله دستاوردهای بزرگ در سال ۹۰

در سال ۹۰ دستاوردهای بزرگ دیگری هم بوده است؛ از جمله دیپلماسی فعال سال ۹۰ در مسائل منطقه، برگزاری اجلاس بیداری اسلامی، اجلاس فلسطین، اجلاس خلع سلاح، اجلاس جهان بدون تروریسم، اجلاس جوانان بیداری اسلامی، فعالیتهائی بود که در تهران انجام گرفت؛ نظام جمهوری اسلامی شد مرکز توجه دنیای اسلام که امروز بیدار شده است.

### 🏠 ده‌ها هزار خانه و مسکن ساخته شده، از جمله خدمات اقتصادی سال ۹۰

در زمینه‌ی خدمات اقتصادی، ده‌ها هزار خانه و مسکن ساخته شد و در اختیار مردم قرار گرفت. این آمارها، آمارهای بزرگی است؛ آمارهای مهمی است. مسکن روستائی ساخته شد، جاده‌ها ساخته شد، بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها ساخته شد. اینها طلیعه‌ی دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. ما گفتیم این دهه، «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» خواهد بود؛ این طلیعه‌اش است. ما سه سال از این دهه را گذراندیم. در مقابل با این دشمنان، در مقابل با این بدخواهان عنود و خبیث، این ملت فعال و پرنشاط توانسته است این پیشرفت‌ها را به وجود بیاورد.

### انتخابات دوازدهم اسفند مجلس، یکی از حرکتهای تحسین برانگیز ملت ایران در سال ۹۰

یک قلم بزرگ از حرکتهای تحسین برانگیز ملت ایران در سال ۹۰، همین انتخابات دوازدهم اسفند بود. البته همین جا بگویم انتخابات هنوز تمام نشده است؛ در مرحله‌ی دوم انتخابات هم مردم ما بایستی ان شاء الله همین شکوه و زیبایی را نشان بدهند. این انتخابات خیلی اهمیت داشت. من به شما عرض کنم، قبلاً هم گفتیم؛ حدود شش ماه اینها همه‌ی تلاش خودشان را گذاشتند تا مردم را نسبت به انتخابات دلسرد کنند. گاهی گفتند در انتخابات تقلب میشود؛ گاهی گفتند مردم اگر به انتخابات نیابند، دشمنی دشمن کم میشود؛ انواع و اقسام تبلیغات را کردند برای جدا کردن مردم از مراکز رأی و صندوقهای رأی. گاهی با ترور دانشمندان ما - که در ظرف کمتر از شش ماه، سه ترور را انجام دادند - قصد داشتند مردم را بترسانند، مردم را دلسرد و ناامید کنند. در یک چنین فضائی، این انتخابات انجام گرفت؛ اما با یک چنین مشارکتی! این مشارکت بالاتر از ۶۴ درصد، خیلی رقم مهمی است. من به شما عرض بکنم؛ از متوسط انتخاباتهای مجالس دنیا، این رقم بالاتر است. در آمریکا متوسط رقم مشارکت در انتخابات کنگره، ۳۵ درصد است. در ده سال گذشته مشارکت مردم آمریکا در انتخابات کنگره‌شان و مجلس ملی و مجلس سناشان به ۴۰ درصد نرسیده. خب، این را مقایسه کنید با ملت ایران - این نشاط را، این حضور را، این اظهار وجود را - آنگاه اهمیت مطلب معلوم میشود. اینها میخواستند با این فشارها، با این جوروانی، با این تهدیدها، با این ترورها، روز دوازده اسفند را روز سرخوردگی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی قرار بدهند؛ اما به عکس خواسته‌ی آنها، به کوری چشم آنها، این روز شد روز سربلندی نظام اسلامی و ملت ایران. این انتخابات مثل یک رسانه‌ی صادق و پر قدرت عمل کرد. خبرهای ایران را تحریف میکنند، حوادث دروغین را از داخل ایران مخابره میکنند، خبرهای راست را مکتوم نگه میدارند، اما این انتخابات را نمیتوانند انکار کنند؛ واقع شده است، جلوی چشم همه است. این انتخابات به مثابه‌ی یک رسانه‌ی بزرگ و قدرتمند توانست ملت ایران و نظام اسلامی را به دنیا نشان بدهد.

### متفاوت بودن بهانه‌های دشمن در اوقات مختلف

خب، این رویدادهای سال ۹۰ بود؛ سالی که اینقدر دشمنان سرمایه‌گذاری کردند تا در این سال به ملت ایران و نظام اسلامی ضربه وارد کنند. اینها بخشی از دستاوردهای سال ۹۰ است. چرا این دشمنی‌ها را میکنند؟ من این نکته را عرض بکنم؛ بهانه‌ی دشمنی در اوقات مختلف متفاوت است. از وقتی مسئله‌ی هسته‌ای مطرح شده است، بهانه‌ی دشمنی‌ها مسئله‌ی هسته‌ای است. البته میدانند و اعتراف هم میکنند که ایران دنبال سلاح هسته‌ای نیست. واقع قضیه هم همین است. ما به دلائل خودمان، به هیچ وجه دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ نه تولید کردیم و نه تولید خواهیم کرد؛ این را میدانند، اما یک بهانه است. یک روز این مسئله بهانه است، یک روز حقوق بشر بهانه است، یک روز فلان مسئله‌ی داخلی بهانه است؛ اما همه‌ی اینها بهانه است. مسئله‌ی اصلی چیست؟ مسئله‌ی اصلی، حراست مقتدرانه‌ی نظام اسلامی از ثروت عظیم نفت و گاز در این کشور است. امروز و فردا - مثل دیروز - اقتدار اقتصادی و سیاسی و به تبع آن، اقتدار علمی و نظامی، متوقف است به انرژی، به نفت. تا ده‌ها سال دیگر، دنیا محتاج نفت و گاز است؛ این یک مطلب مسلم است. استکبار و قدرتهای استکباری میدانند که رگ حیاتشان به نفت و گاز وابسته است. آن روز که نتوانند این نفت ارزان را به دست بیاورند، آن روز که مجبور باشند برای تهیه‌ی نفت و گاز امتیاز بدهند و از زور گوئی دست بردارند، آن روز برای آنها مصیبت‌بار است.

از طرف دیگر، کشورهای غربی از لحاظ منابع نفتی دچار مشکل شده‌اند و روز به روز مشکل آنها بیشتر خواهد شد. منابع نفتی کشورهای اروپائی و به طور کلی کشورهای غربی، بعضی چهار سال دیگر تمام خواهد شد، بعضی شش سال دیگر تمام خواهد شد، بعضی نه سال دیگر تمام خواهد شد؛ لذا مجبورند از منابع غیر خودشان استفاده کنند. کشور آمریکا که امروز حدود سی و چند میلیارد بشکه نفت ذخیره دارد، طبق محاسباتی که کارشناسان کشورمان کرده‌اند - که آمارشان متکی به آمار خود آمریکائی‌هاست - نفتش تا سال ۲۰۲۱، یعنی تا نه سال دیگر تمام خواهد شد. نفت دنیا که امروز بیش از پنجاه درصدش از خلیج فارس خارج میشود، آن روز متکی خواهد شد به سه منبع عمده‌ی نفتی در منطقه‌ی ما و در خلیج فارس؛ که البته یکی از آن سه منبع، ایران است، که من حالا عرض خواهم کرد. در بین همه‌ی کشورهای دنیا - این دیگر مربوط به خلیج فارس نیست - آن کشوری که موجودی نفت و گازش بر روی هم از همه بیشتر است، کشور جمهوری اسلامی ایران است. بعضی از کشورها گازشان بیشتر از ماست، بعضی نفتشان بیشتر از ماست. ما در منابع گاز، کشور دوم در دنیا هستیم - اول روسیه است، بعد ما - در منابع نفت، ما کشور چهارم هستیم؛ سه تا کشور قبل از ما منابع نفت دارند که بیشتر از ما هستند؛ لیکن اگر نفت و گاز را بر روی هم حساب کنیم، جمهوری اسلامی، کشور عزیز شما، منابعش - بر طبق آنچه که تا امروز اکتشاف شده است - از همه‌ی کشورهای دنیا بیشتر است؛ این خیلی چیز جذابی است برای مصرف‌کنندگان نفت در دنیا، برای دستگاه‌های استکبار که رگ حیاتشان به حاملهای انرژی، به



نفت و گاز وابسته است. بنابراین ایران کشوری با یک چنین ثروتی است. آنها تا چهار سال دیگر، تاده سال دیگر، تا پانزده سال دیگر نفتشان تمام میشود؛ اما جمهوری اسلامی - بر طبق منابعی که تا امروز اکتشاف شده است - تا هشتاد سال دیگر نفت و گاز دارد؛ این خیلی جذاب است. کشوری در اوج قله‌ی دارائی نفت و گاز؛ خب، قدرتهای استکباری چه میخواهند؟ میخواهند این کشور در اختیار دولتی باشد، در اختیار نظامی باشد که مثل موم در دست آنها باشد؛ مثل بعضی از کشورهای منطقه. این کشورها نفت دارند، زیاد هم دارند، اما مثل موم در دست آمریکائی‌هایند: اینقدر تولید کنید، چشم؛ اینقدر قیمت بگذارید، چشم؛ به اینجا بفروشید، به اینجا بفروشید، چشم. اگر در کشور ثروتمند ایران که قله‌ی ثروت نفت و گاز متعلق به اوست، نظامی بر سر کار باشد که غیرتمندانه از این ثروت ملی حراست کند، اجازه‌ی چپاول ندهد، اجازه‌ی تطاول ندهد، تسلیم سیاستهای دشمنان نباشد، خب، با این نظام دشمنی خواهند کرد. بنابراین دشمنی با ایران اسلامی به این خاطر است.

آنهاستی که خیال میکنند اگر ما در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای عقب‌نشینی کردیم، دشمنی آمریکا تمام میشود، از این حقیقت غافلند. مشکل آنها مسئله‌ی هسته‌ای نیست. کشورهایی هستند که سلاح هسته‌ای دارند، در منطقه‌ی ما هم هستند، آنها ککشان هم نمیگذرد! مسئله، مسئله‌ی سلاح هسته‌ای یا صنعت هسته‌ای نیست، مسئله‌ی حقوق بشر نیست؛ مسئله‌ی جمهوری اسلامی است که مثل شیر در مقابل اینها ایستاده است. اگر جمهوری اسلامی هم در مقابل اینها مثل بعضی از رژیمهای منطقه، حاضر بود به ملت خودش خیانت کند، در مقابل اینها تسلیم بشود، با او کاری نداشتند. مسئله‌ی اینها زیاده‌خواهی‌های استکباری است؛ این علت دشمنی با ملت ایران است. البته آمریکائی‌ها اشتباه میکنند. اینکه فکر کنند با ستیزه‌گری، با دشمنی، با تهدید میتوانند جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کنند، یا بتوانند جمهوری اسلامی را از میان بردارند، یک خطای بزرگ و فاحشی است؛ چوب این خطا را هم میخورند. آنها میتوانند با ملت ایران محترمانه رفتار کنند، میتوانند به حق خودشان قانع باشند، میتوانند فاجعه‌ای را که در انتظارشان هست، ببینند و بشناسند. کشورهای غربی نمیگذارند مردمشان از فاجعه‌ی آینده‌ی نفت مطلع شوند. آنها نمیخواهند ملت‌هایشان بفهمند که در قضیه‌ی نفت و حاملهای انرژی چه چیزی در انتظار آنهاست؛ این را نمیخواهند به ملت‌هایشان بگویند. اینها خیال میکنند با ستیزه‌گری با ملت ایران میشود کار را پیش برد، اما نمیتوانند.

### 🔗 تأثیر شعار تغییر بر مردم آمریکا، نشان دهنده‌ی وضع بد فعلی دولت آمریکا

این را هم من به شما عرض بکنم برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! آمریکا با همه‌ی قدرت نمائی‌هایش، با همه‌ی هیاهوها و جنجال‌هایش، امروز در موضع ضعف و موضع متزلزلی است.



من نمیخواهم به خبرهای پشت پرده یا به چیزهای ظاهری تمسک کنم؛ حساب من، یک حساب دو دو تا چهار تاست. ببینید، رئیس جمهور کنونی آمریکا با شعار «تغییر» سر کار آمد. تغییر یعنی چه؟ یعنی وضعیتی داریم که بسیار بد است، من میخواهم آن وضعیت را تغییر بدهم. او با این شعار آمد تو می‌دانی، مردم هم به خاطر شعار تغییر، به او رأی دادند؛ و آلا مردم نژادپرست حاضر نبودند به یک فردی که از نژاد سیاه است، رأی بدهند؛ اما رأی دادند، به امید تغییر. خوب، اینکه شعار «تغییر» اینقدر در مردم اثر میگذارد، نشان دهنده‌ی وضع بد فعلی است. یعنی وضعی که در هنگام نامزد ریاست جمهوری شدن این آقا بر آمریکا حاکم بوده است، به اعتراف مردم آمریکا، وضع بدی بوده است و او قول داد که تغییر پیدا بشود. پس بدی مسلم شد. ما نمیخواهیم این را بگوئیم؛ خود مردم آمریکا اعتراف کردند که وضعشان بد است. خوب، حالا این آقا آمد سر کار؛ آیا تغییر ایجاد کرد؟ توانست تغییر بدهد؟ توانست آن وضع بد را عوض کند؟ امروز آمریکا پانزده هزار میلیارد دلار گرفتاری و بدهکاری دارد. این بدهکاری‌ها از تولید ناخالص ملی‌شان یا بیشتر است یا برابر تولید ناخالص ملی این کشور است؛ این برای یک کشور، بدبختی و گرفتاری است. آن هم که وضع سیاسی‌شان است: مجبور شدند بدون دستاورد از عراق بیرون بیایند. در افغانستان روز به روز وضعشان بدتر میشود. در پاکستان که یکی از کشورهای همراه با آنها بود، روز به روز بدنام‌تر میشوند. در کشورهای اسلامی، در مصر، در شمال آفریقا، در تونس، آمریکائی‌ها از آن هیمنه کاملاً ساقط شده‌اند. علاوه بر همه‌ی اینها، جنبش تسخیر وال استریت در خود شهرهای آمریکا به راه افتاده است. این وضعیت، وضعیت خوبی است؟ این حساب دو دو تا چهار تاست؛ این حساب پیچیده‌ای نیست. تغییر را مردم آمریکا قبول کردند؛ یعنی وضعیت کنونی بد است؛ آن وضعیت بد هم تا حالا تغییر پیدا نکرده است. بنابراین آمریکا گرفتار است.

ممکن است آمریکا خطرهایی برای کشورهای دیگر ایجاد کند؛ ممکن است دیوانگی کنند. البته من همین جا بگویم؛ ما سلاح اتمی نداریم، سلاح اتمی هم نخواهیم ساخت، اما در مقابل تهاجم دشمنان - چه آمریکا و چه رژیم صهیونیستی - برای دفاع از خودمان، در همان سطحی که دشمن حمله کند، به آنها حمله خواهیم کرد.

### شکست دشمنان در صورت تجاوز به مسلمانان یک سنت الهی است

قرآن کریم به ما نوید داده است: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا. سَنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ وَلِن تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (۱). هیچ جا در قرآن نیامده است که اگر شما شروع به جنگ کردید، حمله کردید، حتماً پیروز خواهید شد؛ ممکن است پیروز بشوید، ممکن است شکست بخورید - همچنان که در جنگهای صدر اسلام، آنجائی که مسلمانان حمله کردند، گاهی شکست خوردند، گاهی هم پیروز شدند - اما وعده داده است که اگر دشمن ابتدا به

حمله کرد، آن دشمن قطعاً شکست خواهد خورد. نباید بگوئید این مخصوص صدر اسلام است؛ نه، «سنة الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا»؛ این قانون الهی است. ملت ایران عازم است، بانشاط است، در فکر تهاجم و تجاوز نیست؛ اما به هستی خود، به ثروت خود، به هویت خود، به اسلام خود، به جمهوری اسلامی خود با تمام وجود دل بسته و علاقه مند است.

### 🌟 وظیفه همگانی برای حمایت از تولید ملی

شعار امسال را قرار دادیم «تولید ملی»؛ دنباله اش توضیح داده شده: «حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی». یعنی شما وقتی کالای داخلی را مصرف میکنید، به کارگر ایرانی دارید کمک میکنید، اشتغال ایجاد میکنید، به سرمایه ی ایرانی هم دارید کمک میکنید، رشد و نمو ایجاد میکنید. این فرهنگ غلطی است - که متأسفانه در بخشهایی از ما حاکم است - که مصنوعات خارجی را مصرف کنیم؛ این به ضرر دنیای ماست، به ضرر پیشرفت ماست، به ضرر آینده ی ماست. همه مسئولیت دارند؛ دولت هم مسئولیت دارد، باید از تولید ملی حمایت کند، تولید ملی را تقویت کند.

### 🌟 لزوم همکاری مجلس و همت دولت برای رونق بخشیدن به تولید ملی

خوشبختانه «صندوق توسعه ی اقتصادی» در سیاستها تصویب شد؛ مجلس شورای اسلامی آن را قانون کرد. امروز یک ذخیره ی بازرشی در اختیار مسئولان هست؛ میتوانند این را در اختیار تولید ملی بگذارند. باید کار را تسهیل کنند؛ مجلس هم باید همکاری کند، دولت هم بایستی همت کند؛ بتوانند به تولید ملی رونق بدهند. مردم هم - چه آن که دارای سرمایه است، چه آن که دارای قدرت کار است - بایستی با ایجاد اتقان، همکاری کنند. محصول داخلی را باید مرغوب، باکیفیت و بادوام تولید کنیم. تا آنجائی که بتوانیم، باید قیمت تمام شده را ارزان تمام کنیم. این کار، همکاری همه را میطلبد. بخشهای گوناگون دولتی باید در این زمینه همکاری کنند - چه بخشهای پولی و مالی، چه بخشهای دیگر اقتصادی - مجلس هم باید همکاری کند، تا بتوانند این قضیه را در کشور ما تحقق ببخشند.

### 🌟 افتخار نبودن خرید مارکهای خارجی

عمده، مردمند. شما باید کالای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست؛ این تفاخر غلطی است که ما مارکهای خارجی را در پوشاکمان، در وسائل منزلمان، در مبلمانمان، در امور روزمره مان، در خوراکی هامان ترجیح بدهیم به مارکهای داخلی؛ در حالی که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است. من شنیدم پوشاک داخلی را که در بعضی از شهرستانها تولید میشود، میبرند مارک خارجی میزنند، برمیگردانند! اگر همین جا بفروشند، ممکن است خریدار ایرانی رغبت نکند؛ اما

چون مارک فرانسوی دارد، خریدار ایرانی همان لباس را، همان کت و شلوار را، همان دوخت را انتخاب میکند؛ این غلط است. تولید داخلی مهم است. ببینید کارگر ایرانی چه تولید کرده است، سرمایه‌دار ایرانی چه سرمایه‌گذاری کرده است. در زمینه‌ی مصرف، عمده‌ی کار دست مردم است؛ که این بخشی از اصلاح الگوی مصرف است که من دو سال قبل اینجا به ملت ایران عرض کردم، و بخشی از جهاد اقتصادی است که سال گذشته عرض کردم. تولید ملی مهم است؛ این را باید هدف قرار بدهند.

# حمایت از کار و سرمایه ایرانی برای دستیابی به استقلال اقتصادی

ارزش‌گذاری و درس بودن بوسیدن دست کارگر

توسط پیامبر

کار، محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر

جامعه

نتیجه‌ی سرمایه و کار عبارت است از تولید ملی

رابطه سرمایه ایرانی و تولید ملی و استقلال

اقتصادی

احتیاج کشور به اقتصاد قوی و پایدار

لزوم همت کارگر و سرمایه‌گذار و مدیران دولتی

و مدیران بخش خصوصی، برای حمایت از تولید ملی

لزوم تلاش همگانی برای شکل‌گیری تولید ملی

و استحکام و پایداری اقتصاد داخلی

مسئله‌ی قاچاق، یکی از اخلاهای اقتصادی

مبارزه سران سه قوه با فساد اقتصادی

وارد شدن ضربیه سخت بر دشمنان، در صورت

پیشرفت تولید ملی

## حمایت از کار و سرمایه ایرانی برای دستیابی به استقلال اقتصادی\*

### ارزشگذاری و درس بودن بوسیدن دست کارگر توسط پیامبر

هفته‌ی کارگر را نه فقط به قشر عزیز کارگر، بلکه به ملت ایران تبریک عرض میکنم. اگر دستهای کارگر، مغزهای کارگر، انسانهای کارآفرین، نیروی انسانی ماهر در یک جامعه‌ای گرامی داشته شود، آن جامعه پیشرفت خواهد کرد. اینکه نبی مکرم اسلام دست کارگر را بالا می‌آورد و میبوسد، این فقط تقدیر از یک شخص نیست؛ این ارزشگذاری است، این درس است؛ به ما میگوید که دست کارگر، تولیدگر و نیروی انسانی آنقدر ارزش دارد که کسی مثل وجود مقدس پیامبر - که همه‌ی آفرینش طفیل وجود اوست - خم میشود و دست او را میبوسد؛ این درس به ماست.

### کار، محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه

کار به معنای وسیع کلمه، شامل کار یدی، کار جسمی، کار فکری، کار علمی، کار مدیریتی، در واقع محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه است؛ این را باید همه‌مان بدانیم. اگر کار نباشد، سرمایه، مواد، انرژی، اطلاعات، هیچکدام برای انسان مفید نخواهد بود. کار است که مثل روحی میدمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه، و آن را تبدیل میکند به یک موجود قابل مصرف، تا انسانها بتوانند از آن استفاده کنند. ارزش کار، اینهاست.

### نتیجه‌ی سرمایه و کار عبارت است از تولید ملی

مسئله این است که در جمهوری اسلامی با کارگر تعارف وجود ندارد. یک عده‌ای در یک برهه‌ای حکومت

به اصطلاح کارگری تشکیل دادند و چند ده سال دنیا را مشغول کردند؛ خیری از آنها به کارگر نرسید. مدیران کشورهای سوسیالیستی و کمونیستی، بهره‌های کلان را از جوامعشان بردند؛ فرمانروائی کردند، قدرت‌نمائی کردند، در زندگی مثل بقیه‌ی طواغیت عالم کامرانی کردند؛ به اسم کارگر. این دروغ است، این تعارف است.

در دنیای غرب هم بیمه‌های کارگری، حمایت از کارگر، و چه و چه، عمدتاً برای این است که کارگر کار کند تا آن - به قول معروف امروز - «یک درصد» لذت ببرد و کامرانی کند. با کارگر، صادق و روراست نیستند. اسلام با کارگر صادق است، روراست است، منطق دارد. کار، ارزش آفرین است؛ ارزش است. در یک روایتی هست که: «العلم یهتف بالعمل فان اجاب و الا ارحل»؛ (۱) یعنی حتی دانش، مرهون کار است. در این روایت - که یک بیان نمادین و سمبلیک است - میفرماید: دانش، کار را صدا میزند؛ اگر کار پاسخ داد، دانش میماند و توسعه پیدا میکند؛ اگر کار پاسخ نداد، دانش هم می‌رود. ببینید چه بیان زیبایی است. یعنی پیدایش دانش، پایداری دانش، پیشرفت دانش، وابسته‌ی به کار است. اینها منطق است، اینها مبنای فکری است؛ اسلام اینجوری است. اسلام با قشر کارگر، صادقانه برخورد میکند.

البته اینها باید ترجمه‌ی عملیاتی بشود؛ این مبنای باید در اجرا، در برنامه‌ریزی، خودش را نشان بدهد؛ که خب، تلاشهای زیادی شده، کارهای زیادی شده، بیشتر از آن هم باید بشود. لذا امسال ما گفتیم: «حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی»؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. سرمایه هم عدل کار است. اگر سرمایه نباشد، کار تحقق پیدا نمی‌کند؛ اینها دوتا بالند، که تولید ملی با این دو بال حرکت میکند. سرمایه‌ی ایرانی هم احترام دارد، کار ایرانی هم احترام دارد. نتیجه‌ی سرمایه و کار عبارت است از تولید ملی. این باید تحقق پیدا کند.

هر سال به مناسبت هفته‌ی کارگر، کارگران عزیز در حسینیه پیش ما می‌آمدند؛ آنجا یک دیداری داشتیم، دو کلمه حرف می‌زدیم؛ امسال من آدمم خدمت کارگرها؛ این کارخانه را - شرکت داروپخش را - به عنوان یک مرکز نمادین انتخاب کردیم. شما کارگران این کارخانه و کارگرانی که از کارخانه‌های دیگر تشریف آوردید، توجه بکنید که من برای ادای احترام، برای ادای تشکر از کار و کارگر ایرانی، امسال این برنامه را به این شکل در آوردم.

### 🔗 رابطه سرمایه ایرانی و تولید ملی و استقلال اقتصادی

ما تا به کار ایرانی و سرمایه‌ی ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل نگرفت، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله‌ی اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه‌ی حرفها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند،

مستقل نکند، نمیتواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد.

### 🏠 احتیاج کشور به اقتصاد قوی و پایدار

کشور ما به اقتصاد قوی و پایدار احتیاج دارد. من از سه سال یا چهار سال قبل، در سخنرانی‌های عمومی و بزرگ، به ملت‌مان، به عزیزان‌مان، به جوانان‌مان، به مسئولان‌مان تذکر دادم و گفتم بدانید توطئه‌ی دشمن، امروز متوجه به اقتصاد ماست. حالا ملاحظه میکنید؟ می‌بینید که نشانه‌های این توطئه‌ی بزرگی که برایش برنامه‌ریزی کردند، یکی پس از دیگری دارد ظاهر میشود.

لزوم همت کارگر و سرمایه‌گذار و مدیران دولتی و مدیران بخش خصوصی، برای حمایت از تولید ملی البته شما ملت ایران، با همان عزم راسخی که مانع‌های دیگر را از سر راه برداشتید، ان شاء الله این مانع را هم از سر راه بر میدارید. این همت را کارگر بکند، سرمایه‌گذار بکند، مدیران دولتی بکنند، مدیران بخش خصوصی بکنند؛ آحاد مردم هم در مصرف تولید داخلی و تولید ملی، عزم راسخ خودشان را نشان بدهند.

### 🏠 لزوم تلاش همگانی برای شکل‌گیری تولید ملی و استحکام و پایداری اقتصاد داخلی

کارهای اساسی باید بشود. خوشبختانه مشغول شده‌اند. همین‌طور که دوستان مسئول در دولت محترم اطلاع دادند، از اول سال، نشست‌هاشان، برنامه‌ریزی‌هاشان، تبادل نظر‌هاشان متوجه این مسئله شده است؛ من هم تأکید میکنم. موانع را باید بردارند. برای اینکه تولید ملی شکل بگیرد و اقتصاد داخلی استحکام و پایداری خودش را پیدا کند، همه باید تلاش کنند؛ مسئولین هم در درجه‌ی اول باید تلاش کنند؛ چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی مقننه و چه در قوه‌ی قضائیه. گاهی کار ممکن است به قوه‌ی قضائیه منتهی شود. جریان سالم و مورد توجه و دقت در اقتصاد کشور و در کار و تولید و سرمایه‌گذاری کشور، احتیاج دارد به مراقبت همه‌ی قوا با یکدیگر.

### 🏠 مسئله‌ی قاچاق، یکی از اخلاهای اقتصادی

از ابعاد مختلف، کارهای گوناگونی باید انجام بگیرد: مسئله‌ی تقویت مهارت‌ها در محیط کار، مسئله‌ی نگرش‌های درست مدیریتی، مسئله‌ی توانمندسازی نیروی کار، مسئله‌ی ایجاد احساس امنیت؛ هم برای کارگر، هم برای سرمایه‌گذار - یعنی برنامه‌ها، قوانین و مقررات باید جوری باشد که هم کارگر احساس امنیت کند و خاطر جمع باشد، هم سرمایه‌گذار احساس امنیت کند - مسئله‌ی مواجهه‌ی درست با اخلاهای اقتصادی. یکی از اخلاهای اقتصادی، مسئله‌ی قاچاق است. یکی از اخلاهای اقتصادی، سوءاستفاده‌های گوناگون از سرمایه‌های ملی است؛ از ذخائر متعلق به مردم در بانک‌های کشور است. کسانی با یک نامی از تسهیلات استفاده میکنند، اما در جای دیگری مصرف میکنند؛ این خیانت است، این دزدی است. گاهی دزدی از کیسه‌ی یک نفر است، گاهی دزدی از کیسه‌ی یک ملت است؛ این سنگین‌تر است. با این اخلاها

باید مواجهه بشود.

### مبارزه سران سه قوه با فساد اقتصادی

چند سال قبل از این، که من راجع به فساد اقتصادی به سران سه قوه نامه نوشتم و تأکید کردم، بعضی‌ها ترسیدند، گفتند ممکن است سرمایه‌گذار از این هشدارها پا عقب بکشد. من گفتم قضیه بعکس است؛ سرمایه‌گذار - آن کسی که می‌خواهد از طریق سالمی در کشور فعالیت اقتصادی کند - از اینکه ببیند ما با فساد اقتصادی و با مفسد اقتصادی مبارزه میکنیم، خوشحال میشود. ما باید بتوانیم این مبارزه‌ی درست را در سطح قانونی انجام بدهیم.

### وارد شدن ضربه‌ی سخت بر دشمنان، در صورت پیشرفت تولید ملی

ما باید به ایجاد مزیت‌های رقابتی توجه کنیم. ما می‌گوئیم تولید داخلی. البته امروز خوشبختانه در زمینه‌ی تولید داخلی پیشرفتهای زیادی به وجود آمده. مطمئناً آن مقداری که در ذاکره‌ی عمومی مردم هست، کمتر است از آن مقداری که کار انجام گرفته. این کار نو و برجسته‌ای که خوشبختانه در این شرکت انجام گرفته و ما امروز دیدیم، خیلی باارزش است؛ تأسیس، ایجاد و راه‌اندازی‌اش، به وسیله‌ی نیروی داخلی و در مدت کوتاهی؛ طراحی‌اش داخلی، ساختش داخلی، وسائلس داخلی. لیکن در خصوص برجسته کردن تولید ملی، مسئله‌ی کیفیت خیلی مهم است؛ که مدیریتهای تولیدی و کارگرهای عزیز باید به این مسئله توجه کنند. مسئله‌ی قابل رقابت بودن قیمت تمام‌شده مهم است و باید به آن توجه کنند؛ که این البته کمک دولت را میخواهد. اینها کارهای فراوانی است که باید انجام بگیرد. این کارها فقط بر عهده‌ی دولت هم نیست؛ دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه‌های گوناگون مدیریتی، بخش خصوصی، آحاد مردم، فرهنگ‌سازان جامعه - آن کسانی که با بیانات خودشان برای مردم فرهنگ می‌سازند - تبلیغات صدا و سیما، همه‌ی اینها باید در خدمت تولید ملی قرار بگیرد. اگر ما موفق شدیم این کار را انجام بدهیم، بدانید ضربه‌ی سختی بر دشمنان خونخوارمان وارد خواهد آمد.

سیاستگذاری تولیدمحور، فرهنگ‌سازی برای مصرف تولید داخلی، ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی، نوسازی و ابتکار در ماشینها، در محصولات، در مدیریت، در ساخت؛ اینها کارهایی است که باید انجام بگیرد و امیدواریم ان شاءالله انجام بگیرد.





## شعارهای سال، حلقه‌های ایجاد یک منظومه‌ی کامل اقتصادی

- تکرار نشدن توطئه‌های کنونی دشمن در صورت مقاومت مدبرانه کشور در مقابل فشارهای دشمن
- تنبلی مردم، جزو میراث‌های دوران استبداد و تسلط دیکتاتوری بر کشور
- توان و قدرت و استعداد و ظرفیت در قبال چالش، معنای وضعیت بدر و خیبر
- بادید حل شدن باید مسائل اقتصاد را دید
- هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور
- الزامات اقتصاد مقاومتی
- جهاد بودن مسئله‌ی مدیریت مصرف
- خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند
- اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد
- هدفمند کردن پارانه‌ها، عامل ایجاد رونق و رفاه و رشد تولید و رشد اقتصادی
- تصمیم‌های خلق الساعه و تغییر مقررات، ضربه‌ای بر اقتصاد مقاومتی و مقاومت ملت

## شعارهای سال، حلقه‌های ایجاد یک منظومه‌ی کامل اقتصادی\*

🔗 **تکرار نشدن توطئه‌های کنونی دشمن در صورت مقاومت مدبرانه کشور در مقابل فشارهای دشمن**

اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد. این چیزهایی که الان آنها تهدید میکنند، تحریم میکنند، جز آمریکا و جز رژیم صهیونیستی، هیچ کس ذی نفع از این تحریمها نیست. دیگران را با زور و با فشار و با رودربایستی و با این چیزها وارد میدان کردند. خب، پیداست که زور و فشار و رودربایستی نمیتواند خیلی ادامه پیدا کند - یک مدتی است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریمهای نفتی و امثال اینها استثناء کنند! دیگرانی هم که استثناء نشدند، خودشان مایل نیستند، و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما می‌خواهیم، آنها دنبال راه حل می‌گردند. بنابراین بایستی مقاومت کرد. خب، اینها واقعیتهای ملموس است. اینهایی که عرض کردم، هیچکدامش تحلیل نبود، ذهنی نبود؛ چیزهایی است که مشاهده میکنیم.

## 🔗 **تنبلی مردم، جزو میراث‌های دوران استبداد و تسلط دیکتاتوری بر کشور**

البته در کنار این واقعیتهای، این واقعیت هم هست که ما هنوز آن حالت لازم متناسب اسلامی را در میدان کار و اینها در خودمان به وجود نیاوردیم؛ یک قدری دچار تنبلی هستیم؛ این جزو میراث‌های

دوران استبداد و تسلط دیکتاتوری بر کشور است. وقتی در یک کشوری دیکتاتوری بود، مردم تنبیل میشوند؛ استعدادها به میدان تجربه و عمل وارد نمیشوند. این میراث دوران استبداد است که در ما وجود دارد. باید تنبلی را کنار بگذاریم. آن خطرپذیری لازم در همه‌ی بخشهای جامعه نیست. با توکل به خدای متعال، و با تدبیر و درایت لازم، باید خطرپذیری وجود داشته باشد؛ این را باید همه داشته باشیم.

### توان و قدرت و استعداد و ظرفیت در قبال چالش، معنای وضعیت بدر و خیر

خب، اینکه ما عرض کردیم وضعیت بدر و خیر، یعنی همین. وضعیت بدر و خیر یعنی تهدید هست، چالش هست، اما بن بست نیست. در بدر امکانات کم بود، اما غلبه حاصل شد. امکانات طرف مقابل، چندین برابر؛ شاید در بعضی بخشها، غیرقابل مقایسه‌ی با امکانات جبهه‌ی اسلام بود. در خیر سختی وجود داشت؛ رفتند مدتها آنجا ماندند؛ مقاومت دشمن شدید بود؛ اما غلبه پیدا کردند. چالش هست؛ اما در قبال چالش، توان و قدرت و استعداد و ظرفیت هم وجود دارد. این، معنای وضعیت بدر و خیر است. اگر این ظرفیت را به میدان آوریم، اگر نقاط ضعف را کم کردیم، پیشرفت خواهیم کرد.

### با دید حل شدن باید مسائل اقتصاد را دید

آنچه که من در دنباله‌ی عرایض عرض میکنم - که دیگر وقت دارد تمام میشود و مجال نیست - این است که برادران و خواهران عزیز! مسئولان محترم! ما باید مسائل کشور را با این دید نگاه کنیم؛ آرمانها جلوی چشم ما باشد؛ واقعیتهای تشویق‌کننده جلوی چشم ما باشد. در مورد واقعیتهای منفی - که در واقع در بعضی موارد واقعیت‌سازی است، واقعیت‌نمایی است - دچار اشتباه نشویم. البته توان دشمن را دست کم نگیریم، سهل‌انگاری و ساده‌انگاری نکنیم. مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. شما مثل یک ریاضیدانی که میخواهد یک مسئله‌ی مهم ریاضی را حل کند، بر سر این مسئله تلاش‌تان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید. شما ریاضیدان با استعدادی هستید؛ این هم یک مسئله‌ی ریاضی است. اینجوری باید با مسائل گوناگون برخورد کنید. خوشبختانه انسان مشاهده میکند که همین روحیه هم در دستگاه‌های گوناگون وجود دارد. به مسئله‌ی اقتصاد باید با این دید نگاه کرد.

### هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، میتوانند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و

طراحی‌ها نشان میداد که اینها میخواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه‌ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان میتواند مشاهده کند.

من سال ۸۶ در صحن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة والسلام) در سخنرانی اول سال گفتم که اینها دارند مسئله‌ی اقتصاد را پیگیری میکنند؛ بعد هم آدم میتواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله‌ی جلوگیری از اسراف، مسئله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله‌ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که میتواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ میتواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.

### 🏠 الزامات اقتصاد مقاومتی

مسئله‌ی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاستهای اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاشهای بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که میتوانند کمک کنند - مثل قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند. کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهایی است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که میتواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگماریم؛ برویم به سمت این که هر چه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.

### 🏠 جهاد بودن مسئله‌ی مدیریت مصرف

مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به

این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان میتواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.

#### ✎ خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند

یک بُعد دیگر این مسئله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارکهای معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارکهای خارجی میروند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.

#### ✎ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد

به نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب میدهد. همین مسئله‌ی سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمیشد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر میرفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خوب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد، که الحمدلله نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد. و بقیه‌ی چیزهایی که مورد نیاز کشور است.

#### ✎ هدفمند کردن یارانه‌ها، عامل ایجاد رونق و رفاه و رشد تولید و رشد اقتصادی

هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها میتواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه‌ی رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه‌ی اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا میکند. این کار بایستی به انجام برسد.

و استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سالهای متمادی طول میکشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ی کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

### 🏠 **تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، ضربه ای بر اقتصاد مقاومتی و مقاومت ملت**

حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه میزند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاستهای اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.

## قدرت اقتصادی یعنی بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش

تقویت شرکتهای دانش بنیان

علم برای کشور، یک سرمایه‌ی بی‌پایان و  
تمام‌نشدنی

اهمیت دادن به مسئله‌ی علم و تکیه‌ی به علم در  
کشور

رسیدن به رشد اقتصادی حقیقی، در صورت  
تکیه‌ی به علم

رسیدن به قدرت سیاسی و فرهنگی، با  
بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش

لزوم تشویق نخبگان و اهل علم برای تشکیل  
شرکتهای دانش بنیان

لزوم خطرپذیری شرکت‌های دانش بنیان

اجرای قانون حمایت از شرکتهای دانش بنیان،

کمکی به پیشرفت و توسعه‌ی شرکتهای دانش بنیان

در کمکهای مالی و پشتیبانی‌ها، شرکتهای دولتی

سهم بیشتر را نبرند



## قدرت اقتصادی یعنی بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش \*

### تقویت شرکتهای دانش بنیان

جلسه‌ی امروز با هدف تقویت شرکتهای دانش بنیان و به طور کلی نوآوری در دانش و فناوری و تقویت ورود محصولات این شرکتهای به بازار و مصرف، تشکیل شد. خب، دوستان مطالب بسیار خوبی را بیان کردند. خوشبختانه در جلسه، مسئولین حضور دارند و پیشنهادهای را شنیدند. البته دوستانی که در قالب پیشنهاد صحبت کردند، برخی گلیه‌ها را هم مطرح کردند که به نظر من حق به جانب آنهاست. گلیه‌ها، گلیه‌های درستی است؛ بر طرف شدن آنها هم با توجه به همین پیشنهادهای خواهد بود. خب، مسئولین، اینجا حضور دارند؛ معاون محترم رئیس جمهور و برخی وزیران مرتبط با این مسائل و همچنین بعضی مسئولان دیگر در جلسه هستند و مطالب را شنیدند. آنچه که در این جلسه گفته شد، ان شاء الله و به توفیق الهی جمع بندی و دنبال هم خواهد شد. البته توقعاتی هم از دستگاه رهبری مطرح شد، که ما ان شاء الله همه‌ی آنها را دنبال خواهیم کرد؛ چه آن چیزهایی که ارتباط به دستگاه‌های دولتی و اجرائی دارد - که ما باید تأکید کنیم - چه آن چیزهایی که به نحوی مرتبط با خود دستگاه رهبری است. ان شاء الله ما اینها را دنبال میکنیم. البته من نمونه‌هایی از پیشنهادهای و انتظاراتی که دوستان مطرح کردند، اینجا یادداشت کردم؛ که به نظر من غالباً انتظارات درستی است و امیدواریم ان شاء الله به اینها رسیدگی شود. من به بعضی از این پیشنهادهای و انتظارات هم اشاره خواهم کرد.

### علم برای کشور، یک سرمایه‌ی بی پایان و تمام نشدنی

آنچه که ما بر آن اصرار میورزیم و تأکید میکنیم، این است که علم برای کشور، یک سرمایه‌ی

بی‌پایان و تمام‌نشده است. اگر چرخه‌ی تولید علم در یک کشوری به راه افتاد، اگر استعدادی وجود داشت و به جریان افتاد، اگر ظرفیتها شروع کرد به بروز و ظهور، آن وقت این دیگر منبع تمام‌نشده است. علم یک پدیده‌ی درون‌زا است؛ چیزی نیست که انسان برای آن ناچار و ناگزیر باشد وابسته شود. بله، اگر شما بخواهید علم حاضر و آماده را بگیرید، همین است؛ وابستگی دارد، احتیاج دارد، دست دراز کردن دارد؛ اما بعد از آنکه بنیان علمی در یک کشوری به وجود آمد، استعداد هم در آن کشور وجود داشت، آن وقت حالت چشمه‌های جوشان را پیدا میکند. اگر ما بپردازیم به دنبالگیری تحقیق و علم و ژرفنگری و دانش پژوهی، اگر این مسئله در کشور همچنان که بحمدالله چند سالی است جدی گرفته شده و دنبال میشود، با همین شتاب، بلکه با انگیزه‌ی بیشتر و اهتمام بیشتر دنبال شود، بدون تردید کشور به یک اوجی دست خواهد یافت.

### اهمیت دادن به مسئله‌ی علم و تکیه‌ی به علم در کشور

با توجه به واقعیاتی که ما مشاهده میکنیم و جلوی چشم ماست، این اوجگیری، این رسیدن به این تعالی مورد نظر و پیشرفت، به هیچ وجه خیالپردازانه نیست؛ واقع‌گرایانه است؛ تجربه‌ی این چند سال هم همین را نشان میدهد. در همین آمارهایی که داده شد، ملاحظه کردید که پیشرفت کشور در بخشهای مهم و دانشهای نو و مؤثر در زندگی، با فاصله‌ی چند سال، پیشرفت چشمگیری بوده است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که استعداد و ظرفیت و آمادگی هست. ما باید این مسئله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسئله‌ی علم و تکیه‌ی به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چند ساله همین است. اگر چنانچه علم در بخشهای مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکتهای دانش‌بنیان که بر مبنای علم کار میکنند، تولید میکنند و ثروت آفرینی میکنند، خواهند توانست بتدریج اقتصاد کشور را به شکوفائی واقعی برسانند.

### رسیدن به رشد اقتصادی حقیقی، در صورت تکیه‌ی به علم

تحصیل ثروت از راه فروش منابع تمام‌شدنی مثل نفت و امثال نفت، رونق نیست، پیشرفت نیست؛ این خودگول‌زدن است. ما در این دام افتادیم. باید اقرار کنیم، قبول کنیم که این یک تله است، یک دام است برای ملت ما. ما دچار خام‌فروشی شدیم. یک واقعیتی برای ما به ارث گذاشته شد، کشور هم به آن عادت داده شده است. البته در این سالها سعی شده که یک مقداری این اعتیاد مضر برای کشور، کنار گذاشته شود، لیکن به طور کامل پیش نیامده. ما باید اول اعتقاد پیدا کنیم که باید کشور به جایی برسد که بتواند با اختیار، هرگاه اراده کرد، سرچاه‌های نفت خودش را ببندد؛ ما باید به این باور برسیم. این حالا مسئله‌ی نفت است. خام‌فروشی‌ها در بخشهای مختلف مواد خام و معدنی همچنان وجود دارد؛ و این یکی از ضعفهای ماست، یکی از

مشکلات کشور ماست. ما اگر بخواهیم از این وضعیت نجات پیدا کنیم، بخواهیم به رشد اقتصادی حقیقی نائل شویم، راهش تکیه‌ی به علم است؛ این هم از راه تقویت همین شرکتهای دانش‌بنیان، عملی است. ما باید به این سمت برویم.

### رسیدن به قدرت سیاسی و فرهنگی، با بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش

البته کارهایی که انجام گرفته، کارهای بارزشی است. گزارشی که معاون محترم رئیس‌جمهور دادند - که البته من اطلاع نسبتاً کاملی از آنچه که انجام گرفته، قبلاً در ضمن گزارشهای مکتوب به دست آوردم - بسیار دلگرم‌کننده است؛ نشان‌دهنده‌ی این است که دستگاه‌های ما بحمدالله تلاششان در این زمینه خوب است؛ منتها نگاه کنیم، ضعفها را در بخشهای مختلف شناسائی کنیم و سعی کنیم این ضعفها را برطرف کنیم. اگر ما ان‌شاءالله بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملتهای مسلمان امروز به آن احتیاج دارند.

ملت ما قبل از انقلاب، سالهای متمادی اسیر تضعیف روحیه‌ی خودباوری در میان خود بوده است. از آن وقتی که اول مسئولان دولتی، بعد بتدریج آحاد مردم چشم باز کردند و در مقابل پیشرفت خیره‌کننده‌ی علمی غرب مبهور شدند، بتدریج احساس کمبود، احساس حقارت، احساس خودکم‌بینی در این کشور و در میان ملت ما ترویج شد. خوشبختانه انقلاب همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد. بنابراین بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است، هم قدرت سیاسی. خود استقلال و خودتکائی در یک کشور، قدرت سیاسی میدهد؛ علاوه بر قدرت اقتصادی که خوب، طبیعی است و وجود دارد.

### لزوم تشویق نخبگان و اهل علم برای تشکیل شرکتهای دانش‌بنیان

آنچه که ما میخواهیم ان‌شاءالله بر این جلسه مترتب شود، به طور کلی دو چیز است: یکی تشویق نخبگان و زیدگان و اهل علم و اهل تحقیق به این که به سمت تشکیل این شرکتهای بروند و همچنین رساندن محصول این شرکتهای و این تحقیقات به بازار و در دسترس مردم قرار دادن و وارد کردن آن در چرخه‌ی تجارت است. این، غرض اول ماست. البته هم‌افزایی علم و ثروت و دارائی، تعریف ابتدائی این شرکتهاست. بنابراین اهل دانش و کسانی که اهل سرمایه‌گذاری‌های مالی

هستند، همت کنند و این شرکتها افزایش پیدا کند. حالا گفته شد که تا پایان برنامه، بیست هزار شرکت تشکیل خواهد شد؛ لیکن تصور من این است که بیش از این بایستی مادر کشور به رقم شرکتهای دانش بنیان اهتمام بورزیم. البته کمیت و کیفیت آنها با هم دیده شود؛ که حالا مسئلهی کیفیت، مسئلهی دیگری است.

هدف دوم این است که مشکلات این شرکتها ان شاء الله برطرف شود. مشکلاتی وجود دارد - مشکل نقدینگی هست، مشکل کمکهای گوناگون معنوی هست؛ که در این پیشنهادها وجود داشت - دولت میتواند این مشکلات را برطرف کند. همین بخشهایی که مرتبط با این قضیه هستند؛ چه معاونت محترم ریاست جمهوری، چه وزارتهای محترم صنایع و علوم و بهداشت و درمان و جهاد کشاورزی و وزارتهای که با این قضایا ارتباط پیدا میکنند، میتوانند همکاری کنند، تقسیم مسئولیت کنند، حدود وظایف هر بخشی را تعیین کنند و مشکلات را برطرف کنند. از جملهی چیزهایی که اینجا گفته شد و به نظر من درست هم هست، این است که این سیستمهای سنتی قدیمی اعتبارشناسی، از جمله از سوی بانکها و مراکز پولی، نسبت به این شرکتها نگاهشان را عوض کنند. مشکل نقدینگی، مشکل مهم این شرکتهاست.

### 🌱 لزوم خطرپذیری شرکت های دانش بنیان

از جملهی چیزهایی که گفته شد - که به نظر ما درست هم هست - مسئلهی لحاظ خطرپذیری در این شرکتهاست؛ چون اگر چنانچه در این شرکتها خطرپذیری نباشد و آمادگی برای مواجهه با ریسک وجود نداشته باشد، کار پیش نخواهد رفت. البته راههایی وجود دارد برای اینکه زیان این خطرها، اصل موجودیت این شرکتها را تهدید نکند؛ مثل بیمه های مخصوص و مشخصی که برای این کار باید پیش بینی شود؛ که این هم کار دستگاههای دولتی است.

### 🌱 لزوم رصد و ثبت اختراعات توسط دستگاه های دولتی

یک مسئلهی مهم این است که دستگاههای دولتی ما اختراعات و ثبت اختراعات را رصد کنند و خود آنها به سراغ صاحبان اختراعات و نخبگان فکری بروند و از آنها بخواهند که همکاری کنند، کمک کنند، تا آنها بتوانند بیایند در ایجاد یک شرکت دانش بنیان در آن بخش مورد نظر سهیم شوند. دستگاههای ماننشینند که مخترعان به آنها مراجعه کنند، کار بیفتد توی پیچ و خمهای اداری و بوروکراسی و مشکلاتی که وجود دارد؛ اینها یقیناً شوقها و استعدادها را تضعیف خواهد کرد. آنطور که من گزارش دارم، خارجیها دارند استعدادهای موجود کشور ما را رصد میکنند؛ هر جایی که به دردشان میخورد، می آیند سرمایه گذاری میکنند و میبرند. خوب، استعداد انسانی، نیروی انسانی، ارزشمندترین موجودی یک کشور است.

نباید اجازه بدهیم، نباید بگذاریم، «نگذاشتن» هم به این شکل منطقی است که ما زمینه را فراهم کنیم، آماده کنیم، تشویق کنیم، دستگیری کنیم، آنها را اواردار کنیم، آنها را وارد میدان کنیم که مشغول بشوند، دلگرم بشوند؛ آن وقت در آن صورت، این همان چشمه‌ی جوشان تمام‌نشدنی خواهد بود که پیش می‌آید.

اجرای قانون حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان، کمکی به پیشرفت و توسعه‌ی شرکتهای دانش‌بنیان از جمله‌ی مطالبی که گفته شد و درست هم هست، همین مسئله‌ی اجرای قانون حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان است که دو سه سالی است تصویب شده. دولت لایحه‌ای داد، مجلس هم تصویب کرد. البته آئین‌نامه‌ی اجرائی آن هنوز تصویب نشده، ابلاغ نشده؛ این کار باید سریع انجام بگیرد. ان شاءالله مسئولین دولتی که اینجا تشریف دارند، این را دنبال کنند. برای این کار مبلغی هم در نظر گرفتند، ایجاد صندوقی هم تصویب و آماده شد. اگر ان شاءالله آن قانون به کار بیفتد، قطعاً به پیشرفت و توسعه‌ی شرکتهای دانش‌بنیان کمک خواهد کرد.

#### در کمکهای مالی و پشتیبانی‌ها، شرکتهای دولتی سهم بیشتر را نبرند

نکته‌ی دیگری که مورد اشاره قرار گرفت - که البته در ذهن من هم بود و در گزارشهایی که به ما داده‌اند، مورد توجه بود - این بود که در کمکهای مالی و پشتیبانی‌ها، شرکتهای دولتی سهم بیشتر را نبرند که بخش خصوصی و شرکتهای غیردولتی پشت در بمانند. اینجا هم من دیدم بعضی از دوستان همین تذکر را دادند؛ در گزارشهای ما هم همین نکته مورد توجه قرار گرفته. کاری کنیم که بخش خصوصی در زمینه‌ی شرکتهای دانش‌بنیان بتواند به معنای واقعی کلمه روی پای خودش بایستد و رشد کند. اگر چنانچه در این زمینه بخش خصوصی رشد پیدا کرد، به نظر ما منافعش برای کشور بسیار زیاد خواهد بود. دولت نقش حمایت‌کننده‌ی خودش و هدایت‌کننده‌ی خودش و کمک‌کننده‌ی خودش را خواهد داشت؛ لیکن در عرصه، محور حرکت، بخش خصوصی خواهد بود. این هم یکی از نکاتی است که مورد توجه است.

#### عمومیت یافتن بانک اطلاعات

یکی از چیزهای مهمی که وجود دارد، بانک اطلاعات است. یکی از فواید این جلسه همین است که کسانی می‌آیند اطلاعاتی را در اختیار جمعی از نخبگان و زبندگان و مسئولان میگذارند؛ این کار بایستی عمومیت پیدا کند. باید بانک اطلاعات وجود داشته باشد؛ ما داشته‌های خودمان را بدانیم، نداشته‌ها را هم بدانیم؛ چیزهایی که مورد نیاز ماست. بخصوص بعضی از بخشهای دولتی که اینجا از آنها اسم آوردند - مثل نفت، مثل دفاع، مثل کشاورزی - اینها نیازهای بسیار زیادی دارند؛ که اگر چنانچه این نیازها برای تشکیل دهندگان شرکتهای دانش‌بنیان معلوم بشود، کسانی که از

لحاظ سرمایه‌گذاری علمی و سرمایه‌گذاری پولی آماده هستند، میتوانند سراغ این نیازها بیایند و این نیازها را برطرف کنند. پس تشکیل بانک اطلاعات و در معرض گذاشتن اطلاعات لازم برای همه، چیز بسیار لازمی است.

### فعال شدن شرکتهای دانش‌بنیان در عرصه‌های مختلف کشور

یک نکته‌ی دیگر هم این است که شرکتهای دانش‌بنیان در عرصه‌های مختلف کشور میتوانند فعال شوند؛ چند عرصه‌ی محدود را برای این کار نگذارند؛ در همه‌ی مواردی که نیاز وجود دارد، این استعدادها به کار بیفتند و ان شاء الله این شرکتهای دانش‌بنیان نقش ایفاء کنند. آنچه که من به طور خلاصه در پایان مطالبم می‌خواهم عرض کنم، این است که هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانائی‌های مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت میکند. ما افق‌های بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده میکنیم. خوب، بدبختی است که حرکت به سمت این افق‌ها، معارضه‌ها و معارضه‌هایی هم دارد. بعضی از این معارضه‌ها انگیزه‌های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه‌های سیاسی دارد؛ بعضی منطقه‌ای است، بعضی بین‌المللی است. این معارضه‌ها در مواردی هم منتهی میشود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده میکنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی - اینها هست - لیکن در لابه‌لای این مشکلات، در وسط این خارها، گام‌های استوار و هم‌تھا و تصمیم‌هایی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه‌ی مورد نظر برساند؛ وضع کشور الان اینجوری است.

### مشکلات، کوچکتز از تصمیم و اراده و هدفها و آرمانهای این ملت و این کشور

به هیچ وجه ما در بن بست نیستیم؛ به هیچ وجه با مشکلاتی که ما را از تصمیم به ادامه‌ی راه باز ندارد، مواجه نیستیم؛ چنین مشکلاتی وجود ندارد. بله، مشکلات هست؛ اما همه‌ی این مشکلات، کوچکتز از تصمیم و اراده و هدفها و آرمانهای این ملت و این کشور است. در بستر نرم و راحتی نمی‌خواهیم بخوابیم و تکیه بزنییم و استراحت کنیم؛ نه، وسط میدانیم؛ اما این میدان، یک میدان دشوار و در عین حال شوق‌آفرین است؛ مثل میدان ورزش و مسابقات ورزشی. در میدانهای مسابقات ورزشی خستگی هست، دلهره هم هست، اما شوق‌آفرین است. هیچ ورزشکاری از حضور در میدان مسابقه‌ی ورزشی امتناع نمیکند؛ بلکه با شوق می‌رود آنجا. این کار زحمت هم دارد - فشار جسمی، فشار عصبی - در عین حال ورزشکاران می‌روند. وضعیت ما اینجوری است.

عرضه، عرصه‌ی حرکت عمومی و ماندگار تاریخی ملت است. از لحاظ تاریخی، حرکت امروز ما یک حرکت ماندگار است. یعنی سرنوشت ایران را امروز ملت ما شاید برای قرن‌ها دارند رقم میزنند و معین میکنند. همیشه چنین موقعیتی پیش نمی‌آید؛ در همه‌ی مقاطع تاریخی، این وضعیت پیش نمی‌آید؛ در زمان ما خوشبختانه پیش آمده. این انقلاب، کشور را و ملت را در معرض یک حرکت مؤثر ماندگار طولانی و تاریخی قرار داده.

#### 🔗 اقتصاد مقاومتی؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی و خبثت دشمن

خب، ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخش‌های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خبثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخش‌های مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکتهای دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.



## ارکان اقتصاد مقاومتی

در حال پیشرفت بودن کشور

تدابیر و راهکارهای جدید برای مقابله با اقدامهای

جدید دشمنان

لزوم تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قوهی مجریه

لزوم استفاده از همه توان و ظرفیت

بیشتر بودن نقاط قوت از نقاط ضعف

بالا بودن جایگاه کشور در عرصه‌ی سیاست

خارجی و مسائل بین‌المللی

ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی و افتخار

به انقلابیگری

اسلام‌خواهی جمهوری اسلامی، اولین عامل

دشمنی دشمنان

زنده شدن شعارهای انقلاب، دومین عامل

دشمنی دشمنان

حوادث منطقه، یکی از عوامل دشمنی دشمنان

و...



**در حال پیشرفت بودن کشور**

خوشبختانه کشور در حال پیشرفت است - با قطع نظر از آمارهایی که خود ما میدهیم - رصدکنندگان جهانی هم همین را میگویند؛ آنها هم تصدیق میکنند که کشور از جهات مختلف در حال پیشرفت است. البته بعضی ها توهمات می‌کنند، که توهمات درستی نیست؛ ناشی از ارزیابی درستی نیست.

**تدابیر و راهکارهای جدید برای مقابله با اقدامهای جدید دشمنان**

خب، دشمنان ما اقدامهای جدیدی هم دارند میکنند، که این اقدامها تدابیر و راهکارهای جدیدی می‌طلبد؛ این را همیشه باید توجه داشت. حالا بعضی از دوستان اشاره کردند که دشمنان یک تصمیمی را میگیرند، ما در مواجهه‌ی با آن تصمیم مشغول فعالیت میشویم و اقدامی را انجام میدهیم؛ خیلی خوب، این کار بسیار خوب است؛ منتها بهترش این است که قبل از اینکه آن تصمیم را طرف مقابل بگیرد، شما حدس بزنید آنچه را که او انجام خواهد داد. فرض بفرمائید که مشکل جابه‌جایی منابع مالی و ناشی از فروش نفت را شما از قبل هم حدس میزدید و میگفتید؛ یا مشکلی را که در خرید و فروش نفت و انتقال نفت و بیمه و از این چیزها به وجود آوردند، قبلاً همه را حدس میزدیم. راهها را از پیش آماده کنید. الان هم همین جور است. یعنی تصور نشود که دشمن از ادامه‌ی دشمنی‌های خودش دست برداشته؛ نه، آنها دنبال راه کارند. چون کارهایی که انجام

دادند، به نتیجه نرسیده، حتماً دنبال راهکارهای دیگری خواهند بود - که البته آنها هم به نتیجه نخواهد رسید - شما آن راهکارها را حدس بزنید و از پیش، خودتان را آماده کنید.

### 🌱 لزوم تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قوهی مجریه

یک حرفی اینجا گفته شد، قبلاً هم با من مطرح شده، که تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قوهی مجریه لازم است. البته من این را کاملاً قبول دارم؛ یعنی بلاشک در تصمیم‌گیری‌های کلان، در مسائل اساسی - که فعلاً اساسی‌تر از همه، مسائل اقتصادی است؛ و بخصوص آنچه که مربوط به معیشت مردم است و فشارهایی که دشمن می‌خواهد بر مردم وارد کند - باید تمرکز در تصمیم‌گیری باشد؛ منتها توجه کنید که این تمرکز در تصمیم‌گیری، معنایش تمرکز تصمیم‌گیری در دولت است؛ یعنی همه‌ی افرادی که در بخشهای مختلف دولت با آقای رئیس‌جمهور همکاری میکنند، باید مسئولیت مشترک احساس کنند - یعنی هماهنگی کنند - در دولت، همه با هم تصمیم بگیرند. در این زمینه، مسئله‌ی مسئولیت مشترک را واقعاً باید در دولت جدی گرفت. هر کاری که یک وزار تخانه‌ای انجام میدهد، همه‌ی وزرا و مسئولینی که دور میز هیئت دولت می‌نشینند، باید احساس کنند که در این تصمیم‌گیری یا در این اقدام، سهمیم و شریکند. اگر این شد، آن وقت کارها با هماهنگی پیش میرود؛ نه اختلاف در عملکرد، نه اختلاف در فهم مسائل، نه اختلاف در آمارها، پیش نمی‌آید.

### 🌱 لزوم استفاده از همه توان و ظرفیت

همه‌ی توان هم باید به میدان و به صحنه بیاید. کشور ظرفیتهای خوبی دارد، توانهای خوبی دارد؛ هم در درون دولت ظرفیتهای بالائی هست، هم در بیرون دولت. من می‌بینم گاهی اوقات بعضی از مسئولین بخشها، از افرادی که خارج از تشکیلات دولتنند، کمک فکری میگیرند؛ این کار خوبی است؛ این را توسعه بدهید، از این ظرفیت استفاده کنید. افرادی هستند که دلسوزانه و با علاقه و شوق حاضرند در کنار دولت باشند و با دولت همکاری کنند؛ از نیروهای اینها استفاده شود؛ اینها جزو ظرفیتهای کشورند. در درون دولت هم خوشبختانه ظرفیتهای زیاد است.

### 🌱 بیشتر بودن نقاط قوت از نقاط ضعف

خب، نقاط قوتی وجود دارد؛ ضعفهایی هم وجود دارد. در جمع‌بندی نقاط قوت و نقاط ضعف، وقتی ما نگاه میکنیم، ترجیح را به نقاط قوت میدهیم؛ لیکن این معنایش این نیست که ما ضعفها را نباید برطرف کنیم. خب، در طول این چند سال در کشور کارهای وسیع عمرانی انجام گرفته؛ بخصوص در مناطق دور دست، در بخشهای مختلف؛ اینها واقعاً کارهای مهمی است؛ این یک رویکرد

بسیار مهمی در حرکت دولت است. از این قضیه بگیرد، تا پیشرفتهای چشمگیری که در زمینه علم و فناوری به وجود آمده. این پیشرفتهائی که در این چند سال در زمینه علم و فناوری صورت گرفته، خیلی قابل توجه است.

### 📌 بالا بودن جایگاه کشور در عرصه سیاست خارجی و مسائل بین المللی

در زمینه ارتقاء جایگاه کشور در عرصه سیاست خارجی و مسائل بین المللی هم همین جور است. امروز در عرصه سیاست خارجی، ثقل و وزنه کشور با چند سال قبل تفاوت دارد؛ مادر مسائل، تأثیر گذاریم؛ اینها مهم است. در حوادثی هم که پیش آمده، ما تأثیر گذار بوده ایم - که آن، داستان جداگانه ای دارد - به نظر ما آن هم خیلی مهم است.

### 📌 ساده زیستی مسئولان، استکبارستیزی و افتخار به انقلابیگری

یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله ی بر جسته شدن ارزشهای انقلاب است. در این سالهایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزشهای انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه میکردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً بر جسته شده: مسئله ی ساده زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابیگری. یک دوره ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابیگری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله مینوشتند، حرف میزدند، گفته میشد. امروز خوشبختانه اینجور نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهتگیری انقلابی، ارزشهای انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همینهاست؛ یعنی مردم به این ارزشها اهمیت میدهند. مسئله ی دعوت به عدالت، مسئله ی ساده زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.

تلاش دولت در جهت ارتباط با مردم، تلاش فوق العاده ی کاری که خوشبختانه در دولت مشاهده میشود؛ اینها چیزهای خوبی است. البته توجه کنید که این تلاش فراوانی که دارید انجام میدهید، با کیفیت خوب و با عمل کردن به آنچه که میگوئید، همراه باشد؛ روی این تکیه کنید. البته طبیعی است که شما میخواهید آنچه را که میگوئید، بتوانید عمل کنید - در این شکی نیست - اما روی این اهتمام داشته باشید که هر آنچه به عنوان یک وعده از شما صادر میشود، مردم در موعد معین ببینند که آن وعده تحقق پیدا کرد. اگر از صد تا کاری که شما میگوئید، نودتایش را انجام بدهید، ده تایش انجام نگیرد، همین در ذهن مردم یک اختلالی ایجاد خواهد کرد. آنچه را که آدم احتمال میدهد انجام نشود، به صورت احتمال بگوید، به صورت قطع و یقین نگوید. به نظر من این

چیز بسیار مهمی است.

### 🕌 اسلام خواهی جمهوری اسلامی، اولین عامل دشمنی دشمنان

خب، هر بیننده‌ای احساس میکند و می‌بیند که تلاش دشمنان در مقابله‌ی با جمهوری اسلامی در این سالهای اخیر، بخصوص در همین شش هفت سال گذشته و بخصوص در این دو سه سال اخیر، بیشتر شده. به نظر من دو سه عامل تأثیر دارد که ما اگر بدانیم انگیزه‌های دشمن از کجاشی میشود، تکلیف خود را در برنامه‌ریزی‌ها مان بهتر می‌فهمیم. به نظر من یکی از علل این دشمنی‌ها، همین پیشرفتهای شماست؛ یعنی میخواهند این پیشرفتهای شما را با داعیه‌ی اسلام خواهی، با داعیه‌ی مردم‌سالاری اسلامی، با داعیه‌ی رد و نفی مستدل لیبرال دموکراسی، برای تشکیلات استکباری دنیا یک خطری است. هر چه شما بیشتر پیشرفت کنید، این خطر برای آنها بیشتر خواهد شد. میخواهند جلوی این را بگیرند.

### 🕌 زنده شدن شعارهای انقلاب، دومین عامل دشمنی دشمنان

عامل دوم این دشمنی‌ها، زنده شدن شعارهای انقلاب است. وقتی شعارهای انقلاب کمرنگ شود، پنهان شود، آنها طبعاً بیشتر خوششان می‌آید و چهره‌ی همراه‌تری می‌گیرند؛ هر چه شما شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر کنید، آنها چهره‌شان عبوس‌تر و خصمانه‌تر میشود؛ این چیز طبیعی است.

### 🕌 حوادث منطقه، یکی از عوامل دشمنی دشمنان

عامل دیگر، همین حوادث منطقه است؛ این بیداری اسلامی و آنچه که در منطقه‌ی ما رخ داد، که حادثه‌ی فوق‌العاده مهمی است. به نظر من هنوز ابعاد عظیم این حادثه‌ای که در شمال آفریقا و منطقه‌ی اسلامی ما اتفاق افتاده، برای خیلی‌ها درست شناخته شده نیست؛ خیلی چیز عظیمی اتفاق افتاده. پشت این مسئله، دست قدرت الهی است.

خب، اگر چنانچه در این شرایط، یک ایران بی‌دردسر بی‌دغدغه اینجا وجود داشته باشد، با همین شعارهایی که دارد، با همین کارهایی که دارد میکند، با همین پیشرفتی که محسوس است، از آن کشورها بیابند ببینند کارخانه‌ها را، دانشگاه‌ها را، مراکز تحقیقاتی را، وضع زندگی مردم را، بازارهای پر از اجناس را، دولت بی‌دردسر را، بدیهی و طبیعی است که آنها می‌گویند الگوی خوب همین است. میخواهند این نشود. میخواهند این الگو شدن جمهوری اسلامی نباشد. یعنی برای جمهوری اسلامی دردسرهایی به وجود بیاورند، تا آن کشورهایی که تحولی در آنها رخ داده و وارد مرحله‌ی جدیدی شده‌اند، برای ادامه‌ی راه، این را الگو قرار ندهند.

حالا البته بعضی‌ها در روزنامه، در سایت، در تریبونهای گوناگون مطالبی منتشر میکنند؛ اینکه

چرا ما در دنیا دشمن تراشی کردیم که اینقدر با ما دشمنی کنند! به نظر من اینها حرفبافی است. آنچه که گفته میشود، متکی به یک تحلیل درست نیست. نه، دشمنی‌ها خیلی طبیعی است. وقتی که امام بزرگوار بود، دشمنی‌ها زیاد بود؛ برای خاطر مواضع قاطع امام. هر چه مواضع ما ضعیف‌تر شود و عقب‌نشینی کنیم، آنها طبعاً چهره‌شان بظاهر متبسم‌تر میشود. البته جلو می‌آیند. یعنی چهره را متبسم میکنند، برای اینکه بتوانند جلو بیایند، مناطق را تصرف کنند و ما را از پیشرفت هدفهامان باز بدارند. هر چه ما در حرکت خودمان جدی‌تر و مصمم‌تر باشیم، آنها ناراحت میشوند و چهره‌شان عبوس میشود. البته تا حالا در این سی و سه سال آنها نتوانستند ما را متوقف کنند، بعد از این هم ان شاء الله نخواهند توانست. بنابراین خوشبختانه وضعیت کشور اینجوری است. البته گرفتاری‌هایی هست، ضعف‌هایی هست، مشکلاتی هست، که باید به آنها هم توجه کنیم؛ لیکن مجموعاً وقتی انسان نگاه میکند، حرکت کشور، حرکت رو به پیشرفتی است.

#### مشکل معیشت قشرهای متوسط و ضعیف جامعه

به نظر من عمده‌ی مشکلات، آن چیزی است که مربوط به معیشت قشرهای متوسط و ضعیف جامعه است. این ناشی از چیست؟ من اینجا نمیخواهم تحلیل کنم. قطعاً یک ضعف‌هایی وجود دارد؛ آن ضعفها را انسان با خود مدیران در میان میگذارد. هیچ لزومی ندارد که کسانی که دستی به میکروفن و به منبر و به اینها دارند، بنا کنند ضعفها را شمارش کردن؛ چون بیان ضعفها در فضای عمومی، مشکلی را حل نمیکند. اگر ضعفی وجود دارد، باید به خود آن کسی که دارای ضعف است، این را گفت؛ اما آثار و نتایج آن ضعفها خوب چرا، مشهود است؛ آنها را انسان میتواند مطرح کند.

#### لزوم برطرف ساختن مشکلات اقتصادی قشرهای ضعیف

آنچه که به نظر من مهم است، این است که برای قشرهای ضعیف، مشکلات اقتصادی‌ای وجود دارد؛ این را باید برطرف کنید. حالا بخشی از این مشکلات، ناشی از تورم است. مادر کشور کمبود کالا نداریم؛ خوشبختانه کالاهای گوناگون مورد نیاز مردم در کشور فراوان یافت میشود؛ لیکن مسئله‌ی گرانی و کاهش قدرت خرید وجود دارد؛ این را باید علاج کنید؛ این به عهده‌ی بخشهای مختلف اقتصادی است؛ یعنی هم بخشهای ستادی اقتصادی، هم بخشهای عملیاتی اقتصادی - مثل وزارت صنعت و معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی، بخشهای دیگر - که باید به طور جد ان شاء الله این را دنبال کنند.

#### نقدینگی مهم‌ترین عامل مسئله‌ی گرانی و کاهش قدرت خرید

آن کسانی که از لحاظ اقتصادی صاحب‌نظرند، چه در درون دولت، چه در بیرون دولت، به بنده

میگویند که این مسئله مربوط به افزایش نقدینگی است؛ یعنی افزایش نقدینگی را مهمترین عامل میدانند. این را ما فقط از کسانی که بیرون دولتند، نمیشنویم، بلکه کسانی هم که در درون دولتند، وقتی از آنها سؤال میکنیم، همین را به ما میگویند و گزارش میدهند. باید راهی پیدا کنید که نقدینگی افزایش یافته کنترل شود. خوب، این روشن است؛ اگر در مقابل نقدینگی تولید وجود داشته باشد، کالا وجود داشته باشد، کمبود وجود نداشته باشد، مشکلی را ایجاد نمیکند؛ اگر چنانچه نه، نقدینگی بیش از تولید کالا در داخل یا به شکل در دست واردات بود، طبعاً مشکل ایجاد میکند.

### عوامل نقدینگی

خوب، عوامل نقدینگی هم زیاد است. همین یارانه‌های نقدی که داده میشود - که برای قشرهای کار مفیدی هم بوده - خودش افزایش نقدینگی ایجاد میکند. همین کارهای عمرانی‌ای که شما میکنید - که اینها دیربازده است - اینها بلاشک افزایش نقدینگی ایجاد میکنند. همین مسئله‌ی مسکن مهر که صحبت شد، یا همین طرحهای نیمه‌تمام را که افزایش میدهند، این کاری که در دولت دارند میکنند - که کار خوبی هم هست و لازم هم هست - خود اینها ایجاد افزایش نقدینگی میکنند. برای این مسئله باید راهکار پیدا کنید. شما افراد صاحب علمی هستید، صاحب تجربه هستید، دستتان در کار است؛ برای اینها راه پیدا کنید. این نقدینگی افزایش یافته را هدایت کنید به سمت مراکزی که کمک کند به گشایش کار مردم؛ مثل تولید.

### استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی، یکی از شرایط اقتصاد مقاومتی

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخشهایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاستهای اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جووری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشه و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و

مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران میدهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

### مبارزه با مفاسد اقتصادی، افزایش دهنده مشارکت و سرمایه‌گذاری مردم

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفاسد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم، که تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا میشوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیابند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است.

### حمایت از تولید ملی، یک رکن اقتصاد مقاومتی

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. خوب، آمارهایی که آقایان میدهند، آمارهای خوبی است؛ لیکن از آن طرف هم از داخل دولت، خود مسئولین به ما میگویند که بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد - گزارش‌های گوناگونی به ما میرسد، خود شما هم گزارش میدید؛ یعنی من گزارش‌های دیگر هم دارم، اما اتکاء من به گزارش‌های دیگران نیست؛ گزارش‌های خود شما هم هست که به دست ما میرسد - خوب، باید این را علاج کرد. اینها طبعاً ایجاد اشکال میکنند. اگر چنانچه همین بخش دوم قضیه - یعنی آن نیمه‌ی خالی لیوان - نمیبود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادی، وضع بهتری را در کشور ارائه میکردید و کمک‌های بیشتری به مردم میشد. بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.

### تأثیرات مستقیم واحدهای کوچک و متوسط در زندگی مردم

واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند



و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده‌ی واحدهای بزرگ ما وضعیتشان اینجور است - لذا همان طور که گفتید، محصول سیمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده‌ی اینجوری‌مان خوب است - لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد.

### مدیریت درست منابع ارزی

مسئله‌ی منابع ارزی هم مسئله‌ی مهمی است؛ که خوب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.

### فرهنگ‌سازی برای مبارزه با اسراف

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خوب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی‌مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارشهای شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت در صدد صرفه‌جوئی است و میخواهد صرفه‌جوئی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسایل گوناگون، یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جوئی کنید. صرفه‌جوئی، چیز بسیار لازم و مهمی است.

### اهمیت دادن به مصرف تولیدات داخلی

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه‌ی شما، اگر کار جدیدی انجام میگیرد، اگر چیز جدیدی خریده میشود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه






است، تهیه میشود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی میشود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها میتواند کمک کند.

### 🏢 اقتصاد دانش بنیان، یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی

یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است. بعضی از کسانی که در باب شرکتهای دانش بنیان فعال بودند، ماه رمضان اینجا آمدند و صحبت‌هایی کردند. خوب، خوشبختانه انسان می‌بیند کارهای خوبی انجام داده‌اند. این بخش شرکتهای دانش بنیان و فعالیتهای اقتصادی دانش بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است. البته آنها گلایه‌هایی هم داشتند. به نظر من دوستان مسئول در دولت که کارشان به این بخش ارتباط پیدا میکند - چه وزارت صنعت و معدن و تجارت، چه وزات علوم - به این مسئله‌ی شرکتهای دانش بنیان بپردازند و گلایه‌هاشان را بشنوند و آنها را برطرف کنند. زمینه‌ی بسیار خوبی است. ما استعداد‌های برجسته‌ای داریم که میتوانند در این مورد کمک کنند.



# سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی



سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و  
سرمایه ایرانی

## سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی \*

بسم الله الرحمن الرحيم

## سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- ۱- بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری عوامل تولید با:
  - اصلاح و بازسازی ساختار تولید ملی
  - کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت تولید
  - اتخاذ انواع تدابیر تشویقی و تنبیهی
  - بهینه‌سازی تعامل عوامل تولید
- ۲- هدایت و تقویت تحقیق و توسعه و نوآوری‌ها و زیربنای آنها و بهره‌گیری از آنها، با هدف:
  - ارتقاء کیفی و افزایش کمی تولید ملی
  - بالا بردن درجه ساخت داخل تا محصول نهایی
  - حمایت از تجاری‌سازی فناوری محصول و بهره‌گیری از جذب و انتقال دانش فنی و فناوری‌های روز و ایجاد نظام ملی نوآوری
- ۳- گسترش اقتصاد دانش بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه‌های اصلی آن، از جمله: زیرساخت‌های ارتباطی، زمینه‌های تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهش به فناوری و گسترش کاربرد آن، حمایت قانونی از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی و مرتبط کردن بخش‌های علمی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی کشور.

- ۴- حمایت از تولید محصولات با ماهیت راهبردی مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولید کشور.
- ۵- تکمیل زنجیره تولید از مواد خام تا محصولات نهایی با رعایت اصل رقابت پذیری و فاصله گرفتن از خام فروشی در بازه زمانی معین.
- ۶- حمایت از تولید محصولاتی که عرضه رقابتی آنها با خالص ارزآوری مثبت یا خالص ارزی منفی همراه باشد.
- ۷- مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینی، و ثبات ارزش پول ملی.
- ۸- بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی و اصلاح زمینه های فرهنگی، قانونی، اجرایی و اداری.
- ۹- افزایش سهم بخشهای تعاونی و خصوصی در تولید ملی از طریق:
- تقویت انگیزه و عزم ملی و تأکید و تسریع در اجرای کامل سیاست های کلی اصل ۴۴، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت
  - رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش های خصوصی و تعاونی
  - ساماندهی و حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط در جهت کارآمدسازی آنها
  - ۱۰- تنظیم نقش نهادهای عمومی غیر دولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
  - ۱۱- شفاف سازی و به هنگام سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن و اطلاع رسانی در مورد ابعاد و فرصت های سرمایه گذاران و سرمایه گذاری در رشته های مختلف و مقابله جدی با استفاده از هر گونه دسترسی اطلاعاتی ویژه.
  - ۱۲- توانمند سازی و ارتقاء بهره وری نیروی کار با افزایش انگیزه، مهارت و خلاقیت و ایجاد تناسب بین مراکز آموزشی و پژوهشی با نیازهای بازار کار.
  - ۱۳- بستر سازی و ساماندهی اشتغال و حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی، منطقه ای و جهانی.
  - ۱۴- ارتقاء سرمایه های انسانی، طبیعی، اجتماعی و فیزیکی با تأکید بر توسعه نهادهای مردمی برای رشد تولید ملی.
  - ۱۵- توسعه فرهنگ حمایت از سرمایه، کار، کالاها و خدمات ایرانی و استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در تصمیمات اقتصادی.
  - ۱۶- جلوگیری از اتلاف و راکد ماندن سرمایه های فیزیکی و انسانی ایرانی با تأکید بر ایجاد و توسعه خدمات فنی و مشاوره ای فرا بنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی این سرمایه ها در بخش های مختلف اقتصادی.
  - ۱۷- گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن و اعمال سیاست های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاران داخلی و بین المللی بویژه منطقه ای در بازار سرمایه.

- ۱۸- حمایت از محققان و سرمایه‌گذاران و تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه با تأسیس صندوق‌های شراکت یا ضمانت برای سرمایه‌گذاری در این حوزه.
- ۱۹- کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در جهت بهینه‌سازی و هم‌افزایی ظرفیت‌های تولیدی و ارتقاء کیفی کار و سرمایه ایرانی.
- ۲۰- تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات (از جمله اصلاح قانون پولی و بانکی، تأمین اجتماعی و مالیات‌ها) برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی و رفع موانع سرمایه‌گذاری در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
- ۲۱- کارآمد کردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کار شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیر ضرور و ناکارآمد.
- ۲۲- گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز بویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.
- ۲۳- جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت تا مصرف.

## کشور باید سیاست اقتصادی کلان روشن و مدوّن و برنامه‌ریزی شده داشته باشد

- ❖ علت دشمنی با جمهوری اسلامی
- ❖ باید نگاهمان به عملکرد و برنامه‌ی گذشته و آینده‌ی خودمان واقع بینانه باشد
- ❖ در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت در کنار هم
- ❖ مانع تراشی برای پیشرفت ملت ایران، یکی از کارهای عمده دشمنان
- ❖ دولت انگلیس نقش مکمل آمریکا برای دشمنی با ملت ایران
- ❖ ناهوشمندی دولت‌مردان فرانسه در دشمنی با دشمن
- ❖ جامعه‌ی جهانی به هیچ وجه در صدد دشمنی با ایران اسلامی نیست
- ❖ دوستی آمریکا، پنجه‌ی چدنی زیر دستکش مخملی است
- ❖ وابستگی به نفت، اشکال اقتصاد ما
- ❖ اجلاس غیرمتعهدها در تهران، نقطه مقابل خواست دشمنان ملت ایران
- ❖ و...

## کشور باید سیاست اقتصادی کلان روشن و مدون و برنامه ریزی شده داشته باشد\*

### علت دشمنی با جمهوری اسلامی

برادران و خواهران عزیز توجه کنند که ما ملت ایران، فقط خودمان نیستیم که به مسائل خودمان نگاه میکنیم و آن را تقویم و ارزیابی میکنیم؛ کسان دیگری هم هستند که کار ما را مورد مطالعه قرار میدهند؛ درباره‌ی مسائل ما، کارهای ما، اقدامات ما قضاوت میکنند و نظر میدهند. ملت‌هایی هستند که از تجربه‌های ما استفاده میکنند، بعضی دیگری هستند که به مطالعه‌ی اوضاع ملت ایران اشتغال دارند؛ از پیشرفتهای ما خرسند میشوند، از موفقیت‌های ما خوشحال میشوند؛ ما اگر پیروزی به دست بیاوریم، آنها احساس پیروزی میکنند؛ اگر تلخی و تلخکامی در کار ما باشد، آنها تلخکام میشوند. کسان دیگری هم در دنیا هستند که کار ما را زیر ذره‌بین دارند، کار ما را مطالعه میکنند؛ آنها بعکس، از لغزشهای ما خوشحال میشوند، از موفقیت‌های ما احساس دلتنگی میکنند، بدخواه ملت ایرانند؛ اینها هم کار ما را زیر نظر دارند. اینها عمدتاً کسانی هستند که در طول سال‌های متمادی همه چیز این کشور در اختیار آنها بوده است، بر همه‌ی امور کشور ما مسلط بودند؛ انقلاب آمده است دست اینها را کوتاه کرده؛ لذا با انقلاب بدند، با مردم انقلابی بدند، با حکومت انقلابی بدند، با نظام انقلابی دشمنند. بنابراین ما زیر نظر جامعه‌ی بزرگی از آحاد بشر هستیم؛ کار ما را نگاه میکنند، عمل ما را میسنجند.

### باید نگاهمان به عملکرد و برنامه‌ی گذشته و آینده‌ی خودمان واقع بینانه باشد

بنابراین ما که به عملکرد خودمان و برنامه‌ی گذشته و آینده‌ی خودمان نگاه میکنیم، نگاهمان باید

واقع‌بینانه باشد؛ ارزیابی ما ارزیابی درستی باشد. بعضی از مردم خود ما وقتی به اوضاع کشور نگاه میکنند، فقط ضعفها را می‌بینند؛ گرانی را می‌بینند، افت تولید در برخی از واحدهای تولیدی کشور را می‌بینند، فشارهای دشمنان را می‌بینند. این نگاه، نگاه ناقصی است. بنده نگاه متفاوتی دارم. من وقتی به اوضاع کشور و اوضاع ملتمان نگاه میکنم، یک میدان عظیم پرچالشی را مشاهده میکنم که ملت ایران در این میدان، به رغم دشمنان، سربلند و پیروز ظاهر شده است.

### در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت در کنار هم

ضعفها هست، مشکلات هست؛ در مجموعه‌ی حوادث و رویدادهای کشور، تلخی‌ها و تلخکامی‌هایی وجود دارد؛ ولی کسانی از قدرتمندان مادی عالم، با همه‌ی وجود تلاش کردند که ملت ایران را فلج کنند؛ این را به زبان آوردند. آن خانم بی‌کفایتی که مسئولیت سیاست خارجی کشور آمریکا را بر عهده داشت، سینه‌اش را سپر کرد و گفت می‌خواهیم تحریم‌هایی در مورد جمهوری اسلامی اعمال کنیم که ایران فلج شود! این را صریحاً به زبان آوردند. و حالا عرض خواهم کرد که فعالیتها و اقدامهای آنها چه بود و چه شد و به کجا انجامید. بنابراین از یک طرف، تلاش دشمن است در این عرصه‌ی عظیم و میدان بزرگی که ملت ایران در آن به چالش و مقابله با دشمن سرگرم است؛ از طرف دیگر، وجود دستاوردهای بزرگی است که نشان‌دهنده‌ی ظرفیت و قدرت و هوشمندی این ملت بزرگ است. وقتی انسان این صحنه را ملاحظه میکند، مثل صحنه‌ی هم‌اوردی ورزشکاران قدرتمندی است که زحمت و تلاش و کوشش و خستگی در آن هست، اما یک قهرمان، در این میدان موفق میشود، پیروز میشود؛ همه او را تحسین میکنند و آفرین میگویند. این قهرمان در این صحنه‌ی عظیمی که در مقابل چشم ما است، ملت ایران است. هر کس این صحنه را درست ببیند و درست مطالعه کند، به ملت ایران آفرین میگوید؛ همچنان که ما امروز صدای آفرین هوشمندان نکته‌بین دنیا را میشنویم که از میان همان کشورهایائی که دشمن و بدخواه ملت ایرانند، نخبگان سیاسی، نخبگان دانشگاهی، افراد دنیادیده و مجرب که اوضاع را زیر نظر دارند، به ملت ایران آفرین میگویند. این عرصه‌ای است که در مقابل چشم ما است. بنابراین نگاه کردن و فقط به ضعفها چشم دوختن، غلط است. باید دید مجموعه‌ی این تلاشها در سطح کشور چگونه انجام میگیرد و به چه سرانجامی منتهی میشود. با این دید وقتی به صحنه نگاه کنیم، باید به ایران و ایرانی مسلمان آفرین بگوئیم.

### مانع‌تراشی برای پیشرفت ملت ایران، یکی از کارهای عمده دشمنان

گفتیم بعضی‌ها از پیشرفت ملت ایران غمگین و ناراحت میشوند. اینها چه کسانی هستند؟ این را بعد عرض خواهم کرد. دشمنانی که مایل نیستند پیشرفت و ترقی و رشد همه‌جانبه‌ی ملت ایران



را ببینند، دو کار عمده در برنامه‌ی آنها وجود دارد: یکی این که تا آنجائی که بتوانند، مانع تراشی کنند که ملت نتواند به این پیشرفتها و رشد دست پیدا کند؛ با تحریم، با تهدید، با مشغول کردن مدیران به کارهای درجه‌ی دو و فرعی، به منعطف کردن حواس ملت بزرگ ایران و نخبگان کشور به کارهایی که در فهرست کارهای اصلی آنها قرار ندارد؛ یعنی مانع شدن عملی.

کار دوم این است که در تبلیغات خودشان پیشرفتها را انکار کنند. امروز یک شبکه‌ی تبلیغاتی بسیار عظیم با هزاران رسانه از انواع گوناگون رسانه‌ها در دنیا مشغول به کار است، برای اینکه اثبات کند که در ملت ایران، در کشور ایران پیشرفتی صورت نمی‌گیرد؛ پیروزی‌های ملت را انکار کنند؛ اگر ضعفهایی وجود دارد، این ضعفها را بزرگ و عمده کنند و در مقابل چشم همه قرار دهند؛ اما قوتها و نقاط جوشش را — که در سراسر کشور و در هر گوشه و کنار، خود را به انسانهای منصف نشان میدهند — از چشمها پنهان کنند.

رئیس جمهور آمریکا در نطق رسمی، از مشکلات اقتصادی ایران حرف میزند؛ مثل اینکه از پیروزی خود دارد صحبت میکند؛ که بله، در ایران پول ملی افت کرده است، مشکلات اقتصادی اینچنین و آنچنان است. البته او به قوتهای این ملت، به تلاشهای مثبت و سازنده‌ای که در این کشور دارد انجام می‌گیرد، به پیروزی‌های بزرگ این ملت اشاره‌ای نکرده است و هرگز نخواهد کرد. سی سال است که ما با چنین چالشی مواجه ایم — که من در ارزیابی این سی سال، بعداً یک کلمه عرض خواهم کرد — اما چالشی که ملت ایران با آن مواجه است و دشمنانی — هم در عمل و هم در تبلیغات — کوشش میکنند مانع بروز و ظهور رشد چشمگیر کشور ایران که در سایه‌ی اسلام زندگی میکنند، بشوند، امروز چند برابر است.

### 🏠 دولت انگلیس نقش مکمل آمریکا برای دشمنی با ملت ایران

سال ۹۱ که گذشت، یکی از سالهای بسیار پر کار برای دشمنان ما در این زمینه بود. آنها گفتند میخواهیم ملت ایران را با تحریمها فلج کنیم. اگر جمهوری اسلامی سر پا باشد، بانشاط باشد، رو به پیشرفت باشد، آنها در دنیا بی‌آبرو میشوند؛ لذا اگر میتوانند، باید نگذارند؛ و اگر کار از دستشان خارج شد، لاقط در تبلیغات جور دیگری این مطلب را منعکس و وانمود کنند. اینها این دو کار را امروز با شدت بیشتری انجام میدهند؛ هم ممانعت عملی — با فشار، با تهدید، با تحریم و امثال اینها — هم با تلاش تبلیغاتی برای کوچک نشان دادن نقطه‌های قوت، و بزرگ نشان دادن نقطه‌های ضعف.

عرض کردیم دشمنانی هستند. این دشمنان چه کسانی هستند؟ لانه‌ی اصلی توطئه علیه ملت ایران کجاست؟ پاسخ به این سؤال، دشوار نیست. امروز سی و چهار سال است که هرگاه نام «دشمن» برده میشود، ذهن ملت ایران متوجه دولت آمریکا میشود. خوب است دولتمردان آمریکا

به این نکته توجه کنند و این را بفهمند که ملت ایران در طول این سی و چند سال چیزهایی دیده است، مراحل را گذرانده است، که تا میگویند دشمن، ذهن ملت ایران متوجه به آمریکا میشود. این مسئله‌ی بسیار مهمی است برای یک دولتی که میخواهد در دنیا با آبرو زندگی کند؛ این مسئله، مسئله‌ی قابل توجه و قابل دقتی است؛ باید روی این مسئله تکیه کنند. مرکز توطئه اینجا است، اساس دشمنی اینجا است.

البته دشمنهای دیگری هم هستند که ما اینها را در درجه‌ی اول و در ردیف اول به حساب نمی‌آوریم: دشمن صهیونیستی هم هست، منتها رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم میکنند؛ تهدید به حمله‌ی نظامی میکنند؛ اما به نظرم خودشان هم میدانند، و اگر نمیدانند، بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی «تل آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد. دولت انگلیس خبیث هم با ملت ایران دشمنی میکند؛ این هم یکی از دشمنان سنتی و قدیمی ملت ایران است؛ منتها دولت انگلیس نقش مکمل آمریکا را در این میدان بازی میکند. خود دولت انگلیس استقلالی ندارد که انسان او را یک دشمن مستقلاً به حساب بیاورد؛ دنباله‌رو آمریکا است.

#### 🔗 ناهوشمندی دولتمردان فرانسه در دشمنی با دشمن

بعضی از دولتهای دیگر هم دشمنی‌هایی دارند. من اینجا مناسب میدانم که بگویم مسئولین دولت فرانسه هم در چند سال اخیر دشمنی‌های آشکاری با ملت ایران کرده‌اند؛ این یک ناهوشمندی از سوی دولتمردان فرانسه است. انسان عاقل، بخصوص سیاستمدار عاقل، هرگز نباید انگیزه‌ی این را داشته باشد که موجودی را که دشمن او نیست، تبدیل به دشمن کند. ما با دولت فرانسه، با کشور فرانسه مشکلی نداشتیم؛ نه در طول تاریخ مشکلی داشتیم، نه در دوران حاضر؛ اما سیاست غلط از زمان سارکوزی — که دولت امروز فرانسه هم متأسفانه همان راه را می‌رود — دشمنی با ملت ایران است. به نظر ما این کار غلطی است، کار غیرمدبرانه و غیرعاقلانه‌ای است، کار ناهوشمندانه‌ای است.

#### 🔗 جامعه‌ی جهانی به هیچ وجه در صدد دشمنی با ایران اسلامی نیست

آمریکایی‌ها وقتی حرف می‌زنند، میگویند «جامعه‌ی جهانی». اسم چندتا کشور را گذاشته‌اند «جامعه‌ی جهانی»؛ که در رأس آنها آمریکا است، دنبال سرش هم صهیونیستها و دولت انگلیس و بعضی از دولتهای خرده‌ریز دیگر است! جامعه‌ی جهانی به هیچ وجه در صدد دشمنی با ایران و ایرانی و ایران اسلامی نیست.

خب، حالا که بنا است به سال ۹۱ نگاه کنیم، این را بگوئیم که از اول سال ۹۱ آمریکایی‌ها

برنامه‌های جدید خودشان را شروع کردند؛ با اینکه در زبان اظهار دوستی کردند، گاهی با ما اظهار دوستی کردند — در نامه و پیغام و امثال اینها — گاهی در رسانه‌ها با ملت ایران اظهار دوستی کردند، اما برخلاف این اظهارات غیرواقعی، در عمل سعی کردند نسبت به ایران و ملت ایران سختگیری کنند؛ تحریم‌های شدیدی را از اوائل سال ۹۱ گذاشتند — تحریم نفت، تحریم بانک و مبادلات بانکی و پولی بین جمهوری اسلامی و کشورهای دیگر — کارهای زیادی هم در این زمینه انجام دادند.

### 🌟 دوستی آمریکا، پنجه‌ی چدنی زیر دستکش مخملی است

این هم یکی از آن لطائف عالم است که آمریکائی‌ها دشمنی میکنند، میگویند شما نفهمید که ما با شما دشمنیم؛ مخالفت و عناد میورزند، متوقعند که ملت ایران نفهمد که آنها معاندند و دشمنی میکنند! این سیاست از اواخر دوران بوش در مقابل ایران شروع شده است، امروز هم متأسفانه همان سیاست را دولت‌مردان آمریکا ادامه میدهند؛ همان پنجه‌ی چدنی زیر دستکش مخملی. من چند سال پیش اینجا در جوار بقعه‌ی علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در همین سخنرانی اول فروردین گفتم مراقب باشید اظهار محبت شما، اظهار دوستی و موافقت شما به معنای این نباشد که دستکش مخملی بر روی پنجه‌ی چدنی کشیدید و میخواهید تظاهر به دوستی کنید، اما در باطن دشمنی میکنید. آمریکائی‌ها برای متوقف کردن فروش نفت و انتقال پول ایران، مأمور ویژه فرستادند. از آمریکا افراد برجسته و خاصی را مأمور کردند که با کشورها تماس بگیرند، به کشورها مسافرت کنند؛ حتی با سران شرکتهای صحبت کنند برای اینکه ارتباطات و اتصالات اقتصادی مربوط به نفت را با جمهوری اسلامی پیگیری نکنند؛ آنها را مجازات کنند به خاطر این که با جمهوری اسلامی ارتباط مالی دارند، ارتباط پولی دارند، یا معامله در مورد نفت دارند؛ این کار را از اول سال ۹۱ و بخصوص از مرداد، با شدت تمام شروع کردند. انتظار داشتند ایران در مقابل این حرکت برنامه‌ریزی شده که با شدت دنبال هم میکردند، دست از فعالیتهای رشدیابنده‌ی علمی خود بردارد و تسلیم زورگوئی‌های آمریکا شود.

### 🌟 وابستگی به نفت، اشکال اقتصاد ما

البته من این را بگویم — این را یک بار دیگر هم چند ماه قبل از این گفتم — که آمریکائی‌ها اظهار خوشحالی کردند و گفتند که فلانی اعتراف کرد که تحریمها اثر گذاشته، بله، تحریمها بی‌اثر نبود؛ میخواهند خوشحالی کنند، بکنند. تحریمها بالاخره اثر گذاشت؛ این هم یک اشکال اساسی در خود ما است. اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته‌ی به نفت است. ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولتهای ما در برنامه‌های اساسی خودشان این را بگنجانند. من هفده هجده

سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاههای نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان «تکنوکرات» لبخند انکار زدند که مگر میشود؟! بله، میشود؛ باید دنبال کرد، باید اقدام کرد، باید برنامه ریزی کرد. وقتی برنامه‌ی اقتصادی یک کشور به یک نقطه‌ی خاص متصل و وابسته باشد، دشمنان روی آن نقطه‌ی خاص تمرکز پیدا میکنند. بله، تحریمها اثر گذاشت، منتها نه آن اثری را که دشمن میخواست؛ که من حالا این مسئله را شرح خواهم داد. این در مورد کار اقتصادی بود.

### اجلاس غیرمتعهدها در تهران، نقطه مقابل خواست دشمنان ملت ایران

- در عرصه‌ی سیاسی هم در طول سال ۹۱ سعی کردند ایران اسلامی را به تعبیر خودشان در دنیا منزوی کنند؛ یعنی دولت‌ها را در رابطه‌شان و در نگاهشان به جمهوری اسلامی دچار تزلزل کنند و نگذارند جمهوری اسلامی سیاستهای خود را در سطح منطقه، در سطح جهان و در سطح کشور خود گسترش دهد و اعمال کند. این کار با شکست کامل روبه‌رو شد. در مسائل بین‌المللی سعی اینها این بود که ما چون اجلاس غیرمتعهدها را در تهران داشتیم، کاری کنند که این اجلاس سست و سبک برگزار شود؛ همه شرکت نکنند، یا شرکت فعال نکنند. درست عکس آنچه که آنها میخواستند، اتفاق افتاد. دو ثلث ملت‌های جهان عضو جنبش غیرمتعهدها هستند. سران کشورها در تهران شرکت کردند، مسئولان بلندپایه شرکت کردند. همه ایران را تحسین کردند، همه از پیشرفتهای علمی و فناوری و اقتصادی کشور اظهار شگفتی کردند. همه در مقابل ملت ایران احساس تمجید و تحسین کردند؛ این را به ما هم گفتند، در مصاحبه‌هایشان هم گفتند؛ به کشورهایشان هم که برگشتند، این را همه تصدیق کردند. درست نقطه‌ی مقابل آنچه که دشمنان ملت ایران میخواستند، اتفاق افتاد؛ نتوانستند تأثیر بگذارند.

### دست آوردهای سال ۹۱

در زمینه‌ی سیاست داخلی، هدف آنها از این تحریمها این بود که ملت را در راه خودشان مردد کنند؛ بین ملت ایران و نظام اسلامی جدائی بیندازند؛ مردم را دلسرد کنند، ناامید کنند. در روز بیست و دوم بهمن، ملت ایران با حضور متراکم خود، با شور و شوق خود، با احساساتی که نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی ابراز کردند، مشت محکمی بر دهان آنها زدند. در عرصه‌ی امنیتی هم تلاش کردند امنیت کشور را به هم بزنند — که تفصیل آن را مسئولان در مصاحبه‌ها و در گفتارها برای مردم بیان کردند — اما در آنجا هم موفق نشدند. در زمینه‌ی سیاسی در منطقه، قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی را یک بار دیگر تجربه کردند. در مسائل منطقه‌ای کار به جایی رسید که اعتراف و اقرار کردند که بدون حضور ایران و بدون رأی ایران، هیچ مشکل بزرگی در منطقه حل نخواهد شد.

در قضیه‌ی حمله‌ی رژیم صهیونیستی به غزه، حضور قدرتمند جمهوری اسلامی در پشت صحنه موجب شد که خودشان اعتراف کردند که در مقابل مبارزان فلسطینی شکست خوردند؛ گفتند — ما نگفتیم، آنها گفتند و اصرار کردند — که اگر چنانچه حضور جمهوری اسلامی نبود، قدرت‌نمایی جمهوری اسلامی نبود، مبارزان فلسطینی نمیتوانستند در مقابل اسرائیل مقاومت کنند، چه برسد به این که اسرائیل را به زانو در بیاورند؛ که در جنگ هشت روزه فلسطینی‌ها توانستند اسرائیل را به زانو در بیاورند، و این اولین بار در تاریخ تشکیل رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی بود.

گفتیم که تلاشهای اینها بی‌اثر نبود؛ بلکه، بی‌اثر نبود، اما در کنار اثر منفی، یک اثر مثبت بزرگی هم که مورد انتظار ما بود، اتفاق افتاد؛ یعنی تحریم موجب شد که نیروهای درونی و ظرفیت عظیم ملت ایران فعال شود، استعدادهایی بروز کند و کارهای عظیمی تحقق پیدا کند؛ که اگر تحریم نبود، این کارها اتفاق نمی‌افتاد. ما به برکت تحریم توانستیم به کارهای بزرگی دست بزنیم؛ جوانان ما توفیقاتی به دست بیاورند که اگر تحریم نبود، ما به این توفیقات یقیناً دست پیدا نمی‌کردیم. در زمینه‌ی کارهای زیربنایی — که بعد عرض خواهم کرد — در سال ۹۱ پیشرفتهائی صورت گرفت که در مقایسه‌ی با سالهای قبل هم، سال ۹۱ یک سال برجسته‌ای است. کارهای زیربنایی انبوهی صورت گرفت؛ در زمینه‌ی راه، در زمینه‌ی انرژی، در زمینه‌ی کشف منابع جدید نفت، در زمینه‌ی کشف منابع جدید اورانیوم، در زمینه‌ی ایجاد و توسعه‌ی نیروگاه و پالایشگاه و ده‌ها کار صنعتی بزرگ؛ که اینها همه زیرساختهای اقتصادی آینده‌ی کشور است. بلکه، ما اگر چنانچه این زیرساختها را از قبل فراهم کرده بودیم، تحریم دشمن همین مقدار اثر منفی را هم که کرد، نمی‌کرد. این کارها را ما انجام دادیم و توانستیم پایه‌ی پای دشمنی و تحریم دشمنان، در جهت مثبت جلو برویم. کارهای بزرگی انجام گرفت؛ یک قلم، پیشرفتهای بزرگ علمی در طول سال ۹۱ است. در زمینه‌ی علم و فناوری کارهایی شد که حقیقتاً چشم‌پُرکن و برای انسانی که معتقد به آینده‌ی کشور است، خرسندکننده و خوشحال‌کننده است. یعنی همین سالی که خواستند بر ملت ایران سخت بگیرند، جوانان عزیز ما، دانشمندان ما ماهواره‌ی ناهید را به فضا فرستادند؛ کاوشگر پیشگام را با موجود زنده به فضا فرستادند؛ جنگنده‌ی فوق پیشرفته ساخته شد. اهمیت هر کدام از اینها به قدری است که جا دارد یک ملت برای هر یک از اینها اظهار خوشحالی و خرسندی کند، برایش سرود بسازند، جشنواره درست کنند. کارها چون متراکم است، درست تبلیغ نمیشود و خبررسانی کاملی هم انجام نمی‌گیرد. وقتی که این موجود زنده به فضا فرستاده شد و سالم برگشت، آنقدر این قضیه برای دانشمندان دنیا و ناظران بین‌المللی تعجب‌آور بود که اول انکار کردند؛ ولی بعد که دیدند چاره‌ای نیست و حقایق و نشانه‌های درستی و واقعیت را مشاهده کردند، مجبور شدند که قبول کنند.

در حوزه‌ی سلامت و مهندسی پزشکی کارهای بزرگی انجام گرفت که مربوط به سلامت مردم است.

در زمینه‌ی زیست‌فناوری در منطقه اول شدیم. کارهای تخصصی برجسته‌ای در این زمینه انجام گرفت و اقلام متعدد دارویی بر این اساس تولید شد. این همان سالی است که بر ملت ایران سخت گرفتند، برای اینکه او را از زندگی و از همه‌ی فرآورده‌های استعداد بشری محروم کنند. در همین سال، در حوزه‌ی نانوفناوری — که یک انقلاب در زمینه‌ی فناوری و صنعت است — تبه‌ی اول را در منطقه پیدا کردیم. در همین سال، در چندین حوزه‌ی علمی مهم، مقام اول تولید علم در منطقه بودیم. در رکوردهای علم و تولید علمی، در انتشار مقالات علمی، در سرعت پیشرفت علمی، در سهم کشور در تولیدات علمی کل جهان، شاهد پیشرفت بودیم. در مسابقات علمی فناورانه‌ی دانشجویان، کشور نسبت به سال گذشته سی و یک درصد رشد داشت. در سال ۹۱، تعداد دانشجو به قدری افزایش پیدا کرد که بیست و پنج برابر اول انقلاب، ما امسال دانشجو داریم. بیست و پنج برابر اول انقلاب، دانشجویان در کشور مشغول تحصیل هستند. اینها پیشرفتهای عظیم ملت ایران است. در حوزه‌ی آب، در حوزه‌ی محیط زیست، در سلولهای بنیادی، در انرژی‌های نو، در گیاهان دارویی، در انرژی هسته‌ای، کشور توانست به پیشرفتهای بزرگی دست پیدا کند. اینها همه مربوط به آن سالی است که دشمنان ملت ایران همه‌ی تلاش خود را بسیج کردند تا ملت ایران را از کار بیندازند.

### 🔗 به زانو در نیامدن یک ملت زنده از تهدید و فشار و سختگیری دشمن، درس بزرگ حوادث سال ۹۱

حوادث سال ۹۱ درس بزرگی به ما میدهد؛ این درس این است که یک ملت زنده از تهدید و فشار و سختگیری دشمن هرگز به زانو در نخواهد آمد. برای ما و برای همه‌ی کسانی که مسائل ایران را دنبال میکنند، معلوم شد که آنچه برای یک ملت مهم است، تکیه به استعداد درونی خود، توکل به خدای بزرگ، اعتماد به خود و عدم تکیه‌ی به دشمنان است؛ این است که میتواند یک ملت را به جلو ببرد. سال ۹۱ برای ما یک میدان رزمایش بود، یک میدان تمرین بود. به کوری چشم دشمن، ما ملت ایران فلج که نشدیم، در این میدان رزمایش توانستیم از خودمان برجستگی‌هایی را هم نشان دهیم. البته ضعفهای خودمان را هم شناختیم؛ خاصیت رزمایش این است. در یک تمرین رزمی و در یک رزمایش، یک مجموعه‌ی رزمی، هم قوتهای خود را میشناسد، هم ضعفهای خود را میشناسد و آنها را برطرف میکند. ما ضعفهای خودمان را هم شناختیم. ضعف ما در اقتصاد، که به سختی معیشت گروه‌هایی از مردم منتهی شد، عبارت است از وابستگی به نفت — که عرض کردم این یکی از ضعفهای ما است — بی‌اعتنائی به سیاستهای کلان اقتصادی، و سیاستها و تصمیم‌گیری‌های پی‌درپی روزمره. مسئولین کشور — مسئولین امروز و بخصوص مسئولین آینده که بعد از انتخابات امسال بر سر کار خواهند آمد — به این نکته توجه کنند؛ کشور باید سیاست اقتصادی کلان روشن و مدون و برنامه‌ریزی شده داشته باشد؛ حوادث گوناگون نتواند تغییر و تبدیلی در آن ایجاد کند.



درس بزرگ دیگر ما این بود که بنیه‌ی کشور قوی است. وقتی بنیه قوی شد، تأثیرات خصمانه‌ی دشمنان به حداقل میرسد. اگر مسئولین که در این کشور بزرگ و با این بنیه قوی، مسئولیت را پذیرفتند، با تدبیر کار کنند، مدیران با هم باشند، با هم فعالیت کنند — توصیه‌ای که ما همیشه به مسئولین و مدیران کشور میکنیم — با حزم و تدبیر عمل کنند، آن وقت میتوانیم از هر تهدیدی یک فرصتی بسازیم؛ همچنان که در سال ۹۱ از تهدیدهای دشمن فرصت ساختیم و توانستیم به طرف جلو حرکت کنیم. آنچه که مسئولین کشور و ملت عزیز ما در سال ۹۱ انجام دادند، ان شاء الله باید آثار آن در زندگی مردم، در آینده و در سالهای بعد خود را نشان دهد و نشان خواهد داد.

پیشرفتهای ملت ایران

البته اقتصاد مسئله‌ی مهمی است که بنده در این چند سال پی‌درپی بر روی آن تکیه کرده‌ام، اما تنها مسئله هم مسئله‌ی اقتصاد نیست؛ امنیت کشور مهم است، سلامت مردم مهم است، پیشرفتهای علمی مهم است و اساس کار و زیربنای کار است — که اگر چنانچه در کشور علم پیشرفت کند، همه‌ی کارهای بعدی آسان خواهد شد — استقلال و عزت ملی برای کشور مهم است، زیردست نبودن یک ملت و ارباب نداشتن یک ملت مهم است، نفوذ و اقتدار منطقه‌ای یک ملت و یک کشور پشتوانه‌ی استقلال و امنیت کشور است و مهم است. در همه‌ی این موارد، ما پیشرفت داشتیم؛ هم در زمینه‌ی امنیت، هم در زمینه‌ی سلامت، هم در زمینه‌ی نفوذ بین‌المللی، هم در زمینه‌ی تسلط بر حوادث گوناگونی که بر کشور و بر منطقه جاری است.

### 🏠 وابسته نبودن به آمریکا و قدرتهای بزرگ، موجب پیشرفت است

ملت ما با پیشرفتهای ثابت کرد که در سایه‌ی آمریکا زندگی نکردن، به معنای عقب‌افتادگی نیست؛ این نکته‌ی مهمی است. قدرتمندان عالم، استعمارگران — در روزی که استعمار مستقیم بود — امروز آمریکا، میخواهند به ملتهای دنیا اثبات کنند که اگر میخواهید زندگی خوب داشته باشید و پیشرفت کنید، باید زیر سایه‌ی ما بیایید. ملت ایران اثبات کرد که این حرف دروغ است. ملت ما ثابت کرد که وابسته نبودن به آمریکا و قدرتهای بزرگ نه فقط موجب عقب‌افتادگی نیست، بلکه موجب پیشرفت است؛ دلیل واضح این است که شما این سی سال جمهوری اسلامی را مقایسه کنید با سی سال بعضی از کشورهایی که در سایه‌ی آمریکا زندگی کردند، دل خودشان را به سالی دو سه میلیارد دلار کمک آمریکا خوش کردند و تسلیم آمریکا شدند؛ ببینید آنها کجا آمدند، ما کجائیم؟ هستند کشورهایی که خودشان را به دم آمریکا بستند و دنباله‌رو آمریکا آیند. سی سال تجربه در مقابل ما است. ببینید سی سال جمهوری اسلامی چگونه گذشته است و جمهوری اسلامی و ملت ایران از کجا به کجا رسیده است، آنها در چه وضعی هستند. هر کس این را مطالعه

کند، خواهد فهمید که وابسته نبودن به قدرتهای بزرگ، برای یک ملت فرصت است، نه تهدید؛ و این فرصت را بحمدالله ملت ایران با قدرت خود، با شجاعت خود، با هوشمندی خود به دست آورده است.

### 🌟 حفظ استحکام کشور، یکی از اقتضات اقتصاد مقاومتی

دو موضوع لازم را در اینجا باید عرض کنم، که اینها مربوط به آینده است: یک مسئله این است که ما در برنامه‌ریزی‌ها همیشه باید جلوتر از دشمن حرکت کنیم. در مقابل فعالیت دشمن، کشور نباید در حال انفعال به سر ببرد. هوشمندان باید نقشه‌ی دشمن را حدس زد و تشخیص داد و جلوتر از دشمن عمل کرد. ما در یک مواردی اینجوری عمل کردیم، موفقیتش را دیدیم؛ یک نمونه، همین مسئله‌ی تأمین سوخت بیست درصد مورد نیاز نیروگاه تحقیقاتی تهران است که رادیو‌داروهای مهم مورد نیاز کشور در آنجا تولید میشود. این نیروگاه کوچک احتیاج داشت به سوخت بیست درصد، که ما بیست درصد را تولید نمی‌کردیم و همیشه این را از خارج تهیه می‌کردیم. دشمنان ما فکر کردند که از این فرصت استفاده کنند، این نیاز ملی را گرو بگیرند، برای اینکه جمهوری اسلامی را وادار کنند به قبول تحمیلها و تحکیمهای خودشان؛ خواسته‌های خودشان را به این وسیله تحمیل کنند. جوانان ما، دانشمندان ما، قبل از آنکه کار به نقطه‌ی فشار و حساس برسد، توانستند سوخت غنی شده‌ی بیست درصد را تهیه کنند و آن سوخت را تبدیل کنند به صفحه‌ی مورد نیازی که در آن نیروگاه لازم بود تهیه شود. مخالفین ما حدس هم نمی‌زدند که ما بتوانیم این کار را انجام دهیم؛ اما مسئولین کشور بوقت متوجه این نیاز شدند، دست به کار شدند؛ استعداد ایرانی شکوفا شد، بروز کرد و این کار را با موفقیت انجام دادیم. آنها در حالی که انتظار داشتند جمهوری اسلامی ملتسمانه از آنها سوخت بیست درصد را درخواست کند، جمهوری اسلامی اعلام کرد که ما سوخت بیست درصد را در داخل تهیه کردیم و احتیاجی به شما نداریم. اگر دانشمندان ما، مردان علمی ما، جوانان ما این کار را نمی‌کردند، ما امروز باید با اصرار، با التماس، با هزینه‌ی زیاد، در مقابل کسانی که دوست ما نیستند، میرفتیم؛ یا سوخت بیست درصد را درخواست می‌کردیم، یا رادیو‌داروها و محصول را درخواست می‌کردیم. مسئولین کشور پیش‌بینی کردند، بوقت فهمیدند؛ آنچه را که باید انجام دهند، انجام دادند؛ لذا پیروز شدیم. این باید یک برنامه‌ای باشد برای همه‌ی مسائل اساسی کشور و همه‌ی نیازهای کشور.

دولتها، صنعتگران، کشاورزان، سرمایه‌داران و کارآفرینان، پژوهشگران علمی، طراحان علمی و صنعتی همه موظفند به این وظیفه‌ی اخلاقی بزرگ، به این وظیفه‌ی عاقلانه، که پیش از نیاز، خودشان را آماده کنند و یک قدم جلوتر از نقشه‌ی دشمن حرکت کنند. مدیران اقتصادی، استادان دانشگاه، انجمنهای علمی، پارکهای علمی و فناوری، همه‌ی اینها باید پیش‌دستی را در کار علمی وجهه‌ی



همت خودشان قرار دهند؛ مقاله‌ی علمی مینویسند، در این جهت باشد؛ پژوهش علمی میکنند، در این جهت باشد؛ کار صنعتی میکنند، کار فنی میکنند، کار علمی میکنند، همه در این جهت باشد؛ مدیران دولتی، مدیران دانشگاه‌ها، مدیران علمی، آحاد ملت در این جهت حرکت کنند. وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.

## جهاد اقتصادی خنثی کننده فشارهای اقتصادی دشمن

تکریم روز کارگر

مجموعه‌ی کارگری کشور، ستون فقرات کشور

اهمیت طبقه کارگر

لزوم حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی به صورت

جدی و محوری

حوادث کنونی اروپا و آمریکا، بزرگترین دلیل

بر غلط بودن اقتصاد به اصطلاح لیبرال

نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار اسلام

به مسئله اقتصاد

لزوم توجه به زندگی و معیشت طبقات ضعیف

در همه برنامه ریزی‌ها

لزوم مایوس ساختن دشمن توسط ملت ایران و

مسئولان کشور

حماسه‌ی سیاسی یعنی حضور آگاهانه‌ی مردم

در صحنه‌ی سیاست کشور و مدیریت کشور

و...

## جهاد اقتصادی خنثی کننده فشارهای اقتصادی دشمن\*

### تکریم روز کارگر

خوشامد عرض میکنم به شما برادران و خواهران عزیز، نیروهای ارزشمند شکوفائی و پیشرفت کشور؛ چهره‌های نجیب و متعهدی که یکی از دشوارترین بخشهای اداره‌ی کشور و پیشرفت کشور را برعهده گرفته‌اید و در راه سعادت این ملت، بار سنگین کار را بر دوش خودتان دارید حمل میکنید. خداوند قدرتان زحمات شما و تلاشهای شما باشد و ان شاء الله همه‌تان مشمول اجر و ثواب الهی باشید.

در مناسبت روز کارگر، معمول است که صاحبان قلم و بیان و گویندگان و نویسندگان به مناقب قشر کارگر میپردازند؛ که البته بجا است. با قطع نظر از اینکه گفتن و نوشتن چقدر در بالا بردن و ارتقاء بخشیدن به رتبه‌ی کارگر دارای ارزش و اهمیت است، منقبت اصلی و محوری برای نیروی کار در یک جامعه این است که کارگر با تن خود، با جان خود، با مغز خود، حرکت پیشرفت کشور و آسایش مردم را تأمین میکند. درست است که عوامل دیگری هم در این عرصه مؤثرند - مانند نیروی سرمایه، نیروی مدیریت - و در جای خود باید قدر آنها هم دانسته شود، ولی کارگر این کار را با جسم و جان خود انجام میدهد؛ این یک ارزش مضاعف است.

### مجموعه‌ی کارگری کشور، ستون فقرات کشور

اگر در یک کشوری نیروی انسانی کار نباشد، یا ضعیف باشد، یا غیر ماهر باشد، یا فکر او و ذهن

او دستخوش جریانات سیاسی گوناگون باشد، آن کشور فلج خواهد شد. شما مجموعه‌ی کارگری کشور ستون فقراتید، و به طور عمده شما هستید که از فلج شدن کشور جلوگیری میکنید؛ این باید دانسته شود، این را باید همه‌ی مردم بفهمند و بدانند. هم در عرصه‌ی فرهنگ‌سازی باید مردم به ارزش کار پی ببرند؛ هم در عرصه‌ی عملی، قانونگذاران و مجریان باید به طور دائم این عناصر را مورد توجه قرار دهند. اگر قشر کارگر در یک کشوری برخوردار از رفاه بود، برخوردار از امید بود، برخوردار از امنیت شغلی بود، حرکت این کشور به سوی پیشرفت، آسان خواهد شد؛ این یک حقیقتی است؛ این را باید همه‌ی ما درک کنیم.

### اهمیت طبقه کارگر

بنده اعتقاد دارم که در کشور ما اهمیت طبقه‌ی کارگر حتی از این هم بالاتر است. آنچه گفته شد، مربوط به همه جا است، مربوط به همه‌ی کشورها است؛ اما در اینجا یک چیز مضاعفی هم وجود دارد و آن این است که کارگران علاوه بر انجام دادن وظائف شغلی، وظائف انقلابی و کشوری را هم خوب انجام دادند. هم در آغاز انقلاب و پیروزی انقلاب، حرکت عظیم کارگران یکی از کلیدهای فتح بود - کارگران شرکت نفت و غیره و غیره - هم در دوران جنگ تحمیلی. در جبهه، به هر طرف انسان نگاه میکرد، جوانان کارگر، میانسالان کارگر، خلأها را پر کرده بودند. در جریانات گوناگون سیاسی هم، کارگرها اسیر اغوای کسانی نشدند که میخواستند مجموعه‌ی کارگری را در مقابل انقلاب و در مقابل نظام اسلامی قرار دهند. اینها چیز کمی نیست. البته خیلی‌ها این حقایق را نمیدانند؛ ما از نزدیک لمس کردیم.

من در همان روزهای پیروزی انقلاب، در یک مجموعه‌ی کارگری در قسمت غرب تهران، خودم شخصاً حضور پیدا کردم؛ دیدم دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب چه کار دارند میکنند؛ چه طرهائی، چه برنامه‌هائی، چه نقشه‌هائی دارند؛ برای اینکه در همین آغاز کار، در همین ابتدای سرزدن اولین پرتوهای انقلاب بتوانند به وسیله‌ی قشر کارگر، نفوذ سیاسی وابسته‌ی خودشان به برخی از قدرتها را تحکیم کنند. این را من از نزدیک دیدم. و در مقابل دیدم که طبقه‌ی کارگر مؤمن ما، به برکت ایمان، به برکت اعتماد به امام بزرگوار و به روحانیت، با چه صراحتی، با چه شجاعتی در مقابل آنها ایستاد؛ و این در طول سالهای متمادی تکرار شد. امروز سی و چهار سال از آن روزها میگذرد. خیلی‌ها خواستند، تلاش کردند، پول خرج کردند، برای اینکه بتوانند طبقه‌ی کارگر را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند؛ اما طبقه‌ی کارگر ایستاد؛ این خیلی مهم است. اینها ارزش مجموعه‌ی کارگری ما را، ارزش انسانی‌شان را، ارزش انقلابی‌شان را، ارزش تمدنی‌شان را برای ما روشن میکند؛ اینها باید فرهنگ شود؛ این را باید همه بدانند، همه بفهمند؛ و شما کارگرها باید افتخار کنید.

### 🏠 لزوم حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی به صورت جدی و محوری

خب، ما سال گذشته گفتیم حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. این قضیه که در یک سال تمام نمیشود. حالا دوستان و مسئولان گزارشهایی میدهند که این کارها انجام گرفته است؛ خیلی خوب، خداوند به هر کاری که با نیت صحیح انجام میگیرد، برکت بدهد؛ ولی باید کار به صورت جدی و محوری دنبال شود؛ این به عهده‌ی همه‌ی مردم است. این فرهنگ‌سازی که عرض کردیم، یک بخش مهمش اینجا است.

ما گفتیم: تولید داخلی؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. این معنایش این است که زرق و برق نامهای فرنگی چشمها را به خودش جلب نکند. همه بدانند که این محصولی که دارند میخرند، میتواند یک کارگر ایرانی را بر خوردار کند؛ میتواند او را محروم کند، یک کارگر خارجی را بر خوردار کند. البته ما همه‌ی بشریت را دوست داریم، اما خب کارگر ایرانی دارد برای سر بلندی این کشور تلاش میکند؛ جزو مغتنم و عزیز پیکره‌ی این ملت است؛ او را باید تأیید کرد، او را باید تقویت کرد. بعضی‌ها این را نمیفهمند و درک نمیکنند، یا برایشان نشانه‌ی تولید ایرانی و تولید خارجی فرق نمیکند؛ یا حتی بعکس، به جای اینکه دنبال نشانه‌ی تولید ایرانی بگردند، دنبال نشانه‌های تولید خارجی میگردند؛ این انحراف است، این خطا است. همه‌ی مردم مخاطب این بیانند.

من تأکید میکنم، اصرار میکنم، از همه‌ی ملت ایران درخواست میکنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این کار کوچکی نیست، این کار کم‌اهمیتی نیست؛ این یک کار بزرگ است. البته دستگاه‌های حکومتی و دولتی - دولتی به معنای عام - در این جهت وظیفه‌ی مضاعف دارند. فلان وزارتخانه، فلان سازمان، فلان اداره وقتی میخواهد جنس داخلی خودش را تأمین کند، مطلقاً باید از جنس خارجی استفاده نکند؛ برون‌سراغ تولیدات داخلی. البته از این طرف هم از تولیدکننده‌ی داخلی - چه آن مدیر، چه آن کارگر، چه آن سرمایه‌گذار - خواسته میشود و اصرار میشود که کار را تمیز، درست و کامل ارائه دهند. هر دوی اینها اشاره‌ی اسلام و دستور دین مقدس ما است. استحکام کار را خدا از ما خواسته است، احترام به کارگر را هم خدا از ما خواسته است؛ امنیت زندگی و شغلی کارگر را خدا از ما خواسته است، امنیت سرمایه را هم خدا از ما خواسته است.

### 🏠 حوادث کنونی اروپا و آمریکا، بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد به اصطلاح لیبرال

اینها وقتی در کنار هم مورد ملاحظه قرار بگیرند، این افراط و تفریطهایی که با نامهای گوناگون به وجود آمد، چه در منطقه‌ی فعالیت اقتصاد لیبرال و به قول خودشان آزاد - آزاد یعنی آزاد برای سرمایه‌دار، اما زندان و حبس و فشار برای طبقه‌ی مظلوم و فقیر؛ که امروز شما دارید در اروپا و اکنشه‌ها و باز خورده‌هایش را ملاحظه میکنید - و چه در عرصه‌ی سوسیالیسم، به وجود نمی‌آید.

بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد به اصطلاح لیبرال همین حوادثی است که امروز در اروپا و به شکل دیگری در آمریکا وجود دارد. در میدان عمل و در عرصه تجربه، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد که غلط است، ناکام است؛ حتی به سود خود آن طبقاتی که این اقتصاد برای حمایت از آنها به وجود آمد، نیست. حالا طبقه‌ی کارگر که سالهای متمادی در آنجاها لگدمال میشد، اما حتی به سود خود سرمایه‌دار و بانکدار و صاحبان کارتلها و تراستها هم نیست؛ و این هنوز اول کار است، بعد از این بدتر هم خواهد شد. هی وعده میدهند که درستش میکنیم؛ نخواهند توانست درست کنند. این راه، راه سراسیمه لغزان است؛ دارند میروند پائین، و این یک بخشی از تزلزل تمدن مادی و غلط غرب است؛ بخش اخلاقی و اعتقادی و نظری و فکری‌شان هم که جدا است. اینها برای ما تجربه است. آن بخش عرصه‌ی سوسیالیسم و اینها هم که خوب، سالها پیش ناتوانی و ناکامی‌اش ظاهر شد.

### 🌸 نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار اسلام به مسئله اقتصاد

اسلام نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار به همه‌ی عرصه‌ها دارد، از جمله به این عرصه؛ هم رعایت این طرف، هم رعایت آن طرف؛ برادری اینها با همدیگر، نه تضاد آنها؛ و همه متوجه به تکلیف الهی و به این که خدای متعال ناظر و حاضر است. اینها باید بشود فرهنگ زندگی ما، و همین جور عمل کنیم.

### 🌸 لزوم توجه به زندگی و معیشت طبقات ضعیف در همه برنامه‌ریزی‌ها

ما عرض کردیم «حماسه‌ی سیاسی» و «حماسه‌ی اقتصادی». حماسه‌ی اقتصادی فقط دست دولت نیست؛ البته برنامه‌ریزی‌های دولت مؤثر است. حماسه یعنی واقعه‌ی جهادگونه و پرشور؛ این را باید ملت ایران و مسئولان کشور مورد نظر قرار دهند؛ ضعفها را، خلأها را پُر کنند؛ اول بشناسند. در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها باید زندگی و معیشت طبقات ضعیف مورد توجه قرار گیرد؛ بعد برای آنها برنامه‌ریزی کنند. این میشود حماسه. آحاد مردم، چه در مصرفشان، چه در تولیدشان؛ بخشهای مولد یک جور، بخشهای مصرف‌کننده یک جور، بخشهای خدمات یک جور؛ بدانند که برای پیشرفت کشور حرکت جهش‌گونه لازم است، خلق حماسه لازم است؛ آن وقت کشور پیش خواهد رفت، استقرار پیدا خواهد شد. حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، دو توأمانند؛ هر کدامی دیگری را تقویت میکند و حفظ میکند و نگه میدارد.

### 🌸 لزوم مایوس ساختن دشمن توسط ملت ایران و مسئولان کشور

ما که اول سال عرض کردیم حماسه‌ی سیاسی و اقتصادی، فهمیدیم چه داریم میگوئیم؛ دشمن هم فهمید که ما چه داریم میگوئیم. دشمن با تحریم و با فشار اقتصادی گوناگون سعی کرد مردم

را از میدان خارج کند. میگویند که ما با مردم دشمن نیستیم. دروغ میگویند؛ راحت، با وقاحت! بیشترین فشار برای این است که مردم ناراحت شوند، مردم در تنگنا قرار بگیرند، مردم زیر فشار قرار بگیرند، شاید بتوانند به این وسیله بین مردم و نظام اسلامی فاصله ایجاد کنند. هدف، فشار بر مردم است. اگر چنانچه این حرکت عظیم اقتصادی، این جهش اقتصادی، این برنامه ریزی درست، چه در بخش قانونگذاری، چه در بخش اجرا، در سطوح مختلف، مورد توجه قرار بگیرد، همه‌ی این فشارها خنثی خواهد شد. ملت ایران و مسئولان کشور باید با عزم راسخ، دشمن را مأیوس کنند.

### 🔗 حماسه‌ی سیاسی یعنی حضور آگاهانه‌ی مردم در صحنه‌ی سیاست کشور و مدیریت کشور

حماسه‌ی سیاسی هم همین جور است. حماسه‌ی سیاسی یعنی حضور آگاهانه‌ی مردم در صحنه‌ی سیاست کشور و مدیریت کشور؛ نمونه‌ی بارزش همین حادثه‌ی انتخابات است که اندکی بعد ان شاء الله به توفیق الهی، در وقت مقرر، با حضور و شرکت شوق آفرین مردم انجام خواهد گرفت. آنها چون فهمیدند هدف حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی چیست، از همین حالا به خیال خودشان شروع کرده‌اند به تخریب کردن. امروز انواع و اقسام تبلیغات وجود دارد برای اینکه در عرصه‌ی اقتصادی، مردم را دچار یأس و نومیدی کنند؛ در عرصه‌ی سیاسی، انگیزه‌ی مردم را از حضور در میدان سیاست و بالخصوص در میدان انتخابات کاهش دهند. آنها ملت ایران را نشناخته‌اند. این حرکت عظیم ملت ایران در عرصه‌های مختلف، نتوانسته غفلت و بی‌اطلاعی طراحان و سیاستگذاران پشت پرده‌ی استکبار را به خود بیاورد و متوجه کند؛ نمیدانند با کی طرفند. در طول این سی و چند سال، این ملت، با این همه معارضة، با این همه دشمنی، ایستاد. مسئولین اگر یک جا از خودشان ایستادگی نشان دادند، به پشتوانه‌ی مردم بود، به پشتیبانی مردم بود. آفرین اول مال مردم است، تحسین بزرگ متعلق به مردم است؛ اینها بودند که به مسئولین دل دادند، پشتگرمی دادند تا بتوانند در مقابل زورگوئی‌ها و فشارها و افزون‌طلبی‌های دشمنان و مستکبران بایستند؛ آنجائی که ایستادند. امروز هم همین جور است، در آینده هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود.

### 🔗 عرصه‌ی انتخابات، عرصه‌ی ظهور قدرت ملی در یک کشور

مسئله‌ی انتخابات، مسئله‌ی مهمی است. عرصه‌ی انتخابات، عرصه‌ی ظهور قدرت ملی در یک کشور است. ملتی که زنده است، بانشاط است، متکی به اراده‌ی الهی است، مطمئن به پشتیبانی الهی است، این ملت در همه‌ی عرصه‌ها پیروز خواهد شد؛ در این عرصه هم همین جور است. ما عرض کردیم سلائق مختلف و هر کسی که احساس میکند توانائی دارد، بیاید وسط میدان؛

توده‌ی مردم و جمعیت عظیم ده‌ها میلیونی ملت هم‌ان‌شاءالله وارد میدان خواهند شد؛ اما در محاسبه، آن کسانی که داوطلب میشوند، اشتباه نکنند؛ بدانند مدیریت اجرایی کشور یعنی چه. نه در ارزیابی نیازی که کشور به یک قدرت اجرایی دارد، اشتباه کنند، نه در ارزیابی توان خودشان اشتباه کنند. اگر چنانچه ارزیابی درستی انجام دادند، بیایند توی میدان؛ ملت هم نگاه میکند، انتخاب میکند.

### 🌸 سازوکار انتخابات در کشور ما، سازوکاری مستحکم است

سازوکار انتخابات در کشور ما، سازوکار مستحکمی است. اینکه گوشه و کنار بعضی‌ها اعتراض‌هایی میکنند، واقعاً غیر منطقی است؛ واقعاً بیجا است. حضور شورای نگهبان در قانون اساسی - که امام هم مکرر روی آن تأکید میکردند - حقیقتاً یک حضور مبارکی است. تشخیص شورای نگهبان، تشخیص یک عده انسانهای عادل، بی‌طرف و بصیر نسبت به صلاحیتها است؛ این یک چیز مبارکی برای ما و برای همه‌ی آحاد ملت است. بعد در بین این کسانی که تشخیص داده شد صالحند، مردم میگردند، تحقیق میکنند، از افراد میپرسند، از آدمهای مورد اعتماد سؤال میکنند، به سوابق نگاه میکنند، به شعارها نگاه میکنند، به حرفها و گفته‌ها نگاه میکنند، سپس تصمیم‌گیری میکنند.

### 🌸 شرایط نامزد اصلاح

نامزد انتخابات اولاً باید به خدا و به این انقلاب و به قانون اساسی و به این مردم ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ ثانیاً دارای روحیه‌ی مقاوم باشد. این ملت اهداف بلندی دارد، کارهای بزرگی دارد، تسلیم نیست، کسی نمیتواند با این ملت با زبان زور حرف بزند. کسانی که در رأس قوه‌ی اجرایی قرار میگیرند، باید کسانی باشند که در مقابل فشارهای دشمنان مقاوم باشند؛ زود نترسند، زود از میدان خارج نشوند؛ این یکی از شرطهای لازم است. ثالثاً انسانهای با تدبیری باشند، با حکمت باشند. ما در سیاست خارجی گفتیم «عزت و حکمت و مصلحت»؛ در اداره‌ی کشور هم همین جور است، در مسائل داخلی هم همین جور است، در اقتصاد هم همین جور است؛ باید با برنامه، با حکمت، با تدبیر، با نگاه بلندمدت و همه‌جانبه، با یک هندسه‌ی صحیح کارها را مشاهده کنند، نگاه کنند، وارد میدان شوند.

### 🌸 مضر بودن روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی

روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاستهای اقتصادی به طور دائم، مضر است - در همه‌ی بخشها، بخصوص در اقتصاد - تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛



اعتماد کردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه‌ی دنیا، آن گوشه‌ی دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است. رئیس جمهوری که می‌خواهد این کشور بزرگ را اداره کند، این راه پرافتخار را به کمک مردم و برای مردم طی کند، باید اینچنین خصوصیتی داشته باشد. رابعاً باید تهذیب اخلاقی داشته باشد؛ نپرداختن به حواشی. اینها چیزهای لازمی است. بنده توصیه‌ام به همه‌ی دولت‌ها همیشه همین بوده است. میدانید من از دولت‌ها و از رؤسای جمهور در طول این سالهای متمادی همواره حمایت کردم؛ توصیه هم کردم، در موارد متعدد و زیادی از آنها توضیح هم خواستم. تکیه این بوده است که برای مردم هزینه درست نکنند، مشکل درست نکنند، دغدغه‌آفرینی نکنند، مردم را دچار تشویش و نگرانی نکنند؛ البته وعده‌ی بیخود و بی‌مبنا هم ندهند، در باغ سبزه‌های بی‌منطق هم باز نکنند؛ منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل به خدای متعال حرکت را پیش ببرند؛ ان شاء الله در آینده هم باید همین جور باشد.

آنچه که ما از تجربه‌ی سالهای طولانی انقلاب فهمیدیم، این است که خدای متعال با فضل خود، با هدایت خود، این ملت را بر همه‌ی دشمنانش غالب خواهد کرد؛ دشمنان، خودشان تصدیق خواهند کرد - همچنان که امروز دارند تصدیق میکنند - و هر کسی که با این ملت، با این حرکت عظیمی که کرده است، با این انگیزه‌ی ایمانی عمیقی که در این ملت هست، در بیفتد، قطعاً بر خواهد افتاد.





یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب – چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها – روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹